تفسیر قرآن مهر

نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ویژه جوانان



جلد ۱۳

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳- مشخصات ظاهری : ج. شابک : ۴۲۰۰۰ ریال ج ۱۳ یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم ۱۳۸۸. یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج.۱۳ : سوره‌های طه و انبیاء و حج. عنوان روی جلد : تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیهٔاللَّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حجج‌اسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیهٔاللَّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷ بسم اللَّه الرحمن الرحیم وصلی اللَّه علی محمد و آله الطاهرین» وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کنند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸ انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۱» قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۲» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۳» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹ نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیهٔ اللَّه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی، نصرت اللَّه نیکزاد و محمد جواد شریفی و خانم انصاری تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۰ که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی، اکبر جعفری و یداللَّه رضانژاد سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۲۱/ ۶/ ۱۳۸۷ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۱

بخش اول: سوره‌ی طه

اشاره

خداباوری و صفات جمال و جلال او معاد باوری و ویژگی‌های رستاخیز تسهیل وظایف رهبران الهی سرگذشت برخی پیامبران پیامد غفلت از یاد خدا تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۳

اول: سیمای سوره‌ی طه

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ به نام خـدای گسترده‌مهر مهرورز شـمارگان: سوره‌ی طه دارای ۱۳۵ آیه، ۱۳۴۱ کلمه و ۵۲۴۲ حرف است. نزول: این سوره در مکه بر پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله نازل شـده «۱» و چهـل و چهارمین سوره در ترتیب نزول است (بعـد از سوره‌ی مریم و قبل از سوره‌ی واقعه) و برخی حدس می‌زنند که بین سال‌های هفتم تا یازدهم بعثت (قبل از هجرت) نازل شده باشـد «۲» و در ترتیب فعلی قرآن، بیسـتمین سوره به شـمار می‌رود. نام‌هـا: نام‌هـای این سوره عبارت‌انـد از: «طه»، «حکیم» و «کَلیم». سـبب نام‌گذاری این سوره به «طه» اولین آیه‌ی آن است که واژه‌ی «طه» در آن وجود دارد و خطاب آن به پیامبر صلی الله علیه و آله است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۴

فضایل

در مورد فضـیلت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی طه را بخواند، در روز رستاخیز ثواب مهاجران و انصار نصیبش می‌شود. «۱» این نکته روشن شـد که این پاداش‌هـا مخصوص کسانی است که در آیات این سوره تفکر و بدان عمل کنند و شـرایط لازم را در خود به وجود بیاورند. ویژگی‌ها: سوره‌ی طه یکی از سوره‌هایی است که به تفصـیل به داسـتان برخورد موسی علیه السلام با فرعونیان پرداخته و آن را در حدود ۹۰ آیه بیان کرده است.

اهداف

هدف‌های اساسـی این سوره عبارت است از: ۱. توجه به خدا؛ ۲. توجه به معاد؛ ۳. تسـهیل کار نبوت بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و بیان وظایف آن حضرت.

مطالب

الف) عقاید: ۱. بیان برخی صفات جمال و جلال پروردگار؛ ۲. بیان برخی ویژگی‌های رستاخیز. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۵ ب) احکام: ۱. به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که خانواده‌ات را به نماز امر کن (در آیه‌ی ۱۳۲). ج) داستان‌ها: ۱. داسـتان موسـی علیه السـلام و مبارزه‌ی او با فرعون و جادوگران و نجات پیروان موسـی و غرق شـدن فرعون و یارانش (در آیات ۹۶- ۹۹)؛ ۲. اشـاره‌ای به داسـتان سـامری و گوساله‌پرستی بنی اسـرائیل (در آیات ۸۷- ۹۷)؛ ۳. سـرگذشت آدم و حـوا در بهشت و وسوسه‌هـای ابلیس و هبوط آنان به زمین (در آیات ۱۱۵- ۱۲۳). د) مطالب فرعی: ۱. بیان عظمت قرآن کریم (در آیات ۳ و ۱۱۳)؛ ۲. طرح مسـئله‌ی شفاعت (در آیه‌ی ۱۰۹)؛ ۳. بیان این حقیقت که هر کس از یاد خـدا غافل شود زندگی سـختی خواهد داشت (در آیه‌ی ۱۲۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷

دوم: محتوای سوره‌ی طه

اشاره

اولیـن آیـه‌ی سـوره‌ی «طه» حروف مقطعه است که می‌فرمایـد: ۱. طه طـا، هـا. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. همـان طور که ذیـل آیات اول سوره‌ی بقره و آل عمران بیـان کردیم، حروف مقطعه‌ی قرآن یـا رمزی بین خـدا و پیـامبر صـلی الله علیه و آله است و یا اشاره به آن است که قرآن از همین حروف معمولی سـاخته شـده است و در عین حـال معجزه‌ای است که کسـی نمی‌توانـد مثل آن را بیاورد. ۲.

برخی مفسران برآن‌اند که واژه‌ی «طه» در ادبیات عرب به معنای «ای مرد» بوده است که در این جا خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. «۱» ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که «طه» از نام‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و معنای آن این است که: «ای طالب حق و هدایت کننده به سوی آن!» «۲» و شاید از همین روست که واژه‌ی «طه» به صورت اسم خاص پیامبر صلی الله علیه و آله در آمده است، تا جایی که خاندان آن حضرت را «آل طه» می‌نامند و از حضرت مهدی «عج» با عنوان «ای پسر طه» یاد می‌شود. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به قرآن توجه کنید که چگونه این معجزه‌ی الهی از همین حروف معمولی ساخته شده است. ***

دلسوزی و زحمت فراوان پیامبر (ص)

خدای متعال در آیات دوم و سوم سوره‌ی طه با اشاره به هدف نزول قرآن، به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش می‌کند که خود را به زحمت نیفکند و می‌فرماید: ۲ و ۳. مَآ أَنزَلْنَا عَلَیْکَ الْقُرْءَانَ لِتَشْقَی إِلَّا تَذْکِرَةً لِّمَن یَخْشَی قرآن را بر تو فرو نفرستادیم تا به زحمت (و دشواری) افتی.* جز به خاطر این که برای کسی که (از مجازات) می‌هراسد، یاد آوری باشد. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از نزول قرآن بر ایشان، بسیار عبادت می‌کردند، به طوری که پاهای ایشان از ایستادن متورم گردید؛ این آیات فرود آمد و به ایشان سفارش کرد که خود را زیاد به رنج و زحمت نینداز. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش شده است که خود را به زحمت نیفکند؛ زیرا نیایش با پروردگار نیکوست، اما لازم نیست انسان خود را به زحمت و رنج بیندازد تا آن جا که پاهایش متورم گردد و نیرویی برای کارهای دیگر و تبلیغ برایش باقی نماند. ۲. هر چند شأن نزول این آیات در مورد به زحمت افتادن پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹ هنگام عبادت است، ولی مانعی ندارد که مطلب آیه شامل موارد دیگر هم بشود؛ یعنی ما قرآن را نفرستادیم تا تو در زندگی اجتماعی و تبلیغ مردم خودت را به زحمت بیندازی، بلکه وظیفه‌ی تو یادآوری مطالب و رساندن آیات به گوش مردم است و اگر لجاجت کردند خودت را به زحمت نینداز. ۳. قرآن برای یادآوری به مردم است؛ یعنی مایه‌ی اصلی تعلیمات الهی در درون جان وفطرت انسان وجود دارد، و فقط یاد آوری لازم دارد. ۴. اگر کسی احساس مسئولیت نکند و از مقام و عذاب الهی نترسد، حقایق و آیات الهی را نمی‌پذیرد؛ یعنی قابلیت قابل برای تأثیرپذیری شرط است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن برای یادآوری کسانی است که از (عذاب الهی) می‌ترسند و زمینه‌ی پذیرش حق را در خود به وجود آورده‌اند. ۲. رهبران دینی لازم نیست خود را به رنج و زحمت بیندازند (بلکه رساندن پیام و یادآوری به مردم کافی است). *** قرآن کریم در آیات چهارم تا هشتم سوره‌ی طه به صفات و نام‌های نیک خدای نازل کننده‌ی قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴-۸. تَنزِیلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّموتِ الْعُلَی الرَّحْمنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوَی لَهُ مَا فِی السَّموتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَی وَإِن تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ یَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَی اللَّهُ لَآإِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَآءُ الْحُسْنَی (قرآن) از سوی کسی فرود آمده، که زمین و آسمان‌های بلند را آفریده است.* (خدای رحمان) گسترده‌مهر بر تخت (جهانداری و تدبیر هستی) تسلط یافت.* آنچه در آسمان‌ها، و آنچه در زمین، و آنچه میان آن دو، تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۰ و آنچه در زیر خاک است، فقط از آنِ اوست.* و اگر بلند سخن گویی (یا مخفی کنی)، پس در حقیقت او راز و پنهان‌تر (از آن) را می‌داند.* خداست که هیچ معبودی جز او نیست؛ نام‌های نیکو فقط از آنِ اوست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به پنج صفت و ویژگی نازل کننده‌ی قرآن اشاره شده است: الف) خالق هستی؛ ب) حاکم و مسلط به تدبیر جهان؛ ج) مالک همه‌ی جهان؛ د) آگاه به اسرار مخفی؛ ه) یکتایی که همه‌ی نام‌های نیکو از آن اوست. آری؛ اگر نازل کننده‌ی قرآن این صفات را دارد، پس کتاب او با توجه به اسرار هستی و نیازهای خلقت و لوازم تدبیر جهان و بر اساس توحید نگارش یافته و از این روست که بهترین و کامل‌ترین برنامه‌ی زندگی است. ۲. «عَرْش» در اصل به معنای چیزی است که دارای سقف باشد و گاهی به خود سقف یا

تخت‌های پایه بلنـد، همانند تخت سـلاطین، گفته می‌شود. البته روشن است که خدا جسم نیست و تخت جسـمانی ندارد و این تعبیر کنایه از مجموعه‌ی هستی است که خـدا بر آن مسـلط است و تـدبیر و فرمانش در سراسـر آن نافـذ است. «۱» ۳. در این آیات اشاره شـده که خـدا به اسـرار جهـان و مخفی‌تر از آن آگـاه است. برخی مفسـران قرآن برآن‌انـد که مقصـود از مخفی‌تر از اسـرار، همـان اسـراری است که انسان در دل نگه می‌دارد و یا اسـراری است که به فکر کسـی نرسـیده و یا نیّتی که انسان در دل دارد و یا اسراری که در ذات پاک خـداست. البته مانعی نـدارد که همه‌ی این موارد مقصود آیه باشد. تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۳۱ ۴. در حدیثی از امام باقر و صادق علیهما السلام روایت شده که سرّ آن است که در دل پنهان نموده‌ای، و مخفی‌تر از آن، چیزی است که به خاطر آمـده، ولی فراموش شده است. «۱» ۵. همه‌ی نام‌های خـدا نیک است، اما برخی از آنها اهمیت بیش‌تری دارنـد که «اسـماء حسـنی» خوانـده می‌شونـد و در این آیه به این نام‌های نیک پروردگار اشاره شـده است که در برخی احادیث تعداد آنها را نود و نه عدد ذکر کرده‌اند و ما قبلًا آنها را بر شمرده‌ایم. «۲» ۶. در برخی احادیث آمده است که هر کس خدا را با نام‌های نیکویش شمارش کنـد، اهـل بهشت می‌گردد و دعـایش مسـتجاب می‌شود. البته مقصود از شـمارش نام‌هـای خـدا، پیـاده کردن این نام‌هـا در وجود و زنـدگی خـویش اسـت کـه در آن صـورت بهشـتی می‌شـود و دعـایش مسـتجاب می‌گردد. «۳» آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. خـدای یکتا، آفرینشـگر، مسـلّط به هستی، مالـک جهـان و آگـاه بر اسـرار است که تمـام نام‌هـای نیکو را دارد و قرآن را فرو فرسـتاده است (پس عظمت آن را بشناسـید و قـدر آن را بدانید). ۲. اگر مطالب را مخفی یا آشـکار کنیـد، برای خـدا تفاوتی ندارد. او به اسـرار و حتی مخفی‌تر از اسرار آگاه است. ۳. نام‌های نیک را از خدا بدانید که خدای یکتا سرچشمه‌ی تمام نام‌های نیک است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲

سرگذشت موسی (ع)

قرآن کریـم در آیـات نهم و دهم سـوره‌ی طه به سـرگذشت موسـی علیه السلام و برخـورد او بـا آتشـی نـورافروز اشـاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۹ و ۱۰. وَهَلْ أَتَیکَ حَدِیثُ مُوسَی إِذْ رَءَا نَاراً فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْکُثُواْ إِنِّی ءَانَسْتُ نَاراً لَّعَلِّی ءَاتِیکُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَی النَّارِ هُدیً و آیا خبر موسـی به تو رسـیده است؟* هنگامی که آتشـی را مشاهده کرد، و به خانواده‌اش گفت: «درنگ کنید [چرا] که من آتشـی دیدم؛ تا شاید من شـعله‌ای از آن برای شـما بیاورم؛ یا بر (اثر) آتش رهنمودی بیابم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نود آیه از سوره‌ی طه در مورد سـرگذشت آموزنـده‌ی موسـی علیه السـلام سـخن می‌گوید، که می‌توان این آیات را به چهار گروه تقسـیم کرد: الف) بعثت موسی؛ ب) دعوت فرعون و فرعونیان به خداپرستی؛ ج) نجات موسی و بنی اسرائیل از چنگ فرعون؛ د) انحرافات بنی اسرائیل از دین الهی و پیروی از سامری. ۲. این آیات با یک پرسش شروع می‌شود که مقدمه‌ی یک خبر مهم است؛ یعنی پرسشی تقریری و برای جلب توجه به مطلب که هـدف اصلـی آن کسب خبر نیست، چون خـدا از همه‌ی اسـرار جهـان خبر دارد. ۳. بر اساس نوشته‌ی مورخین و مفسـرین، موسـی علیه السلام پس از درگیری با فرعونیان از مصر گریخت و به نزد شعیب پیامبر رفت و با دختر او ازدواج کرد و پس از سال‌ها به همراه خانواده و گوسـفندانش، از مدین به طرف مصر رهسپار شد و در شبی تاریک راه را گم کرد و همسر باردارش دچار درد زایمان شد و او نتوانست آتشـی بیفروزد. در همین موقع شعله‌ای در دوردست دید. معمولًا در بیابان‌ها مشاهده‌ی آتش نشـانه‌ی وجود کاروانیـان است؛ از این رو موسـی به خانواده‌اش توصیه کرد که کمی توقف کنیـد تا من بروم و انـدکی آتش تفسـیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۳ برای شـما آورم و یـا با کمک کاروانیانی که اطراف آتش هسـتند، راه را پیـدا کنم. «۱» ۴. طوفـان حـوادث به صورتی موسـی علیه السـلام را محاصـره کرده بود که نور الهی را شـعله‌ی آتش پنـداشت و به طرف آن حرکت کرد، ولی هنگامی که به آن برخورد کرد متوجه شـد که نور از درون درختی است که با او سـخن می‌گویـد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دل‌سوز خانواده‌ی خویش باشید و برای تأمین زندگی آنان تلاش کنید. ۲. در تاریکی‌ها (ی زندگی) به سوی نور هدایت بروید.

۳. به سرگذشت موسی توجه کنید (و از آن درس عبرت بگیرید). *** قرآن کریم در آیات یازدهم تا سیزدهم سوره‌ی طه به برگزیده شدن موسی و گام نهادن او به سرزمین مقدس اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱- ۱۳. فَلَمَّآ أَتَیهَا نُودِیَ یَا مُوسَی إِنِّی أَنَاْ رَبُّکَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُویً* وَأَنَا اخْتَرْتُکَ فَاسْتَمِعْ لِمَا یُوحَی و هنگامی که نزد آن (آتش) آمد، ندا داده شد: «ای موسی!* براستی من خود پروردگارِ توام؛ پس کفش‌هایت را بیرون آر، [چرا] که تو در سرزمین مقدّس «طُوی هستی!* و من تو را برگزیدم؛ پس به آنچه وحی می‌شود، گوش فرا ده. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون آیات فوق در مورد سخن گفتن خدا با موسی، در آیه‌ی ۳۰ تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴ سوره‌ی قصص نیز آمده و می‌فرماید: «پس چون به آن (آتش) رسید، از جانب راست وادی، در آن جایگاه مبارک، از آن درخت ندا آمد که «ای موسی! منم خدا، پروردگار جهانیان.» ندا از طرف درختی به موسی رسید و این ندای روح پرور موسی را خشنود ساخت و متوجه شد که این آتش معمولی نیست، بلکه نوری الهی و نور حیات و زندگی است. ۲. موسی علیه السلام دستور یافت که کفش خود را از پای در آورد؛ زیرا در سرزمین مقدسی گام نهاده است؛ سرزمینی که نور الهی بر آن جلوه‌گر است و مسئولیت رسالت را بر دوش او می‌گذارد؛ پس باید با نهایت فروتنی در این سرزمین گام نهد و کفش از پا بیرون آورد. «۱» ۳. در برخی احادیث روایت شده که مقصود از عبارت «کفش از پا بیرون بیاورد.»، آن است که وحشت‌ها را از خود دور کن؛ وحشت فرعون و وحشت از بین رفتن خانواده‌ات را. «۲» ۴. «طُوی در اصل به معنای پیچیدن، و در این جا کنایه از آن است که برکات معنوی، آن سرزمین را از هر سو احاطه کرده است. البته این احتمال نیز هست که نام آن سرزمین طُوی بوده باشد. «۳» ۵. موسی علیه السلام از کجا متوجه شد که این سخنان، ندای الهی و وحی است؟ پاسخ آن است که اولًا، در آیات بعد خواهیم خواند که در همین صحنه دو معجزه‌ی عصا و ید بیضا به موسی علیه السلام داده شد و همین دلیل صحت این وحی بود. و ثانیاً، موسی آتش و صدا را به صورت معجزه آسا از میان درختی سبز مشاهده کرد و متوجه شد که این مسئله‌ای اعجازآمیز و الهی است. و ثالثاً، درک وحی، امری شهودی و وجدانی است؛ یعنی نوعی مکاشفه‌ی باطنی و درک حضوری است که پیامبر را به یقین می‌رساند و هر گونه تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵ شبهه‌ای را بر طرف می‌سازد. ۶. گفت‌وگوی خدا با موسی علیه السلام، بدان معنا نیست که خدا جسم است و حنجره و صدا دارد، بلکه خدا با قدرت کامل خویش، امواج صوت را در فضا ایجاد می‌کند و با این امواج با پیامبرانش سخن می‌گوید. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان می‌تواند به مقامی برسد که خدا با او سخن بگوید و او را مستقیماً به نبوّت برانگیزد. ۲. هر کس در قلمرو نور الهی گام نهاد، تعلّقات دنیوی را به دور اندازد. *** قرآن کریم در آیات چهاردهم تا شانزدهم سوره‌ی طه به محتوای پیام الهی به موسی، یعنی توحید، معاد و نماز و حکمت آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴- ۱۶. إِنَّنِی أَنَا اللَّهُ لَآ إِلَهَ إِلَّآ أَنَا فَاعْبُدْنِی وَأَقِمِ الصَّلَوةَ لِذِکْرِی* إِنَّ السَّاعَةَ ءَاتِیَةٌ أَکَادُ أُخْفِیهَا لِتُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَی فَلَا یَصُدَّنَّکَ عَنْهَا مَنْ لَا یُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَیهُ فَتَرْدَی در حقیقت من، خودِ خدا هستم؛ هیچ معبودی جز من نیست؛ پس مرا بپرست، و نماز را برای یاد من، به پا دار.* بدرستی که ساعت (رستاخیز) آمدنی است؛ نزدیک است (که بخواهم) آن را پنهان کنم، تا هر شخصی به خاطر کوشش (خود) جزا داده شود.* پس هرگز کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس‌های خویش پیروی می‌کند، تو را از آن باز ندارد؛ که هلاک می‌شوی! تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات که محتوای وحی الهی به موسی علیه السلام است، به دو اصل توحید و معاد، و در آیات پیشین نیز به نبوت اشاره شده است که سه اصل اساسی دین الهی‌اند. ۲. پرستش ثمره‌ی توحید است؛ یعنی اگر کسی به یگانگی خدا ایمان آورد، لازم است سربرآستان او بساید و او را بپرستد. ۳. زمان قیامت از علومی است که مخصوص خداست و هیچ کس از آن آگاه نیست؛ «۱» و در این آیات به حکمت مخفی بودن قیامت و زمان برپایی آن اشاره شده است. خدا می‌خواهد هر کس بر اساس تلاش خود پاداش بگیرد، «۲» یعنی انسان‌ها آزادی عمل داشته باشند و هر کس به نوعی برای رستاخیز آماده شود؛ البته مخفی بودن قیامت فایده‌ی تربیتی هم دارد؛ زیرا هر زمان احتمال می‌رود که رستاخیز باشد و هر کس می‌کوشد که در حال آماده‌باش باشد و زاد و توشه‌ای بردارد. ۴. سرچشمه‌ی

بی‌ایمـانی منکران قیـامت، پیروی آنان از هوای نفس است. «۳» گویی آنها که می‌خواهنـد طبق دل‌خواه عمل کننـد، قیامت را انکار می‌کنند تا کاملًا آزاد باشـند. ۵. یکی از فلسـفه‌های نماز، یادآوری خـداست؛ یعنی انسان در زنـدگی روزمره غرق می‌شود و خدا و هـدف آفرینش و محتوای دین را فراموش تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۳۷ می‌کنـد و نماز او را بیدار می‌کند، قلبش را صـفا می‌دهـد، او را به یاد خـدا می‌اندازد و به او آرامش می‌بخشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. محتوای اساسی دین، توحید و معاد است. «۱» ۲. هدف شـما از نماز یاد خدا باشد، که نماز ضامن بقای توحید در ساختار ذهن و زندگی شماست. ۳. راز مخفی بودن قیامت و زمان آن، در تلاش انسان‌ها نهفته است. ۴. از هوس‌رانانِ بی‌ایمان پیروی نکنیـد که می‌خواهنـد شـما را از یاد رسـتاخیز دور کنند تا نابود شویـد. *** قرآن کریم در آیات هفـدهم تا بیست و یکم سوره‌ی طه به گفت‌وگوی خـدا با موسـی و عصای معجزه‌آسای او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷- ۲۱. وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى فَأَلْقَيهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى و آن چیست در دست راست تو، ای موسـی؟!» گفت: «این عصـای من است؛ که بر آن تکیه می‌کنم، و بـا آن (برگ درختان را) بر گوسـفندانم فرو می‌آورم؛ و در آن (عصا) برای من نیازهای دیگری (نیز) هست.» (خـدا) فرمود: «ای موسـی! آن را بیفکن.» و (موسـی) آن (عصا) را افکند، و بناگاه آن مـاری (اژدهـاگونه) شـد که به جُنب و جوش افتـاد.* (خـدا) فرمود: «آن را بگیر و مَترس! بزودی آن را به حـالت نخستینش بـاز می‌گردانیـم. تفسیر قرآن مهر جلـد سـیزدهم، ص: ۳۸ نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. یکی از معجزات موسـی عصـای معجزه‌آسـای او بـود. معجزه‌ای که در برابر فرعون و سـاحران حقّـانیّت او را اثبـات کرد و هر بـار که او را بر زمین می‌انـداخت به ماری اژدهاگونه تبـدیل می‌شد. «۱» ۲. هر پیامبری که ادعای نبوت می‌کنـد، برای اثبات ادعای خود نیاز به معجزه دارد، تا مردم بتوانند مدعیان دروغین را از پیـامبران راستین تشـخیص دهنـد. البته وجود معجزه علاوه بر آن که سـند نبوت پیـامبران است، سبب قوّت قلب و اسـتقامت روحی پیامبران نیز می‌شود. ۳. گفتمان خدا با موسـی در مورد عصای او بسیار جالب و زیباست. اولًا، پرسش خدا از عصای موسی، همراه با لطف و محبت است به طوری که به او آرامش می‌دهد. ثانیاً، پاسخ موسی عاشقانه و طولانی است. او برای آن که بیش‌تر با محبوب خود سـخن بگویـد، در مورد عصای خود توضیـح می‌دهـد. ثالثاً، این گفت‌وگو به معجزه‌ای منتهی می‌شود و عصای او را تبـدیل به ماری عظیم می‌کند که سـبب وحشت موسی و فرار او می‌شود «۲» و خـدا به او فرمان بازگشت و برگرفتن عصا را می‌دهد. ۴. موسی انسان شـجاعی بود که در برابر فرعون زمان خویش ایسـتاد، اما هر انسانی به صورت طبیعی، هنگامی که ببینـد ناگهان قطعه‌ی چوبی به ماری عظیم تبدیل شده و سـریع حرکت می‌کند، وحشت می‌نماید و خود را تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۹ کنار می‌کشد و این ترس زود گـذر منافاتی با شـجاعت نـدارد. «۱» ۵. معجزه امری خـارق عـادت است که بـا تکیه بر نیرویی ماورای بشـری انجام می‌شود و جریـان عـادی طبیعت را درمی‌نوردد. البته معجزه امری بـدون علت یا محال عقلی نیست، ولی علت آن ما فوق علل طبیعی است و حکـایت از علم و قـدرت خـدا می‌کنـد. مـار موجودی است که طی مراحـل تکامـل پس از میلیون‌ها سال از خاک به وجود آمده است. اما معجزه این فاصـله‌ی چند میلیون سالی را به لحظه‌ای تبدیل می‌کند و زمان را درمی‌نوردد. همان طور که کسی کتابی را با دست در طی چنـد سال می‌نویسـد، اما این کار به وسـیله‌ی رایانه‌ای پیش‌رفته در چند ثانیه انجام می‌شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خـدا به پیـامبران، برای اثبـات نبوّت خویش معجزاتی داده است، تـا ادعـای بـدون دلیـل نکننـد (پس ادعـای نبوّت را بـدون دلیل نپذیرید). ۲. اگر خدا بخواهد می‌تواند از عصای شبانی، ماری عظیم و معجزه‌آسا به وجود آورد (پس هر چیزی را ساده نگیرید، چه بسا که قـدرتی عظیم در دل آن نهفته باشد). ۳. از وسایل زندگی به صورت چند منظوره اسـتفاده کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۰ قرآن کریم در آیـات بیست و دوم و بیست و سـوم سـوره‌ی طه به معجزه‌ی دوم موسـی علیه السـلام، یعنی دسـت سفیـد او اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۲۲ و ۲۳. وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ءَايَةً أُخْرَى لِنُرِيَكَ مِنْ ءَايَاتِنَا الْكُبْرَى و دسـتت را به پهلویت بگـذار، تـا سـفیدگونه بـدون (عیب) بـدی بیرون آیـد؛ در حـالی که نشـانه‌ی (معجزه‌آسـای) دیگری

است!* تا از نشانه‌های (معجزه آسای) بزرگ‌تر خویش، به تو بنمایانیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جَناح» در اصل به معنای بال پرندگان است، اما در این جا کنایه از زیر بغل است؛ یعنی از این آیه و آیات دیگر قرآن «۱» استفاده می‌شود که به موسی دستور داده شد دست خود را در گریبانش فرو برد و تا زیر بغل یا پهلو ادامه دهد «۲» تا به صورت دستی سفید و معجزه آسا خارج شود. ۲. دست موسی سفید شد، اما سفیدی آن بد نبود. این مطلب یا اشاره به آن است که سفیدی آن در اثر بیماری پیسی یا نقص و عیب نبود، بلکه درخشندگی خاصی بود که معجزه‌آسا در یک لحظه ظاهر می‌شد و یا این که نورانیت دست موسی چشم را آزار نمی‌رساند و لکه‌ی تاریکی در آن نبود و از هر جهت بی‌عیب بود. «۳» البته هر دو احتمال ممکن است و شاید مقصود آیه هر دو تفسیر باشد، اما ممکن است تعبیر «هیچ بدی‌ای در دست موسی نبود.»، اشاره به نفی مطالب تورات در این زمینه باشد که از مَبرُوص شدن و پیسی دست تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۱ موسی سخن گفته است. «۱» ۳. «عصا» و «ید بیضا» دو معجزه‌ی بزرگ دیگر موسی علیه السلام بودند که با آنها به مبارزه با فرعونیان پرداخت و حقانیّت نبوّت و دعوت خویش را اثبات می‌کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر خدا بخواهد، از دست عادی بشر، معجزه‌ای روشن فراهم می‌سازد. ۲. موسی نشانه‌های (معجزه‌آسای) بزرگ خدا را دیده بود (و برای مردم به ارمغان آورده بود). ۳. پیامبران الهی را از معجزات آنان بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی طه به موسی علیه السلام فرمان مبارزه با طغیانگران را می‌دهد و می‌فرماید: ۲۴. اذْهَبْ إِلَی فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَی به سوی فرعون برو، که او طُغیان کرده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین خدا با موسی سخن گفت و او را با معجزه‌ی عصا و دست سفید مجهّز کرد و حال که آماده شده است، رسالت مبارزه با طاغوت زمان را بر عهده‌ی او می‌گذارد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۲ ۲. برای اصلاح محیط فاسد و انجام انقلاب لازم است که از اصلاح سران شروع کرد؛ زیرا سردمداران کفر و فساد، در همه‌ی ارکان جامعه نقش دارند و تمام سازمان‌های سیاسی، تبلیغاتی و اقتصادی را در قبضه‌ی قدرت خود در می‌آورند. اگر این سردمداران، اصلاح، یا ریشه‌کن گردند، جامعه نیز اصلاح می‌شود. «۱» ۳. فرعون سرکشی کرده بود، یعنی در تمام ابعاد زندگی از حدود و مرزها عبور کرده و طغیان نموده و به یک طاغوت تبدیل شده بود طاغوتی که سردمدارِ کفر و تجاوز و ظلم بود. ۴. اولین هدف و رسالت پیامبران، مبارزه با طاغوت‌هاست؛ یعنی پیامبران و رهبران دینی برای مبارزه با ستمکاران و مستکبران آمده‌اند و مأمورند که به سراغ گردن‌کشان بروند و با آنها مبارزه کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به سراغ طاغوت‌ها بروید و با آنان موسی‌وار مبارزه کنید. ۲. سرکشان مانع راه خدا و رهبران الهی هستند، پس مبارزه با آنان لازم است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۳ قرآن کریم در آیات بیست و پنجم تا سی و پنجم سوره‌ی طه به خواسته‌های موسی و وسایل پیروزی بر طاغوت‌ها و شرایط یک رهبر الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵- ۳۵. قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی* وَیَسِّرْ لِی أَمْرِی* وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِی* یَفْقَهُواْ قَوْلِی* وَاجْعَل لِّی وَزِیراً مِّنْ أَهْلِی* هرُونَ أَخِی* اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی* وَأَشْرِکْهُ فِی أَمْرِی* کَیْ نُسَبِّحَکَ کَثِیراً* وَنَذْکُرَکَ کَثِیراً* إِنَّکَ کُنتَ بِنَا بَصِیراً (موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را برایم بگشا؛* و کارم را برایم آسان گردان؛* و گره از زبانم بگشای؛* تا سخن مرا به طور عمیق بفهمند.* و وزیری از خاندانم برای من قرار ده،* (همان) برادرم هارون را.* با او پشتوانه‌ام را محکم کن؛* و او را در کارم شریک ساز؛* تا تو را بسیار تسبیح گوییم؛* و تو را بسیار یاد کنیم؛* که تو به (حال) ما بینا هستی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل خدا به موسی فرمان داد که مبارزه با فرعون را شروع کند و موسی در برابر فرمان الهی کاملًا تسلیم بود و بدون آن که سخنی در موافقت یا مخالفت گوید، درخواست‌های خود را بیان کرد و وسایل مبارزه را از خدا خواست. ۲. مقصود از «شَرْح صَدْر» همان روح بزرگ، فکر بلند، عقل توانا، حوصله‌ی فراوان، استقامت و تحمّل مشکلات است که یکی از وسایل پیروزی رهبران انقلابی است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۴ ۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: وسیله‌ی رهبری و ریاست، سینه‌ی گشاده (و شرح صدر) است. «۱» ۴. در این آیات موسی از خدا می‌خواهد که «گره از زبانش» بگشاید؛ یعنی موانع فهم سخن او را بر طرف سازد تا بتواند آن‌چنان فصیح و بلیغ سخن بگوید که هر شنونده‌ای به راحتی و عمیقاً سخنان او را درک

کند. «۲» ۵. «وزیر» در اصل به معنای بار سنگین است و از آن جا که وزرا در کشورداری بارهای سنگین را بر دوش می‌کشند، به آنان وزیر گفته می‌شود؛ همان طور که به هر معاون و یاوری وزیر گفته می‌شود. ۶. موسی علیه السلام که حدود ده سال بود از مصر کوچ کرده بود و ارتباط نزدیکی با مردم بنی‌اسرائیل نداشت، از خدا تقاضا کرد که وزیرش از خانواده‌ی خودش باشد، چون می‌خواست شناخت بیش‌تری از او داشته باشد و در اثر پیوند روحانی و جسمانی دل‌سوزی بیش‌تری نیز داشته باشد. «۳» ۷. مفسران گفته‌اند که هارون، سه سال از موسی بزرگ‌تر بود و قامتی بلند و رسا و زبانی گویا و درکی عالی داشت و سه سال قبل از وفات موسی از دنیا رفت. او پیامبر و فرستاده‌ی خدا بود که خدا به او «فرقان و نور» داده بود «۴» و موسی از خدا خواست که او را شریک رسالت و کار او گرداند، ولی در همه حال موسی پیشوا بود و هارون همکار و پیرو او بود. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۵ ۸. در کتاب‌های حدیث شیعه و اهل سنّت روایت شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خدا چنین تمنّا کرد: پروردگارا! من از تو همان را تقاضا می‌کنم که برادرم موسی تقاضا کرد. از تو می‌خواهم که سینه‌ام را گشاده داری، کارها را بر من آسان کنی، گره از زبانم بگشایی، تا سخنانم را عمیقاً درک کنند و برای من وزیری از خاندانم قرار دهی، برادرم علی را، پشتم را با او محکم کن و او را در کار من شریک گردان تا تو را بسیار تسبیح گوییم و تو را بسیار یاد کنیم که تو به حال ما بینایی. «۱» ۹. در حدیث دیگری شیعه و اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که خطاب به علی علیه السلام فرمود: آیا راضی نیستی که تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی، جز این که پیامبری بعد از من نخواهد بود «۲». البته روشن است که مقصود از تشابه هارون و امام علی علیه السلام همان همانندی در خلافت و جانشینی است، با این تفاوت که هارون پیامبر بود و در زمان حیات موسی علیه السلام جانشین او بود و امام علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله نبود و در زمان حیات پیامبر به صورت موقت در مدینه جانشین پیامبر شد و بعد از وفات ایشان هم به صورت دایم به خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله منصوب شد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۶ ۱۰. تسبیح به معنای پیراستن خدا از هرگونه عیب و نقص است. البته مقصود موسی در این جا این نیست که تنها «سبحان اللَّه» را تکرار کند، بلکه هدف او پیاده کردن حقیقت تسبیح در جامعه، یعنی برچیدن بساط شرک و پالودن افکار شرک آلود و نقایص مادی و معنوی بود. «۱» ۱۱. مقصود موسی علیه السلام از ذکر خدا آن است که یاد و صفات خدا را در دل‌ها زنده کند و صفات الهی در سطح جامعه پرتوافکن شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای هر کاری برنامه و وسایلی لازم است که از قبل پیش بینی شود، همان طور که پیامبران نیز از این وسایل عادی استفاده می‌کردند. ۲. آمادگی روحی، قدرت تفکر، نیروی بیان، امداد الهی و داشتن یاوری نیرومند و مورد اطمینان از لوازم رهبری است. ۳. هدف برنامه‌ها و مبارزات رهبران الهی، گسترش تسبیح و ذکر خداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی طه پاسخ مثبت الهی به درخواست‌های موسی علیه السلام را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۳۶. قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يٰمُوسَى (خدا) فرمود: «ای موسی بیقین خواسته‌ات، به تو داده شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی علیه السلام با ادب کامل، فرمان الهی مبنی بر مبارزه با فرعون را پذیرفت، اما از خدا خواست که وسایل لازم را در اختیار او بگذارد؛ یعنی گشادگی سینه و بزرگی روح، آسانی کار، زبان فصیح و وزارت برادرش را؛ و در تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۷ این آیه بدو پاسخ داده شد که همه‌ی درخواست‌های تو را پذیرفتیم و وسایل مبارزه را در اختیار تو گذاشتیم. ۲. در این آیه نام موسی آمده است. این نوعی لطف الهی نسبت به موسی بود که هرگونه ابهامی را از دل او می‌زدود و نشان می‌داد که خدا نه تنها درخواست‌های مهمان خود را پذیرفته است بلکه آن‌قدر او را دوست دارد که نام وی را تکرار می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر کسی برای مبارزه در راه حق از خدا چیزی بخواهد، خدا به او عنایت و امداد می‌کند. ۲. به امدادرسانی خدا در مبارزات مذهبی- انقلابی امیدوار باشید. ***

کودکی موسی و امدادهای الهی

قرآن کریم در آیات سی و هفتم تا سی و نهم سوره‌ی طه به الطاف الهی نسبت به موسی در کودکی اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۷- ۳۹. وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى إِذْ أَوْحَيْنَآ إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي و یقیناً بار دیگری (نیز) بر تو منّت نهادیم (و نعمت بزرگی بخشیدیم،)* هنگامی که به مادرت آنچه را الهام شدنی بود، الهام کردیم؛* که: «او را در صندوقی بیفکن، و آن را به دریا بینداز، و باید دریا آن را به ساحل افکند، تا دشمن من و دشمن او، آن را برگیرد.» و بر تو محبتی از جانب خود افکندم (تا به تو لطف کنند؛) و تا زیر نظر من با زیرکی، ساخته (و پرورده) شوی. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دوران کودکی موسی علیه السلام و نجات معجزه‌آسای او اشاره شده است؛ دورانی که فرعونیان دستور داده بودند هر پسری که در بنی اسرائیل متولد می‌شود نابود شود، تا آنان در مصر قدرتمند نشوند و جاسوسان حکومت فرعون، همه‌ی محله‌ها و آمار تولد کودکان را زیر نظر داشتند. موسی در همین دوره متولد شد و مادرش احساس می کرد که جان کودك در خطر است؛ از این رو خدا به قلب او الهام کرد که وی را در صندوقچه‌ای بگذارد و در رودخانه‌ی نیل که همچون دریا پر آب بود رها سازد. کاخ فرعون در کنار رودخانه ساخته شده بود و یا شعبه‌ای از رودخانه از درون کاخ عبور می کرد. فرعون با همسرش در کنار آب به تماشا نشسته بود که صندوقچه‌ی موسی توجه آنان را به خود جلب کرد و آن را از آب گرفتند و در همان لحظات اولیه محبت کودك در دل آنها افتاد و از آن جا که همسر فرعون نازا بود، تصمیم گرفتند که موسی را به فرزندی خویش برگزینند. «۱» و این‌گونه بود که خدا موسی را در دامن دشمنان خود پرورش داد. ۲. «منت» در اصل به معنای وزنه‌ی سنگینی است که با آن وزن می کنند و به بخشیدن هر نعمت سنگین و گران‌بها نیز منّت گویند و در آیه‌ی فوق به همین معناست. «۲» ۳. «وَحْی» در اصل به معنای «اشاره‌ی مخفی و سریع» است. در قرآن گاهی به معنای وحی تشریعی است که به پیامبران می‌رسد، گاهی به معنای الهام غریزی است که به حیواناتی همچون زنبور عسل می‌رسد و گاهی به معنای الهام الهی به قلب و اشاره به افراد است که در این آیه به تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۴۹ همین معنای اخیر است. «۱» این از مواردی است که به غیر پیامبران وحی شده است؛ یعنی به مادر موسی الهام کردیم که فرزند خود را در صندوقچه‌ای «۲» بگذارد و به دریا افکند. ۴. مقصود از «دریا» در این جا همان رودخانه‌ی «نیل» است که به خاطر وسعت و آب فراوان گاهی به آن دریا گفته می‌شود. «۳» ۵. در این آیه واژه‌ی «دشمن» دو بار تکرار شده است؛ یك بار اشاره می کند که فرعون دشمن خداست و یك بار او را دشمن موسی معرفی می کند. این مطلب اشاره دارد که فرعون با آن که نسبت به خدا و موسی دشمنی بسیار داشت، اما به خواست خدا پرورش دهنده‌ی پیامبر الهی، یعنی موسی شد تا بداند که نه تنها نمی‌تواند با خدا مبارزه کند، بلکه دشمن خود را به دست خود پرورش می‌دهد. این نشان دهنده‌ی قدرت عجیب خداست. ۶. خدا سپری حفاظتی محبت خویش را بر موسی افکند؛ یعنی موسی را چنان دوست داشتنی و محبوب قلب‌ها ساخت که هر کس او را می‌دید، عاشق او می‌شد. «۴» همان طور که محبت موسی را در قلب مامای او قرار داد، به طوری که او از گزارش دادن تولد او به دستگاه حکومتی منصرف شد، محبت او را در قلب همسر فرعون نیز انداخت، به طوری که او را به فرزندخواندگی پذیرفت. «۵» ۷. خدا عنایت خاصی به موسی داشت و می‌خواست او را در محضر خود تربیت کند، به طوری که از بدو تولد، دوران شیرخوارگی تا جوانی او را زیر نظر داشت و برای رسالت ساخت و پرورش داد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر خدا بخواهد شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد و موسی را در دامان دشمنان خود پرورش می‌دهد. ۲. خدا مردان برگزیده و رسولان خویش را از کودکی تحت نظر و تربیت خویش دارد. ۳. محبت، گاهی سپر محافظتی است که خدا به هر کس بخواهد می‌دهد و دیگران را شیفته‌ی او می‌سازد. ۴. یکی از راه‌های هدایت الهی آن است که به غیر پیامبران نیز الهام می کند. ۵. به یاد نعمت‌ها و امدادهای الهی در طول زندگی باشید (تا امیدوار و سپاس‌گزار شوید). *** قرآن کریم در آیات چهلم و چهل و یکم سوره‌ی طه به بازگرداندن موسی علیه السلام به مادرش و نجات او از چنگ فرعونیان و آزمایش‌های متعدد او و هدف از این کارها

اشاره می کند و می‌فرماید: ۴۰ و ۴۱. إِذْ تَمْشِی أُخْتُکَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَی مَن یَکْفُلُهُ فَرَجَعْنَکَ إِلَی أُمِّکَ کَیْ تَقَرَّ عَیْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْساً فَنَجَّیْنَکَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَکَ فُتُوناً فَلَبِثْتَ سِنِینَ فِی أَهْلِ مَدْیَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَی قَدَرٍ یمُوسی وَاصْطَنَعْتُکَ لِنَفْسِی هنگامی که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می گفت: «آیا شما را به کسی راهنمایی کنم، که سرپرستی آن (کودک) را عهده دار شود؟!» پس تو را به سوی مادرت باز گرداندیم، تا چشمش روشن شود؛ و غمگین نگردد. و تو شخصی (از فرعونیان) را کُشتی؛ و [لی تو را از اندوه نجات دادیم، و بارها تو را آزمودیم. و سالیانی در میان مردم «مَدْیَن» درنگ نمودی، سپس ای موسی در (زمان) مقدّر آمدی.* و تو را برای خودم ساختم (و با مهارت پرورش دادم). تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرعون و همسرش، صندوقچه‌ی موسی را از آب گرفتند و به او علاقه‌مند شدند، به طوری که تصمیم گرفتند او را به عنوان فرزندخوانده‌ی خود پرورش دهند. موسی گریه می کرد و نیاز به شیر و دایه داشت؛ از این رو به دنبال دایه فرستادند اما هر کس را آوردند، نوزاد از او شیر نگرفت. در همین میان، خواهر موسی که در اطراف کاخ، اوضاع را زیر نظر داشت، به فرعونیان پیشنهاد کرد که دایه‌ای مناسب به آنها معرفی کند. و بدین ترتیب مادرش را به آنان معرفی کرد و مادر موسی به صورت زنی ناشناس به کاخ فرعون راه یافت و کودک شیر او را پذیرفت و این مادر به عنوان دایه‌ی موسی بر گزیده شد و چشمش به فرزندش روشن و ناراحتی‌هایش بر طرف شد و موسی در سایه‌ی محبت‌های مادر با حمایت‌های مالی فرعون و همسرش پرورش یافت و بزرگ شد. ۲. در این آیه به جریان کشته شدن یک نفر کافر ستمگر قبطی به دست موسی اشاره شده است. این جریان هنگامی اتفاق افتاد که یکی از بنی‌اسرائیل با تنی از ستمگران فرعونی نزاع می کردند و موسی به حمایت فرد بنی‌اسرائیلی برخاست و مشت محکمی بر مرد قبطی زد و ناگهان آن شخص مرد. مأموران فرعون به تعقیب موسی پرداختند و او مخفیانه از مصر خارج شد و به مدین گریخت و در آن جا با خانواده‌ی شُعیب پیامبر آشنا شد و با یکی از دختران او ازدواج کرد. «۱» ۳. مقصود از واژه‌ی «قَدَر» در این آیه، زمانی است که موسی از مدین بازگشت و در آن هنگام مقدر شده بود که به رسالت بر گزیده شود. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۲ ۴. به موسی خطاب شد که خدا تو را برای خود پرورش داد تا آماده شوی و وظیفه‌ی سنگین رسالت را بر دوش کشی و وحی الهی را دریافت کنی. «۱» آری؛ خوشا به حال آنان که خدا برای خودش پرورششان می‌دهد. مفسران بر آن‌اند که این جمله محبت‌آمیزترین سخنی است که خدا در حق موسی گفته است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از بندگان فرمان‌بردار خویش حمایت می کند و ناراحتی آنان را به دست دشمنانشان بر طرف و چشم آنان را روشن می‌سازد. ۲. خدا کسانی را که می‌خواهد بر گزیند در کوره‌ی حوادث آب‌دیده می‌سازد و برای خود می‌پروراند. ۳. رهبران الهی آماده‌ی آزمایش‌های الهی باشند که خدا پیامبران را نیز امتحان می کند. *** قرآن کریم در آیات چهل و دوم تا چهل و چهارم سوره‌ی طه دستور مبارزه‌ی آرام، هدایت‌گرانه و هشدارگرانه با فرعون را صادر می کند و می‌فرماید: ۴۲- ۴۴. اذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوکَ بِئَایتِی وَلَا تَنِیَا فِی ذِکْرِی* اذْهَبَآ إِلَی فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَی فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّیِّناً لَّعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ أَوْ یَخْشَی (اکنون) تو و برادرت با نشانه‌های (معجزه‌آسای) من، بروید و در یاد کردن من سستی نکنید.* به سوی فرعون بروید، که او طغیان کرده است. * و [لی با او سخنی نرم بگویید؛ تا شاید او متذکّر شود، یا بهراسد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی بیست و چهارم همین سوره، آمده است که وقتی فرمان مبارزه با فرعون صادر شده بود، موسی پس از قبول این مبارزه خواستار آن شد که خدا برادرش هارون را به عنوان وزیر و یاور او قرار دهد و در آیه‌ی سی و ششم یادآور شد که خدا خواسته‌ی موسی را پذیرفت و اینک در آیه‌ی چهل و دوم، بار دیگر از صدور فرمان مبارزه با فرعون برای موسی و هارون سخن می گوید. ۲. هارون برادر موسی در مصر بود و موسی که از سفر مدین بازگشت، او را از مأموریت خویش آگاه ساخت و هارون بیرون شهر به استقبال برادرش رفت و از آن جا که موافقت هارون و مأموریت او حتمی بود، این آیات هر دو را مخاطب ساخته است. ۳. این آیه به معجزاتی اشاره می کند که به موسی داده شد؛ یعنی عصای موسی، دست سفید و معجزات دیگر که دلیلی برای اثبات حقانیّت نبوّت و وسیله‌ای برای مبارزه با فرعون بود. ۴. خدا به

موسی و هارون تأکید کرد که در مورد یاد خدا سستی نکنند. این برای تقویت روحیه‌ی آنان و تأکید بر تلاش بیش‌تر برای انجام فرمان خداست، زیرا با سستی و تنبلی، تمام زحمات بر باد خواهد رفت. ۵. در این آیات بار دیگر تأکید شده که هدف اصلی حرکت انقلابی موسی، مبارزه با طغیانگری فرعون بود؛ یعنی اصلاح را از نقطه‌ی اصلی فساد آغاز کنند و با رهبران کفر مبارزه کنند؛ چون عامل اصلی بدبختی‌ها و عقب‌ماندگی‌های مردم مصر او بود. ۶. ممکن بود فرعون در برابر دعوت موسی سه راه را در پیش گیرد: الف) متذکر شود و دلایل منطقی موسی را بپذیرد و ایمان بیاورد. ب) از مجازات الهی بترسد و حد اقل با او مخالفت نکند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۴ ج) راه مخالفت و مبارزه را در پیش بگیرد، که در این صورت به او اتمام حجّت شده است. «۱» ۷. خدا به موسی علیه السلام دستور داد که با فرعون با زبانی نرم سخن بگوید تا شاید در دل او نفوذ و اثر کند و این آموزه‌ای برای تمام رهبران الهی و مبلغان راه خداست که همیشه مبارزه را با سخنان ملایم شروع کنند، حتی در صورتی که مخالف آنها فردی سرسخت هم‌چون فرعون باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصلاح جامعه را با مبارزه‌ی با سردمداران کفر آغاز کنید. ۲. دعوت به راه خدا و مبارزه با طاغوت‌ها را با قاطعیت آغاز کنید. ۳. هدف مبارزات پیامبران، طاغوت ستیزی، بیدارگری و هشدار دادن به کفرپیشگان است. ۴. با مخالفان راه خدا، با نرمی و ملاطفت سخن بگویید تا شاید هدایت شوند، یا حد اقل دست از مخالفت بردارند. *** قرآن کریم در آیات چهل و پنجم و چهل و ششم سوره‌ی طه به دل نگرانی‌های موسی و هارون و دلداری آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵ و ۴۶. قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَآ أَوْ أَن يَطْغَى قَالَ لَاتَخَافَآ إِنَّنِي مَعَكُمَآ أَسْمَعُ وَأَرَى (موسی و هارون) گفتند: « [ای پروردگار ما! در حقیقت ما می‌ترسیم که بر ما پیشدستی کند، یا این که طغیان نماید.»* (خدا) فرمود: «نترسید [چرا] که من با شما هستم؛ در حالی که می‌شنوم و می‌بینم. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات گفتمان خدا با موسی و هارون بیان شده است؛ گفت‌وگویی که نشان دهنده‌ی دل‌مشغولی‌ها و نگرانی‌های موسی و هارون است. آنها می‌ترسند که فرعون تسلیم نشود و بیدار نگردد و هشدارها در او تأثیری نگذارد. ۲. ممکن بود فرعون قبل از آن که سخنان موسی و هارون را بشنود، پیش دستی کند وشدت عمل به خرج دهد و آنان را بیازارد. «۱» شاید این ترس به خاطر آن بود که موسی قبلًا یک کافر قبطی را کشته و از مصر گریخته بود و حال که برگشته بود ممکن بود قبل از آن که حرفی بزند او را بازداشت کنند. ۳. ممکن بود فرعون پس از شنیدن سخنان حق باز هم به سرکشی خود ادامه دهد. شاید بیان این دل‌نگرانی موسی و هارون به خاطر آن بود که به خدا بگویند: احتمال شکست مأموریت وجود دارد و آنها ضامن تأثیر حتمی سخنان بر فرعون نیستند. ۴. خدای متعال به فرستادگان خود دل‌داری می‌دهد که من با شما هستم و گفتمان شما با فرعون را می‌شنوم و واکنش‌های او را زیر نظر دارم؛ پس نگران نباشید که خدایی شنوا، بینا و توانا با شما و پشتیبان شماست. ۵. معیت و بودن خدا با مردم دو گونه است: یکی آن که خدا با همه چیز و همه‌ی انسان‌ها هست، چون در همه جا هست؛ دوم این که همراهی خاص با برخی افراد که به معنای امدادرسانی و حمایت و همراهی لطف الهی با آنهاست. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. واکنش‌های احتمالی دشمن را بررسی و پیش بینی و برای آن برنامه‌ریزی کنید. ۲. در هر کاری که خدا با شماست، بیمناک نباشید (هنگامی بترسید که از خدا جدا شده‌اید). ***

گفتگوی موسی (ع) با فرعون

قرآن کریم در آیات چهل و هفتم و چهل و هشتم سوره‌ی طه به پیام‌های پنج‌گانه‌ی موسی و هارون به فرعون اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷ و ۴۸. فَأْتِيَاهُ فَقُولَآ إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرءِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَكَ بِئَايَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَمُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَآ أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّى پس به سراغ او بروید و بگویید: در واقع ما فرستادگان پروردگار توایم؛ پس بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) را با ما بفرست، و آنان را عذاب مکن؛ بیقین با نشانه‌ای (معجزه‌آسا) از جانب پروردگارت به

سوی تو آمدیم، و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند.» در حقیقت ما به سویمان وحی شده که: عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) دروغ انگارد و روی برتابد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در فرمان خدا به موسی و هارون پنج نکته وجود دارد: اول مربوط به اصل مأموریت، دوم مربوط به محتوای مأموریت، سوم مربوط به دلایل آن، چهارم تشویق مخالفان و پنجم هشدار و تهدید مخالفان. ۲. در این آیات به موسی و هارون فرمان داده شد که به جای آن که به فرعون بگویند: «ما فرستادگان پروردگارمان هستیم.»، بگویند: «ما فرستادگان پروردگار تو هستیم.» تا عواطف فرعون را برانگیزند و او را متوجه تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۷ سازند که پروردگاری دارد، پس بدون جهت ادعای ربوبیّت نکند. ۳. هر چند مأموریت موسی مخصوص قوم بنی اسرائیل نبود و او برای هدایت فرعونیان و حتی خود فرعون نیز آمده بود، اما در این آیات بیان شده که موسی از فرعون خواست بنی‌اسرائیل را رها سازد و عذاب نکند؛ زیرا نجات بنی‌اسرائیل مهم‌تر بود. ۴. موسی و هارون با دلیل و معجزه به سوی فرعون رفتند، تا او را به صورت منطقی و استدلالی دعوت کنند. ۵. در این آیات اشاره شده است که موسی و هارون از روش تشویق و هشدار برای هدایت فرعون استفاده کردند. نخست به او سلام و بشارت سلامتی دادند و سپس به او هشدار دادند که هر کس آیات الهی را تکذیب کند و روی برتابد مستحق عذاب است. ۶. «سلام» در این آیات به درود یا سلامتی در دو جهان اشاره دارد. مژده‌ی سلامتی و نجات از ناراحتی‌ها، رنج‌ها و عذاب‌های دردناک و مشکلات فردی و اجتماعی برای کسانی که از نور هدایت پیروی می‌کنند. ۷. موسی و هارون هم‌چون پزشکی که به بیمار خود مژده‌ی سلامتی و هشدار می‌دهد، به فرعون هشدار دادند که اگر از برنامه‌ی الهی روی برتابد واز داروی هدایت استفاده نکند، عذاب خواهد شد. البته این به معنای برخورد خشونت‌آمیز با فرعون نبود، بلکه بیان این واقعیت بود که پی‌آمد تکذیب آیات الهی عذاب است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نجات ملت‌های مستضعف سرلوحه‌ی برنامه‌های رهبران الهی است. ۲. از روش بشارت و هشدار، برای هدایت افراد استفاده کنید. ۳. هدایت دشمنان را با دلیل و منطق آغاز کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۸ قرآن کریم در آیات چهل و نهم تا پنجاه و دوم سوره‌ی طه گفتمان موسی با فرعون را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۴۹- ۵۲. قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يمُوسَى قَالَ رَبُّنَا الَّذِى أَعْطَى كُلَّ شَىْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّى فِى كِتَبٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّى وَلَا يَنسَى (فرعون) گفت: «ای موسی، پس پروردگار شما کیست؟»* گفت: «پروردگار ما کسی است که به هر چیزی، آفرینشی (در خور) او عطا کرده؛ سپس راه‌نمایی نموده است.»* (فرعون) گفت: «پس حال گروه‌ها (و نسل‌ها) ی نخستین چیست؟!»* (موسی) گفت: «علم آن در کتابی، نزد پروردگارم است؛ پروردگارم گمراه نمی‌شود و فراموش نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در بین آیات قبل و این دسته از آیات مطالبی از سرگذشت موسی بیان نکرده و مستقیماً به سراغ گفتمان موسی و فرعون رفته است. این روش قرآن در قصه‌گویی است که معمولًا مطالب آموزنده و مهم را بیان می‌کند و مطالب جزئی و غیر مهم را رها می‌سازد. ۲. از مجموع آیات و سخنان مفسران روشن می‌شود که موسی پس از دریافت فرمان رسالت خود و وزارت هارون، همراه با دستور العمل الهی، به طرف کاخ فرعون حرکت می‌کند و پس از رفع مشکلات وارد کاخ او می‌شود و همان مطالبی را که خدا به او آموخته بود، به فرعون می‌گوید و معجزات خود را به او ارائه می‌کند و به او بشارت و هشدار می‌دهد، اما فرعون تکبّر می‌ورزد و تسلیم نمی‌شود. «۱» ۳. در این آیات بیان شده که فرعون مغرورانه با آنان رفتار کرد و حتی، تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۵۹ حاضر نشد بگوید: پروردگار من (که شما مدعی آن هستید) کیست؟ بلکه گفت: پروردگار شما کیست؟ و با زیرکی پروردگار جهانیان را منکر شد و آن را خدای موسی و هارون نامید، چون او خود را پروردگار والاتر از همه می‌دانست. «۱» ۴. موسی در این آیات پروردگار خود را در دو جمله‌ی کوتاه و با اشاره به دو اصل اساسی معرفی کرد. نخست به آفرینش کامل موجودات و تأمین نیازمندی‌های آنان اشاره کرد و سپس به هدایت و رهبری موجودات که این‌ها همه نشانه و دلیلی برای شناخت خداست. یعنی موسی به فرعون فهماند که جهان منحصر به تو و سرزمین مصر و عصر حاضر نیست و آفریننده‌ی همه، پروردگار است. ۵. مقصود از «هدایت» در این جا اعم از هدایت تکوینی و تشریعی است؛ یعنی خدا موجودات

جهان را آفریده است و وسایل و نیازمندی‌های آنها را در اختیارشان قرار داده و راه استفاده از آنها را نیز به آنان الهام کرده است و بعد از آن انسان‌ها را به وسیله‌ی پیامبران هدایت کرده و قانون و برنامه در اختیار بشر قرار داده تا به مقصد و هدف خویش برسند؛ «۲» برای مثال، خدا حیوانات را آفرید و وسایل تولید مثل و دفاع و تغذیه را در اختیار آنان گذارد، سپس به آنها آموخت که چگونه از این موارد استفاده کنند و از میان آنها به انسان که عقل دارد، وحی الهی را عنایت کرد تا با استفاده از آن وسایل و این برنامه‌ی تشریعی الهی، به تکامل خویش ادامه دهد و به هدف نهایی خلقت نایل شود. ۶. فرعون گفت: «پس تکلیف پیشینیان ما چه می‌شود؟» مفسران در مورد مقصود فرعون از این جمله چند تفسیر نموده‌اند: نخست آن که، چون موسی مخالفان توحید را مشمول عذاب الهی تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۰ دانست، فرعون پرسید پس چرا نسل‌های گذشته‌ی ما که مشرک بودند، مشمول این عذاب نشدند؟ دوم این که، چون موسی خدا را پروردگار همه‌ی جهانیان معرفی کرد، فرعون پرسید پس چرا نیاکان ما این خدا را نمی‌پرستیدند؟ «۱» و سوم این که چون موسی اشاره کرد که هرکس از فرمان خدا سرپیچی کند، مجازات می‌شود، فرعون تلاش کرد که با شُبْهه پراکنی، احساسات مردم را در مورد نیاکان خود و بر ضد موسی برانگیزد و از این رو پرسید: پس تکلیف نیاکان ما که مشرک شدند، چه می‌شود؟ اگر موسی در برابر این پرسش جواب منفی می‌داد، مخالف عقیده‌ی خود سخن گفته بود و اگر جواب مثبت می‌داد، مردم بر ضد او تحریک می‌شدند، اما موسی با زیرکی خاصی جلوی سوء استفاده‌ی فرعون را گرفت و به صورت کلی پاسخ داد که «علم این مطلب نزد پروردگار من است.» به نظر می‌رسد که تفسیر سوم با ظاهر آیه و حالت مبارزه‌ی موسی و فرعون سازگارتر است. ۷. در این آیات بیان شده که پروردگار فراموشکار نیست و نیز گمراه نمی‌شود؛ یعنی هیچ گونه اشتباهی از او سر نمی‌زند و دقیقاً به حساب بندگانش رسیدگی می‌نماید و بر همه چیز احاطه‌ی علمی دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی آماده باشند که به پرسش‌ها و شبهه‌پراکنی‌های مخالفان پاسخ دهند و با زیرکی اجازه ندهند که مردم را علیه آنان تحریک کنند. ۲. پروردگار، همه‌ی موجودات را هدایت تکوینی و تشریعی کرده و وسایل لازم را در اختیار آنها گذاشته است و به احوال آنها احاطه‌ی علمی دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۱ قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم تا پنجاه و پنجم سوره‌ی طه به معرفی پروردگار و بیان معاد می‌پردازد و می‌فرماید: ۵۳- ۵۵. الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْداً وَسَلَکَ لَکُمْ فِیهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوجاً مِن نَّبَاتٍ شَتَّی کُلُواْ وَارْعَوْاْ أَنْعمَکُمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیتٍ لِّأُولِی النُّهَی مِنْهَا خَلَقْنکُمْ وَفِیهَا نُعِیدُکُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُکُمْ تَارَةً أُخْرَی (همان) کسی که زمین را برای شما بستری (برای استراحت) قرار داد؛ و برای شما راه‌هایی در آن پدید آورد؛ و از آسمان، آبی را فرو فرستاد و بدان انواع (جفت‌های) گوناگون گیاهان را برآوردیم.* بخورید؛ و دام‌هایتان را بچرانید؛ مسلّماً در آن (ها) نشانه‌هایی برای صاحبان اندیشه است.* شما را از آن (زمین) آفریدیم؛ و شما را در آن باز می‌گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. روش قرآن کریم آن است که قصه‌ها و سرگذشت پیامبران پیشین را بیان و در هر بخش به نتایج تربیتی و عقیدتی آن اشاره می‌کند. این آیات نیز در همین راستاست؛ یعنی در آیات قبل سخنان موسی علیه السلام در مورد معرفی پروردگار بیان شد و اینک قرآن کریم در این آیات سخنان موسی را پی می‌گیرد و به معرفی کامل پروردگار می‌پردازد. «۱» ۲. در این آیات به چهار بخش از نعمت‌های الهی که نشانه‌های پروردگار را در بر دارد، اشاره شده است: تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۲ الف) محل آرامش بودن زمین که همچون گهواره‌ای در حال حرکت است «۱» اما امنیت و آسایش سرنشینان خود را به برکت نیروی جاذبه و هوای اطراف آن فراهم می‌سازد. ب) راه‌هایی که مناطق مختلف زمین را به یکدیگر پیوند می‌دهد و با وجود کوه‌ها، درّه‌ها، رودها و دریاها، اجازه می‌دهد که انسان به مقصد برسد. ج) آب باران که از آسمان فرود می‌آید و مایه‌ی حیات و برکات است. د) رویش گیاهان مختلف در زمین که مواد غذایی انسان و حیوانات و بخشی از نیازهای دارویی و پوشاکی ما را تأمین می‌کند. ۳. واژه‌ی «ازواج» می‌تواند اشاره به اصناف و انواع گیاهان و یا اشاره به مسئله‌ی زوجیّت گیاهان باشد. «۲» ۴. «نُهی در اصل به معنای «منع» است و در این جا به معنای عقل و دانشی است که انسان

را از زشتی‌ها منع می‌کند و اشاره به آن است که تفکر و اندیشه‌ی مسئولانه می‌تواند این واقعیات را درک کند. «۳» ۵. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: بهترین شما صاحبان اندیشه هستند. از ایشان پرسیدند: صاحبان اندیشه چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: کسانی که دارای اخلاق نیکو و عقل‌های وزین هستند و صله رحم و نیکی به پدر و مادر و کمک به فقرا، همسایگان نیازمند و یتیمان می‌کنند، کسانی که گرسنگان را تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۳ سیر می‌نمایند و صلح را در جهان می‌گسترانند، و در حالی که مردم در خواب غفلت‌اند نماز برپا می‌دارند. «۱» ۶. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام حکایت شده که در مورد این آیه فرمودند: به خدا قسم، صاحبان اندیشه ما هستیم. «۲» البته روشن است که این‌گونه احادیث مصداق کامل صاحبان اندیشه را بیان می‌کند، ولی مطلب آیه منحصر در آنها نیست. ۷. آیه‌ی اخیر اشاره‌ای جالب و کامل به معاد دارد، و با تعبیری گویا و فشرده از گذشته، حال و آینده‌ی انسان خبر می‌دهد که همه‌ی شما را از خاک آفریدیم و همه می‌میرید و به خاک بازمی‌گردید، سپس همگی شما را بار دیگر برمی‌انگیزیم و حیات مجدد می‌دهیم. ۸. در مورد آفرینش انسان از خاک دو تفسیر وجود دارد: یکی آن که همه‌ی انسان‌ها از حضرت آدم به وجود آمدند و او از خاک آفریده شد؛ و دوم آن که همه‌ی انسان‌ها از مواد غذایی استفاده می‌کنند که از عناصر خاک به وجود آمده است، پس همه از خاک هستند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پروردگار شما کسی است که چهار نعمت بزرگ محل سکونت و آرامش، راه‌های ارتباطی، آب و فراورده‌های کشاورزی را در اختیار شما گذاشت (تا پرورش یابید و تکامل پیدا کنید). تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۴ ۲. صاحبان اندیشه، نشانه‌های الهی را در زمینِ آرام و رویش گیاهان و نعمت‌های خدا ببینند. ۳. در گذشته، حال و آینده‌ی خویش بنگرید و تفکر کنید (تا معادباور شوید). *** قرآن کریم در آیات پنجاه و ششم تا پنجاه و هشتم سوره‌ی طه به واکنش منفی فرعون و تهمت‌های او به موسی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶ – ۵۸. وَلَقَدْ أَرَيْنَهُ ءَايَتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَمُوسَى فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِداً لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَآ أَنتَ مَكَاناً سُوىً و بیقین تمام نشانه‌های (معجزه آسای) خود را به او نمایاندیم، و [لی تکذیب کرد و سر باز زد.* (فرعون) گفت: «ای موسی! آیا به سوی ما آمده‌ای تا با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟!* و قطعاً (هم) سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! پس وعده‌گاهی (در) مکانی یکسان، بین ما و بین خود قرار ده که ما و تو از آن تخلّف نکنیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این بخش از آیات به مرحله‌ی دیگری از مبارزه‌ی موسی با فرعون اشاره شده است که همان مرحله‌ی انکار، تهمت سحر زدن و فضاسازی علیه موسی است. این روش معمولی مستکبران کفرپیشه است که هنگامی که نمی‌توانند در برابر منطق و دلایل و معجزات پیامبران ایستادگی کنند، معجزات را انکار، و پیامبران را متّهم به جادوگری می‌کنند. «۱» ۲. مقصود از عبارت «همه‌ی آیات و نشانه‌های خود را به فرعون نشان داده‌ایم.»، تمام معجزاتی است که تا آن زمان از موسی هویدا شده بود، تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۵ هم‌چون عصا و دست سفید و محتوای جامع دعوت که دلیل حقانیّت او بود. «۱» ۳. فرعونیان از قوم بنی‌اسرائیل به عنوان بردگان خویش استفاده می‌کردند و در همان حال مواظب بودند که این قوم، قدرتمند و آزاد نشوند، تا حکومت مصر را در خطر قرار دهند؛ از این رو گاهی پسران بنی اسرائیل را می‌کشتند. و اکنون که موسی برای آزادسازی بنی‌اسرائیل آمده بود، فرعون این مطلب را خطری برای کشور به شمار آورد. ۴. فرعون در تهمت دوم خود به موسی گفت: تو قصد براندازی و توطئه داری و می‌خواهی ما را از میهنمان بیرون کنی. این همان حربه‌ای است که همه‌ی طاغوت‌ها و استعمارگران در طول تاریخ از آن استفاده می‌کنند؛ یعنی هرگاه خود را در مقابل مخالفانشان عاجز می‌بینند، به فضاسازی و تحریک مردم روی می‌آورند و بهانه‌ی تهدید کشور را پیش می‌کشند و مخالفان را به توطئه‌ی براندازی و خیانت به مردم و میهن متّهم می‌کنند تا با استفاده از احساسات میهن‌دوستانه‌ی مردم آنان را علیه مخالفان خویش تحریک کنند. ۵. فرعون نخست موسی را متّهم به جادوگری کرد و بلافاصله او را به مبارزه با ساحران دربار دعوت نمود؛ یعنی اولًا، مقام موسی را از نبوت به جادوگری تنزّل داد و ثانیاً، عملًا او را به مبارزه با جادوگران کشاند تا به مردم نشان دهد که او نیز هم‌چون بقیه‌ی ساحران است. فرعون چنان با

زرنگی و سرعت این مطالب را بیان کرد که موسی چاره‌ای جز قبول نداشت. ۶. فرعون، برای مبارزه‌ی جادوگران، «مکان سوّی» را پیشنهاد کرد. مقصود او آن بود که فاصله‌ی موسی و فرعون نسبت به آن مکان و یا فاصله‌اش نسبت به مردم شهر یکسان باشد؛ یعنی محلی در مرکز شهر باشد و یا این که تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۶ سرزمینی مسطح باشد که همگان بر آن اشراف دارند. البته ممکن است همه‌ی این معانی مقصود این تعبیر باشد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی مستکبران، اگر همه‌ی نشانه‌ها و معجزات الهی را ببینند، باز هم ایمان نمی‌آورند. ۲. روش طاغوت‌ها، فضاسازی و تهمت زدن به مردان الهی است (پس شیوه‌های آنها را بشناسید و برای پاسخ‌گویی آماده شوید). *** قرآن کریم در آیات پنجاه و نهم و شصتم سوره‌ی طه به تعیین زمان مبارزه‌ی موسی با جادوگران وتلاش فرعون اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۹ و ۶۰. قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحىً* فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى (موسی) گفت: «وعده‌گاه شما روز آرایش (: عید) باشد؛ و (روزی) که مردم نیمروز گردآوری شوند.»* و فرعون (از آن مجلس) روی برتافت و نقشه (ها) یش را جمع کرد؛ سپس آمد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی با کمال خون سردی روز تعطیلی را برای مبارزه با ساحران تعیین کرد تا همه‌ی مردم بتوانند در صحنه حاضر شوند. ۲. مقصود از «روز زینت» روز عیدی بود که ما دقیقاً زمان آن را نمی‌دانیم، ولی در آن روز، مردم کار و کسب خود را تعطیل می‌کردند و آماده‌ی شرکت در مجالس می‌شدند. ۳. در این آیات بیان شده که فرعون نیرنگ‌ها و طرح‌های خود را جمع‌آوری کرد و در روز موعود به صحنه آورد، اما در سوره‌ی اعراف و شعراء این قطعه‌ی تاریخی توضیح داده شد که فرعون پس از جدا شدن از موسی، تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۷ جلساتی با مشاوران خود تشکیل داد و از سراسر مصر جادوگران را فراخواند و به آنها وعده‌ی پاداش فراوان داد تا با موسی مبارزه کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی از مبارزه با طاغوت‌ها و جادوگران خرافه پرست بیمناک نشوند و مردانه به میدان بیایند. ۲. ابتکار عمل را از دشمن بگیرید و برای مبارزه با خرافه‌پرستان و برای افشای آنها، روزی را انتخاب کنید که بتوانید مستقیم با مردم روبه‌رو شوید. ۳. طاغوت‌ها برای مبارزه با حق‌پرستان، با تمام وجود به صحنه می‌آیند (پس شما نیز آماده شوید). *** قرآن کریم در آیات شصت و یکم تا شصت و چهارم سوره‌ی طه به سخنان بیدارگرانه‌ی موسی با ساحران و تزلزل آنها و تلاش متّحد فرعونیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱- ۶۴. قَالَ لَهُم مُّوسَى وَيْلَكُمْ لَاتَفْتَرُواْ عَلَى اللَّهِ كَذِباً فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى فَتَنَازَعُواْ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّواْ النَّجْوَى قَالُواْ إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى فَأَجْمِعُواْ كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُواْ صَفّاً وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى موسی به آن (ساحر) ان گفت: «وای بر شما! دروغ بر خدا نبندید، که شما را با عذابی ریشه کن می‌سازد؛ و بیقین کسی که [بر خدا دروغ بست، نومید گشت.»* و (ساحران) در مورد کارشان بین خود به نزاع برخاستند؛ و رازگویی (خود) را پنهان می‌داشتند.* (فرعونیان) گفتند: «مسلماً این دو، ساحرانی هستند که می‌خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و مذهب نمونه‌ی شما را از بین ببرند.* پس نقشه (ها) یتان را جمع‌آوری کنید، سپس در صفی (واحد به میدان) آیید، و بیقین امروز کسی که برتر شود، رستگار (و پیروز) شده است.» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در روز مبارزه‌ی موسی با ساحران سه گروه در میدان بودند: جادوگران که طبق نقل مفسران، تعداد آنان بین ۷۲ تا ۴۰۰ نفر یا بیش‌تر بوده است، «۱» فرعون و اطرافیان او و مردم تماشاچی؛ اما در طرف مقابل، فقط موسی و هارون بودند. ۲. موسی نخست با سخنانی بیدارگرانه، ضربه‌ای کوبنده بر وجدان جادوگران زد و گروهی از آنان را از خواب غفلت بیدار ساخت. او به آنان یادآور شد که اگر کسی برای خدا شریک قایل شود و به فرستاده‌ی او نسبت سحر دهد و فرعون را معبود خود بپندارد، مسلماً زیان کرده و گرفتار عذاب الهی می‌شود. ۳. سخنان بیدار گرانه‌ی موسی، قاطعیت، وقار و سادگی او چنان بر دل‌ها اثر کرد که در صحنه‌ی مبارزه ولوله‌ای افتاد و گروهی از ساحران در مورد موسی به تردید افتادند و در گوشی به هم‌دیگر می‌گفتند شاید او پیامبر باشد. «۲» ۴. طرف‌داران فرعون پس از آن که تردید و کشمکش ساحران را دیدند، به تقویت روحیه و تحریک آنان پرداختند و بار دیگر تهمت جادوگری به موسی و هارون زدند و حسّ میهن‌دوستی ساحران را تحریک کردند. ۵. در این آیات بیان

شده که فرعونیان در این جا سه تهمت به موسی و هارون زدند: نخست آن که گفتند: آنان جادوگرند؛ دوم آن که گفتند: آنها می‌خواهند شما را از میهنتان بیرون کنند و سوم آن که آنها می‌خواهند آیین عالی شما را از میان ببرند و با مقدّسات شما بازی کنند. ۶. در این آیات بیان شده که فرعونیان به ساحران گفتند: «در صف واحدی قرار گیرید و اتحاد خود را حفظ کنید.» چرا که می‌دانستند این اتحاد رمز پیروزی است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۶۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس بر خدا دروغ بندد، در نهایت گرفتار شکست و ناامیدی و زیانکاری می‌شود. ۲. هشدارهای الهی را بیان کنید، که ممکن است در دل برخی از مخالفان حق اثر کند و آنها را بیدار سازد. ۳. طاغوتیان از شیوه‌های تحریک حسّ میهن‌دوستی و تهمت مخالفت با آیین و جادوگری استفاده می‌کنند (پس برای مقابله با آنان آماده باشید). ۴. اهل باطل آیین خود را عالی و نمونه می‌خوانند و در صف واحد با شما مبارزه می‌کنند (پس شما نیز در دین حق متحد باشید). ***

حقیقت سحر چیست؟

قرآن کریم در آیات شصت و پنجم و شصت و ششم سوره‌ی طه به مبارزه‌ی موسی و جادوگران و سحر خیال‌انگیز آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۵ و ۶۶. قَالُواْ یمُوسَی إِمَّآ أَن تُلْقِیَ وَإِمَّآ أَن نَّکُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَی قَالَ بَلْ أَلْقُواْ فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِیُّهُمْ یُخَیَّلُ إِلَیْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَی (ساحران) گفتند: «ای موسی! یا این که (تو اول عصایت را) می‌افکنی، و یا این که (ما) نخستین کسی باشیم که می‌اندازیم؟!»* (موسی) گفت: «بلکه (شما) بیفکنید.» و ناگهان ریسمان‌هایشان و عصاهای آنان بر اثر سحرشان در خیال او (چنان) می‌نمود، که آنها در جنب‌وجوشند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اثر سخنان تحریک‌آمیز فرعونیان و تهمت‌های آنها، جادوگران همگی مصمم شدند که با موسی مبارزه کنند و از این رو به او پیشنهاد کردند که مبارزه شروع شود. ۲. ساحران به موسی پیشنهاد کردند که نخست او شروع کند و گرنه آنها تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۰ شروع کنند. این پیشنهاد جادوگران یا به خاطر آن بود که اعتماد به نفس خود را در برابر مردم اظهار کنند و بگویند که ما آن‌قدر توانمندیم که برای ما تفاوتی ندارد که چه کسی شروع کند و یا این برای احترام به موسی علیه السلام بود. برخی از مفسران معتقدند که همین احترام آنها به موسی بعداً زمینه‌ساز هدایت و نجات آنان شد و از این رو توفیق پیدا کردند که ایمان بیاورند. «۱» ۳. موسی علیه السلام به ساحران گفت اول آنها وسایل سحرشان را بیندازند؛ چون اولًا او به پیروزی خود اطمینان داشت؛ ثانیاً، می‌دانست که معمولًا در این مبارزات کسی پیروز می‌شود که پیشقدم نمی‌شود. و ثالثاً، این دعوت موسی از ساحران مقدمه‌ی آشکار شدن حق بود و این مقدمه واجب به شمار می‌آمد. ۴. ساحران زیاد بودند و عصاها و طناب‌های زیادی داشتند که مواد شیمیایی همچون جیوه داخل آنها ریخته بودند که در اثر حرارت به نظر می‌رسید که حرکت می‌کنند و یک‌باره همه‌ی این‌ها را به وسط میدان انداختند و صحنه‌ی عجیب، وحشت‌آور و خیال‌انگیزی را به وجود آوردند و غریو شادی فرعونیان برخاست و گروهی از وحشت فریاد زدند و خود را عقب کشیدند. ۵. «سحر» در اصل به معنای هر کار و چیز لطیف و دقیق است که خاستگاهش پنهان باشد، اما در اصطلاح به کارهای خارق العاده‌ای می‌گویند که با استفاده از وسایل مختلفی انجام می‌گیرد؛ گاهی به صورت نیرنگ و چشم بندی و تردستی و گاهی همراه با تلقین است و گاهی با استفاده از خواص فیزیکی و شیمیایی برخی اجسام و گاهی از طریق ارتباط با شیطان‌ها و جن‌ها. «۲» البته سحر از نظر اسلام ممنوع و از گناهان کبیره به شمار می‌آید. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر به مردان الهی احترام بگذارید، زمینه‌ساز توفیق و هدایت شما می‌شود. ۲. برخی اقسام جادوگری نوعی خیال انگیزی است که با استفاده از نیرنگ صورت می‌گیرد (پس فریب ساحران را نخورید). *** قرآن کریم در آیات شصت و هفتم و شصت و هشتم سوره‌ی طه به بیمناک شدن موسی و دل‌داری خدا به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۷ و ۶۸. فَأَوْجَسَ فِی نَفْسِهِ خِیفَةً مُّوسَی قُلْنَا لَاتَخَفْ إِنَّکَ أَنتَ الْأَعْلَی و موسی در دل خود ترسی احساس کرد (که مبادا مردم گمراه شوند.)* گفتیم: «نترس، که تنها تو برتری. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «أوجَسَ» در اصل به

معنای صدای پنهان است و در این جا به معنای احساس پنهانی و دورنی است و از تعبیرات آیه استفاده می‌شود که ترس موسی، سطحی و اندک بوده است. «۱» ۲. موسی با این که پیامبر الهی بود، اما ترسید، ولی ترس او از صحنه‌ی رعب‌انگیز جادوگری نبود، بلکه او بیمناک بود که مبادا مردم تحت تأثیر این صحنه واقع شوند و جذب فرعونیان شوند، به طوری که بازگرداندن آنها آسان نباشد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی (نگران سرنوشت مردم خود باشند، ولی) از دشمن نهراسند. ۲. مأموران و فرستادگان الهی در نهایت پیروز می‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و نهم سوره‌ی طه به معجزه‌ی عصای موسی و شکست ساحران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۹. وَأَلْقِ مَا فِی یَمِینِکَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُواْ إِنَّمَا صَنَعُواْ کَیْدُ سِحرٍ وَلَا یُفْلِحُ السَّاحِرُ حَیْثُ أَتَی و آنچه را در دست راستت هست بیفکن، تا آنچه را با زیرکی ساخته‌اند به سرعت ببلعد؛ در حقیقت آنچه را بازیرکی ساخته‌اند، نیرنگ جادوگر است؛ و ساحر هر کجا آید رستگار (و پیروز) نخواهد شد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه می‌گوید «به موسی گفتیم آنچه را در دست راست داری بیفکن.»، و مستقیماً نفرمود که عصای خودت را بیفکن. این تعبیرات شاید به عنوان بی‌اعتنایی به عصا باشد؛ یعنی عصا بودن مهم نیست، مهم اراده و فرمان خداست که اگر او اراده کند هر چه در دست داری معجزه‌آسا و با سرعت و مهارت، افسون‌های ساحران را می‌رباید و می‌بلعد. «۱» ۲. در این آیه به یکی از تفاوت‌های معجزه با سحر، یعنی قابل شکست بودن سحر اشاره شده است. معجزه با سحر تفاوت‌های عمده‌ای دارد که عبارت‌اند از: الف) معجزه شکست‌ناپذیر است، ولی سحر مغلوب جادوی قوی‌تر تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۳ از خود واقع می‌شود. ب) جادو متکی به نیروی محدود انسان است، اما معجزه بر قدرت بی‌پایان الهی تکیه دارد. ج) سحر، بر اساس تمرین و آموزش به دست می‌آید، اما معجزه این‌گونه نیست. د) ساحران نمی‌توانند بر اساس پیشنهاد مردم کاری بکنند بلکه بر اساس تمرین‌های قبلی خود عمل می‌کنند، اما پیامبران معجزات مهمی در پاسخ مردم حق‌طلب می‌آورند. ه) سحر بر اساس نیرنگ و از افراد منحرف صادر می‌شود، اما معجزه بر اساس راستی و از افراد پاک صادر می‌شود. «۱» ۳. در این آیه به این قانون کلی اشاره شده است که ساحران در هر کجا باشند پیروز نخواهند شد؛ چون جادوی آنان متکی بر نیروی محدود انسانی و بر اساس نیرنگ و باطل استوار است و سرانجام باطل شکست است. ۴. مخالفان دین، با نیرنگ سحر به جنگ پیامبران می‌آمدند و با زیرکی در تصورات و خیالات مردم نفوذ می‌کردند و آنها را فریب می‌داند، اما سرانجام شکست می‌خوردند. ۵. در این آیه از واژه‌ی «صَنَعُوا» برای سحر استفاده شده است؛ یعنی سحر نوعی صنعت و کار است که با زیرکی ساخته و پرداخته می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جادو و جادوگری، همواره محکوم به شکست است. ۲. با امداد الهی، با افسون‌ها مقابله کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۴ قرآن کریم در آیات هفتادم و هفتاد و یکم سوره‌ی طه به ایمان آوردن ساحران و تهدیدات فرعون نسبت به آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۰ و ۷۱. فَأُلْقِیَ السَّحَرَةُ سُجَّداً قَالُواْ ءَامَنَّا بِرَبِّ هرُونَ وَمُوسَی قَالَ ءَامَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَکُمْ إِنَّهُ لَکَبِیرُکُمُ الَّذِی عَلَّمَکُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَیْدِیَکُمْ وَأَرْجُلَکُم مِّنْ خِلفٍ وَلَأُصَلِّبَنَّکُمْ فِی جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَیُّنَآ أَشَدُّ عَذَاباً وَأَبْقَی (عصای موسی افسون‌ها را بلعید،) و ساحران سجده‌کنان (به زمین) در افتاده، گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم.»* (فرعون) گفت: « [آیا] پیش از آن که به شما رخصت دهم به او ایمان آوردید؟! قطعاً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است؛ پس حتماً دستانتان و پاهایتان را بر خلاف (یکدیگر) قطع می‌کنم؛ و قطعاً شما را بر تنه‌های درختان خرما به دار می‌آویزم؛ و حتماً خواهید دانست که عذاب کدام یک از ما شدیدتر و پایدارتر است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وقتی موسی عصای خود را به فرمان خدا افکند، به مار اژدها گونه‌ای تبدیل شد و تمام وسایل جادوگری ساحران را به سرعت بلعید و غوغایی میان مردم برخاست و فرعون و فرعونیان تعجب کردند و وحشت زده شدند. اما ساحران که متخصص جادوگری بودند و تفاوت معجزه و سحر را می‌دانستند، متوجه شدند که این معجزه‌ی موسی است و او پیامبر خداست؛ از این رو بلافاصله ایمان آوردند و به سجده افتادند. ۲. ساحران گذشته که مؤمنان جدید بودند، نه تنها به ایمان خود اعتراف کردند، بلکه اعلام کردند که پروردگار موسی و هارون را قبول دارند، تا اگر کسی به خاطر کارهای آنان گمراه و به

موسی و هارون بد بین شده است، متوجه شود و باز گردد و مسئولیتی بر دوش آنان نماند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۵ ۳. ایمان آوردن ساحران ضربه‌ی سنگینی بر پیکر فرعون بود؛ چون کسانی که از سراسر کشور برای مبارزه با موسی گردآورده بود، خود در صف اول یاران موسی قرار گرفتند، از این رو سخت برآشفت و واکنش شتاب‌زده‌ای از خود نشان داد و دست به تهمت و تهدید زد. ۴. فرعون گفت: چرا قبل از آن که من به شما رخصت دهم، به خدای موسی ایمان آوردید؟! این جمله‌ی فرعون نشان می‌دهد که او مدعی بود که نه تنها بر مال و جان مردم حکومت دارد، بلکه بر فکر و روح و قلب آنان نیز حاکم است. ۵. فرعون به موسی تهمت جدیدی زد و گفت: «او استاد شماست» و این نوعی تهمت به افراد تازه ایمان آورده نیز به شمار می‌آمد. هر چند فرعون خود می‌دانست که چنین مطلبی صحت ندارد و اگر موسی استاد ساحران بود در همه‌ی مصر شناخته می‌شد، اما این را برای آن گفت که زمینه‌ی تهدیدها و مجازات‌های بعدی را فراهم سازد. ۶. قبلًا موسی ساحران را تهدید کرده بود که اگر بر خدا دروغ ببندید، شما را مجازات می‌کند و حال فرعون گفت: «من دست و پای شما را قطع می‌کنم و شما را بر درختان نخل آویزان می‌کنم، تا بدانید که عذاب من یا عذاب خدای موسی کدام‌یک دردناک‌تر و پایدارتر است.» ۷. مجازاتی که فرعون انتخاب کرد، یعنی قطع کردن دست راست و پای چپ و بر عکس و نیز آویزان کردن از درختان نخل، برای آن بود که در این حالات افراد دیرتر می‌مردند و این نوع اعدام دردناک‌تر و شکنجه‌آورتر بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افراد متخصص، معجزات الهی را زودتر تشخیص می‌دهند و ایمان می‌آورند. ۲. جبّاران در برابر منطق رهبران الهی و ایمان آوردن آزادانه‌ی مردم، به تهمت و تهدید روی می‌آورند و با خشونت و قساوت برخورد می‌کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۶ قرآن کریم در آیات هفتاد و دوم و هفتاد و سوم سوره‌ی طه پاسخ کوبنده‌ی ساحران به فرعون را بیان می‌کند و امید و ایمان محکم آنان را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۷۲ و ۷۳. قَالُواْ لَن نُّؤْثِرَکَ عَلَی مَا جَآءَنَا مِنَ الْبَیِّنتِ وَالَّذِی فَطَرَنَا فَاقْضِ مَآ أَنتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِی هذِهِ الْحَیَوةَ الدُّنْیَآ* إِنَّآ ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِیَغْفِرَ لَنَا خَطینَا وَمَآ أَکْرَهْتَنَا عَلَیْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَیْرٌ وَأَبْقَی (ساحران) گفتند: «تو را بر دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) که برای ما آمده و کسی که ما را آفریده، بر نمی‌گزینیم (و ترجیح نمی‌دهیم.) پس بر اساس آنچه تو داوری می‌کنی، حکم نما، [چرا که تنها، در این زندگی پست (دنیا) حکم می‌رانی.* در حقیقت ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا خطاهای ما و آنچه را از سحر، که بر آن وادارمان کردی، بر ما بیامرزد؛ و خدا بهتر و پایدارتر است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ساحران مؤمن شده در این جملات پاسخ کوبنده‌ای به فرعون دادند و اشاره کردند که اولًا، ما این هدایتی را که یافته‌ایم با هیچ چیز معاوضه نمی‌کنیم؛ ثانیاً، از تهدیدات تو هراسی نداریم؛ و ثالثاً، قلمرو حکومت تو همین دنیای زودگذر است. ۲. ساحران مؤمن شده، با این جملات ثابت کردند که از تهدیدهای فرعون مرعوب نشده‌اند و ایمان آنها بسیار محکم است. این شاید به خاطر آن بود که آن ساحران متخصص در فن سحر بودند و تفاوت سحر و معجزه را به خوبی درک می‌کردند و لذا ایمانشان آگاهانه و قاطعانه بود. ۳. در این آیات بیان شده که هدف ساحران از ایمان آوردن پاک شدن از خطاها و گناه جادوگری است؛ یعنی آنها می‌خواستند زندگی آلوده‌ی گذشته‌ی خود را رها سازند و راه سعادت را در پیش بگیرند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۷ ۴. ساحران با اکراه و تحمیل فرعون به مبارزه‌ی موسی آمده بودند «۱» و رضایت باطنی به این کار نداشتند، به ویژه هنگامی که موسی در روز مقابله سخنانی گفت و آنان را به تردید انداخت و حتی در میانشان تنازع شد، «۲» ولی مأموران فرعون باز هم آنان را به صحنه‌ی مبارزه با موسی بازگرداندند. البته مأموران فرعون برای تشویق ساحران جایزه و پاداش هم تعیین می‌کردند، ولی این مطلب منافاتی با اجبار ساحران نداشت. ۵. «فَطَر» در این آیه ممکن است سوگند و یا عطف به جمله‌ی قبل باشد؛ یعنی: «ما هرگز تو را بر دلایل روشن و بر خدایی که ما را آفریده است مقدم نخواهیم داشت.» البته برخی از مفسران با ترجیح معنای اول این واژه را اشاره به فطرت توحیدی نیز دانسته‌اند. «۳» ۶. از مجموع این آیات و ایمان آوردن آزادانه و قاطعانه‌ی ساحران در حضور فرعون استفاده می‌شود که انسان دارای اراده‌ای آزاد و انقلابی است که محیط نمی‌تواند چیزی را بر او تحمیل کند و جبر محیط افسانه‌ای بیش نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آگاهی سرچشمه‌ی ایمان محکم

می‌شود. ۲. در برابر دلایل منطقی و روشن تسلیم شوید و فرمان سلطان را بر تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۸ برهان مقدم نکنید. ۳. مخالفان دین با ایمان آوردن، خطاهای گذشته‌ی خود را جبران کنند تا مشمول آمرزش الهی شوند. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و چهارم تا هفتاد و ششم سوره‌ی طه به فرجام عذاب‌آلود خلافکاران و عاقبت نیک مؤمنان شایسته کردار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۴– ۷۶. إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِماً فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَايَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى وَمَن يَأْتِهِ مُؤْمِناً قَدْ عَمِلَ الصلِحتِ فَأُوْلئِكَ لَهُمُ الدَّرَجتُ الْعُلَى جَنتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهرُ خلِدِينَ فِيهَا وَذلِكَ جَزَآءُ مَن تَزَكَّى که هر کس خلافکار به محضر پروردگارش آید، پس در واقع جهنّم برای اوست؛ در حالی که در آن جا نه می‌میرد و نه (در خوشی) زنده می‌ماند. * و هر کس به محضر او آید، در حالی که مؤمن است [و کارهای شایسته انجام داده باشد، پس آنان، رتبه‌های عالی برای شان (آماده) است.* (همان) بوستان‌های (ویژه بهشتِ) ماندگار، که نهرها از زیر [درختان]- ش روان است، در حالی که در آن جا ماندگارند؛ و این پاداش کسی است که پاک شود (و رشد نماید). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این سه آیه ممکن است ادامه‌ی سخنان ساحرانِ مؤمن شده و یا مطالب مستقلی از طرف خدا برای تکمیل مطالب ساحر باشد. البته مطالب این سه آیه و شرحی که درباره‌ی سرگذشت مؤمنان و خلافکاران بیان شده، مطالبی عالی است و بعید است ساحران در این مدت کوتاهی که ایمان آوردند از این علوم اطلاع یافته باشند، مگر آن که خدا به آنها الهام کرده و بر زبانشان جاری ساخته باشد. «۱» ۲. این آیه مؤمنان را در برابر مجرمان قرار داد و فرجام آنان را مقایسه کرد. از این مقابله روشن می‌شود که مقصود از مجرمان در این آیه، خلافکاران بی‌ایمان هستند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۷۹ ۳. مجرمان در دوزخ در میان مرگ و زندگی دست و پا می‌زنند و حیات آنها از مرگ نیز تلخ‌تر است. ۴. در این آیات نیز قرآن از روش مقایسه و مقابله‌ی دو گروه استفاده کرده و این یکی از روش‌های تربیتی قرآن است که با تصویر سرنوشت مؤمنان و غیرمؤمنان، مردم را بر سر دوراهی انتخاب قرار می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام نیک مؤمنان و فرجام عذاب‌آلود مجرمان روشن است (پس شما بنگرید که کدام راه را انتخاب کرده‌اید). ۲. پاداش مؤمنان پاک و رشدیافته درجات عالی و بهشت جاودان است. ۳. اگر بهشت ویژه می‌خواهید، خودتان را تزکیه کنید. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و هفتم تا هفتاد و نهم سوره‌ی طه به نجات بنی‌اسرائیل و غرق‌شدن فرعونیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۷– ۷۹. وَلَقَدْ أَوْحَيْنَآ إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِى فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقاً فِى الْبَحْرِ يَبَساً لَاتَخفُ دَرَكاً وَلَا تَخْشَى فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ* وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى و در حقیقت به موسی وحی کردیم که: «بندگانم را (از مصر) شبانه حرکت ده؛ و برای آنان راهی خشک در دریا بزن؛ در حالی که از تعقیب (فرعونیان) نمی‌ترسی و (از غرق شدن نیز) نمی‌هراسی.»* و فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کردند، و دریا آنان را فرا گرفت؛ با آن‌چنان (امواجی که) آنها را پوشانید.* و فرعون قومش را گمراه کرد؛ و راه‌نمایی نکرد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وقتی موسی بر ساحران پیروز شد و حقانیّت او آشکار گشت، بسیاری از مردم دین یهود را پذیرفتند، ولی اکثریت قبطیان که پیرو فرعون بودند، روی برتافتند و مبارزه‌ی اکثریت با اقلیت حق‌طلب آغاز شد، و حوادث تلخ و شیرینی به وجود آمد تا این که خدا به موسی فرمان داد به همراه بنی اسرائیل از مصر به طرف صحرای سینا و فلسطین حرکت کند. او شبانه به راه افتاد و فرعون نیز با لشکریانش به تعقیب آنها پرداخت تا این که به کنار دریا رسیدند «۱» و در محاصره‌ی لشکر دشمن و آب قرار گرفتند؛ پس خدا فرمان داد که موسی به صورت معجزه، راهی در میان دریا بگشاید و بنی اسرائیل را از آن عبور دهد. پس از ورود بنی‌اسرائیل در آن راه، فرعون و لشکرش نیز بدون توجه به این معجزه‌ی بزرگ موسی، به تعقیب بنی‌اسرائیل پرداختند و وارد آن راه در کف دریا شدند. این هنگامی بود که بنی اسرائیل از طرف دیگر دریا خارج شدند و ناگهان فرمان الهی برای هلاکت فرعون و فرعونیان فرارسید و همگی در زیر امواج خروشان دریا پنهان شدند تا درس عبرتی برای همه‌ی طاغوت‌ها در همه‌ی اعصار باشد. «۲» ۲. راهی که در وسط دریا گشوده شد، کاملًا خشک شده بود تا این که بنی اسرائیل، به صورت مطمئن در آن گام نهند. بنابراین، ممکن است مقصود از جمله‌ی «از دَرَک «۳» نترس» این باشد که از محاصره‌ی فرعونیان نترس. «۴» تفسیر

قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۱ ۴. در این آیات بیان شده که فرعون نه تنها قوم خویش را گمراه ساخت، بلکه بعد از مشاهده‌ی معجزات الهی و گشوده شدن آب دریا و پی بردن به اشتباه خود نیز تلاش نکرد بار دیگر بنی‌اسرائیل را هدایت کند «۱» و بر اشتباه خود اصرار ورزید و لجاجت کرد و آنها را به میان امواج رودخانه برد و همه را هلاک ساخت. «۲» این یکی از تفاوت‌های رهبران حق و باطل است که رهبران حق اگر در رهبری خویش اشتباه کردند بدان اقرار می‌کنند و مردم را آگاه می‌سازند و آنها را از راه انحرافی به راه حق باز می‌گردانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در نهایت، خدا بندگان خود را نجات می‌دهد و دشمنان خود را هلاک می‌سازد. ۲. رهبر باطل‌گرا، مردم را به سوی گمراهی می‌کشاند و (پس از توجه به اشتباه خود، باز هم) آنها را هدایت نمی‌کند. ۳. از هلاکت فرعونیان درس عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتادم سوره‌ی طه نعمت‌های خدا را بر بنی‌اسرائیل برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۸۰. يَبَنِى إِسْرِءِيلَ قَدْ أَنجَيْنَكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوعَدْنكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى ای بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) بیقین شما را از (چنگ) دشمنتان نجات بخشیدیم؛ و در طرف راست (کوه) طور، با شما وعده گذاشتیم، و تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۲ خوراکی [عسل مانند] و مرغانی [بلدرچین گونه بر شما فرستادیم؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اولین نعمت را آزادی و رهایی ملت بنی اسرائیل اعلام می‌کند؛ زیرا رهایی از چنگ مستکبران و سلطه‌طلبان و کسب استقلال و آزادی، اساس هر گونه فعالیت مثبت است. ۲. این آیه دومین نعمت را نعمت مکان معنوی معرفی کرده است که بنی اسرائیل را به کنار راست کوه مقدس طور دعوت کردند. این مطلب اشاره به میعادگاه طور است که موسی به همراه گروهی از بنی اسرائیل به آن میعادگاه رفتند و الواح تورات به موسی علیه السلام نازل شد و جلوه‌ی خاص خدا را مشاهده کردند. «۱» ۳. سومین نعمت الهی که در این آیه بیان شده، نعمت غذای نیکوست که برای بنی اسرائیل آماده شده بود. «مَن» و «سَلوی اشاره به دو غذای خوشمزه و نیروبخش است که یکی شبیه عسل طبیعی و دوم گوشت نوعی پرنده شبیه بلدرچین بود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به یاد نعمت‌های الهی باشید (تا سپاس آنها را به جا آورید.) ۲. مهم‌ترین نعمت‌های الهی بر یک ملت نعمت آزادی، معنویت و غذای نیکوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۳ قرآن کریم در آیات هشتاد و یکم و هشتاد و دوم سوره‌ی طه با دادن هشدار به طغیانگران بنی اسرائیل و مژده به مؤمنان شایسته‌کار، می‌فرماید: ۸۱ و ۸۲. كُلُواْ مِن طَيِّبتِ مَا رَزَقْنَكُمْ وَلَا تَطْغَوْاْ فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِى وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِى فَقَدْ هَوَى وَإِنِّى لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صلِحاً ثُمَّ اهْتَدَى (و گفتیم:) از [خوراکی‌های پاکیزه (از) آنچه به شما روزی داده‌ایم، بخورید، و در (مورد) آن طغیان مَکنید، که خشم من بر شما روا می‌شود و هر کس خشم من بر او روا شود، پس یقیناً سقوط می‌کند.* و قطعاً من بسیار آمرزنده هستم کسی را که توبه کند و ایمان آورد، و [کار] شایسته انجام دهد، سپس راه یابد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه فرمان داده شده که از نعمت‌های پاکیزه‌ی الهی بخورید و در مورد آنها طغیان نکنید. مقصود از طغیان در نعمت‌ها آن است که انسان آنها را در راه سعادت خود و اطاعت پروردگار استفاده نکند و وسیله‌ای برای ناسپاسی و گناه و گردنکشی قرار دهد. ۲. «هَوی در اصل به معنای سقوط از بلندی است که معمولًا نتیجه‌اش نابودی است و در این جا مقصود آن است که هر کس مورد خشم خدا واقع شود، از مقام قُرب الهی و درگاه او رانده می‌شود که این سقوط مقامی است. ۳. در این آیات دو قانون کلی بیان شده است: نخست این که، هر کس مورد خشم خدا واقع شود سقوط می‌کند. و دوم آن که هر کس بازگردد و هدایت را برگزیند و شایسته کار شود، و ایمان آورد، مشمول آمرزش الهی می‌شود. ۴. در آیه‌ی دوم چهار شرط برای آمرزش گردنکشان گناهکار بیان شده است: تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۴ الف) بازگشت به سوی خدا و توبه کردن از گذشته که شست‌وشوی روح انسان را در پی دارد؛ ب) تابیدن نور ایمان در دل انسان؛ ج) شکوفا شدن ایمان به وسیله‌ی کردار شایسته؛ د) پایدار ماندن بر راه هدایت و پذیرش رهنمود رهبران الهی. ۵. هدایتی که در آیه‌ی اخیر بیان شده است، مرحله‌ای پس از ایمان و عمل صالح است. مفسران قرآن در این مورد چند دیدگاه دارند: برخی برآنند که مقصود از این هدایت، همان پایداری بر راه ایمان و کردار شایسته است که انسان توبه‌کار بار دیگر به قلمرو گناه بازنگردد. و برخی دیگر از مفسران برآنند که

واژه‌ی هدایت در این جا اشاره به پذیرش ولایت رهبران الهی است که در زمانی موسی علیه السلام و در زمانی دیگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام رهبر جامعه هستند که یکی از ارکان دین است. البته این دو تفسیر با هم‌دیگر منافاتی ندارند، بلکه لازم و ملزوم هم‌دیگرند. ۶. در برخی از احادیث از امام باقر علیه السلام روایت شده که مقصود از این هدایت، همان ولایت اهل بیت علیهم السلام است؛ سپس افزودند: به خدا سوگند! اگر کسی تمام عمر خود را در میان رکن و مقام (نزدیک کعبه) عبادت کند، سپس از دنیا برود، در حالی که ولایت ما را نپذیرفته باشد، خدا او را با صورت در آتش خواهد افکند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۵ البته مضمون این حدیث از طریق اهل سنت نیز حکایت شده است «۱» و مقصود همان است که در هر زمانی ولایت پیامبر و امام بر حق، شرط قبولی اعمال مؤمنان و آمرزش آنهاست و پیروی نکردن از ولایت رهبران الهی سبب انحراف مردم می‌شود، همان طور که بنی‌اسرائیل به گوساله‌پرستی افتادند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از غذاهای پاکیزه بخورید (و سپاس خدای آفریننده‌ی آنها را به جا آورید) و راه ناسپاسی و طغیان نپیمایید. ۲. طغیانگران مورد خشم خدا قرار می‌گیرند و سقوط می‌کنند. ۳. آمرزش گناهکاران چهار شرط دارد: توبه، ایمان، کردار شایسته و پذیرش هدایت (ولیّ خدا). *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۶

غوغای سامری

قرآن کریم در آیات هشتاد و سوم تا هشتاد و پنجم سوره‌ی طه به گفتمان خدا با موسی و عشق او به مناجات پروردگار و آگاه کردن موسی از فتنه‌ی سامری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۳- ۸۵. وَمَآ أَعْجَلَکَ عَن قَوْمِکَ یمُوسَی قَالَ هُمْ أُوْلَآءِ عَلَی أَثَرِی وَعَجِلْتُ إِلَیْکَ رَبِّ لِتَرْضَی قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَکَ مِن بَعْدِکَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِیُ ای موسی! چه چیز تو را نسبت به قومت به عجله وا داشت؟* (موسی) گفت: «آنان همانهایی هستند که در پی منند؛ و به سوی تو شتافتم، پروردگارا، تا خشنود شوی.»* (خدا) فرمود: «پس ما قطعاً قومت را بعد از تو، آزمودیم و سامری، آنان را گمراه ساخت.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دوره‌ی مهمی از زندگی موسی و بنی‌اسرائیل اشاره شده است؛ یعنی هنگامی که موسی با بنی‌اسرائیل از چنگ فرعونیان رهایی یافتند و از مصر و رود نیل عبور کردند و به صحرای سینا رسیدند، موسی به همراه گروهی از بزرگان و نمایندگان بنی‌اسرائیل به میعادگاه طور رفت تا آنان را با معارف الهی و حقایق خداشناسی و وحی آشناتر سازد، اما موسی به خاطر شوق مناجات با پروردگار و شنیدن آهنگ وحی، با شتاب بیش‌تری حرکت کرد و زودتر به میعادگاه رسید و از این رو خدا از او پرسید، چرا در آمدن به این جا شتاب کردی و قومت را پشت سر گذاشتی؟! و او که صدای محبوب خویش را شنیده بود، عاشقانه، به ابراز محبت پرداخت و گفت: من زودتر آمدم تا تو را خشنود سازم. این مناجات و ملاقات سی روز ادامه یافت، سپس ده روز دیگر تمدید شد. در این میان فردی به نام سامری با سوء استفاده از این فرصت (غیبت موسی) گروه زیادی از بنی اسرائیل را به گوساله‌پرستی دعوت کرد و آنها را گمراه ساخت و خدا خبر این فتنه را به موسی علیه السلام داد. ۲. واژه‌ی «سامری» در اصل به زبان عبری «شَمری» است، ولی هنگامی تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۷ که به زبان عربی منتقل شده «شین» تبدیل به «سین» شد؛ یعنی سامری منسوب به شمرون، فرزند یشاکر، چهارمین نسل یعقوب است. «۱» او مردی باهوش، خودخواه و منحرف بود که با جرأت و مهارت خاصی توانست اکثریت بنی اسرائیل را گمراه سازد. او با طلاهایی که بنی‌اسرائیل از مصر آورده بودند، گوساله‌ای ساخت که با ترفندی خاص صدایی از آن خارج می‌شد و به این ترتیب، مردمی را که مایل به بت پرستی بودند، به گوساله پرستی کشاند. «۲» ۳. بنی‌اسرائیل پیروان موسی علیه السلام شده بودند، اما هنوز زمینه‌های شرک و بت‌پرستی در برخی از آنان وجود داشت و پس از عبور از رود نیل، با دیدن صحنه‌ی بت‌پرستی و گاوپرستی برخی از اقوام، این زمینه در آنها تقویت شد، به طوری که از موسی علیه السلام خواستند برای آنان بتی همانند آنان بسازد. وقتی موسی به کوه طور رفت و مناجات او ده روز تمدید شد، منافقان شایعه‌ی مرگ موسی را رواج دادند و این خبر نیز

زمینه‌ی انحراف بنی اسرائیل را بیش‌تر تقویت کرد و جهل مردم بنی‌اسرائیل و زیرکی سامری سبب شد که در مدت کوتاهی از قلّه‌ی توحید، به دامان شرک و کفر سقوط کنند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردان الهی، عاشق مناجات با خدا هستند. ۲. اگر رهبران بزرگ الهی در جامعه نباشند، سردمداران گمراهی از فرصت سوء استفاده می‌کنند و مردم را گمراه می‌سازند. ۳. خدا ایمان مردم را با افراد گمراه کننده می‌آزماید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۸ قرآن کریم در آیات هشتاد و ششم و هشتاد و هفتم سوره‌ی طه به خشم و ناراحتی موسی علیه السلام از انحراف بنی اسرائیل و عذرتراشی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۶ و ۸۷. فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَنَ أَسِفاً قَالَ يقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْداً حَسَناً أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِى* قَالُواْ مَآ أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلكِنَّا حُمِّلْنَآ أَوْزَاراً مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنهَا فَكَذلِكَ أَلْقَى السَّامِرِىُّ و موسی خشمناک [و] اندوهگین به سوی قومش بازگشت، [و] گفت: «ای قوم [من ! مگر پروردگارتان وعده‌ی نیکویی به شما وعده نداد؟! و آیا پیمان (جدایی من) بر شما طولانی شد، یا می‌خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما روا شود که با من خلف وعده کردید؟!»* گفتند: «به اختیار خود با تو خُلف وعده نکردیم، و لیکن بارهای سنگینی از زیور قوم (فرعون) بر ما نهاده شده بود، و آنها را افکندیم.» و سامری چنین القا کرد، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سامری طلاهایی را که مردم از مصر به همراه آورده بودند از آنها گرفت و گوساله‌ای ساخت و بسیاری از بنی‌اسرائیل را به گمراهی و گوساله‌پرستی کشاند. موسی با شنیدن این خبر با خشم به سوی بنی اسرائیل آمد، در حالی که شدیداً تأسف می‌خورد که چگونه در غیاب او زحماتش را به باد داده‌اند. ۲. موسی به مردم گفت: آیا پروردگار به شما وعده‌ی نیکویی نداده بود؟ مقصود از این وعده، همان وعده‌ی نزول تورات و بازگشت موسی به همراه احکام الهی یا وعده‌ی نجات و پیروزی بر فرعونیان و وارث حکومت زمین شدن و یا وعده‌ی آمرزش برای توبه کاران است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۸۹ البته مانعی ندارد که همه‌ی این موارد مقصود آیه باشد. «۱» ۳. موسی گفت: آیا به خاطر این که عهد ما به طول انجامید و از سی روز به چهل روز رسید، شما دست از ایمان برداشتید و گوساله‌پرستی را برگزیدید و نتوانستید در این مدت کوتاه خودتان را حفظ کنید، در حالی‌که شما معجزات الهی مرا با چشم خود دیده بودید! ۴. موسی گفت: شما می‌خواستید با خلف وعده با من و انجام کار زشت گوساله‌پرستی، خشم پروردگار را بر خود روا کنید. یعنی عمل شما چنان زشت است که گویا می‌خواستید خود را گرفتار خشم الهی کنید. ۵. در این آیات به وعده‌گاه موسی با بنی اسرائیل اشاره شده است، که شاید مقصود همان پیمان او با مردم باشد که بر خط توحید بمانند «۲» و تا آمدن موسی از طور از هارون پیروی کنند، ولی مردم با او خلف وعده کردند. «۳» ۶. چگونه بنی اسرائیل از روش فرافکنی استفاده کردند و تقصیر انحراف خود را به گردن سامری انداختند و گفتند: «ما به میل خود خلف وعده نکردیم.» البته سامری عامل گمراه کننده‌ای بود، اما تصمیم گیرنده‌ی نهایی خود مردم بودند که با میل باطنی خویش از او پیروی کردند و گوساله پرست شدند. ۷. بنی اسرائیل مقداری طلا و زیور آلات از مصر به همراه خود آورده تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۰ بودند و وقتی موسی به طور رفته بود، آنها را به دور انداختند و یا در آتش ریختند و سامری از این فرصت استفاده کرد و با طراحی نقشه‌ای ماهرانه، گوساله‌ای از آنها ساخت و مردم را فریب داد. البته ممکن است از جمله‌ی آخر این آیات استفاده شود که همه‌ی این کارها به القای سامری و طبق برنامه‌ریزی و تحریک او انجام شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی دلسوز و غم‌خوار ملت خویش هستند. ۲. با رهبران الهی خلف وعده نکنید که شما را گرفتار خشم الهی می‌کند. ۳. روش گناهکاران، بهانه‌تراشی و فرافکنی است. ۴. مراقب القائات گمراه کنندگان در جامعه باشید تا در دام آنها گرفتار نشوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۱ قرآن کریم در آیات هشتاد و هشتم و هشتاد و نهم سوره‌ی طه به‌فریبکاری سامری و دلایل عقلی بطلان گوساله پرستی اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۸ و ۸۹. فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَداً لَّهُ خُوَارٌ فَقَالُواْ هذَآ إِلهُكُمْ وَإِلهُ مُوسَىٰ فَنَسِىَ* أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرّاً وَلَا نَفْعاً و برای آنان مجسّمه‌ی گوساله‌ای که صدای گاو داشت، برون آورد؛ و گفتند: «این معبود شما، و معبود موسی است.» و فراموش کرد.* و آیا نمی‌بینند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان

نمی‌دهـد، و مالک هیـچ سود و زیانی برای آنان نیست؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سامری با اسـتفاده از فرصت طلایی غیبت موسی و با جمع‌آوری زیورآلات بنی اسـرائیل، توانست مجسمه‌ای شبیه گوساله بسازد و با استفاده از روشی خاص در جریان هوا، صدایی شبیه صدای گوساله از آن بیرون آورد و همین سـبب شد که ساده‌لوحان بنی اسـرائیل و گمراهان اطراف او به وجد آیند و خدای حقیقی را فراموش کنند و این گوساله را معبود خویش بخوانند. ۲. در این آیات به دلایل عقلی بطلان گوساله‌پرستی اشاره شده است و آن این که تنها شـنیدن صـدا از یک مجسـمه کافی نیست بلکه یک معبود واقعی باید بتواند به پرسـش‌های مردم پاسخ گوید و بر فرض که هم‌چون یک انسان بتوانـد به پرسـش‌ها پاسـخ بدهـد، باز هم کافی نیست بلکه بایـد صاحب اختیار سود و زیان مردم باشد و این گوساله نه سـخن می‌گوید و نه مالک سود و زیان کسی است؛ پس عقل انسان اجازه نمی‌دهد که او را بپرستد. ۳. اگر تعبیر «فَنَسِیَ» ادامه‌ی سـخن اطرافیان سامری باشد، مقصود آن است که موسـی فراموش کرد که به شـما بگوید این گوساله معبود شماست. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۲ و اگر این تعبیر جمله‌ی مستقلی از خـدا باشـد، مقصود آن است که سامری عهـد خویش با خدا و موسـی را فراموش کرد. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. گمراه کننـدگان از جهل و ساده‌لوحی مردم سوء اسـتفاده می‌کننـد؛ پس نقشه‌ها و ترفندهای آنان را افشا کنید تا مردم را به گمراهی نیندازند. ۲. با دقت بنگرید و با استدلال خدا را بشناسید تا در دام گمراه‌کنندگان گرفتار نشوید. ۳. خدایی را بپرستید که صاحب اختیار سود و زیان و پاسخ‌گوی نیازهای شماست. *** قرآن کریم در آیات نودم و نود و یکم سوره‌ی طه به سخنان باز دارنده‌ی هارون با بنی‌اسرائیل و لجاجت آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۰ و ۹۱. وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هرُونُ مِن قَبْلُ يقَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُم بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُواْ أَمْرِي* قَالُواْ لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى و در حقیقـت هـارون، از پیش بـه آنـان گفتـه بـود: «ای قـوم [من ! فقـط بوسـیله آن (گوسـاله) مـورد آزمـایش قرار گرفته‌ایـد؛ و در واقع پروردگار شـما (خـدای) گسترده‌مهر است؛ پس، از من اطاعت کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید.»* (بنی اسـرائیل) گفتند: «پیوسـته بر آن (گوسـاله پرستی) می‌مـانیم، تا موسـی به سوی ما باز گردد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسـی هنگـامی که برای مناجات به کوه طور می‌رفت، برادرش هارون را به عنوان جانشـین خود برگزید و در میان بنی اسـرائیل قرار داد و تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۳ سفارش‌هـای لازم را به او نمود. وقتی بنی اسـرائیل به انحراف و گوساله‌پرستی روی آوردنـد، هارون به مبارزه با آنان برخاست ولی سخنان او در دل اکثریت مردم مؤثر واقع نشد و او به همراه عده‌ی کمی که مؤمن و اسـتوار بودند، از آنها جدا شد و دوری گزید تا اختلـاط آنها به منزله‌ی امضای گوساله‌پرستی نباشـد. «۱» ۲. هـارون طی چهـار مرحله بـا گوساله‌پرستی مبارزه کرد: نخست به مردم اعلام کرد که این یک خط انحرافی است که میـدان آزمایش شـماست؛ و این هشـداری بود تا افراد غافل را بیدار کند. در مرحله‌ی دوم، آنهـا را به یـاد رحمت و بخشـش پروردگـار انـداخت تـا نعمت‌هـای الهی را بر خودشان به یاد آورنـد؛ نعمت آزادی از چنگ فرعونیـان، نعمـت وحـدت، نعمـت دین و هـدایت به توحیـد. یـادآوری این نعمت‌هـا تـأثیر عمیقی بر مردم می‌گـذاشت و آنهـا را به آمرزش خـدا امیـدوار می‌کرد. در مرحله‌ی سوم، مردم را متوجه مقـام نبوّت خویش و جانشـینی برادرش موسـی کرد. و در مرحله‌ی چهـارم، آنـان را بـا وظـایف الهی‌شـان آشـنا کرد و بـه آنـان گفـت کـه بایـد از فرمـان مـن پیروی کنیـد. ۳. بنی اسـرائیل شدیـداً به گوسـاله‌پرستی روی آورده بودنـد، به طوری که بـا لجـاجت در برابر دلایـل رهبر خود، هـارون ایسـتادند و بر گوسـاله‌پرستی اصـرار ورزیدند. شاید آن جاهلان امیدوار بودند که موسـی هم بیاید و انحراف آنان را تأیید کند و یا این که غیبت موسـی را بهانه‌ای برای ادامه‌ی انحراف خود قرار داده بودند. تفسـیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با حرکت‌های ضد انقلابی و ضد دینی مبارزه کنیـد و با تبلیغات خود مردم را بیـدار نمایید تا فریب منحرفان را نخورند. ۲. از جانشین پیامبرتان پیروی کنید. ۳. برخی از منحرفان لجوج هسـتند و در برابر رهبری می‌ایسـتند (شـما فریب آنها را نخوریـد و از آنها جـدا شوید). *** قرآن کریم در آیات نود و دوم تـا نود و چهـارم سوره‌ی طه به اعتراض موسـی به هـارون و پاسـخ او اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۹۲- ۹۴. قَالَ يهرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّواْ* أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي* قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَاتَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرءِيلَ

وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِی (موسی) گفت: «ای هارون! هنگامی که دیدی آنان گمراه شدند، چه چیزی تو را بازداشت،* که [از من پیروی کنی؟! و آیا دستور مرا نافرمانی کردی؟!»* (هارون) گفت: «ای فرزند مادر [م ! ریش من و (موی) سرم را نگیر؛ [چرا] که هراس داشتم که بگویی میان بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) تفرقه انداختی، و سخن مرا مراعات نکردی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی قبل از آن که به کوه طور برای مناجات برود، به برادرش هارون سفارش کرد که جانشین من در قوم بنی اسرائیل باش و در میان آنان به اصلاح بپرداز و از راه فسادگران پیروی نکن. «۱» ولی وقتی از کوه طور بازگشت و مسئله‌ی گوساله‌پرستی را دید، نخست با برادرش هارون برخورد کرد و تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۵ دست به سر و ریش او برد و با شدّت به او اعتراض کرد که چرا از روش و سخنان من پیروی نکردی و با گوساله‌پرستی و شرک مبارزه نکردی. «۱» ۲. هارون با شرک و گوساله پرستی بنی اسرائیل مبارزه کرده بود، و قرآن کریم سخنان او را در آیه‌ی نودم همین سوره‌ی حکایت می‌کند، اما موسی با هارون به شدت برخورد کرد تا بنی اسرائیل متوجه بزرگی گناه خود بشوند و بدانند که انحراف از توحید قابل چشم‌پوشی نیست و نیز با پاسخ هارون روشن شود که او مسامحه نکرده و بی‌گناه است. ۳. هارون برای کاستن از شدت ناراحتی موسی، نخست برخورد عاطفی کرد و به او با تعبیر «ای فرزند مادرم!» خطاب کرد، تا او را بر سر لطف آورد و بعداً پاسخ او را داد. ۴. هارون به موسی یادآوری کرد که تو به من دستور اصلاح داده بودی و اگر من با اکثریت بنی اسرائیل در گیر می‌شدم، ممکن بود بگویی چرا بین مردم تفرقه افکندی و سفارش مرا عمل نکردی. هارون در سخن دیگری که قرآن از او حکایت کرده می‌گوید: «این مردم بنی اسرائیل مرا تضعیف کردند و نزدیک بود که مرا بکشند.» «۲» و با این سخنان بی گناهی خود را ثابت کرد. ۵. هارون به خاطر بیم از اختلافات شدید اجتماعی، تا حدی کوتاه آمد و فقط مردم را نصیحت کرد، ولی اقدام عملی نکرد. این همان کاری بود که جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یعنی امام علی علیه السلام پس از آن حضرت کرد و با سکوت خود از اختلافات امت اسلام جلوگیری نمود، تا نهال اسلام در اوان جوانی به تفرقه و نابودی کشانده نشود. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مسئولان جامعه در برابر انحرافات مردم پاسخ‌گو هستند و لازم است که رهبری جامعه از آنها توضیح بخواهد. ۲. مسئولان باید مانع تفرقه در جامعه و شوند و از دستورات رهبری پیروی کنند. *** قرآن کریم در آیات نود و پنجم و نود و ششم سوره‌ی طه به گفت‌وگوی موسی با سامری و توجیه‌های او در مورد کار ناپسندش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۵ و ۹۶. قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يسمِرِيُّ* قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُواْ بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (موسی) گفت: «ای سامری، پس [جریان کار تو چه بود؟!»* (سامری) گفت: «به چیزی که (آنان) بدان شناخت نداشتند، بینش یافتم؛ و مشتی از آثار فرستاده [خدا] را برگرفتم، و آن را دور افکندم، و اینچنین نفس من (این کار را) برایم آراست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی در سه مرحله با گوساله‌پرستی مبارزه کرد: ابتدا به بنی اسرائیل اعتراض کرد؛ سپس با هارون برخورد کرد و به سراغ عامل اصلی انحراف یعنی سامری رفت و از او توضیح خواست و در نهایت با شدّت با او برخورد نمود. ۲. در مورد پاسخ سامری و این که مقصودش از «رسول» چه بوده است، مفسران دو دیدگاه دارند: الف) منظور همان موسی علیه السلام بود که در آغاز به بخشی از تعلیمات او ایمان آورد، سپس در آن تردید کرد و آن را به دور افکند و به سراغ بت‌پرستی رفت که نفس او در نظرش زینت داده بود. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۷ ب) منظور، جبرئیل بود که سامری از آثار او استفاده کرد و گوساله را به صدا در آورد. «۱» البته تفسیر اول را برخی از مفسران بزرگ ترجیح داده‌اند «۲» که بعید هم به نظر نمی‌رسد. ۳. در این آیه بیان شده که سامری اطلاعات و فنون و علومی داشت و با استفاده از آنها توانست گوساله‌ای بسازد که صدای گاو دهد و باعث انحراف مردم شود. از این مطلب استفاده می‌شود که سامری دانشمندی بود که منحرف شده بود. البته او یادآور شد که فریب نفس خود را خورده است و این اعمال زشت در نظر او زیبا جلوه داده شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی منحرفان را بازخواست کنند (و بعد از محاکمه و در صورت محکومیت، مجازات نمایند). ۲. علم بدون تقوا خطرناک است و دانشمندانی که تزکیه نشده و تابع هوای نفس باشند،

ممکن است جامعه را به سقوط بکشانند. ***** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۸ قرآن کریم در آیات نود و هفتم و نود و هشتم سوره‌ی طه به سخنان موسی در مورد تبعید سامری و بطلان شرک و اثبات توحید اشاره می کند و می فرماید: ۹۷ و ۹۸. قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَکَ فِی الْحَیَوةِ أَن تَقُولَ لَامِسَاسَ وَإِنَّ لَکَ مَوْعِداً لَّن تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَی إِلهِکَ الَّذِی ظَلْتَ عَلَیْهِ عَاکِفاً لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِی الْیَمِّ نَسْفاً* إِنَّمَآ إِلهُکُمُ اللَّهُ الَّذِی لَآإِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ کُلَّ شَیْءٍ عِلْماً (موسی) گفت: «پس برو، که در واقع بهره‌ی تو در زندگی این است که بگویی: «هیچ تماسی (با من مگیرید!)» و در حقیقت برای تو وعده گاه (عذابی) است، که از آن درباره تو تخلف نخواهد شد. و به معبودت که پیوسته بر (پرستش) آن ملازم بودی، بنگر؛ قطعاً آن را می‌سوزانیم سپس (ذرّاتِ) آن را کاملًا جدا کرده و در دریا پراکنده می‌سازیم.* معبود شما تنها خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست؛ علم (او) بر همه چیز گسترده است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. موسی به سامری گفت به مردم بگوید: «با من تماس نگیرید.» ممکن است این یکی از قوانین جزایی شریعت موسی بوده باشد که هر کس گناه سنگینی مرتکب می‌شد، موجود پلید شناخته می‌شد و کسی حقّ تماس با او، و او هم حقّ تماس با مردم را نداشت. سامری هم پس از ماجرای گوساله‌پرستی بر اساس همین حکم مورد تحریم واقع شد و ناچار گردید از شهر بیرون برود و در بیابان سرگردان شود. و یا مقصود آن بود که موسی در حق سامری نفرین کرد و او به بیماری مرموزی گرفتار شد که واگیردار بود و کسی نمی‌توانست با او تماس بگیرد و یا تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۹۹ این که به بیماری روانی گرفتار شد که هر کس به سامری نزدیک می‌شد فریاد می‌زد: «با من تماس نگیرید.» و این اولین مجازات سامری بود. «۱» ۲. مجازات دوم سامری آن بود که وعده‌ی قطعی عذاب الهی به او داده شد و مجازات سوم او آن بود که گوساله‌ی او را جلوی چشمانش سوزاندند و ذرات آن را به دریا پاشیدند. ۳. سوزاندن «گوساله‌ی طلایی» به خاطر تحقیر آن و از بین بردن شکل ظاهری‌اش بود و خرد کردن و پخش کردن آن در دریا برای آن بود که فکر گوساله‌پرستی را بکوبند و ماده‌ی فساد از میان مردم برچیده شود، تا دوباره وسوسه نشوند که گوساله‌ی جدیدی بسازند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر انحرافات عقیدتی و رهبران گمراه به شدّت بایستید و آنان را تحریم کنید و ماده‌ی فساد را نابود سازید. ۲. معبودی را برگزینید که یکتا و دانای به همه چیز است (نه بت‌های بی‌جان و بدون شعور، که مشکلی را از شما نمی‌گشایند). ***** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۰ قرآن کریم در آیات نود و نهم تا صد و یکم سوره‌ی طه با توجه دادن به تاریخ گذشتگان، به قرآن و کیفر روی‌گردانی از آن اشاره می کند و می‌فرماید: ۹۹- ۱۰۱. کَذلِکَ نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ أَنبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ ءَاتَیْنکَ مِن لَّدُنَّا ذِکْراً* مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ یَحْمِلُ یَوْمَ الْقِیمَةِ وِزْراً* خلِدِینَ فِیهِ وَ سَآءَ لَهُمْ یَوْمَ الْقِیمَةِ حِمْلًا اینچنین از خبرهای بزرگ آنچه که گذشته است، برای تو حکایت می کنیم؛ و بیقین از نزد خود، آگاه کننده‌ای [: قرآن را به تو دادیم.* هر کس از آن روی گرداند، پس در حقیقت او روز رستاخیز بار سنگین (گناه) را بر دوش خواهد داشت!* در حالی که در آن (بار گناه و عذاب) ماندگارند؛ و در روز رستاخیز بد باری برای آنان است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه با اشاره به سرگذشت موسی و فرعون و بنی‌اسرائیل، که در آیات پیشین بیان شد، هدف کلی این قصه‌ها را چنین اعلام کرده است که خدا اخبار گذشتگان را برای شما بیان می کند (تا عبرت بیاموزید و بیدار شوید). ۲. قرآن کریم در آیات و سوره‌های متعددی سرگذشت و تاریخ ملت‌های گذشته را بیان کرده است؛ زیرا تاریخ آزمایشگاه بزرگ زندگی انسان‌هاست که شکست‌ها، پیروزی‌ها، کام‌یابی‌ها، ناکامی‌ها، بدبختی و سعادت انسان‌ها را در برابر چشم انسان به تصویر می کشد و راه آیندگان را روشن می‌سازد؛ تاریخ آیینه‌ی پیشینیان و معلم انسان‌هاست؛ تاریخ چراغ مسیر زندگی انسان و مربّی آیندگان است و تاریخ یکی از اسباب هدایت الهی است. ۳. یکی از نام‌های قرآن «ذِکر» است؛ چون آیات قرآن موجب تذکّر، یادآوری و بیداری انسان‌هاست. آری؛ قرآن سرگذشت ملت‌های پیشین را به صورت صحیح یادآوری می کند، تا ما درس عبرت گیریم. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۱ ۴. اگر کسی از حقایق قرآن و یادآوری‌های عبرت‌آموز تاریخی آن روی گرداند، به بیراهه می‌رود و بارهای سنگین انحرافات فکری و گناهان را بر دوش خود می‌نهد. ۵. «وِزْر» به معنای بار سنگین است و در این جا مقصود بار مسئولیت و گناهی

است که انسان غافل و گناهکار بر دوش می‌کشد و در روز رستاخیز نیز در زیر همین بار مسئولیت می‌ماند. این اشاره به تجسّم اعمال است؛ یعنی مجازات‌های قیامت تجسّم اعمال انسان در این جهان است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از اخبار پیشینیان و یادآوری‌های تاریخی قرآن متذکّر شوید (و عبرت گیرید). ۲. هر کس چشم خود را بر حقایق تاریخی ببندد، بار خود را سنگین‌تر می‌سازد و مسئولیت او در رستاخیز بیش‌تر می‌شود. ***

رستاخیز و حوادث هولناک آن

قرآن کریم در آیات صد و دوم تا صد و چهارم سوره‌ی طه به ویژگی‌های رستاخیز و حدسیّات مجرمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۲– ۱۰۴. یَوْمَ یُنفَخُ فِی الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِینَ یَوْمَئِذٍ زُرْقاً* یَتَخفَتُونَ بَیْنَهُمْ إن لَّبِثْتُمْ إلَّا عَشْراً* نَحْنُ أعْلَمُ بِمَا یَقُولُونَ إذْ یَقُولُ أمْثَلُهُمْ طَرِیقَةً إن لَّبِثْتُمْ إلَّا یَوْماً (همان) روزی که در شیپور دمیده می‌شود؛ و خلافکاران را در آن روز، در حالی که (چشمانشان کور و) کبود است گردآوری می‌کنیم!* میان خود آهسته می‌گویند: «شما جز ده (شبانه روز در دنیا و برزخ) درنگ نکردید!»* ما به آنچه می‌گویند داناتریم، هنگامی که بهترین نمونه آنان از نظر روش، می‌گوید: «جز روزی درنگ نکردید.» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو ویژگی رستاخیز اشاره شده است: نخست دمیده شدن در شیپور و دیگری گردآوری و حَشر. ۲. در آستانه‌ی رستاخیز همه‌ی موجودات با صدای شیپوری خاص می‌میرند، سپس با صدای دوم زنده و آماده‌ی صحنه‌ی قیامت می‌شوند. احتمال دارد که این آیه اشاره به شیپور اول، یعنی صدای مرگ همگانی باشد. «۱» ۳. «زُرْق» به معنای کبودی چشم یا نابینایی آن است و گاهی به افرادی که اندامشان بر اثر شدت درد، کبود می‌شود نیز گفته می‌شود. «۲» این تعبیر کنایه از آن است که خلافکاران در رستاخیز، در اثر تحمّل مشکلات ضعیف می‌شوند و طراوت خود را از دست می‌دهند و کبود به نظر می‌رسند. ۴. مجرمان در رستاخیز به آهستگی با هم‌دیگر صحبت می‌کنند و این آهسته سخن گفتن یا به خاطر وحشت شدید آنها از صحنه‌ی رستاخیز است و یا بر اثر شدّت ضعف آنها. ۵. مجرمان در مورد مدت عمر دنیا و یا زمان برزخ و یا هر دو به گفت‌وگو می‌پردازند و برخی آن را ده شب (و روز «۳») و برخی یک روز می‌دانند؛ یعنی زمان رستاخیز آن قدر طولانی است که عمر زیاد دنیا و برزخ به نظر آنها کوتاه می‌رسد. ۶. افرادی که روش نمونه و عقل بیش‌تری دارند، دنیا و برزخ را به اندازه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۳ یک روز می‌دانند؛ زیرا کوتاهی عمر دنیا در برابر آخرت با کم‌ترین عدد (یعنی یک روز) سازگارتر است. البته این احتمال نیز وجود دارد که مقصود از «روز» در این آیه یک دوره باشد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خلافکاران از روز رستاخیز و عذاب‌های آن بر حذر باشند. ۲. دنیا زودگذر و کوتاه است (پس به فکر رستاخیز طولانی‌مدت باشید). *** قرآن کریم در آیات صد و پنجم تا صد و هفتم سوره‌ی طه به مرحله‌ی دیگری از رستاخیز، یعنی فروپاشی کوه‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۵– ۱۰۷. وَیَسْئَلُونَکَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ یَنسِفُهَا رَبِّی نَسْفاً* فَیَذَرُهَا قَاعاً صَفْصَفاً* لَاتَرَی فِیهَا عِوَجاً وَلَآ أَمْتاً و از تو در باره‌ی کوه‌ها پرسش می‌کنند؛ پس بگو: «پروردگارم آنها را کاملًا از جا بر می‌کند و پراکنده می‌سازد.* پس (جای) آن (کوه‌ها) را رها می‌سازیم در حالی که صاف و بی‌گیاه است.* [و] در آن، هیچ کژی (و پستی) و بلندی نمی‌بینی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین به دو مرحله‌ی نفخ صور و حشر، یعنی دمیده شدن در شیپور مرگ و زندگی موجودات و گردآوری آنان در محضر الهی اشاره شد، ولی بیان این مطالب برای مردم سبب شد که در ذهن مردم پرسش به وجود آید که سرنوشت کوه‌های با عظمت در آستانه‌ی رستاخیز چه خواهد شد و تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۴ آیات فوق پاسخ این پرسش است. ۲. در این آیات اشاره شده که کوه‌ها با همه‌ی عظمت و ریشه‌های عمیق و تزلزل ناپذیر، در رستاخیز فرو می‌پاشند و هم‌چون شن‌های روان در اثر باد پراکنده می‌شوند. «۱» ۳. در رستاخیز، کوه‌ها به لرزه درمی‌آیند، به حرکت می‌افتند، از هم متلاشی می‌شوند و سرانجام هم‌چون پشم‌های زده شده در فضا منتشر می‌شوند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آستانه‌ی رستاخیز، وضع زمین و کوه‌ها

دگرگون می‌شود (پس خودتان را برای حوادث آن روز بزرگ آماده سازید). ۲. به پرسش‌های مردم در مورد رستاخیز توجه کنید و با استفاده از معارف الهی به آنها پاسخ دهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتم سوره‌ی طه به مرحله‌ی دیگری از رستاخیز، یعنی مرحله‌ی سکوت و اطاعت محض اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۸. یَوْمَئِذٍ یَتَّبِعُونَ الدَّاعِیَ لَاعِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً در آن روز، (مردم) از فراخوان (حق) پیروی می‌کنند در حالی که هیچ انحرافی در آن نیست. و همه‌ی صداها به خاطر (عظمت خدای) گسترده‌مهر، فروتن می‌شود؛ و جز صدایی آهسته نمی‌شنوی. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشخص نیست که آیا مقصود از دعوت کننده در این آیه «اسرافیل» است یا یکی دیگر از فرشتگان الهی، ولی از آیه استفاده می‌شود که فرمان او چنان مؤثر است که همه از او پیروی می‌کنند. ۲. دعوت این دعوت‌گر یا پیروی مردم در رستاخیز و یا هر دو بدون کژی است. «۱» ۳. در رستاخیز سکوت مطلق در همه جا حاکم است و مردم کاملًا فروتن هستند. این فروتنی، یا به خاطر سیطره‌ی عظمت الهی بر عرصه‌ی محشر و یا از ترس حساب و یا بر اثر هر دو است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز سکوت مطلق و پیروی محض حاکم است (پس خود را برای آن روز سخت آماده سازید). *** قرآن کریم در آیات صد و نهم و صد و دهم سوره‌ی طه به شرایط شفاعت و آگاهی مطلق الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۹ و ۱۱۰. یَوْمَئِذٍ لَاتَنفَعُ الشَّفٰعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَرَضِیَ لَهُ قَوْلًا* یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیطُونَ بِهِ عِلْماً در آن روز، شفاعت سودی ندارد، جز کسی که (خدای) گسترده‌مهر برای او رخصت دهد، و سخنش را بپسندد.* (زیرا) آنچه در پیش رویشان (در آینده) و آنچه در پشت سرشان (در گذشته) است می‌داند؛ در حالی که به او احاطه علمی ندارند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه از جهتی می‌گوید شفاعت، پارتی بازی و بی حساب نیست و آن را نفی می‌کند و از جهتی اشاره می‌کند که با شرایطی خاص شفاعت وجود دارد و آن را اثبات می‌کند. افرادی که از طرف خدا رخصت دارند و سخن آنها مورد رضایت خداست، حق شفاعت دارند. ۲. شفاعت یکی از برنامه‌های تربیتی اسلام است، که نور امید را در دل افراد زنده می‌کند و از یأس و ناامیدی گناهکاران توبه کار جلوگیری می‌کند. یعنی اگر کسی عمر خود را با عقاید صحیح و اعمال شایسته سپری کرده ولی گرفتار لغزش‌ها و کمبودهایی شده است، خدا وسایلی را فراهم می‌کند و به افرادی اجازه می‌دهد که از آنان شفاعت کنند. اعلام این مطلب نور امید را در دل آنها زنده می‌کند و راه توبه و جبران و تلاش بیش‌تر را به روی آنان می‌گشاید. «۱» ۳. خدا از گذشته و آینده‌ی افراد کاملًا آگاه است؛ پس می‌داند که چه کسی خلافکار است و چه کسی مستحقّ شفاعت است و چه کسی شرایط شفاعت را دارد یا ندارد، اما مردم از این مطالب آگاه نیستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شفاعت با شرایطی خاص در رستاخیز وجود دارد، اما به دست خداست. ۲. در رستاخیز برخی افراد مشمول شفاعت نمی‌شوند و تشخیص این مطلب با خدایی است که از همه چیز شما آگاه است. ۳. اگر می‌خواهید مشمول شفاعت رستاخیز شوید، برنامه‌ی زندگی و اندیشه‌های خود را در جهت رضایت خدا سامان‌دهی کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۷ قرآن کریم در آیات صد و یازدهم و صد و دوازدهم سوره‌ی طه به مرحله‌ی دیگری از رستاخیز و مقایسه‌ی سرنوشت ستمکاران با مؤمنان شایسته کردار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۱ و ۱۱۲. وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً* وَمَن یَعْمَلْ مِنَ الصلِحتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا یَخَافُ ظُلْماً وَلَا هَضْماً و (در رستاخیز) چهره‌ها برای (خدای) زنده‌ی بر پا، و بر پا دارنده، خوار و فروتن می‌شود؛ و بیقین کسی که بار ستمی بر دوش دارد، نومید می‌ماند.* و هر کس برخی [کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که او مؤمن باشد، پس از هیچ ستم و کاستی (پاداش) نمی‌ترسد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «وجُوه» به معنای صورت‌هاست و از آن جا که آثار ناراحتی انسان و پدیده‌های روانی او معمولًا نخست در چهره‌اش ظاهر می‌شود، فروتنی افراد در قیامت نیز به چهره‌های آنان نسبت داده شده است. البته برخی مفسران برآنند که «وُجوه» در این جا به معنای سردمداران مردم است که همگی در پیشگاه خدا ذلیل و خاضع هستند. «۱» ۲. ستمکاری هم چون باری است که بر دوش انسان گذاشته می‌شود و با سنگینی خود مانع حرکت به سوی سعادت می‌شود و او را ناامید و زیانکار می‌گرداند. ۳. اگر کسی نتواند

همه‌ی اعمال صالح را انجام دهد و بخشی از آنها را انجام دهد، باز هم هراسی نخواهد داشت. «۲» آری اعمال صالح و ایمان تأثیر متقابل دارند و هم دیگر را تقویت می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۸ ۴. مؤمنان شایسته کردار گرفتار ظلم و نقصان نمی‌شوند؛ یعنی مطمئن هستند که اگر لغزشی داشته باشند، بیش از آن کیفر نمی‌بینند و اگر کار نیکی انجام دهند چیزی از ثوابشان کاسته نمی‌شود. «۱» ۵. همان طور که روش قرآن کریم است، در این آیات نیز سرنوشت ستمکاران را با سرنوشت مؤمنان شایسته‌کردار در برابر هم قرار داد، تا در ارشاد و پرورش خواننده تأثیر بگذارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز ستمکاران به خاطر اعمال خود ناامید می‌شوند و مؤمنان شایسته‌کردار به عدل الهی امیدوارند. ۲. مؤمن شایسته کردار باشید تا ایمن شوید و نهراسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سیزدهم سوره‌ی طه به ویژگی‌های قرآن و فرآیندهای آن در میان مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۳. وَكَذلِكَ أَنزَلْنهُ قُرْءَاناً عَرَبِيّاً وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْراً و این‌گونه آن (قرآن) را در حالی که خواندنی عربی (: واضح) است فرو فرستادیم، و در آن از [انواع تهدید، به گونه‌های مختلف بیان کردیم؛ باشد که آنان خودنگه‌دار (و پارسا) شوند یا برایشان تذکّری پدید آورد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه اشاره به مطالب پیشین سوره‌ی طه دارد؛ یعنی ما این مطالب بیدار کننده و عبرت‌انگیز را این‌گونه و به صورت روشن و فصیح و به زبان تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۰۹ عربی و با بیانات گوناگون فرو فرستادیم. «۱» ۲. «عربی» به معنای لغت و زبان عربی است، ولی در این آیه به روشن و گویا بودن قرآن (فصاحت و بلاغت آن) نیز اشاره دارد. چرا که زبان عربی از رساترین زبان‌ها و ادبیات آن نیز از کامل‌ترین ادبیات‌های دنیاست. قرآن نیز مطالب را به صورت‌های مختلف بیان کرده که به رسایی، گویایی و روشنی مطالب افزوده است. ۳. قرآن مسئله‌ی مجازات مجرمان و هشدار به آنان را به صورت بیان سرگذشت ملت‌ها و ترسیم صحنه‌های رستاخیز و گاهی هم به صورت خطاب مستقیم آورده و همین عبارت‌ها و بیانات مختلف بر تأثیرات آن افزوده است. ۴. هدف قرآن با تقوا شدن و بیدار شدن مردم است؛ یعنی هدف اصلی آن است که مردم به صورت کامل خود نگه‌دار و پارسا شوند و اگر تقوای کامل حاصل نشد، حد اقل بیداری پیدا شود تا زمینه‌ی حرکت و جنبش شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هشدارهای تربیتی شما همراه با رسایی، روشنی و بیان گوناگون مطالب باشد. ۲. هدف و فرآیند نزول قرآن، پارسایی یا بیداری مردم است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۰ قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهاردهم سوره‌ی طه به لزوم ترک عجله، و افزون‌طلبی در دانش سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۴. فَتَعَلَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْءَانِ مِن قَبْلِ أن يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِي عِلْماً و والاتر است خدایی که فرمانروای حق است. و (ای پیامبر) نسبت به (خواندن) قرآن شتاب مَورز پیش از آن که وحی آن به سوی تو پایان پذیرد؛ و بگو: «پروردگارا! مرا دانش افزای.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه با عنوان «مَلِك» یعنی «پادشاه و سلطان» از خدا یاد شده است، ولی برای آن که مردم معمولًا از پادشاهان خاطرات بدی دارند و به یاد خودکامگی و ستم آنها می‌افتند، بلا فاصله صفت «حق» را برای خدا می‌آورد تا نشان دهد که او سلطان بر حق است. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خاطر عشق و شوری که به فراگیری و حفظ قرآن داشت، در هنگام دریافت وحی عجله می‌کرد و قبل از آن که جبرئیل سخن خود را تمام کند او شروع به زمزمه‌ی آیات می‌کرد. «۱» از این رو در این آیه و برخی آیات دیگر قرآن «۲» به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش شد که در خواندن و دریافت وحی عجله مکن. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۱ ۳. در فرهنگ اسلامی بین عجله و سبقت تفاوت گذاشته‌اند؛ عجله را سرزنش کرده و سبقت و سرعت در کار نیك را ستوده‌اند. «۱» عجله معمولًا در کارهایی است که هنوز برنامه‌اش مشخص نشده و نیاز به بررسی دارد و گاهی عجله انگیزه‌ی مقدسی ندارد و ریشه در کم صبری یا غرور دارد؛ اما سبقت و سرعت در مورد کارهایی است که برنامه و بررسی آنها تمام شده و در نیك بودن آنها شکی نیست. ۴. در این آیه از طرفی به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که در دریافت وحی عجله نکن اما از طرف دیگر به ایشان یادآور می‌شود که این سخن بدان معنا نیست که به دنبال افزایش دانش نباشی، بلکه از خدا بخواه که بر دانش تو بیفزاید و تو را بر ابعاد مختلف آیات قرآن آگاه سازد. یعنی دانشجو و طلبه‌ی علم بودن،

مرز ندارد و «فارغ التحصیل» شدن برای مسلمانان معنا ندارد. ۵. در احادیث اسلامی نیز در مورد طلب دانش تأکید بسیار شده است: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: ارزشمندترین مردم کسانی هستند که دانش بیش‌تری دارند و کم ارزش‌ترین مردم کسانی هستند که دانش کم‌تری دارند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ژ ۱. عجله (به ویژه در مورد نزول قرآن) مطلوب نیست. ۲. ز گهواره تا گور دانش بجوی. ***** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۲

سرگذشت آدم و سجده فرشتگان و نافرمان ابلیس

قرآن کریم در آیات صد و پانزدهم تا صد و نوزدهم سوره‌ی طه به ماجرای آدم و سجده‌ی فرشتگان و مخالفت ابلیس اشاره می‌کند و با هشدار به انسان در مورد دشمنی شیطان می‌فرماید: ۱۱۵- ۱۱۹. وَلَقَدْ عَهِدْنَآ إِلَی ءَادَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِیَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً* وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلئِکَةِ اسْجُدُواْ لِآدَمَ فَسَجَدُواْ إِلَّآ إِبْلِیسَ أَبَی فَقُلْنَا یئادَمُ إِنَّ هذَا عَدُوٌّ لَّکَ وَلِزَوْجِکَ فَلَا یُخْرِجَنَّکُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَی إِنَّ لَکَ أَلَّا تَجُوعَ فِیهَا وَلَا تَعْرَی وَأَنَّکَ لَاتَظْمَؤُاْ فِیهَا وَلَا تَضْحَی و بیقین، از پیش با آدم عهد کردیم، و [لی فراموش کرد، و در او تصمیمی (استوار) نیافتیم.* و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید.» و (همگی) سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد.* و گفتیم: «ای آدم! در حقیقت این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست؛ پس شما را از باغ بیرون نکند؛ که به زحمت خواهی افتاد.* درواقع برای تو (این مزیت هست) که درآن جا گرسنه نمی‌شوی وبرهنه نمی‌گردی؛* و این که تو در آن جا تشنه نمی‌گردی، و آفتاب زده نمی‌شوی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن برای یادآوری و بیدار کردن انسان‌هاست؛ از این رو سرگذشت پیامبران گذشته را بیان می‌کند تا ما درس عبرت بیاموزیم. در سوره‌ی طه نخست سرگذشت موسی و فرعون بیان شد و اینک سرگذشت آدم و حوا و فریبکاری شیطان را بیان می‌کند، تا نشان دهد که مبارزه‌ی حق و باطل منحصر به موسی و فرعون نیست، بلکه از آغاز آفرینش آدم بوده و برای همیشه خواهد بود. ۲. ماجرای آدم و حوا و سجده‌ی فرشتگان برای آدم و فریبکاری شیطان و اخراج آدم و حوا از باغ بهشت، در سوره‌های بقره و اعراف به صورت مفصل تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۳ بیان شد «۱» و در این جا نیز با نکات تازه و عبرت‌آموزی تأکید شده است تا انسان‌ها هر چه بیش‌تر به عظمت خویشتن و دشمنی شیطان پی‌ببرند و دشمن خود را فراموش نکنند. ۳. مقصود از «پیمان خدا با آدم» همان فرمان خدا در مورد نزدیک نشدن به درخت ممنوع «۲» و یا اخطار خدا به آدم بود که شیطان دشمن سرسخت اوست و نباید از او پیروی کند. ۴. مقصود از «فراموشی آدم» کم توجهی او و ترک پیمان بود و اگر فراموشی مطلق بود، سرزنشی برای آدم نبود. ۵. به آدم علیه السلام گفته شد که اگر از درخت ممنوع بخورد از باغ بهشت بیرون می‌شود و او و همسرش از آن درخت خوردند و بیرون شدند. این گناه نبود، بلکه ترک أولی بود؛ یعنی فرمان الهی ارشادی بود، پس مخالفت با آن گناه نبود. «۳» به عبارت دیگر، پیامبران الهی معصوم هستند و کوچک‌ترین گناهی از آنان صادر نمی‌شود. ۶. مقام آدم و کل انسانیت دارای چنان عظمتی است که فرشتگان برای او فروتنی و سجده می‌کنند. ۷. «سجده» در این جا یا به معنای فروتنی فرشتگان در برابر آدم است و یا به معنای سجده‌ی فرشتگان بر خدا، به خاطر آفرینش انسان با عظمت؛ زیرا تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۴ سجده به معنای پرستش، مخصوص خداست. «۱» ۸. شیطان از اول دشمن سرسخت انسان بود، به طوری که بر او سجده نکرد و حتی انسان را فریب داد تا از باغ بهشت بیرون شود. ۹. «ابلیس» همان شیطان بزرگ و مشهور است که یکی از جنّیان بود که بر اثر عبادت زیاد به صف فرشتگان پیوسته بود، اما بر اثر نافرمانی و سجده نکردن برای انسان، طرد شد و دشمن همیشگی انسان گردید. ۱۰. مقصود از «جَنَّةُ» در این جا باغ بهشت است، ولی مقصود بهشت جاویدان سرای آخرت نیست، بلکه بهشت آدم باغی دارای همه‌ی نعمت‌ها بود و مشکلات باغ‌های دنیا را نداشت. ۱۱. در این آیات نخست به آدم و حوا هشدار داده شد که ابلیس شما را فریب ندهد و از باغ بهشت بیرون نکند، اما در پایان تنها به آدم فرمود که «تو به زحمت می‌افتی.»؛ زیرا مشکلات همسر بر دوش مرد است و یا این که پیمان از روز نخست با آدم بود و نقطه‌ی پایان آن نیز متوجه او بود. ۱۲. چهار نیاز

اصلی انسان، یعنی غذا، آب، لباس، مسکن (و پوشش در برابر آفتاب) در باغ بهشت آدم تأمین می‌شده است. ۱۳. در این آیات تشنگی با آفتاب سوزان بیان شد؛ چون تابش خورشید معمولًا موجب تشنگی می‌شود، اما اینکه گرسنگی را با برهنگی قرین ساخت، شاید به خاطر آن است که گرسنگی نیز نوعی برهنگی درون انسان از غذاست و دو نشانه‌ی مشخص فقر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بر پیمان‌های الهی استوار باشید و آنها را فراموش نکنید. ۲. شما انسان‌ها، مقامی با عظمت دارید که حتی فرشتگان در برابر شما فروتن شدند (پس قدر خود را بدانید). ۳. مراقب شیطان و فریبکاری او باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۵ قرآن کریم در آیات صد و بیستم تا صد و بیست و دوم سوره‌ی طه به فریبکاری شیطان نسبت به آدم و حوا و پذیرش توبه‌ی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۰– ۱۲۲. فَوَسْوَسَ إِلَیْهِ الشَّیْطنُ قَالَ یٰاٰدَمُ هَلْ أَدُلُّکَ عَلَی شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْکٍ لَّایَبْلَی فَأَکَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا یَخْصِفنِ عَلَیْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَی ءَادَمُ رَبَّهُ فَغَوَی ثُمَّ اجْتَبهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَیْهِ وَهَدَی و شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا تو را به درخت ماندگار و فرمانروایی‌ای که زوال نمی‌پذیرد، راهنمایی کنم؟!»* پس آن دو از آن (درخت) خوردند، و شرمگاه‌های آنان برایشان آشکار شد، و شروع به قرار دادن برگ (های درختان) باغ بر خودشان کردند. و آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و بیراهه رفت، (و زیانکار و محروم گشت).* سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه‌اش را پذیرفت، و (او را) راهنمایی کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «وسوسه» به معنای صدای بسیار آهسته است و به مطالب بد و افکار بی‌اساس که به ذهن خطور می‌کند نیز وسوسه می‌گویند، اعم از این که این خطور از درون خود انسان پیدا شود یا کسی از بیرون القا کند که شیطان وسوسه‌گر از بیرون آدم را وسوسه می‌کرد. «۱» ۲. شیطان برای وسوسه‌ی آدم به تمایلات او توجه کرد و از دو راه وارد شد: نخست، تمایل انسان را نسبت به زندگی جاویدان شناخت و این حسّ را تحریک کرد و اشاره کرد که هر کس از این درخت ممنوع بخورد، عمر جاویدان پیدا می‌کند. و دوم، تمایل انسان را به قدرت و حکومت دایمی دریافت و این حسّ را تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۶ تحریک کرد و اشاره کرد که هر کس از این درخت ممنوع بخورد، فرمانروایی دایمی نصیب او می‌شود. ۳. «سَوْآت» در اصل به معنای هر چیز بد و ناخوشایند است و گاهی به جَسَد مرده یا عورت انسان نیز گفته می‌شود و در این آیه مقصود همین معنای اخیر است. «۱» ۴. مقصود از «عصیان» و نافرمانی آدم علیه السلام آن نیست که ایشان گناهی مرتکب شده‌اند؛ زیرا پیامبران الهی معصوم هستند. مفسران در مورد واژه‌ی عصیان در این آیه چند تفسیر بیان نموده‌اند: الف) «عصیان» در اصل به معنای خارج شدن از اطاعت و فرمان است، اعم از این که آن فرمان واجب، یا مستحب باشد. بنابراین، عصیان لزوماً به معنای گناه نیست، بلکه می‌تواند به معنای ترک امر مستحب یا انجام مکروه باشد. «۲» ب) دستوری که به آدم داده شد، امر ارشادی بود؛ بنابراین مخالفت با آن گناه نبود، بلکه فقط عوارض و عواقب خاص خود را داشت؛ همان طور که اگر کسی با دستورات پزشک مخالفت کند به خود ضرر می‌زند. «۳» یعنی آدم علیه السلام در باغ بهشتی با ممنوعیت یک درخت آزمایش شد و به او گوش‌زد کردند که اگر از میوه‌ی آن درخت نخوری همیشه در آن جا می‌مانی، ولی او به این مطلب توجه نکرد و عواقب آن را تحمّل کرد؛ یعنی از باغ مذکور اخراج شد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۷ ج) اصلًا بهشت محل تکلیف نبوده، تا مخالفت از تکلیف گناه باشد. البته می‌توان گفت که خدای متعال از آدم انتظار بیش‌تری داشت و از این رو با او برخورد کرد و از باغ مذکور اخراجش نمود. یعنی همان طور که ما از یک دانشمند انتظارهای ویژه‌ای داریم از آدم هم انتظار می‌رفت که بیش‌تر از دیگران در برابر دستورهای ارشادی خدا تسلیم باشد؛ و از این رو به ترک أولای آدم، عصیان گفته شد. «۱» ۵. «غوی در اصل در برابر رشد است؛ یعنی انسان راهی را انتخاب کند که به مقصد نرسد و در این جا به معنای کار ناآگاهانه‌ای است که از اعتقاد نادرستی سرچشمه گرفته است و از آن جا که آدم به خاطر فریب شیطان، ناآگاهانه از درخت ممنوع خورد، در مورد او واژه‌ی «غوی به کار رفت. البته برخی از مفسران نیز این واژه را به محرومیت از پاداش و یا تباهی در زندگی تفسیر کرده‌اند. «۲» ۶. تفاوت آدم با شیطان در آن بود، که شیطان نافرمانی آگاهانه کرد و حتی پس از متوجه شدن خطای خود، باز هم لجاجت کرد و از این رو از درگاه الهی

طرد شد. اما آدم ناآگاهانه نافرمانی کرد و هنگامی که متوجه شد، توبه نمود و خدا توبه‌ی او را پذیرفت و هدایتش نمود و از آن جا که ذاتاً پاک و مؤمن بود، او را برگزید. ۷. توبه به معنای بازگشت است و آدم هر چند گناهی نکرده بود، از نافرمانی در برابر امر ارشادی خدا، بازگشت و توبه کرد تا لطف و هدایت خدا شامل حال او شود. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراقب وسوسه‌های شیطانی باشید، که او از مسیر چیزهایی که دوست دارید وارد می‌شود و شما را فریب می‌دهد. ۲. فریب‌های شیطانی، سرابی بیش نیست و فقط انسان را به نافرمانی در برابر خدا می‌کشاند. ۳. اگر لغزشی پیدا کردید، توبه کنید تا هدایت و لطف خدا شامل حال شما شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و سوم سوره‌ی طه به فرمان هبوط آدم و پیامدهای آن برای بشریت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۳. قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِیعاً بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا یَأْتِیَنَّکُم مِّنِّی هُدیً فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَایَ فَلَا یَضِلُّ وَلَا یَشْقَی (خدا) فرمود: «هر دو از آن فرو آیید، در حالی که برخی از شما دشمن برخی [دیگر] هستید؛ و اگر رهنمودی از طرف من برای شما آمد پس هر کس که از هدایت من پیروی کند، پس گمراه نمی‌شود و به زحمت نمی‌افتد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. توبه‌ی آدم پذیرفته شد، اما پیامدهای کار او باقی ماند و سبب شد که از باغ بهشتی اخراج شود و فرود آید. «۱» ۲. «هُبوط» در لغت به معنای پایین آمدن اجباری است و در این جا مقصود پایین رانده شدن آدم و حوا به عنوان مجازات است. البته هبوط آدم و حوا به معنای نزول مقامی است، نه مکانی؛ یعنی خدا مقام آنها را به خاطر کاری که کردند، تنزّل داد و آنها را از نعمت‌های باغ تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۱۹ بهشتی محروم ساخت و گرفتار رنج‌های این دنیا شدند. «۱» ۳. مقصود از دو نفری که هبوط کردند، آدم و حواست و برخی مفسران برآن‌اند که مقصود آدم و شیطان است. البته در برخی آیات قرآن دستور هبوط به صورت جمع آمده که شامل آدم و حوا و شیطان می‌شود که همگی از باغ بهشت بیرون رانده شدند. «۲» ۴. مقصود از دشمنی افراد با یک‌دیگر در زمین، دشمنی آدم و حوا با شیطان یا دشمنی آدم و فرزندانش با شیطان و فرزندانش است که تا قیامت ادامه خواهد داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نافرمانی نکنید که موجب سقوط و گمراهی و زحمت می‌شود. ۲. مراتب پایین حیات، محل کشمکش و دشمنی‌هاست. ۳. راه نجات و سعادت، پیروی از رهنمودهای الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و چهارم سوره‌ی طه به زندگی سخت دنیا و کوری در رستاخیز، به عنوان دو فرآیند دوری از یاد خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۴. وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنکاً وَنَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیمَةِ أَعْمَی و هر کس از یاد من روی گرداند، پس حتماً زندگی (سخت و) تنگی برای اوست؛ و او را روز رستاخیز نابینا گرد می‌آوریم.» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۲۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یاد خدا مایه‌ی آرامش جان، پارسایی و شهامت است و فراموشی یا دوری و روی‌گردانی از یاد خدا، عامل اضطراب، ترس و نگرانی. «۱» انسانی که یاد خدا و مسئولیت‌های خود در برابر او را فراموش می‌کند، غرق در شهوات، حرص و بخل می‌شود و هر چه ثروت بیش‌تری بیندوزد، باز هم طمع بیش‌تری پیدا می‌کند و خود را بیش‌تر به رنج و زحمت می‌اندازد و زندگی را بر خود سخت‌تر و تلخ‌تر و تنگ‌تر می‌سازد. ۲. یکی از ابعاد «زندگی تنگ» که در این آیه به آن اشاره شده آن است که اگر انسان از یاد خدا غافل شود، گرفتار کمبودهای معنوی و روحی می‌شود و هر روز دل‌بستگی و تکیه‌ی او به دنیا زیادتر و در زندان تنگ مادیات گرفتارتر می‌شود. ۳. یکی دیگر از ابعاد زندگی تنگ که در این آیه بدان اشاره شده آن است که انسان‌های مؤمن که به خدا دل می‌بندند، راه‌ها به رویشان گشوده می‌شود، ولی کسانی که به غیر خدا دل می‌بندند، درها به رویشان بسته می‌شود و ثروت نمی‌تواند از گرفتاری و مشکلات و سردرگمی و نیاز روحی و مادی آنان بکاهد. ۴. یکی دیگر از ابعاد زندگی تنگ که در این آیه به آن اشاره شده، تنگی زندگی در جامعه‌ای است که از یاد خدا روی برتافته است. جامعه‌ی انسانی، حتی در اوج پیشرفت‌های صنعتی، چنانچه از معنویت جدا شود، روی سعادت را نمی‌بیند و هر روز بر اضطراب‌ها و مشکلات روحی مردم آن جامعه افزوده می‌شود و در تنگناهای عجیبی قرار می‌گیرند. همان طور که امروز در برخی جوامع صنعتی می‌بینیم که جنایت، مواد مخدر، آلودگی‌های جنسی، از خود بیگانگی و احساس تنهایی غوغایی بر پا کرده و نور محبت و عاطفه را خاموش ساخته است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم،

ص: ۱۲۱ ۵. یکی از مصادیق ذکر خـدا نماز است، همان طور که در برخی آیات قرآن بدان اشاره شده است. «۱» در برخی احادیث از اهـل بیت علیهم السـلام روایت شـده که مقصود از «ذکر» در این آیه، ولاـیت امام علی علیه السـلام است. «۲» یعنی هر کس امـام علی علیه السلام را الگوی خود در زندگی قرار دهد، در تمام زندگی به خدا دل می‌بندد و از دام دنیای تنگ مادی می‌رهد، اما اگر کسـی این الگو را فراموش کنـد، گرفتـار می‌شود. و در برخی دیگر از احـادیث نیز آمـده است که مقصود از ترک ذکر، ترک حج است. «۳» البته این‌گونه احادیث مصادیق یاد خدا را بیان می‌کند، ولی مفهوم آیه منحصر در این موارد نیست. ۶. هر کس از یاد خدا روی برتابـد، روز رسـتاخیز نابینا محشور می‌شود؛ زیرا سـرای آخرت محل تجسّم اعمال انسان‌هاست. کسـی که در دنیا چشم جانش نابیناست و کوردل است و حقایق را نمی‌بیند، در رسـتاخیز نابینا محشور می‌شود. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرآیند روی برتافتن از یاد خدا، سختی در دنیاست که به صورت کوری در آخرت تجسّم می‌یابد. ۲. هر کس زندگی راحت و چشمی بصیر می‌خواهد، به یاد خدا باشد. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۲۲ قرآن کریم در آیات صـد و بیست و پنجم تا صـد و بیست و هفتم سوره‌ی طه فراموشـی آیات خدا و اسـرافکاری را عوامل کوری در رستاخیز برمی‌شمرد و می‌فرماید: ۱۲۵- ۱۲۷. قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِی أَعْمَی وَقَدْ کُنتُ بَصِـیراً* قَالَ کَـذلِکَ أَتَتْکَ ءَایتُنَا فَنَسِـیتَهَا وَکَـذلِکَ الْیَوْمَ تُنسَـی وَکَـذلِکَ نَجْزِی مَنْ أَسْـرَفَ وَلَمْ یُؤْمِن بِئایتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَهِٔ أَشَـدُّ وَأَبْقَی گویـد: «پروردگارا! چرا مرا نابینا گرد آوردی؟! در حالی که یقیناً بینا بودم!»* (خدا می) فرماید: «این‌گونه (تو را گرد می‌آوریم زیرا) نشانه‌های ما به تو رسـید و آنها را به فراموشی سپردی، و همچنان امروز فراموش می‌شوی.* و این‌گونه کسی را که زیـاده‌روی کرده، و به نشانه‌هـای پروردگـارش ایمـان نیاورده، کیفر می‌دهیم؛ و حتماً عـذاب آخرت شدیـدتر و پایـدارتر است.» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. برخی افراد که در دنیـا بینـا هسـتند، در رسـتاخیز نابینـا محشور می‌شونـد. بعضـی از عوامـل نابینایی در آخرت عبارت‌اند از: الف) روی گرداندن از یاد خدا؛ ب) فراموش کردن نشانه‌ها و آیات الهی؛ ج) اسـرافکاری و از حد گذشـتن؛ د) ایمان نیـاوردن به آیات و نشانه‌های خـدا. خبرت هست که مرغان سـحر می‌گوینـد آخر ای خفته سـر از خواب جهالت بردار هر که امروز نبیند اثر قدرت او غالب آن است که فرداش نبیند دیدار (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۲۳ ۲. مقصود از «اسراف» در این آیه، یـا آن است که این افراد، نعمت‌هـای الهی، همچون چشم، گوش و عقل را در مسیرهای غلط به کار می‌اندازنـد و اسـراف عبارت است از بیهوده از دست دادن نعمت‌های الهی. و یا مقصود از اسراف آن است که برخی گناهکاران از حد می‌گذرند و هیچ قیـد و شـرطی برای انجـام گنـاه قایل نیسـتند و در گناهکاری خود نیز اسـرافکارند. این افراد اسـتحقاق عـذاب بیش‌تری را نسـبت به گناهکاران معمولی دارنـد. «۱» ۳. مقصـود از آن که خـدا این افراد را فرامـوش می‌کنـد، آن نیست که خـدا فراموشـکار است، بلکه منظور آن است که آنان را به زمره‌ی فراموشـی می‌سپارد، و با آنها معامله‌ی فراموشـی می‌کند، همان طور که آنان آیات الهی را به فراموشی سپردند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید در رستاخیز کور و فراموش شده نباشید، آیات الهی را به یاد داشته باشید و از مرزهای الهی نگذرید. ۲. اسـرافکاران بی‌ایمان و بی‌توجه به آیات الهی، فرجامی عذاب‌آلود دارند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۲۴ قرآن کریم در آیات صد و بیست و هشتم و صد و بیست و نهم سوره‌ی طه به نشانه‌های الهی در صحنه‌ی تاریخ و دلایـل تـأخیر مجازات مخالفان اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱۲۸ و ۱۲۹. أَفَلَمْ یَهْـدِ لَهُـمْ کَمْ أَهْلَکْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ یَمْشُـونَ فِی مَسَـکِنِهِمْ إِنَّ فِی ذلِـکَ لَآیتٍ لِّأُولِی النُّهَی وَلَوْ لَاکَلِمَـهٌٔ سَـبَقَتْ مِن رَّبِّکَ لَکَانَ لِزَاماً وَأَجَلٌ مُّسَـمّیً و آیا برای آنان روشن نکرد که چه بسیار گروه‌هـایی را پیش از آنـان هلاـک کردیم در حـالی که (این کـافران) در خانه‌هـای آنـان راه می‌رونـد؟! مسـلماً در آن [هـا] نشانه‌هایی برای صاحبان اندیشه است.* و اگر نبود سخن (سنت گونه) ای که از طرف پروردگارت از پیش مقرر شده بود و سرآمد معین (و حتمی عمر شـما)، حتماً (عـذاب آنان) لازم می‌شـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مطالعه‌ی تاریخ گذشـتگان و ملت‌های نابود شده همچون عاد، ثمود و لوط، درس‌های آموزنـده‌ای در بردارد. این ویرانه‌ها ماجراهای دردناک پیشـینیان را می‌نمایاننـد و به آینـدگان هشـدار می‌دهنـد که راه کفر، فساد و ظلم را در پیش نگیرند. از این رو قرآن این سـرگذشت‌ها را هدایتگر می‌خواند. ۲. در این آیه

تأکید شده که صحنه‌ی تاریخ برای صاحبان اندیشه و خردورزان آموزنده است؛ زیرا آنان به سادگی از کنار حوادث و صحنه‌های تاریخی نمی‌گذرند و در مورد آنها تفکّر می‌کنند و نشانه‌های حق را در آنها می‌بینند و مسیر آینده‌ی خود را مشخص می‌سازند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۲۵ ۳. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: غافل‌ترین مردم کسی است که از دگرگون شدن دنیا پند نگیرد. «۱» ۴. وقتی انسان سرنوشت عذاب‌آلود کافران و گردن‌کشان تاریخ را مطالعه می‌کند، از خود می‌پرسد که چرا خدا کافران ستمکار زمان پیامبر صلی الله علیه و آله یا عصر ما را عذاب نمی‌کند؟ آیات فوق پاسخ می‌دهد که این تأخیر دو علت دارد: الف) نخست آن که سنت و روش الهی آن است که انسان‌ها آزاد باشند و با اختیار خود راه سعادت یا شقاوت را انتخاب کنند و اگر چنین باشد که انسان بلا فاصله بعد از گناه و ستم عذاب شود، ایمان و عمل صالح اجباری می‌شود و راه تکامل آزادانه‌ی انسان مسدود می‌گردد و یا همه در اثر ستمکاری نابود می‌شوند و این خلاف حکمت و سنت الهی است. ب) دوم آن که این ستمکاری کافران تا مدت محدودی است و زمان حتمی مرگ در پیش روی همه‌ی انسان‌ها قرار دارد؛ پس بگذار تا در این مدت کوتاه زندگی دنیا، افراد آزاد باشند و آزمایش شوند. ۵. «کلمه» در موارد متعددی از آیات قرآن به معنای سنت و روش الهی است و در این جا به سنت الهی در مورد آزادی عمل انسان‌ها اشاره دارد. «۲» ۶. مقصود از «أجل مُسمّی همان زمان مقرر مرگ است که برای همگان قطعی شده و میدان زندگی را برای ما باز کرده است و جلوی غرور و جسارت مجرمان را می‌گیرد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۲۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اندیشمندانه به تاریخ ملت‌های نابود شده بنگرید و نشانه‌های خدا را ببینید و برای آینده رهنمود بگیرید. ۲. کفرپیشگان هم مستحق عذاب هستند، اما سنّت الهی آن است که آنان را تا زمان مرگ حتمی مهلت دهد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی‌ام سوره‌ی طه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به شکیبایی و تسبیح حق فرامی‌خواند و می‌فرماید: ۱۳۰. فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ ءَانَآیِ الَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى پس بر آنچه می‌گویند، شکیبا باش؛ و پیش از طلوع خورشید، و قبل از غروب آن، با ستایش پروردگارت تسبیح گوی؛ و بخشی از شبانگاهان و اطراف روز تسبیح گوی؛ باشد که خشنود شوی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وقتی مخالفت‌های کافران و مشرکان لجوج بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فشار می‌آورد و سخنانشان ایشان را می‌آزارد، خدا برای تقویت روحیه و تسلّی خاطر آن حضرت دستور راز و نیاز با خدا و نماز و تسبیح به ایشان می‌دهد، تا آرامش گیرند و خشنود و راضی شوند. ۲. تسبیح و حمد پروردگار در برابر مشرکان لجوج، خود نوعی مبارزه با شرک و بت‌پرستی است و این ذکر و یاد خدا انسان را در برابر سخنان آنان مقاوم و شکیبا می‌سازد. ۳. در مورد مقصود از «تسبیح و حمد» در این آیه، مفسران چند دیدگاه دارند: الف) مقصود همان تسبیح گویی و ستایش پروردگار است. ب) اشاره به نمازهای پنج‌گانه و مستحبی است؛ یعنی قبل از طلوع تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۲۷ خورشید، اشاره به نماز صبح؛ قبل از غروب خورشید، اشاره به نماز عصر (و ظهر)؛ و در اثنای شب، اشاره به نماز مغرب و عشاء و اطراف روز، اشاره به نماز ظهر یا نمازهای مستحبی است که انسان در اوقات مختلف روز به جا می‌آورد. ج) مقصود ذکرهای مخصوصی است که در احادیث اسلامی آمده است که در ساعات مخصوص شبانه روز گفته می‌شود. البته این احتمال نیز وجود دارد که آیه‌ی فوق اشاره به هر سه تفسیر باشد؛ چرا که این تفسیرها با هم منافاتی ندارند و در احادیث اسلامی نیز به این تفسیرها اشاره شده است. «۱» ۴. مقصود از خشنودی و رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که نتیجه‌ی حمد و تسبیح پروردگار و شکیبایی در برابر سخنان مخالفان، آرامش، اطمینان، خشنودی و رضایت است. ۵. هر چند یاد خدا در همه‌ی حالات مطلوب و تکامل بخش است، برخی زمان‌ها، برای عبادت و ذکر مناسب‌تر است. ۶. این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما قراین نشان می‌دهد که این مطلب یک حکم عمومی است. ۷. مواظبت بر اوقات نماز و نورانیت آن: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: ای عزیزا! تو نیز به قدر میسور و مقدار مقدور این وقت مناجات را غنیمت شمار و به آداب قلبیّه‌ی آن قیام کن و ... خصوصاً نماز که معجون روحانی ساخته شده با دست جمال و جلال حق است و از جمیع عبادات

جامع‌تر و کامل‌تر است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۲۸ پس، از اوقات آن حتی الامکان محافظت کن و اوقات فضیلت آن را انتخاب کن که در آن نورانیتی است که در دیگر اوقات نیست و اشتغالات قلبیّه‌ی خود را در آن اوقات کم کن، بلکه قطع کن. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در برابر سخنان آزار دهنده و تبلیغات مخالفان مقاومت کنند. ۲. شکیبایی و عبادت شبانه‌روزی، انسان را به مقام رضا می‌رساند. ***

مسؤلیت پذیری در برابر خداوند

قرآن کریم در آیات صد و سی و یکم و صد و سی و دوم سوره‌ی طه به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد چشم‌پوشی از زیورهای دنیوی و آموزش عبادی خانواده سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۱ و ۱۳۲. وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوٰجاً مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَوٰةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَانَسْئَلُكَ رِزْقاً نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعٰقِبَةُ لِلتَّقْوَى و هرگز چشمانت را خیره مکن به آنچه که گروه‌هایی از ایشان را بدان بهره‌مند کردیم؛ در حالی که شکوفه‌های زندگی پست (دنیا) است؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزیِ پروردگارت بهتر و پایدارتر است.* و خاندانت را به نماز فرمان ده؛ و بر [انجام آن شکیبایی ورز؛ از تو هیچ روزی نمی‌خواهیم؛ (چرا که) ما به تو روزی می‌دهیم؛ و فرجام (نیک) برای (صاحبان) پارسایی (و خود نگه‌داری) است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۲۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات سفارش‌هایی به پیامبر صلی الله علیه و آله شده است که در حقیقت مخاطب آنها تمام مسلمانان‌اند. این دستورات عبارت‌اند از: الف) به اموال مردم چشم ندوزید؛ ب) خانواده‌ی خود را به نماز فراخوانید؛ ج) خودتان نیز بر به جا آوردن نماز کوشا و شکیبا باشید. ۲. نعمت‌های دنیوی که در دست کافران و مخالفان است، شکوفه‌های زندگی دنیاست که می‌شکفد و به زودی پژمرده و پرپر می‌شود و چند صباحی بیش‌تر دوام ندارد. به مشک چین و چگل نیست بوی گل محتاج که نافه‌هاش زبند قبای خویشتن است مرو به خانه ارباب مروت دهر که گنج عافیت در سرای خویشتن است (حافظ) ۳. خدا به پیامبر اسلام روزی‌ها و نعمت‌هایی داده که بهتر و پایدارتر است؛ هم‌چون ایمان، اسلام، قرآن و روزی‌های حلال و پاکیزه در دنیا و آخرت. «۱» ۴. در این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش شده که به خانواده‌ات دستور نماز بده. از این مطلب دو نکته به دست می‌آید: الف) خانواده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله از میان امت اسلامی دارای ویژگی خاصی است که لازم است جداگانه دستور نماز به آنان داده شود. ب) این آموزه‌ای برای همه‌ی مسلمانان است که نسبت به نماز خانواده‌ی خویش حساس باشند. ۵. از آن جا که سوره‌ی «طه» در مکه نازل شده است، پس در آن زمان تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۳۰ خانواده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله تعداد کمی هم‌چون خدیجه و فرزندان او و علی علیه السلام بودند. هر چند بعدها این خانواده گسترش یافت و در مدینه امام علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام ازدواج کرد و فرزندان متعددی پیدا کردند که همگی خاندان پیامبر به شمار می‌آمدند. از این روست که در احادیث و تفاسیر روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه تا مدت زیادی در هنگام نمازهای پنج‌گانه به در خانه‌ی علی و فاطمه علیهما السلام می‌آمدند و آنها را به نماز سفارش می‌کردند و آیه‌ی تطهیر را نیز قرائت می‌کردند. «۱» ۶. از آن جا که نماز موجب پاکی و صفای قلب و تقویت روح و یاد خداست، خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش می‌کند که نه تنها خانواده‌ات را به نماز سفارش کن بلکه خودت نیز بر انجام نماز کوشا و شکیبا باش، که فواید و برکات این کار به خود شما می‌رسد؛ یعنی شما چیزی از عبادت خود را به خدا نمی‌دهید؛ چراکه او رزق نمی‌خواهد، بلکه به شما رزق می‌دهد. ۷. فرجام نیک برای تقوا و پارسایی است؛ یعنی آن که سرانجامش مفید و سازنده و حیات‌بخش است، همان تقواست و اهل تقوا پیروز و سعادتمند و رستگارند و افراد بی‌تقوا سرانجامشان شکست و ناکامی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به اموال مردم چشم ندوزید که روزی‌های الهی برای شما بهتر و پایدارتر است. ۲. مخالفان راه خدا بدانند که این نعمت‌های دنیوی شکوفه‌های ناپایداری است که مایه‌ی آزمایش آنهاست (پس به آنها مغرور نشوند). ۳. به آموزش عبادی

خانواده‌ی خود همّت گمارید و خود نیز الگوی نمازخوانی باشید. ۴. شما سودی به خدا نمی‌رسانید، بلکه روزی‌خوار خدا هستید. ۵. اگر فرجام نیکو و سعادت و پیروزی نهایی می‌خواهید، پارسا باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۳۱ قرآن کریم در آیات صد و سی و سوم تا صد و سی و پنجم سوره‌ی طه با اشاره به بهانه‌جویی‌های مخالفان اسلام، به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۳۳– ۱۳۵. وَقَالُواْ لَوْ لَايَأْتِينَا بِئَايَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوَ لَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى وَلَوْ أَنَّآ أَهْلَكْنهُم بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُواْ رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَى قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُواْ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحبُ الصِّرطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى و (مخالفان) گفتند: «چرا (پیامبر) نشانه‌ای (معجزه‌آسا) از طرف پروردگارش برای ما نمی‌آورد؟!» و (بگو:) آیا دلیل روشن آنچه در کتاب‌های نخستین بوده، برای آنان نیامده است؟!* و اگر (بر فرض) ما آنان را پیش از آن (فرستادن قرآن و پیامبر) با عذابی هلاک می‌کردیم، حتماً (در قیامت) می‌گفتند: « [ای پروردگار ما! چرا فرستاده‌ای به سوی ما نفرستادی تا پیش از آن که خوار شویم و رسوا گردیم، از آیات تو پیروی کنیم؟!»* بگو: «همه منتظریم، پس انتظار بکشید که بزودی خواهید دانست چه کسی اهل راه درست است، و چه کسی راه‌نمایی شده است!» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۳۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «دلیل روشن» همان مطالبی است که در کتاب‌های پیامبران پیشین در باره‌ی صفات و نشانه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده بود و آن علامت‌ها با وجود ایشان کاملًا مطابق بود. و یا مقصود از «دلیل روشن» وجود پیامبر صلی الله علیه و آله یا قرآن است و یا خبر و سرنوشت اقوام پیشین که در اثر لجاجت گرفتار عذاب شدند. اما به نظر می‌رسد که تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است. «۱» ۲. مخالفان اسلام در پی کشف حقیقت نیستند. آنان همواره به دنبال بهانه‌جویی‌اند؛ زیرا پیامبر اسلام، معجزه‌ای هم‌چون قرآن آورد که در همه‌ی زمان‌ها وجود دارد و دلیل روشن حقانیت اوست، اما مخالفان بدون توجه به آن بازهم معجزه می‌طلبند. ۳. آری؛ مخالفان اسلام آن‌قدر بهانه‌جو هستند که اگر این پیامبر نمی‌آمد، بازهم بهانه‌جویی می‌کردند که چرا پیامبری نیامد تا از او پیروی کنیم، ولی حال که پیامبر اسلام در میان آنهاست از او پیروی نمی‌کنند. ۴. در این آیات بیان شد که مسلمانان و مخالفان اسلام هر دو در انتظارند؛ مسلمانان در انتظار وعده‌های الهی در مورد کافران لجوج، و مخالفان در انتظار گرفتاری مسلمانان. ۵. آیه‌ی اخیر نوعی دل‌داری به مسلمانان مکه است که تحت فشار مشرکان قرار داشتند و نوعی هشدار به مخالفان است که منتظر باشید که به زودی حقایق روشن می‌شود و شما گرفتار عذاب می‌گردید. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۳۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از طریق کتاب‌های آسمانی و رهبران الهی، حجّت را بر مردم تمام می‌کند. ۲. مخالفان اسلام در پی بهانه‌جویی هستند و در هر صورت با سخنان و کارهای شما قانع و راضی نمی‌شوند؛ پس شما وظیفه‌ی خود را انجام دهید و منتظر فرمان الهی باشید. ۳. مخالفان اسلام چشم بگشایند تا حقایق را در کتاب‌های آسمانی خود و از طریق پیامبر اسلام بیابند. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۳۵

بخش دوم: سوره‌ی انبیاء

اشاره

یادآوری یگانگی خدا یادکرد رستاخیز بخش‌هایی از زندگی مبحث پیامبر الهی تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۳۷

اول: سیمای سوره‌ی انبیاء

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز کلّیات: سوره‌ی انبیاء دارای ۱۱۲ آیه، ۱۱۶۸ کلمه و ۴۸۹۰ حرف است که

در مکه و به عنوان هفتاد و دومین سوره در حدود سال دوازدهم بعثت و اندکی قبل از هجرت، بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرو فرستاده شد. این سوره بعد از سوره‌ی «ابراهیم» و قبل از سوره‌ی «مؤمنون» فرود آمده است ولی در چینش کنونی قرآن بیست و یکمین سوره به شمار می‌آید.

نام‌ها

تنها نام این سوره «أنبیاء» است؛ چرا که در این سوره از مجموع ۲۶ پیامبری که نامشان در قرآن آمده به داستان ۱۶ نفر از آنها اشاره شده است.

فضایل

در مورد فضیلت این سوره از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس سوره‌ی انبیاء را از روی عشق و علاقه بخواند، با همه‌ی پیامبران در باغ‌های پرنعمت بهشت، رفیق و هم‌نشین می‌گردد و در زندگی دنیا نیز در چشم مردم پرابُهّت خواهد بود. «۱» تذکر: روشن است که این ثواب‌ها و آثار برای کسانی است که آیات را بخوانند و در مورد آنها تفکر و طبق آنها عمل کنند و پیرو این پیامبران باشند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۳۸ ویژگی‌ها: در قرآن نام ۲۶ پیامبر آمده است که در این سوره از ۱۶ تن از آنان یاد شده است. آیه‌ی ۸۷ و ۸۸ این سوره «وَذا النونَ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً ...» در نماز غفیله خوانده می‌شود.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. توجه به یگانگی خدا؛ ۲. توجه به معاد؛ ۳. توجه به رسالت پیامبران الهی.

مطالب

الف) عقاید: ۱. بیان دلایل الوهیت، توحید و وحدت سرچشمه‌ی حیات و هستی (در آیه‌ی ۲۲)؛ ۲. هشدارهای شدید نسبت به غفلت مردم از قیامت و حساب آن (در آیات ۱ و ۱۰۴)؛ ۳. مطالبی درباره‌ی برنامه‌های پیامبران شانزده گانه و عیسی مسیح علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بدون ذکر نام این دو پیامبر (در آیات ۶ و ۷ و ...). ب) احکام: اشاره به نماز و زکات (در آیه‌ی ۷۳). ج) داستان‌ها: ۱. بخش‌هایی از زندگی موسی علیه السلام (در آیه‌ی ۴۸)؛ ۲. بخش‌هایی از زندگی هارون برادر موسی علیه السلام (در آیه‌ی ۴۸)؛ ۳. بخش‌هایی از زندگی ذا الکفل (در آیه‌ی ۸۵)؛ تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۳۹ ۴. بخش‌هایی از زندگی ذا النون (یا یونس) (در آیه‌ی ۸۷)؛ ۵. بخش‌هایی از زندگی ابراهیم علیه السلام (در آیات ۵۱- ۷۰)؛ ۶. داستان قوم لوط (در آیات ۷۱- ۷۵)؛ ۷. داستان اسحاق پیامبر فرزند ابراهیم علیهما السلام (در آیه‌ی ۷۲)؛ ۸. داستان یعقوب فرزند اسحاق علیهما السلام (در آیه‌ی ۷۲)؛ ۹. اشاره‌ای به داستان نوح علیه السلام (در آیات ۷۶- ۷۷)؛ ۱۰. اشاره‌ای به داستان داود (در آیات ۷۸- ۸۲)؛ ۱۱. اشاره‌ای به داستان سلیمان پیامبر (در آیات ۷۸- ۸۲)؛ ۱۲. اشاره‌ای به داستان ایوب (در آیات ۸۳- ۸۴)؛ ۱۳. اشاره‌ای به داستان اسماعیل (در آیه‌ی ۸۵)؛ ۱۴. اشاره‌ای به داستان زکریا (در آیه‌ی ۸۹)؛ ۱۵. اشاره‌ای به داستان یحیی فرزند زکریا (در آیه‌ی ۹۰)؛ ۱۶. اشاره‌ای به داستان مریم و عیسی علیهما السلام (در آیه‌ی ۹۱)؛ ۱۷. اشاره‌ای به داستان یأجوج و مأجوج (در آیه‌ی ۹۶). د) مطالب فرعی: ۱. بیان پیروزی حق بر باطل و توحید بر شرک (در آیه‌ی ۱۸)؛ ۲. تهمت‌هایی که به پیامبر اسلام می‌زدند، مثل شاعر بودن و ... (در آیه‌ی ۵)؛ ۳. تذکراتی در مورد محتوای قرآن (در آیات ۱۰ و ۵۰)؛ ۴. بی هدف نبودن خلقت جهان (در آیه‌ی ۱۶)؛ ۵. آب، عامل حیات همه‌ی چیزها (در آیه‌ی ۳۰)؛ ۶. اشاراتی علمی به خلقت آسمان‌ها و حرکت ستارگان و

ماه (در آیات ۳۰- ۳۴)؛ ۷. اشاره به آموزش صنعت زره‌سازی به داود علیه السلام (در آیه‌ی ۸۰)؛ ۸. وعده‌ی پیروزی و وراثت زمین، به بندگان شایسته (در آیه‌ی ۱۰۵) که طبق احادیث اسلامی در زمان حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت. ***
تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۴۱

دوم: محتوای سوره‌ی انبیاء

رستاخیز نزدیک است

قرآن کریم در آیات اول و دوم سوره‌ی انبیاء با هشداری کوبنده، به غفلت مردم از رستاخیز و بی‌توجهی آنان به آیات بیدارگر الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱ و ۲. اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ* مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ برای مردم، (زمانِ) حسابشان بسی نزدیک شد، در حالی که آنان در غفلت، رویگردانند!* هیچ یادآوریِ نوینی از طرف پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر در حالی که آنان بازی می‌کنند بدان گوش فرا می‌دهند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه هشداری کوبنده به مردم می‌دهد، تا از خواب غفلت و بی‌خبری بیدار شوند و خود را برای حساب رستاخیز آماده سازند. «۱» ۲. می‌فرماید: «حساب به مردم نزدیک شده» و نمی‌فرماید: «مردم به حساب نزدیک شده‌اند.»؛ یعنی گویی حساب با سرعت به استقبال مردم می‌آید. ۳. انسان‌ها از حساب غافل‌اند و از همین روست که از رستاخیز روی‌گردانند و خود را برای صحنه‌ی قیامت و دادگاه عدل الهی و پاسخ‌گویی آماده نمی‌کنند. کردار انسان‌ها، که خود را از آلودگی‌ها پاک نمی‌کنند، نشان دهنده‌ی غفلت آنان است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۴۲ ۴. در این آیه مقصود از «مردم» ممکن است تمام مردم باشند- معمولًا در این موارد استثناهایی وجود دارد، یعنی برخی افراد بیداردل همیشه در فکر حساب هستند- و یا این که مقصود مشرکان باشند؛ همان طور که آیات بعدی در مورد مشرکان مکه است. ۵. مقصود از نزدیک شدن حساب آن است که چیزی از عمر شما باقی نمانده است، و یا این که باقیمانده‌ی عمر دنیا نسبت به آنچه گذشته، اندک است، و یا آن که مسئله‌ی رستاخیز قطعی است و از این رو نزدیک است. «۱» ۷. واژه‌ی «ذِکر» در این آیات اشاره به هر سخن بیدار کننده و در این جا مقصود آیات کتاب‌های الهی و قرآن است؛ یعنی هر کتاب و آیه‌ی جدیدی را که برای مردم فرود آید، به شوخی می‌گیرند و بازی‌گوشی می‌کنند. ۸. برخی مفسران ذیل این آیه به مناسبت واژه‌ی «مُحدَث»، در مورد حادث یا قدیم بودن قرآن سخن گفته‌اند؛ حاصل مطلب آن است که الفاظ قرآن، حادث و جدیدند که پس از پدید آمدن بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده‌اند، و محتوا و مطالب قرآن ازلی (و قدیم) اند، یعنی همیشه در علم الهی وجود داشته‌اند. «۲» ۹. در آیه‌ی اخیر یکی از نشانه‌های اعراض و غفلت مردم، بازی‌گوشی و به شوخی گرفتن یادآوری‌ها و آیات جدید الهی بیان شده است و این یکی از مشکلات افراد غافل و متکبر است که اندرزهای خیراندیشان را به شوخی و بازی می‌گیرند و از خواب غفلت بیدار نمی‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از خواب غفلت بیدار شوید که قیامت نزدیک است. ۲. در برابر آیات الهی بازی‌گوشی نکنید. ۳. رستاخیز و آیات الهی را جدّی بگیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۴۳ قرآن کریم در آیات سوم تا پنجم سوره‌ی انبیاء به واکنش منفی مخالفان و تهمت جادوگری به پیامبر اسلام و پاسخ او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳- ۵. لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّواْ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ هَلْ هذَآ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ* قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ* بَلْ قَالُواْ أَضْغثُ أَحلم بَلِ افْتَرَيهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بَايَةٍ كَمَآ أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ در حالی که دل‌هایشان سرگرم (چیز دیگر) است. و کسانی که ستم نمودند، رازگویی‌شان را پنهان کردند (و گفتند:) آیا این (پیامبر) جز بشری همانند شماست؟! و آیا به سراغ سِحر می‌روید، در حالی که شما می‌بینید؟!* (پیامبر) گفت: «(هر) سخن را که در آسمان و زمین (باشد) پروردگارم می‌داند؛ و او شنوا [و] داناست.»* بلکه (مشرکان) گفتند: «(این قرآن) یک دسته خواب‌های پریشان

است؛ بلکه آن را [به دروغ به خدا] نسبت داده است، بلکه او شاعر است؛ پس باید نشانه‌ای (معجزه‌آسا) برای ما بیاورد؛ همان گونه که پیشینیان (از پیامبران با معجزه) فرستاده شدند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مردم غافل، هم در ظاهر در حال بازی و غفلت‌انـد و هم در باطن مشغول خیالات و انـدیشه‌های بی‌ارزش و غافل کننده؛ و طبیعی است که این افراد راه سعادت را نخواهند یافت. ۲. این آیات در مورد مشرکان مکه فرود آمده که در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله واکنش منفی نشان می‌دادند و به ایشان تهمت‌ها می‌زدند و بدون ترس سخنان خود را آشکارا می‌گفتند. و در گوشی صحبت کردن آنان، یا برای توطئه و نقشه‌کشی بود، به طوری که مردم متوجه طرح آنها در برابر پیامبر نشونـد و یا برای مشورت در آماده کردن پاسخ‌های خود در برابر منطق تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۴۴ نیرومند پیامبر صلی الله علیه و آله بود. «۱» ۳. در این آیات بیان شده که پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن موضع‌گیری در برابر سخنان در گوشی مشرکان، بیان می‌داشت که «پروردگار من از هر سخنی در هر کجا باشد آگاه است، پس سخنان مخفی شما را می‌شنود و از اسرار شما باخبر است». در واقع این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله نوعی هشدار به مشرکان بود که مخفی کاری شما سودی برایتان ندارد؛ چراکه خدا از همه چیز باخبر است. ۴. در این آیات بیان شده که مخالفان پیامبر صلی الله علیه و آله به او اشکال می‌کردند که چرا او همانند مردم، یک بشر است؛ در حالی که نمی‌دانستند، پیامبری که می‌خواهد الگوی مردم باشد، باید هم‌چون خود آنان باشد تا بتواند عواطف و مشکلاتشان را درک و برای آنها برنامه ارائه کند یا از خدا پیامی بیاورد. ۵. در این آیات بیان شده که مخالفان پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت‌هایی به ایشان می‌زدند؛ از جمله: الف) گاهی سخنان او را خواب‌های آشفته می‌دانستند. ب) گاهی می‌گفتند: او (به خدا دروغ) بسته است. ج) گاهی او را شاعر و خیال‌باف می‌پنداشتند. د) گاهی نیز او را جادوگر می‌خواندند. با دقت در این تهمت‌ها و نسبت‌ها روشن می‌شود که سخنان مشرکان ضد و نقیض و ناسازگار بود، و این خود دلیلی بر بطلان تهمت‌های آنان است. ۶. مشرکان بهانه‌جو از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تقاضای معجزه می‌کردند، در حالی که پیامبر معجزه‌ای هم‌چون قرآن داشت که در دسترس تمام مشرکان عرب و قابل فهم بود. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۴۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام بدانند که خدا از همه چیز آگاه است و مخفی‌کاری سودی ندارد. ۲. رهبران الهیِ جوامع اسلامی، آماده‌ی تهمت‌ها و بهانه‌جویی‌های دشمنان باشند. ۳. مخالفان اسلام، غافل‌دلانی ستمکار هستند و جلسات سرّی علیه مسلمانان تشکیل می‌دهند (پس مواظب نقشه‌های آنان باشید.) ۴. رهبران الهی در گفتمان‌ها، به مخالفان پاسخی منطقی و آرام بدهند و توجه داشته باشند که خدا از همه چیز آگاه است. ***

رجوع به متخصص یک قانون الهی

قرآن کریم در آیات ششم تا نهم سوره‌ی انبیاء با هشدار به مشرکان، به ایرادهای آنان در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۶- ۹. مَآ ءَامَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَهَآ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ* وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِى إِلَيْهِمْ فَسْئَلُوٓاْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَاتَعْلَمُونَ* وَمَا جَعَلْنَهُمْ جَسَداً لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُواْ خَلِدِينَ* ثُمَّ صَدَقْنَهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَهُمْ وَمَن نَّشَآءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ پیش از آن (مشرک) ان هیچ آبادی که (مردم) آن را هلاک کردیم، ایمان نیاوردند؛ پس آیا اینان ایمان می‌آورند؟!* و پیش از تو، جز مردانی که به سوی آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم. پس اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید.* و آن (پیامبر) ان را پیکرهایی که غذا نمی‌خورند قرار ندادیم؛ و ماندگار (هم) نبودند.* سپس وعده (عذاب) آنان را راست گردانیدیم، و آنان و کسی را که (شایسته دانستیم و) خواستیم نجات بخشیدیم؛ و اسرافکاران را هلاک نمودیم. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۴۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد مقصود آیه‌ی اول دو دیدگاه دارند: نخست آن که، منظور پاسخ گویی کلی به تمام تهمت‌ها و بهانه جویی‌های مشرکان است که در آیات پیشین بیان شده است؛ یعنی می‌فرماید: قبل از این‌ها نیز افراد لجوج دیگری بودند که متوسّل به تهمت و بهانه جویی می‌شدند و سرانجام بدون این که ایمان بیاورند هلاک شدند؛ شاید مشرکان مکه نیز چنین سرنوشتی پیدا

کنند. دوم آن که، مقصود پاسخ گویی به بهانه جویی مشرکان در مورد درخواست معجزات دل‌خواه است که در آیه‌ی پیشین بیان شد؛ یعنی می‌فرماید: قبل از این‌ها نیز افرادی بودند که تقاضای معجزات اقتراحی (دل‌خواهانه و بهانه‌جویانه) می‌کردند، ولی هنگامی که معجزه را آوردیم، ایمان نیاوردند و از این رو نابود شدند؛ شاید مشرکان مکه نیز چنین سرنوشتی پیدا کنند. «۱» ۲. در این آیات به یک پرسش اساسی مشرکان و مخالفان پیامبران در طول تاریخ پاسخ داده شده است. «۲» همان ایرادی که مشرکان مکه آن را تکرار کردند که چرا پیامبر، بشری همانند ماست؟ قرآن در پاسخ آنان اشاره فرمود: اولًا، همه‌ی پیامبرانی که خدا فرستاده است بشر بوده‌اند. ثانیاً، پیامبران انسان‌هایی بودند که غذا می‌خوردند و مثل بقیه‌ی مردم زندگی می‌کردند؛ چرا که رهبر انسان‌ها باید از جنس خودشان باشد تا عواطف و مشکلات آنها را لمس کند، با الهام الهی بهترین برنامه و راه حل را برای آن فراهم سازد، الگوی خوبی برای مردم باشد و حجّت را بر آنان تمام تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۴۷ کند. اما اگر رهبر و پیامبر انسان‌ها، فرشته‌ای با عمر جاوید باشد، نمی‌تواند چنین ویژگی‌هایی داشته باشد. ۳. تعبیر «أهلِ ذِکر» به معنای اهل اطلاع و آگاهان است که شامل تمام دانشمندان می‌شود. این مطلب اشاره به این قانون کلی عقلایی است که «هر چیز را نمی‌دانید لازم است از دانشمندان و متخصصان آن رشته بپرسید». برخی از مفسران و فقیهان در مورد «جواز تقلید مردم از مجتهدان متخصص در فقه» به این آیه استدلال کرده‌اند. «۱» آری؛ انسان دانا و متخصص می‌تواند خود و دیگران را نجات بخشد اما نادان، نه می‌تواند خود را نجات دهد و نه دیگران را. آن کس که بداند و بداند که بداند اسب شرف از گنبد گردون بجهاند آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابد الدهر بماند ۴. یکی از مصادیق اهل ذکر در صدر اسلام، دانشمندان اهل کتاب، یعنی یهود و مسیحیت بودند، ولی این مطلب منحصر به آنها نیست. همان طور که در احادیث اسلامی نیز بیان شده است، مقصود از اهل ذکر امام علی علیه السلام و امامان بعد از او هستند. «۲» البته این‌گونه احادیث، بیان مصداق کامل آیه است، ولی به معنای انحصار مفهوم آیه در این موارد نیست. «۳» ۵. در آیه‌ی اخیر، اشاره شد که خدا به پیامبران الهی وعده داده بود که آنان را نجات دهد و دشمنان را نابود کند و نقشه‌های آنان را نافرجام سازد و او وعده‌ی خود را تحقق بخشید؛ و این سنت الهی است که از پیامبران خود در برابر مخالفان حمایت کند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۴۸ ۶. مقصود از اسرافکارانی که نابود شدند، کسانی بودند که در ستمکاری و کفر و گناه زیاده‌روی کردند، در مورد نیروهای خود و جامعه اسراف نمودند، پیامبران و آیات الهی را تکذیب کردند و در نهایت گرفتار عذاب الهی شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسرافکاران، وعده‌ی الهی در مجازات پیشینیان شما اجرا شد، (پس مراقب اعمال خود باشید). ۲. به شبهات مخالفان در مورد نبوّت پاسخ دهید و بدانید که وعده‌های پیامبران تحقق‌یافتنی است. ۳. هر چه را نمی‌دانید از متخصص آن بپرسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی انبیاء به بیدارگری قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. لَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ كِتباً فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ به یقین به سوی شما کتابی فرو فرستادیم، که در آن (وسیله) تذکّر شماست؛ پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد این تعبیر که قرآن «ذکر شماست» چند تفسیر کرده‌اند: الف) مقصود آن است که قرآن مایه‌ی تذکّر و بیداری شماست؛ پس اگر بخواهید و لجاجت نکنید، تفکر در آیات آن شما را بیدار می‌سازد و هدایت می‌کند. ب) منظور آن است که قرآن نام و آوازه‌ی شما مسلمانان و عرب‌ها را در دنیا بلند کرد و مایه‌ی عزّت و شرافت شما شد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۴۹ ج) قرآن آنچه شما در مورد دین، دنیا و اخلاق نیاز دارید یادآوری نموده است. البته تفسیرها با هم‌دیگر تعارض ندارند و ممکن است مقصود آیه همه این معانی باشد. «۱» برخی از مفسران معنای اول را ترجیح داده‌اند. «۲» ۲. برخی از مفسران این آیه را پاسخی دیگر به تهمت‌ها و ایرادهای مشرکان دانسته‌اند. که اشاره می‌کند، قرآن معجزه‌ی جاویدان و بیدارگر پیامبر صلی الله علیه و آله است، پس چرا شما معجزه‌ی جدید می‌طلبید و بهانه‌جویی می‌کنید و بدون توجه به اعجاز قرآن، به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت خواب‌های آشفته، جادوگری و شاعری می‌زنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی بیدارگر، یادآور و عزّت‌آفرین است. ۲. بیندیشید تا از بیدارگری قرآن بهتر استفاده نمایید. *** تفسیر قرآن مهر جلد

سیزدهم، ص: ۱۵۰ قرآن کریم در آیات یازدهم تا سیزدهم سوره‌ی انبیاء به واکنش عملی ستمکاران در برابر عذاب الهی اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۱- ۱۳. وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْماً ءَاخَرِينَ* فَلَمَّآ أَحَسُّواْ بَأْسَنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ* لَاتَرْكُضُواْ وَارْجِعُواْ إِلَى مَآ أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْئَلُونَ و چه بسیار آبادی را که (مردمش) ستمکار بودند، در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری پدید آوردیم.* و هنگامی که سختی (عذاب) ما را احساس کردند، ناگهان آنان از (ترس) آن پا به فرار گذاشتند.* (گفتیم:) پا به فرار مَگذارید؛ و به سوی آنچه در آن کامرانی یافتید، و خانه‌هایتان باز گردید! تا شاید شما مورد سئوال قرار گیرید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «قَصَم» به معنای شکستن با شدت است. این تعبیر نشان می‌دهد که خدا ستمکاران را با عذابی شدید درهم می‌شکند و مجازات می کند. آری؛ کسانی که روزی به دیگران آزار می‌رساندند اکنون گرفتار می‌شوند و نتیجه‌ی کردار خود را می‌بینند. ایمن مشو ز فتنه، چو خود فتنه می کنی گر چیره‌ای تو، چیره‌تر است از تو روزگار افسونگر زمانه تو را هم کند فسون صیّاد چرخ پر، تو را هم کند شکار (پروین) ۲. ستمکاران هنگامی که عذاب الهی نزدیک و نشانه‌های آن آشکار می‌شود و دیگر راه فراری ندارند همچون لشکر شکست‌خورده‌ای پا به فرار می گذارند و به هر سو پراکنده می‌شوند. ۳. در هنگامه‌ی فرار به ستمکاران ندا داده می‌شود که به سوی خانه‌ها و تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۵۱ قصرهای خودتان بازگردید، تا شاید خدمت‌گزاران شما دو باره نزد شما بیایند و از فرمان‌های شما پرسش کنند و یا محرومانی که به در خانه‌ی شما می‌آمدند و محروم باز می‌گشتند، دو باره بیایند و از شما تقاضا کنند و محروم باز گردند. و همان صحنه‌های نفرت‌انگیز دو باره تکرار شود. این ندا در حقیقت نوعی استهزا و سرزنش ستمکاران است. «۱» ۴. در این آیات بیان نشده که چه کسی ستمکاران فراری را ندا می‌دهد ولی ممکن است این ندای فرشتگان الهی یا پیامبران و یا ندای وجدان آنها باشد. «۲» ۵. در این آیات از میان نعمت‌های مادی به «مسکن» اشاره شده است. شاید این بدان سبب باشد که مسکن وسیله‌ی آرامش است که انسان معمولًا بیش‌ترین درآمد زندگی را خرج آن می کند و بدان علاقه دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تاریخ را مطالعه کنید تا بدانید که تهدیدهای الهی شوخی نیست و قبلًا در مورد ملت‌های ستمکار عملی شده است. ۲. از سرنوشت ستمکاران تاریخ عبرت بگیرید و ستمکاری نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۵۲ قرآن کریم در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره‌ی انبیاء به واکنش گفتاری ستمکاران در برابر عذاب الهی اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۴ و ۱۵. قَالُواْ يَوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَلِمِينَ* فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَيهُمْ حَتَّى جَعَلْنَهُمْ حَصِيداً خمِدِينَ گفتند: «ای وای بر ما! بیقین ما ستمکار بودیم.»* و پیوسته این، ندایشان بود، تا آنان را درو شده‌ای خاموش (و بی‌جان) گردانیدیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: هنگامی که عذاب الهی فرا می‌رسد، ستمکاران از خواب غفلت بیدار می‌شوند و فریادشان بلند می‌شود و حسرت می‌خورند، اما دیگر دیر شده و این فریادها سودی ندارد و در نهایت همچون زراعتی درو شده بر زمین می‌ریزند و شهر و دیار پرخروش آنان به قبرستانی خاموش تبدیل می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاری، پشیمانی به دنبال دارد. ۲. قبل از فرا رسیدن عذاب الهی بیدار شوید و دست از ستمکاری بردارید که فریاد و پشیمانی در آن روز سودی ندارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۵۳

آفرینش هدفمند جهان

قرآن کریم در آیات شانزدهم تا هیجدهم سوره‌ی انبیاء به هدفداری آفرینش و نابودی نهایی باطل اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۶- ۱۸. وَمَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لعِبِينَ* لَوْ أَرَدْنَآ أَن نَّتَّخِذَ لَهْواً لَاتَّخَذْنَهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فعِلِينَ* بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ و آسمان و زمین، و آنچه را در میان آن دوست به بازیچه نیافریدیم.* اگر (بر فرض) می‌خواستیم که سرگرمی‌ای برگزینیم، حتماً آن را از نزد خود بر می گزیدیم؛ اگر (این کار را) انجام می‌دادیم.* بلکه حق را بر باطل می‌افکنیم و آن را فرو می‌شکند پس ناگهان آن را نابود می‌سازد؛ و [لی وای بر شما از آنچه (در باره خدا و پیامبر) وصف

می کنید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن جا که مشرکان ستمکار و مخالفان پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال لهو و لعب می‌رفتند و به بازی و سرگرمی مشغول می‌شدند و جهان را بی‌هدف و بازیچه می‌پنداشتند، در این آیات با ردّ پندارهای آنان به هدف‌داری جهان اشاره شده است. ۲. اگر انسان نگاهی به عظمت آفرینش و پهنه‌ی هستی بنماید متوجه اهمیت آفرینش و هدف آن می‌شود. خدا جهان را آفریده تا موجودی شریف و باکرامت هم‌چون انسان را در آن پرورش دهد و او از عظمت این جهان به نشانه‌های آفریدگار و معاد پی ببرد. آری؛ مجموعه‌ی هستی دارای مبدأ و معاد، و جهانی سیّال و هدف‌دار است، اما اگر از چشم ستمکاران بی‌ایمان به آن بنگریم، بازیچه‌ای پوچ و بی‌هدف است؛ که البته این مطلب با حکمت الهی ناسازگار است چون خدا کار بیهوده و بازیچه انجام نمی‌دهد. ۳. هدفمند بودن جهان به معنای جبران کمبود و تکمیل آفریدگار آن تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۵۴ نیست، بلکه هدف آفرینش و فواید آن به خود انسان‌ها باز می‌گردد؛ یعنی هدف تکامل انسان است؛ تکامل اختیاری نه اجباری؛ چراکه تکامل اجباری در حقیقت تکامل نیست. ۴. جهان بازیچه و بی‌هدف نیست و در نهایت حق بر باطل پیروز می‌شود. در آیات قرآن اهداف متعددی برای آفرینش انسان برشمرده شده است: عبودیت، «۱» آگاهی و دانش «۲» و آزمایش انسان. «۳» البته ممکن است هر کدام از این آیات به یک بُعد انسان اشاره کند؛ گاهی به تکامل بُعد علم، گاهی به تکامل بُعد عمل و گاهی به تکامل بعد روحی و اخلاقی انسان. «۴» برخی از این هدف‌ها مقدمه‌ی هدف اصلی است؛ یعنی انسان را آزمایش می کنند تا رشد یابد و آگاه‌تر شود و با معرفت بیش‌تری به ستایش و عبادت خدا بپردازد و در نهایت به او نزدیک‌تر شود و به طرف تکامل نهایی و قلّه‌ی انسانیت صعود کند. ۵. «لَعْب» به معنای کار بی‌هدف و بازیچه و «لَهْو» به معنای سرگرمی و هدف‌های نامعقول است. ۶. از آن جا که ساحت قدس الهی با لهو و لعب و بازیچه‌های بی‌هدف ناسازگار است، می‌فرماید: «اگر بر فرض محال، می‌خواستیم وسیله‌ای برای سرگرمی خود انتخاب کنیم، چیزی انتخاب می کردیم که متناسب ما باشد.» یعنی اولًا چنین چیزی با ساحت قدس الهی سازگار نیست. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۵۵ و ثانیاً اگر هم بر فرض محال او سرگرمی می‌خواست، این بازیچه‌ها متناسب مقام او نبود. ۷. اساس جهان بر باطل نیست، بلکه جهان مجموعه‌ای از حق و باطل است که خدا همواره دلایل عقلی و معجزات آشکار حق را در برابر پندارها و خرافات بیهوده‌ی باطل‌گرایان قرار می‌دهد و آنها را درهم می کوبد. ۸. «قَذَف» (پرتاب کردن چیزی از راه دور) نشان‌دهنده‌ی سرعت و قدرت حق است؛ و نیز «یَدمَغُ» به معنای شکستن جمجمه‌ی سر، حساس‌ترین نقطه‌ی بدن است؛ یعنی لشگر حق پیروزی چشم‌گیر و کوبنده‌ای بر باطل‌گرایان پیدا می کنند، به طوری که باطل به کلی زایل و نابود می‌شود و این برنامه در طول تاریخ بشر ادامه دارد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان هدفمند است. ۲. پیروزی نهایی در جهان از آن حق و حق‌طلبان است. ۳. جهان را بی‌هدف و بازیچه نپندارید، که ساحت مقدّس الهی از این امور مبرّاست. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۵۶ قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیستم سوره‌ی انبیاء به عبادت و تسبیح فرشتگان الهی اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. وَلَهُ مَن فِی السَّموتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُ لَایَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا یَسْتَحْسِرُونَ* یُسَبِّحُونَ الَّیْلَ وَالنَّهَارَ لَایَفْتُرُونَ و کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، فقط از آن اویند؛ و کسانی (از فرشتگان) که نزد او هستند، از پرستش وی تکبر نمی‌ورزند و درمانده نمی‌شوند. * (او را) در شب و روز به پاکی می‌ستایند؛ در حالی که سست نمی گردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین بیان شد که ستمکاران شرک‌پیشه، جهان را بی‌هدف و بازیچه می‌پنداشتند، یعنی تصویر ناصحیحی از نظام هستی داشتند و اینک در این آیات این تصوّر را اصلاح می کند و نشان می‌دهد که همه‌ی افراد برای هدف الهی آفریده شده‌اند و فرشتگان به عبادت و تسبیح او مشغول‌اند. ۲. در نظام برده‌داری، هر اندازه که بنده‌ای به مولای خود نزدیک‌تر باشد، کم‌تر در برابر او فروتنی می کند؛ چون مولایش به او نیازمند است. اما در نظام عبودیت الهی، هر اندازه که بندگان و فرشتگان به خدا نزدیک‌تر شوند، مقام عبودیت، پرستش و فروتنی آنها زیادتر می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا مالک تمام جهانیان است و فرشتگان همواره در تسبیح اویند (پس چرا مشرکان به غیر او چشم دوخته‌اند). ۲. مالک حقیقی جهان و تسبیح‌گران او را بشناسید (تا به دنبال غیر او نروید). ***

تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۵۷ قرآن کریم در آیـات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی انبیـاء با اشاره به برهان تمانع، به نفی شرک می‌پردازد و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. أَمِ اتَّخَذُواْ ءَالِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ* لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ آیا معبودانی از زمین بر گرفتند که آنان (مردگان را) زنده می کنند؟!* اگر (بر فرض) در آن دو (: آسـمان و زمین،) معبودانی جز خـدا بودند، حتماً (آسـمان و زمین) تباه می‌شدند. پس خدا، پروردگار تخت (جهانداری و تدبیر هستی) منزّه است، از آنچه (او را) وصف می کننـد. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. تعبیر «معبودهـایی از زمین» اشـاره به بت‌هاست که آنها را از سـنگ و چوب می‌ساختنـد و حاکم بر نظام هستی می‌پنداشـتند. در آیه‌ی اول اشاره شده که معبود جهانیان لازم است که خالق آنها نیز باشد، در حـالی که معبودهـا و بت‌ها چیزی را خلق نمی کننـد. ۲. در آیه‌ی دوم به «برهـان تمـانع» اشاره شـده که دلیلی برای توحیـد و نفی شرک است؛ یعنی نظـامی واحـد بر جهـان حاکم است که همه‌ی اجزای آن را هماهنگ و تحت قوانین و برنامه‌های منظم در آورده است. از این نظم و همـاهنگی متوجه می‌شویم که جهـان مبـدأ واحـدی دارد؛ چون اگر مبـدأهای متعـدد و اراده‌های مختلف در آن دخـالت داشـتند، نظـام هستی بر هم می‌خورد و جهـان فاسـد می‌شـد؛ چرا که هر کجا سـخن از تعـدد است، حتماً تفاوت و اختلاف وجود دارد و اگر دو معبود از همه‌ی جهات و اراده‌ها یکسان بودنـد، یک خـدا می‌شدنـد. «۱» خردمند گوید که در یک سـرای چو فرمـان دو گردد نمانـد به جـای (فردوسـی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خـدایی را بپرستیـد که یکتا و آفریننـده و منتشـرکننده‌ی موجودات است. ۲. نه جهان دو خدا را بر می‌تابد و نه خدا دوگانگی را. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی انبیاء به ایراد نداشـتن کارهای خـدا اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۳. لَايُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ (خـدا) از آنچه انجام می‌دهد بازخواست نمی‌شود؛ در حالی که آنان بازخواست می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی پیشین در قالب برهان تمانع و نظم جهان بیان شد که اگر دو خدا بودنـد، کار جهان دچار اشکالات فراوان و فساد و نابودی می‌شـد و اینک در این آیه به بی‌ایراد بودن کار خدا اشاره شده است که کار جهان چنان حکیمانه پی‌ریزی شـده که هیـچ اشـکالی نـدارد. ۲. پرسـش دو گـونه است: گـاهی برای توضیـح خواهی در مورد چیزی است که انسـان از آن اطلاع کـافی نـدارد. این‌گونه پرسـش حتی در مورد کارهای الهی نیز، نیکو و بـدون اشـکال است. اما گاهی اعتراضـی و برای ایراد گرفتن است. مفهوم چنین پرسشـی آن است که کار مخاطب غلط است. این نوع پرسـش در مورد خدا روا نیست؛ چراکه او حکیم است و در کارهـایش اشـکال و ایراد نیست، ولی در مورد کارهـای انسـان اشـکالی نـدارد، چون انسـان گاهی گناه و خطا می کند و مورد تفسیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۱۵۹ بازخواست قرار می گیرد. «۱» ۳. در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکـایت شـده که در مـورد آیه‌ی فوق فرمودنـد: « (از خـدا پرسـش نمی‌شود)؛ چراکه او کـاری، جز از روی حکمت و صواب انجام نمی‌دهد.» «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دیگران را با خـدا مقایسه نکنیـد، که کارهای او بی‌ایراد و کارهای دیگران دارای اشکال است. ۲. همه در مورد کارهایشـان مورد پرسـش و بـازخواست قرار می گیرنـد. *** قرآن کریم در آیـات بیست و چهارم و بیسـت و پنجم سـوره‌ی انبیـاء دلایـل دیگری برای نفی شـرک می‌آورد و می‌فرمایـد: ۲۴ و ۲۵. أَمِ اتَّخَذُواْ مِن دُونِهِ ءَالِهَةً قُلْ هَاتُواْ بُرْهَنَكُمْ هذَا ذِكْرُ مَن مَّعِيَ وَذِكْرُ مَن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَايَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ* وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَآإِلَهَ إِلَّآ أَنَاْ فَاعْبُدُونِ (بلکه) آیا معبودانی جز او برگزیدند؟! بگو: «دلیل روشنتان را بیاورید. این است یادمان کسانی که با من هستند و یادمان کسانی که پیش از من بوده‌اند.» بلکه اکثر آن (مشرک) ان حق را نمی‌شناسند؛ و از این‌رو آنان رویگردانند.* و پیش از تو هیـچ فرسـتاده‌ای را نفرسـتادیم جز این که به سـوی او وحی کردیم که در حقیقت: «هیـچ معبودی جز من نیست؛ پس [مرا] پرسـتش کنید.» تفسـیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۰ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات به دو دلیل برای نفی شـرک اشاره شـده است: الف) مشرکان هیچ دلیلی برای اثبات شرک ندارند در حالی که توحید دلایل متعددی دارد و هیچ انسان عاقلی چیزی را بدون دلیل نمی‌پـذیرد. ب) تمام پیامبران در طول تاریـخ بشـر مردم را به سوی خدای یکتا فرا خوانده‌اند «۱» و ندای توحید، سـخنی است که به سوی همه‌ی پیـامبران وحی شـده بود؛ پس اگر خـدای دیگری غیر از اللّه وجود داشت، پیامبری می‌فرسـتاد یا وحی می کرد که او را

بپرستند و لا-اقل یک پیامبر هم به سوی او دعوت می‌کرد، در حالی که چنین نبوده است. «۲» ۲. در این آیه بیان شده که مخالفت اکثریت مشرکان مکه با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ریشه در جهل آنها داشته است. از این مطلب استفاده می‌شود که اکثریت نادان، معیار حق و باطل نیستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سخن بدون دلیل را نپذیرید و از مخالفان توحید هم دلیل بخواهید (هر چند دلیلی نداشته باشند). ۲. توحید، ندای تمام پیامبران در طول تاریخ بوده است. ۳. شرک، دلیل ندارد. ۴. اکثریت نادان را، معیار حق و باطل ندانید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۱ قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا بیست و نهم سوره‌ی انبیاء با اشاره به ویژگی‌های فرشتگان، فرزند خدا بودن آنها را نفی می‌کند و می‌فرماید: ۲۶- ۲۹. وَقَالُواْ اتَّخَذَ الرَّحْمنُ وَلَداً سُبْحَنَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ* لَايَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ* يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ* وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّى إِلهٌ مِّن دُونِهِ فَذلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذلِكَ نَجْزِى الظلِمِينَ و (مشرکان) گفتند: « (خدای) گسترده‌مهر، فرزندی (از فرشتگان) برگزیده است». او منزّه است؛ بلکه (فرشتگان) بندگانِ گرامی داشته شده‌اند؛* که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند؛ و آنان به فرمان او عمل می‌کنند؛* (زیرا) آنچه در پیش رویشان (در آینده) و آنچه در پشت سرشان (در گذشته) است می‌داند؛ و (فرشتگان) جز برای کسی که (خدا از او) خشنود باشد، شفاعت نمی‌کنند؛ و آنان از هراس او بیمناکند.* و هر کس از آن (فرشتگ)- ان بگوید: «در حقیقت من معبودی جز او هستم.» پس او را جهنّم کیفرش می‌دهیم. اینچنین ستمکاران را کیفر می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بسیاری از مشرکان عرب عقیده داشتند که فرشتگان، فرزندان خدا هستند و به همین دلیل گاهی آنها را پرستش می‌کردند و یا شفیع خود می‌دانستند. قرآن کریم در آیات فوق این عقاید بی‌اساس را محکوم می‌کند. ۲. خدا هیچ‌گاه فرزندی نداشته و نخواهد داشت؛ چراکه فرزند داشتن مستلزم نیازمندی، یعنی برای ادامه‌ی نسل و یا انس گرفتن با آنهاست. اما خدای متعال از این صفات منزّه است. او ابدی و ازلی است و نیازی به فرزند و بقای نسل ندارد و هیچ‌گاه احساس تنهایی نمی‌کند تا نیاز به انس داشته باشد. ۳. قرآن کریم در این آیات با بر شمردن پنج صفت عالی فرشتگان، اشاره تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۲ می‌کند که فرشتگان با این صفات بندگانی مطیع و خدا ترس‌اند و هیچ‌گاه نمی‌توانند خدا یا فرزند خدا باشند و اگر بر فرض چنین ادعایی بکنند، سزای آنان جهنّم خواهد بود. ۴. فرشتگان بندگان باکرامت خدا هستند (که راه عبودیت را برگزیده‌اند و به آن افتخار می‌کنند) و در برابر خدا مؤدب هستند و فرمان‌های او را اجرا می‌کنند؛ آنها به احاطه‌ی علمی خدا آگاهی دارند (و از این رو تخلّف نمی‌ورزند). آری؛ فرشتگان شفیعان رستاخیز هستند که از حق می‌ترسند و در برابر آن فروتن و با عنایت‌اند و هیچ‌گاه ادعای خدایی نمی‌کنند. ۵. فرشتگان، بر خلاف تصور مشرکان، از هر کسی شفاعت نمی‌کنند. آنان تنها از کسی شفاعت می‌کنند که خدا از او خشنود است و اجازه‌ی شفاعت او را داده است. ۶. از این آیه استفاده می‌شود که اولًا، شفاعت فرشتگان مورد تأیید قرآن است. ثانیاً، شفاعت آنها شرایطی دارد؛ از جمله آن که اعمال و عقاید کسی که می‌خواهد مورد شفاعت قرار گیرد، مورد رضایت خدا باشد؛ یعنی فرشتگان شفاعت کسانی را می‌کنند که خدا در مورد شفاعت آنها رخصت داده باشد. ۷. شفاعت پارتی بازی نیست، بلکه ایجاد نور امید در دل گناهکاران و خطاکارانی است که پشیمان شده و هنوز رابطه‌ی خود را با خدا حفظ کرده‌اند؛ پس شفاعت مکتب تربیتی اسلام برای بازگرداندن گناهکاران و جلوگیری از ناامیدی آنان است تا رابطه‌ی خود را با خدا و اولیای او برقرار و گذشته‌ی خود را جبران کنند و در نتیجه مورد رضایت الهی و مشمول شفاعت قرار گیرند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۳ ۸. «خشیت» به معنای ترس همراه با تعظیم و احترام است؛ یعنی ترس فرشتگان از خدا هم‌چون ترس انسان از موجودی وحشتناک نیست، بلکه آمیزه‌ای از احترام، عنایت، معرفت و احساس مسئولیت است. «۱» ۹. شرک و ادعای الوهیت نوعی ستمکاری به خود و دیگران است که کیفر آن جهنّم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرشتگان الهی را در حدّ خودشان احترام بگذارید و فرزند خدا نخوانید. ۲. فرشتگان الهی موجوداتی باکرامت، مطیع، خداترس و شفیعان رستاخیز هستند. ۳. ادعای الوهیت، ستمی است که خدا آن را برنمی‌تابد. ***

اشارات علمی قرآن

قرآن کریم در آیات سی‌ام و سی و یکم سوره‌ی انبیاء به برخی از نشانه‌های هدایت‌آمیز خدا در صحنه‌ی آسمان و زمین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰ و ۳۱. أَوَ لَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُواْ أَنَّ السَّموتِ وَالْأَرْضَ کَانَتَا رَتْقاً فَفَتَقْنَهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَآءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَفَلَا یُؤْمِنُونَ* وَجَعَلْنَا فِی الْأَرْضِ رَوسِیَ أَن تَمِیدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِیهَا فِجَاجاً سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ یَهْتَدُونَ آیا کسانی که کفر ورزیدند اطلاع نیافتند که آسمان‌ها و زمین پیوسته بودند، و آن دو را گشودیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! پس آیا ایمان نمی‌آورند؟!* و در زمین، [کوه‌های استواری قرار دادیم، [مبادا] که آنان را بلرزاند؛ و در آن (کوه‌ها و) درّه‌ها، راه‌ها قرار دادیم تا شاید آنان راه‌نمایی شوند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «رَتْق» به معنای «پیوستگی» و «فَتْق» به معنای «جدایی و گشودن» است. مفسران در مورد پیوستگی و گشودگی آسمان‌ها و زمین سه تفسیر نموده‌اند: الف) مقصود، پیوستگی آسمان‌ها و زمین در آغاز خلقت است که مجموعه‌ی منظومه‌ی شمسی و ستارگان به صورت توده‌ی واحد عظیم و فشرده‌ای بودند، سپس بر اثر انفجاری بزرگ تجزیه شدند و ستارگان و سیارات به وجود آمدند. «۱» ب) مقصود از پیوستگی آسمان‌ها و زمین، یک‌نواخت بودن مواد جهان است که به صورت ماده‌ی واحدی خودنمایی می‌کند، اما با گذشت زمان ترکیبات جدید و انواع گیاهان و حیوانات در آسمان و زمین پدید می‌آید. «۲» ج) مقصود از پیوستگی آسمان‌ها، نباریدن باران و مقصود از پیوستگی زمین نروییدن گیاهان است، اما خدا هر دو را گشود و آبی از آسمان فرو فرستاد و از زمین انواع گیاهان را رویاند. «۳» به تفسیر اول و سوم در برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. «۴» البته تفسیر سوم با ظاهر آیه و سیاق آن سازگارتر است، «۵» اما تفسیر اول و دوم هم منافاتی با معنای وسیع آیه ندارد و ممکن است هر سه معنا مقصود آیه باشد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۵ ۲. در مورد پیدایش موجودات زنده از آب نیز سه احتمال تفسیری وجود دارد: الف) حیات همه‌ی موجودات زنده وابسته به آب است، به ویژه آن که بخش عمده‌ای از مواد تشکیل دهنده‌ی بدن انسان و حیوانات از همین آب است. ب) همه‌ی موجودات زنده از نطفه به وجود آمده‌اند. ج) حیات از آب شروع شده است؛ یعنی موجودات تک‌سلولی اولیه نیز در آب اعماق اقیانوس‌ها به وجود آمده‌اند. «۱» زنده از آب است دایم هر چه هست این چنین از آب نتوان شست دست (عطار) ۳. کوه‌های ثابت و استوار فواید فراوان برای انسان‌ها دارند و هم‌چون زره‌ای محکم، کره‌ی زمین را در برگرفته و از لرزش‌های شدید آن بر اثر فشار گازهای درونی جلوگیری می‌کنند و نیز مانع حرکات شدید پوسته‌ی زمین در برابر جاذبه و دافعه‌ی کرات دیگر می‌شوند، همان طور که از بادهای شدید سطح زمین جلوگیری می‌کنند. زمین از تب لرزه آمد ستوه فرو کوفت بردامنش میخ کوه (سعدی) ۴. در پایان آیه به نعمت راه‌ها و دره‌ها در بین کوه‌ها اشاره شده است که شهرها و روستاها را به هم وصل می‌کند. اگر این شکاف‌ها و راه‌ها نبود، پیوند مردم زمین گسسته می‌شد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات کیهان‌شناسی و زیست‌شناسی نشانه‌های خدا را ببینید و ایمان بیاورید. ۲. با مطالعات زمین‌شناسی به خداشناسی برسید. ۳. نشانه‌های هدایت‌آمیز خدا در صحنه‌ی آسمان و زمین وجود دارد. *** قرآن کریم در آیات سی و دوم و سی و سوم سوره‌ی انبیاء به نشانه‌های دیگر خدا در پهنه‌ی آسمان و صحنه‌ی آفرینش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲ و ۳۳. وَجَعَلْنَا السَّمَآءَ سَقْفاً مَّحْفُوظاً وَهُمْ عَنْ ءَایتِهَا مُعْرِضُونَ* وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ الَّیْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ و آسمان (: جوّ) را سقف محفوظی قرار دادیم؛ و [لی آنان از نشانه‌هایش رویگردانند.* و او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ در حالی که هر یک در مداری شناورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «سَماء» گاهی به معنای جهت بالا، جایگاه ستارگان، جوّ زمین و آسمان معنوی می‌آید «۱» و در این آیه مقصود جوّ اطراف زمین است که با ضخامت صدها کیلومتر، هم‌چون سقفی، زمینیان را محافظت می‌کند. این قشر عظیم و لطیف که از هوا و گازهای مختلف تشکیل شده، خطر شهاب‌سنگ‌ها و اشعه‌های مضرّ کیهانی را تا حدود زیادی دفع می‌کند. «۲» ۲. در این آیات به

حرکت خورشید در مدار و فلک اشاره شده است. ممکن است مقصود حرکت انتقالی خورشید به همراه منظومه‌ی شمسی به تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۷ دور مرکز کهکشان و یا حرکت دورانی خورشید به دور خود باشد. «۱» ۳. برخی مفسران احتمال داده‌اند که آیه اشاره به حرکت شب و روز و ماه و خورشید دارد که هر کدام به صورتی خاص در حرکت‌اند و مداری را در پیش دارند؛ یعنی شب هم‌چون سایه‌ای مخروطی و روز هم‌چون استوانه‌ای از نور به دور زمین می‌چرخند و ماه و خورشید نیز در مسیر خود شناورند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات کیهان‌شناسی، خداشناسی خود را کامل کنید و از نشانه‌های الهی روی‌گردان نباشید. ۲. نشانه‌های خدا را در صحنه‌ی آسمان و حرکت منظم کرات ببینید. *** قرآن کریم در آیات سی و چهارم و سی و پنجم سوره‌ی انبیاء با اشاره به قانون مرگ مخلوقات زنده، به هدف آفرینش انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴ و ۳۵. وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مِّتَّ فَهُمُ الْخَلِدُونَ* كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ و پیش از تو (نیز) برای هیچ بشری ماندگاری (جاویدان) قرار ندادیم؛ و آیا اگر (تو) بمیری، پس آنان ماندگارند؟!* هر شخصی چشنده‌ی مرگ است؛ و شما را با بدی [ها] و خوبی [ها] کاملًا می‌آزماییم؛ و فقط به سوی ما بازگردانده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مشرکان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند: اگر او خاتم پیامبران بود می‌بایست برای همیشه زنده بماند تا آیین خویش را تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۸ حفظ کند؛ پس سخنان این مرد دوامی ندارد و بعد از مرگش همه چیز پایان می‌پذیرد. قرآن در این آیات به مشرکان پاسخ کوبنده‌ای داده است. ۲. در این آیات به قانون تغییرناپذیر مرگ اشاره شده است. در نظام آفرینش، هیچ مخلوق زنده‌ای جاویدان نمی‌ماند و سرانجام همه می‌میرند. پس همین مشرکان نیز که از مرگ پیامبر شادی می‌کنند، خودشان روزی خواهند مرد. ۳. یادآوری این نکته لازم است که بقای دین پیامبر صلی الله علیه و آله وابسته به بقای شخص ایشان نیست، بلکه ممکن است جانشینان او راه ایشان را ادامه دهند و از دین الهی محافظت کنند، همان طور که امامت راه نبوت را ادامه داده و از دین اسلام تا کنون محافظت کرده است. ۴. «نفس» در قرآن گاهی به معنای «ذات و شخص» یا «خویشتن خویش» (که به این معنا بر خدا هم اطلاق می‌شود)، «۱» گاهی به معنای جسم انسان «۲» و گاهی به معنای روح و جان می‌آید. «۳» مقصود از «نفس» در آیه‌ی فوق مجموعه‌ی «روح و بدن» انسان است که هر شخصی می‌میرد و جسم او از کار می‌افتد و روح او توسط فرشتگان گرفته می‌شود. «۴» ۵. اگر همه‌ی انسان‌ها می‌میرند، پس هدف آفرینش انسان و زندگی این دنیا چیست؟ آیات فوق به این پرسش پاسخ داده که هدف، امتحان شما و بازگشت نهایی به سوی خداست. البته قبلًا بیان کردیم که امتحان یک هدف مقدماتی برای آفرینش انسان است. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۶۹ ۶. مقصود از امتحان انسان با شرّ و خیر، آن است که انسان به وسیله‌ی نیکی‌ها و بدی‌ها آزمایش می‌شود، تا پرورش یابد؛ هر چند بدِ مطلق در جهان نیست، «۱» اما برخی چیزهای نیک دارای عوارض بدی هستند که بدان جهت به آنها شرّ گفته می‌شود؛ بنابراین شرّ نسبی در جهان وجود دارد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون مرگ برای همه‌ی شما حتمی است و فرجام همگان به سوی خداست. ۲. دنیا را محل آزمایش بدانید (و خود را برای امتحان آماده کنید و موفق شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی انبیاء به واکنش غیر منطقی و ریشخندآمیز مشرکان در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶. وَإِذَا رَءَاكَ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُواً أَهَذَا الَّذِى يَذْكُرُ ءَالِهَتَكُمْ وَهُم بِذِكْرِ الرَّحْمنِ هُمْ كفِرُونَ و کسانی که کفر ورزیدند، هنگامی که تو را می‌بینند، جز به ریشخندت نمی‌گیرند؛ (و می‌گویند:) آیا این کسی است که معبودهای شما را (به بدی) یاد می‌کند؟! در حالی که آنان خود، یاد (خدای) گسترده‌مهر را منکرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلیل منطقی بر شرک نداشتند و تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۰ در برابر دلایل توحید درمانده شده بودند، از این رو موضع‌گیری غیر منطقی و منفی می‌کردند و به استهزا و ریشخند روی می‌آوردند تا بدین وسیله راه توحیدی پیامبر صلی الله علیه و آله را سدّ کنند. ۲. مشرکان خودشان خدای رحمان را با آن همه دلیل و برهان منکر می‌شوند و این کار را عجیب و مسخره‌آمیز نمی‌دانند، اما وقتی کسی پرستش بت‌های بی‌ارزش را انکار کرد، او را

مسخره می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی آماده‌ی شنیدن ریشخند مخالفان باشند، که این روش آنان است. ۲. گاهی انسان آن‌قدر منحرف می‌شود که حقایق الهی را انکار و مبارزه با خرافات را مسخره می‌کند. *** قرآن کریم در آیات سی و هفتم و سی و هشتم سوره‌ی انبیاء به شتاب‌زدگی انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷ و ۳۸. خُلِقَ الْإِنسنُ مِنْ عَجَلٍ سَأُوْرِيكُمْ ءَايتِى فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ* وَيَقُولُونَ مَتَى هذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صدِقِينَ انسان از عجله آفریده شده؛ بزودی نشانه‌هایم را به شما می‌نمایانم، پس (از من) شتاب مَخواهید.* و (کافران) می‌گویند: «اگر راست گویید، این وعده (قیامت) چه وقت است؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «انسان» در این آیه نوع انسان است؛ یعنی انسان‌های تربیت نایافته و دور از تعلیمات الهی، آن‌قدر در کارها شتاب می‌کنند که گویا از عجله آفریده شده‌اند. ۲. در این آیات به مصادیق شتاب‌زدگی برخی انسان‌ها اشاره شده که حتی اگر به آنان هشدار داده شود که عذاب الهی فرا می‌رسد، باز هم عجله می‌کنند و خواستار آن می‌شوند که عذاب‌شان زودتر فرا رسد و یا با بی‌صبری تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۱ در انتظار برپایی قیامت هستند، در حالی که اگر قیامت بیاید آنان مجازات سختی می‌بینند. ۳. مقصود از «آیات» در این آیه، یا نشانه‌های عذاب الهی است که به کافران وعده داده شده بود و آنان خواستار دیدن آن بودند و یا معجزات الهی است که مشرکان خواستار آوردن آنها بودند. در هر دو صورت خدای متعال به آنان پاسخ می‌دهد که به زودی آنها را خواهید دید؛ پس عجله نکنید. البته تفسیر اول با سیاق آیات سازگارتر است. «۱» ۴. در این آیات بیان شده که کافران با لفظ جمع به پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش خطاب می‌کردند که: «اگر راست می‌گویید.» در حالی که مخاطب اصلی آنها پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود؛ یعنی آنها می‌خواستند بگویند که فرا نرسیدن رستاخیز دلیل آن است که همه‌ی شما دروغ‌گو هستید. ۵. در این آیات از طرفی بیان شده که خمیرمایه‌ی انسان از عجله است و از طرف دیگر به انسان‌ها سفارش می‌کند که عجله نکنید؛ این به خاطر آن است که صفت شتاب‌زدگی هم‌چون جهل در انسان وجود دارد، اما انسان اختیار، آزادی و اراده دارد و می‌تواند صفات و روحیات و ویژگی‌های اخلاقی خود را برگزیند و با راه‌نمایی رهبران الهی و با انجام برنامه‌های دینی خود را شکیبا و صبور سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران عجله نکنند، به زودی وعده‌های الهی و رستاخیز فرا خواهد رسید. ۲. هر چند شتابکاری در خمیرمایه‌ی انسان است، اما شما بر آن غلبه کنید (و خود را با برنامه‌های الهی تربیت کنید و شکیبا شوید). *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۲ قرآن کریم در آیات سی و نهم و چهلم سوره‌ی انبیاء به عجز کافران در برابر آتش دوزخ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹ و ۴۰. لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُواْ حِينَ لَايَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ* بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ اگر (بر فرض) کسانی که کفر ورزیدند، می‌دانستند زمانی را که نمی‌توانند آتش را از صورت‌هایشان و از پشت‌هایشان بازدارند؛ و آنان یاری نمی‌شوند. (این اندازه درباره‌ی آمدن قیامت شتاب نمی‌کردند)!* بلکه (قیامت) ناگهان بر ایشان فرا رسد و مبهوتشان می‌سازد! و نمی‌توانند آن را برگردانند و (نیز) آنان مهلت داده نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آتش از طرف صورت و پشت به سراغ کافران می‌آید. این مطلب اشاره به آن است که دوزخ از هر طرف کافران را احاطه می‌کند و گویی در وسط آتش غرق شده‌اند. ۲. کافران در آن حالت یاری نخواهند شد، این مطلب اشاره به آن است که کافران بت‌ها را شفیع و یاور خود می‌دانستند، ولی در صحنه‌ی رستاخیز کاری از بتان ساخته نیست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران بدانند که عذاب فراگیر الهی ناگهان فرا خواهد رسید و برای هیچ کس راه فراری وجود نخواهد داشت (پس تا دیر نشده دست از کفر و انکار بردارند). تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۳ ۲. روز رستاخیز، زمان مهلت و یاری نیست (پس تا مهلت هست برای دفع آتش چاره‌ای بیندیشید). ۳. از سرنوشت شوم کافران عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و سوم سوره‌ی انبیاء با اشاره به ریشخندهای مشرکان، به آنان پاسخ و هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۱- ۴۳. وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُواْ مِنْهُم مَّا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ* قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ* أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا لَايَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ و بیقین پیش از تو فرستادگانی ریشخند شدند، و [لی آنچه که

همواره آن را ریشخند می‌کردنـد، کسانی از آنان را که مسخره می‌کردنـد فرو گرفت.* بگو: «چه کسـی شـما را در شب و روز از (مجازات خـدای) گسترده‌مهر حفظ می‌کنـد؟!» ولی آنان از یاد پروردگارشان رویگرداننـد. * آیا برای آنان معبودانی غیر از ماست که آنان را (از عـذاب) باز می‌دارد؟! در حالی که توان یاری خودشان را ندارند، و آنان از طرف ما (نیز یاری و) همراهی نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی سی و شـشم این سوره دیدیم که مشرکان پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله را ریشخند می‌کردند و اینک این آیات به پیامبر دل‌داری می‌دهـد که این روش دیرینه‌ای است که در برابر پیامبران قبلی نیز به کار می‌رفت و حقایق الهی و نبوّت و عذاب الهی را مسخره می‌کردند، اما به زودی نتایج کار خود را دیدند و همان عذاب دامان آنها را گرفت. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۴ پس این اعمال جاهلان مغرور هیچ اثری بر تو نگذارد و اندوهی به خود راه مده که این تلاش‌های مشرکان برای آنان نتیجه‌ی عکس می‌دهـد. ۲. خـدای رحمـان است که انسان‌هـا را در برابر خطرهـا و حوادث حفظ می‌کنـد؛ اوست که جوّ زمیـن را هم‌چـون سـقف محفـوظی قرار داد و شـما را از خطرهـای جوّی حفـظ کرد؛ پس چرا بـه جـای شـکرگزاری، از او روی برمی‌تابیـد. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. مخالفـان راه خـدا هر چه را مسـخره کننـد، به همـان گرفتـار می‌شونـد و در آن هنگـام معبودهـای دروغین نیز نمی‌تواننـد به فریادشـان برسـند. ۲. رهـبران و مبلغـان الهی بداننـد که روش کفرپیشـگان در طول تاریـخ ریشـخند کردن مردان الهی است (پس برای این مشکلات آماده باشید). ۳. به جای دل بستن به معبودهای ناتوان، به خدایی روی بیاورید که نگه‌دار شماست. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی انبیاء با اشاره به نعمت‌های الهی نسبت به کافران، در مورد ناسپاسی آنان هشـدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۴. بَلْ مَتَّعْنَا هؤُلَآءِ وَءَابَآءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَآ أَفَهُمُ الْغَلِبُونَ بلکه آنان و پـدرانشان را (از نعمت‌ها) بهره‌منـد ساختیم، تا این که عمرشان طولانی شد؛ و آیا نمی‌بینند که ما به سـراغ زمین می‌آییم، در حـالی که از اطرافش آن را می‌کـاهیم؟! و آیا آنان پیروزنـد؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کـافران با این که از نعمت‌ها و عمر طولانی بهره‌منـد شدنـد، به جای آن که سپاس‌گزاری کننـد، این نعمت‌ها مایه‌ی غرور و سرکشـی آنان شـد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۵ ۲. مفسران در مورد «کاهش زمین» چند دیدگاه دارند: الف) کاهش زمین اشاره به ساکنان زمین است که مرتب از دنیا می‌روند و از تعداد آنها کم می‌شود. ب) اشاره به دانشـمندان است که مرتب از دنیا می‌روند (این تفسیر در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام نیز حکایت شده است). «۱» ج) خدا تدریجاً از سرزمین‌های مشرکان می‌کاهد و بر کشور اسلام می‌افزاید. د) مقصود ویرانی تـدریجی زمین است. «۲» ه) حجم، وزن، مواد و منـابع زمین رو به کـاهش است. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از کاهش زمین و مردمانش عبرت بیاموزید و سرکشـی نکنید که شما بر خدا پیروز نمی‌شوید. ۲. قدر نعمت‌ها و عمرهای طولانی را بدانید (و سپاس‌گزار حق باشـید). *** قرآن کریـم در آیات چهل و پنجم و چهل و شـشم سوره‌ی انبیاء به ناشـنوایی کافران ستمکار نسبت به هشـدارهای پیـامبران و واکنش آنان در برابر عـذاب الهی اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۴۵ و ۴۶. قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَآءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ* وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَلِمِينَ تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۶ بگو: «فقط بوسیله وحی شما را هشدار می‌دهم!» و [لی هنگامی که ناشنوایان، هشدار داده شوند، صدا را نمی‌شنوند.* و اگر شمّه‌ای از عـذاب پروردگارت به آنان برسـد، قطعاً می‌گوینـد: «ای وای بر ما! بیقین ما سـتمکار بودیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله با آیات پرنفوذ قرآن به کافران هشدار می‌دهد، اما زمینه در آنها آماده نیست و گوش شنوا ندارند تا ندای حق را بشنوند؛ یعنی پرده‌هـای غفلت، غرور و گنـاه بر دل آنهـا افتـاده و راه نفوذ آیات الهی را مسـدود کرده است. ۲. «نَفْحَةٌ» به معنای چیز کم یا ملایـم است که غالباً در مورد نسیم رحمت به کار می‌رود ولی گاهی نیز در مورد عـذاب اسـتعمال می‌شود. این تعبیر از نظر وزن و معنا اشاره به ناچیز بودن عـذاب الهی است که به کافران می‌رسـد ولی آنان توان تحمّل آن را هم ندارند «۱». ۳. در این آیات اشاره شـده که کـافران بـا هشـدارهای شـفاهی پیامبر صـلی الله علیه و آله بیـدار نمی‌شونـد، اما چنانچه تازیانه‌ی خفیف عـذاب را بچشـند، ناگهان بیـدار می‌شونـد و فریاد وای بر ما سر می‌دهند و به سـتمکاری خود اعتراف می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد مخالفان

اسلام، هشدارهای عملی از هشدارهای شفاهی مؤثرتر است. ۲. پیش از آن که عذاب الهی فرارسد، به هشدارهای الهی توجه کنید و آیات الهی را با گوش دل بشنوید. ۳. رهبران الهی و مبلغان دینی وحی را مبنای تبلیغات قرار دهند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۷ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی انبیاء به صحنه‌ی رستاخیز و دقت محاسبات در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷. وَنَضَعُ الْمَوزِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيمَـةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حسِبِينَ و در روز رستاخیز میزان‌های دادگری را می‌نهیم، و هیچ کس به (کم‌ترین) چیزی ستم نمی‌شود؛ و اگر (کردارشان) هموزن دانه‌ای از سپندان باشد، آن را می‌آوریم؛ و حساب‌رسی ما کافی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قسط» گاهی به معنای عدم تبعیض و گاهی به معنای عدالت است و در این جا به معنای «عدل» است؛ یعنی میزان‌های رستاخیز آن‌چنان دقیق و منظم است که گویی عین عدالت است. ۲. مقصود از «میزان رستاخیز» ترازویی شبیه ترازوهای فروشگاه‌های دنیا نیست که اعمال انسان را وزن کند، بلکه مقصود همان وسیله‌ی سنجش است که برای هر چیز وسیله‌ی سنجش متناسب وجود دارد، هم‌چون دماسنج. «۱» ۳. در احادیث اسلامی بیان شده که میزان‌های سنجش در رستاخیز، پیامبران و امامان هستند «۲» که الگوی بشریت در عقاید، اعمال، گفتار و اخلاق‌اند؛ یعنی میزان صحت و درستی اعمال و عقاید مردم را با اعمال و عقاید پیشوای آنان می‌سنجند. ۴. «موازین» جمع است و شاید اشاره به آن باشد که مردان حق، هر کدام با امتیاز ویژه‌ای که دارند در همان بخش، الگو و مقیاس سنجش هستند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۸ ۵. «خَردَل» نام گیاهی است که دانه‌ی سیاه بسیار کوچکی دارد که در کوچک بودن ضرب المثل است؛ یعنی اگر کسی کوچک‌ترین عمل نیک و بدی انجام داده باشد در رستاخیز محاسبه می‌شود. ۶. در این آیه با شش تعبیر مختلف بر مسئله‌ی دقت در حساب رستاخیز تأکید شده است. واژه‌ی «موازین» که جمع است، صفت «قِسط»، تأکید بر نفی، واژه‌ی «شیئا» که هر گونه ستم را نفی می‌کند، مثال زدن به دانه‌ی «خَردَل» و تأکید بر «حسابگری» خدا. همه‌ی این‌ها بر دقت حساب رستاخیز اشاره یا دلالت دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وسایل سنجش رستاخیز بسیار دقیق است و کوچک‌ترین اعمال را مورد محاسبه قرار می‌دهد (پس خودتان را برای آن روز آماده سازید). ۲. برای سنجش کارها، معیارهای عادلانه قرار دهید. *** خدای متعال در آیات چهل و هشتم و چهل و نهم سوره‌ی انبیاء به معرفی تورات و پارسایان می‌پردازد و می‌فرماید: ۴۸ و ۴۹. وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى وَهرُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءً وَذِكْراً لِّلْمُتَّقِينَ* الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ و یقیناً به موسی و هارون، جدا کننده [حق از باطل و روشنایی و یادآوری برای پارسایان (خود نگه‌دار) دادیم.* (همان) کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌هراسند، در حالی که آنان از ساعت (رستاخیز) بیمناکند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۷۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تاکنون در سوره‌ی انبیاء مباحثی درباره‌ی برخورد مشرکان کفرپیشه با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دلیل‌های طرفین بیان شد. از این آیات به بعد به سرگذشت پیامبران دیگر و کتاب‌های الهی آنها اشاره شده است. نخست از موسی و هارون می‌گوید، سپس سرگذشت ابراهیم را به طور مشروح بیان می‌کند و آن‌گاه به سرگذشت پیامبران دیگر اشاره می‌کند. ۲. «فُرقان» در اصل به معنای جدا کننده‌ی حق از باطل است و گاهی به معنای قرآن «۱» و گاهی به معنای تورات آمده است. در این آیه ممکن است به معنای تورات یا برخی معجزات موسی علیه السلام مثل شکافته شدن دریا باشد. «۲» ۳. «ضِیاء» نوری است که از درون چیزی بجوشد و «ذِکر» به معنای یادآوری و بیدار کردن انسان از غفلت و بی‌خبری است. این‌ها از آثار کتاب‌های الهی است. ۴. پشت سرهم آمدن سه تعبیر «فرقان»، «ضیاء» و «ذکر» گویا اشاره به آن است که انسان برای رسیدن به مقصد، نخست نیاز به فرقان دارد تا بر سر دوراهی‌ها حق و باطل را از هم جدا کند، سپس نیاز به نور دارد تا راه خود را ادامه دهد و در هنگام غفلت نیاز به تذکر دارد. ۵. تعبیر «بِالغَیب» را دو گونه تفسیر کرده‌اند: الف) اشاره به پروردگار است که با وجود این که از دیدگان مردم پنهان است، تقوا پیشگان بر اساس دلیل‌های عقلی به او ایمان می‌آورند و در برابر او احساس مسئولیت می‌کنند. ب) اشاره به آن است که پارسایان همان طور که میان جامعه از خدا بیمناک‌اند، در خلوتگاه و نهان نیز از او بیم دارند و با او مخالفت نمی‌نمایند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۰ ۶.

«خَشِیَّت» به معنای ترسِ آمیخته بـا احترام و تعظیم است؛ یعنی انسـان به خاطر درک عظمت الهی، احترامی آمیخته با ترس و تعظیم نسبت به او دارد. ۷. واژه‌ی «اشفاق» به معنای علاقه‌ی همراه با بیم است؛ یعنی همان طور که انسان به فرزندش شفقت دارد، نسبت به رسـتاخیز هم علاقه دارد؛ چون کانون پاداش و رحمت الهی است، اما از حساب آن روز بیمناک است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبران الهی راه را روشن کردنـد و یـادآوری نیز نمودنـد؛ پس (شـما از این فرصت برای رشـد خود اسـتفاده کنیـد و) آیـات الهی را انکـار نکنید. ۲. پارسایان اسـتفاده‌های بیش‌تری از نورانیّت و تـذکرات کتاب‌های الهی می‌نمایند. ۳. پارسا شوید تا نسـبت به پروردگار و رسـتاخیز بی‌تفاوت نباشـید و احساس مسـئولیت کنیـد. *** خدای متعال در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی انبیاء به معرفی قرآن می‌پردازد و می‌فرماید: ۵۰. وَهذَا ذِکْرٌ مُّبَارَکٌ أَنزَلْنهُ أَفَأَنتُمْ لَهُ مُنکِرُونَ و این (قرآن) یادآوری خجسته است که آن را فرو فرستادیم؛ و آیا شما آن را منکرید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن هم مایه‌ی بیداری و تذکر و آگاهی شـما و هم کانون برکت و خیر دنیا و آخرت شـماست، پس چرا مشرکان آن را انکار می‌کنند؟ ۲. در آیات قبل، از تورات با عنوان «ذکر» و از قرآن با عنوان «ذکر مبارک» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۱ یاد شده است. این نشان می‌دهد که آگاهی بخشی قرآن با برکت و مستمر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن آگاهی بخشی با برکت است (پس قدر آن را بدانید). ۲. قرآن و عظمت آن را انکار نکنید. ***

ماجرای ابراهیم (ع)

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی انبیاء به سـرگذشت ابراهیم علیه السـلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. وَلَقَدْ ءَاتَیْنَآ إِبْرهِیمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَکُنَّا بِهِ علِمِینَ و یقیناً پیش از [این به ابراهیم رهنمودش را دادیم؛ و به (شایسـتگی) او آگاه بودیم، نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السـلام از پیامبران بزرگ خداست که در برخی از سوره‌های قرآن سـرگذشت او و مبارزات توحیدی او با بت‌پرستی بیان شده «۱» و در حقیقـت ابراهیـم علیه السـلام و آیین او سرچشـمه‌ی دین اسـلام، یهـودیت و مسیحیت، و او فردی هـدایت‌یافته و الگـوی نیکـویی برای همه‌ی مردم است. ۲. «رُشـد» در اصـل به معنـای راه یـافتن به مقصـد و در مقابل ضـلالت است که در این جا ممکن است به هدایت ابراهیم علیه السلام به سوی توحید اشاره داشته باشد که از کودکی از آن آگاه شد و یا اشاره به هرگونه خیر و صـلاحی باشـد که به او داده شد. «۲» ۳. هـدایت و الطاف الهی نسبت به ابراهیم، بـدون دلیل نبود، بلکه به خاطر آگاهی خـدا از شایسـتگی‌های او بود؛ یعنی او برای پذیرش مواهب الهی و نبوت آمادگی داشت. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بر اسـاس آگاهی از حال افراد، مواهبی را در اختیار آنان بگذاریـد. ۲. ابراهیم فردی هدایت یافته (و الگوی شـما) است. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و دوم تا پنجاه و شـشم سوره‌ی انبیاء گفتمان ابراهیم با بت‌پرسـتان را حکایت می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۵۲–۵۶. إِذْ قَالَ لِأَبِیهِ وَقَوْمِهِ مَا هـذِهِ التَّمَاثِیلُ الَّتِی أَنتُمْ لَهَا عکِفُونَ* قَالُواْ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا لَهَا عبِدِینَ* قَالَ لَقَدْ کُنتُمْ أَنتُمْ وَءَابَآؤُکُمْ فِی ضَلـلٍ مُّبِینٍ* قَالُواْ أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ اللَّعِبِینَ* قَالَ بَلْ رَبُّکُمْ رَبُّ السَّموتِ وَالْأَرْضِ الَّذِی فَطَرَهُنَّ وَأَنَاْ عَلَی ذلِکُم مِّنَ الشـهِدِینَ هنگامی که به پدر (مادرش یا عموی) ش و قومش گفت: «این تندیس‌ها چیست که شـما ملازم (پرسـتش) آنها شده‌اید؟!»* گفتند: «نیاکانمان را پرسـتش کنندگان آنها یافتیم.»* (ابراهیم) گفت: «بیقین شـما و نیاکانتان، در گمراهی آشکاری بودید!»* (بت پرستان) گفتند: «آیا حق را برای ما آورده‌ای، یا تو از بازیگرانی؟!»* (ابراهیم) گفت: «بلکه پروردگار شما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است (همان) کسـی که آنها را شـکافته [و آفریده است؛ و من از گواهان بر این (مطلب) هستم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مردمی که در عصر ابراهیم علیه السـلام زندگی می‌کردند، از سـنگ و چوب، بت‌هایی برای خود می‌تراشیدند و آنها را مقدس شمرده، می‌پرستیدند. ۲. ابراهیم علیه السـلام مبارزات خود با این خرافات را، به صورت منطقی و با اسـتدلال شـروع کرد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۳ او نخست سـعی کرد که پدر مادر یا عموی خویش «۱» را هدایت کند و سپس به سراغ قوم خویش رفت. ۳. «تماثیل» در اصل به معنای عکس یا مجسـمه‌ی بی‌روح است که شایـد در اصل یادبود پیامبران و دانشـمندان آن قوم بودنـد و کم‌کم مقـدس شدند به

طوری که بت‌پرستان ملازم و دل‌بسته‌ی آنها شدند و آنها را به عنوان معبود مورد پرستش قرار دادند. «۲» ۴. ابراهیم علیه السلام با لحنی تحقیرآمیز و تحریک کننده به مشرکان گفت: این تمثال‌ها و عکس‌ها چیست؟! یعنی، اولًا با اشاره به نزدیک و ثانیاً با تعبیر تمثال و عکس، به بت‌پرستان فهماند که این بت‌ها معبود حقیقی و مقدس نیستند، بلکه خیالات شما هستند که هیچ انسان عاقلی به خود اجازه نمی‌دهد آنها را بپرستد و در برابر آنها کرنش کند. ۵. بت‌پرستان هیچ منطق و دلیلی برای شرک و بت‌پرستی نداشتند، از این رو آن را به روش نیاکانشان مرتبط می‌کردند و می‌گفتند: پدرانمان نیز بت می‌پرستیدند و ما به روش آنها پای‌بند هستیم. ۶. مشرکان بر کثرت بت‌پرستان و سیر تاریخی آن تأکید کردند و ابراهیم به هر دو مطلب جواب داد و در پاسخ آنان تأکید کرد که هم شما و هم نیاکانتان هر دو در گمراهی آشکاری بوده‌اید. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۴ ۷. پیروی از روش‌های پسندیده‌ی نیاکان، خوب است اما در جایی که روش آنان مخالف عقل، وحی یا علم قطعی باشد، دلیلی بر پیروی از آنان وجود ندارد و از این رو قرآن پیروی کورکورانه و تقلید از پدران را سرزنش می‌کند. ۸. مشرکان چنان به بت پرستی عادت کرده بودند که هیچ گونه مخالفت با آنان را جدّی نمی‌پنداشتند و حتی به ابراهیم علیه السلام گفتند: آیا تو بازی و شوخی می‌کنی؟ ۹. در این آیات نشان داده شده که چگونه ابراهیم علیه السلام از فرصت استفاده کرد و به معرفی توحید پرداخت؛ یعنی اول پروردگار آسمان‌ها و زمین را معرفی کرد سپس به صفت آفریدگاری او اشاره کرد و آن گاه بیان کرد که توحید گواهانی دارد که یکی از آنها من هستم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با منطق قوی توحیدی، با شرک و بت‌پرستی مبارزه کنید. ۲. از روش‌های غیر صحیح پدرانتان تقلید نکنید. ۳. پروردگار جهان را بشناسید و معبود خود قرار دهید، نه بت‌های بی‌جان را. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم و پنجاه و هشتم سوره‌ی انبیاء به بت شکنی ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷ و ۵۸. وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَمَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّواْ مُدْبِرِينَ* فَجَعَلَهُمْ جُذذاً إِلَّا كَبِيراً لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ و به خدا سوگند، پس از آن که پشت کرده، روی برتافتید، قطعاً برای بتانتان نقشه می‌کشم!»* و آن (بت) ان را قطعه قطعه کرد، مگر بزرگشان را، تا شاید آنان به سویش بازگردند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «کَیْد» در اصل به معنای طرح پنهانی و چاره‌اندیشی مخفیانه است؛ «۱» یعنی ابراهیم علیه السلام در پی آن بود که از فرصت استفاده کند و نقشه‌ای برای درهم شکستن بت‌ها بکشد. ۲. ابراهیم علیه السلام به بت پرستان هشدار داد که نقشه‌ای برای نابودی بت‌ها می‌کشد، اما بت‌پرستان سخن او را جدّی نگرفتند؛ چون آن‌قدر بت‌ها در نظرشان بزرگ جلوه می‌کرد که گمان نمی‌کردند کسی جرأت تعرّض به آنها را داشته باشد، به ویژه آن که حکومت نمرود نیز حامی بت‌پرستی بود. ۳. برخی مفسران حکایت کرده‌اند که بت‌پرستان آن عصر، روز خاصی را به عنوان عید گرامی می‌داشتند و در آن روز غذایی در بت‌خانه حاضر می‌کردند، سپس دسته‌جمعی به بیرون شهر می‌رفتند و در پایان روز بازمی‌گشتند و از غذای تبرّک یافته می‌خوردند. آن روز ابراهیم در شهر ماند و وارد بت‌خانه شد و تمام بت‌ها را شکست و فقط یک بت را باقی گذاشت و تبر را به گردن او گذاشت. «۲» ۴. بتی که ابراهیم باقی گذاشت بزرگ‌ترین بت آنان از نظر جسم و یا بزرگ‌ترین بت در نظر مردم و یا هر دو بود. شاید ابراهیم این بت را باقی گذاشت تا بتواند در استدلال‌های منطقی خود به ناتوانی آن استدلال کند. ۵. هدف ابراهیم از این کار آن بود که بت پرستان تحریک شوند و به سراغ او بیایند و فرصتی به دست آید تا سخنان منطقی خود را به گوش مردم برساند و آنها را از خواب غفلت بیدار سازد. ۶. ابراهیم علیه السلام بت‌های چوبی و سنگی عصر خود را شکست، اما هنوز هم بت‌پرستی در گوشه و کنار جهان رواج دارد و صدها میلیون انسان در تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۶ کشورهای بزرگ جهان بت‌پرست و مشرک هستند. البته بت‌پرستی همیشه با چوب و سنگ نیست، هر نوع توجه استقلالی به غیر خدا شرک و بت‌پرستی است؛ همان طور که در احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از فرصت‌ها استفاده کنید و هم‌چون ابراهیم بت‌شکن باشید. «۲» ۲. با طرح و نقشه‌ی حساب شده با بت‌پرستی مبارزه کنید (و آماده‌ی گفتمان منطقی با آنان باشید). ۳. رهبران الهی بت شکن هستند. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و نهم تا شصت و سوم سوره‌ی انبیاء به گفتمان دوم ابراهیم با بت‌پرستان و بیدارگری

او اشاره می کند و می‌فرماید: ۵۹- ۶۳. قَالُوا مَن فَعَلَ هـذَا بِئَالِهَتِنَآ إِنَّهُ لَمِنَ الظَّلِمِينَ* قَالُواْ سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَهِيمُ* قَالُواْ فَأْتُواْ بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ* قَالُواْ ءَأَنتَ فَعَلْتَ هـذَا بِئَالِهَتِنَا يَإِبْرَهِيمُ* قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هـذَا فَسْئَلُوهُمْ إِن كَانُواْ يَنطِقُونَ (بت پرستان) گفتند: «چه کسی این (کار) را با معبودهای ما انجام داده است، قطعاً او از ستمکاران است.»* (گروهی) گفتند: «شنیدیم جوان پسری که به او ابراهیم گفته می‌شود، آن (بت) ان را (به بدی) یاد می کرد.»* (بت پرستان) گفتند: «او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، تا شاید آنان گواهی دهند.»* گفتند: «ای ابراهیم آیا تو این (کار) را با معبودهای ما تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۷ انجام داده‌ای؟!»* گفت: «بلکه همین بزرگشان آن (کار) را انجام داده است. پس اگر همواره سخن می گویند از آن (بت) ان بپرسید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین بیان شد که بت‌پرستان در روز عید به خارج شهر رفتند و ابراهیم علیه السلام از فرصت استفاده کرد و همه‌ی بت‌ها را شکست جز بت بزرگ که او را سالم گذاشت و تبر را بر گردن او آویزان کرد تا از این صحنه در استدلال‌های بیدارگرش استفاده کند. بت‌پرستان که عصرگاهان به شهر و بتخانه بازگشتند، با دیدن این صحنه به شدّت ناراحت شدند و فریاد برآوردند که چه کسی این کار را با بت‌های ما کرده است؟ ۲. بت پرستان گفتند که هر کس بت‌های ما را شکسته از ستمکاران بوده است؛ یعنی او با توهین عقاید ما به ما و جامعه ستم کرده است. از این سخن بت‌پرستان استفاده می‌شود که اگر عقاید انحرافی و خرافات بر جامعه مسلّط شود، مبارزات حق گرایانه، ستمکاری وانمود می‌شود. ۳. ابراهیم علیه السلام در هنگام شروع مبارزه با بت‌پرستی نوجوان بود و احتمالًا سن او از ۱۶ سال تجاوز نمی کرد، ولی فردی شجاع، با شهامت و صریح و قاطع بود؛ از این رو بت‌پرستان از او با عنوان جوان‌مرد یاد کردند. البته شاید مقصود بت‌پرستان از این تعبیر نوعی تحقیر بود. «۱» ۴. بت‌پرستان خواستند ابراهیم علیه السلام در برابر چشم مردم حاضر شود تا مردم او را بشناسند و گواهی دهند که او با بت‌ها مخالف بود و یا این که مردم شاهد صحنه‌ی محاکمه و مجازات ابراهیم باشند تا دیگر کسی جرأت نکند این اعمال را تکرار کند. البته تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است «۲». تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۸ ۵. در دادگاهی که برای ابراهیم علیه السلام تشکیل شد، داوران حاضر نبودند که کار ابراهیم علیه السلام را به زبان بیاورند و به جای این که بگویند (ابراهیم از بت‌ها عیب‌جویی می کرد و) آنها را شکست، می گفتند: آیا تو این کار را با معبودان ما کردی؟! شاید آنها می‌ترسیدند این کار در جامعه عادی شود و رواج یابد و یا به خاطر تقدّسی که برای بت‌ها قایل بودند حاضر نبودند حتی جسارت به آنها را بازگو کنند. ۶. وقتی ابراهیم بت‌ها را شکست، تبر را به گردن بت بزرگ گذاشت. بر اساس اصول جرم‌شناسی، متّهم کسی است که آثار جرم را به همراه دارد. ابراهیم نیز اشاره کرد که به سراغ بت بزرگ بروید و از او بپرسید، شاید بت بزرگ از بت‌های کوچک خشمگین شده و آنها را شکسته است. ۷. ابراهیم علیه السلام شکستن بت‌ها را به بت بزرگ نسبت داد. اما واضح است که او قصد جدّی از این سخن نداشت، بلکه می‌خواست عقاید خرافی بت‌پرستان را به رخ آنان بکشد و به آنها بفهماند که از این بت‌های سنگی و چوبی بی جان کاری ساخته نیست؛ پس آنها سزاوار پرستش نیستند. پس سخن ابراهیم دروغ و خلاف عصمت نبود؛ چون دروغ آن است که قرینه‌ای برای اراده‌ی معنای مخالف به همراه نداشته باشد. ۸. در احادیث اهل بیت علیه السلام این سخن ابراهیم به دو صورت تفسیر شده است: نخست آن که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: ابراهیم این سخن را به خاطر آن گفت که می‌خواست (افکار بت‌پرستان را) اصلاح کند و به آنها بفهماند که چنین کاری از بت‌ها ساخته نیست. به خدا سوگند، بت‌ها دست به چنین کاری نزده بودند و ابراهیم تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۸۹ نیز دروغ نگفت. و در برخی احادیث نیز اشاره شده است که ابراهیم علیه السلام این مطلب را به صورت جمله‌ی شرطیه بیان کرد؛ یعنی گفت: اگر بت‌ها سخن بگویند این کار را کرده‌اند «۱» (در حالی که بت‌ها سخن نگفتند، پس بت‌شکنی هم نکردند). «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردان صحنه‌ی توحید آماج تهمت‌های مشرکان خرافه‌پرست قرار می گیرند. ۲. محاکمات علنی تأثیر بیش‌تری دارد و ممکن است شواهد جدیدی در مورد پرونده پیدا شود. ۳. با سخنان بیدارگر، غافلان را متوجه خطاهایشان کنید. *** قرآن کریم در آیات شصت و چهارم تا شصت و

هفتم سوره‌ی انبیاء به تغییر حالات بت‌پرستان و استدلال‌های ابراهیم علیه السلام در نفی شرک اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۴- ۶۷. فَرَجَعُواْ إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقَالُواْ إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّلِمُونَ* ثُمَّ نُكِسُواْ عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هؤُلَآءِ يَنطِقُونَ* قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْئاً وَلَا يَضُرُّكُمْ* أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ و به خویشتن خویش بازگشتند؛ و گفتند: «در واقع فقط شما ستمکارید!»* سپس آنان سرافکنده شدند؛ (و با اعتراض به ابراهیم گفتند:) بیقین می‌دانی که این‌ها سخن نمی‌گویند.* (ابراهیم) گفت: «پس آیا جز خدا، چیزی را می‌پرستید که هیچ چیزی به شما سود نمی‌رساند، و زیانی برای شما ندارد؟!* اف بر شما و بر آنچه، جز خدا، می‌پرستید! و آیا خردورزی نمی‌کنید؟!» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سخنان بیدارگر ابراهیم علیه السلام، وجدان خفته‌ی بت‌پرستان را برای مدت کوتاهی بیدار کرد و فطرت توحیدی آنان را آشکار ساخت و از این رو به خود گفتند: «حقّا که شما ستمگر هستید.» و هدف ابراهیم هم از شکستن بت‌ها همین بود که فکر بت‌پرستی را بشکند. ۲. شرک و بت‌پرستی ظلم است. مشرکان با استفاده کردن از سرمایه و استعدادهای خود در راه سقوط خویش به خود ستم می‌کنند و چون مانع حرکت توحیدی و کمال آن می‌شوند به جامعه ستم می‌کنند و با ناسپاسی در برابر نعمت‌های الهی به ساحت قدس الهی توهین و ستم می‌کنند. ۳. بیداری و سرافکندگی بت‌پرستان لحظاتی بیش‌تر نبود و به زودی جهل و تعصب بر آنها غلبه کرد و واژگونه به جای اول بازگشتند و با دفاع از بت‌ها به ابراهیم علیه السلام اعتراض کردند که چرا این‌گونه می‌گویی، در حالی که به خوبی می‌دانی بت‌ها سخن نمی‌گویند (و ابهت سکوت خویش را نمی‌شکنند). ۴. در این آیات بیان شده که ابراهیم برای نفی بت‌پرستی و شرک، به دلیل «جلب منفعت و دفع زیان» استدلال کرد و اشاره نمود که پرستش یک معبود (یا برای شایستگی او و یا) برای سودی است که به انسان می‌رساند و یا برای ترس از زیانی که ممکن است به انسان برساند، در حالی که بت‌شکنی من ثابت کرد که این بت‌ها نه سودی دارند و نه زیانی به کسی می‌رسانند؛ پس پرستش بت‌ها کاری بدون دلیل و نابخردانه است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۱ ۵. ابراهیم علیه السلام پس از استدلال برای نفی بت‌پرستی، مشرکان را سرزنش کرد، ولی سرزنش او بسیار ملایم و با واژه‌ی «اف» بیان شد که کوچک‌ترین اظهار ناراحتی است. «۱» این ملایمت ابراهیم برای آن بود که بت‌پرستان را تحریک نکند و آنها را به لجاجت وا ندارد. ۶. برنامه‌ی حساب شده و مرحله به مرحله‌ی ابراهیم علیه السلام سبب شد که عدّه‌ای از بت‌پرستان بیدار شوند و به او ایمان بیاورند و گروهی دیگر نیز برای همیشه علامت سؤالی در ذهنشان نقش بست که زمینه‌ی بیداری آنها را در آینده فراهم می‌ساخت. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دلایل منطقی و سخنان بیدارگرانه را برای مشرکان جهان بگویید که بر وجدان آنها موثر است و فکر بت‌پرستی را درون جانشان می‌شکند. ۲. معبودان بی‌جان و بی‌سود و زیان، شایسته‌ی پرستش نیستند. ۳. اگر سرزنش مخالفان لازم بود، ملایمت را فراموش نکنید و آنها را به تفکّر فرا خوانید. *** قرآن کریم در آیات شصت و هشتم تا هفتادم سوره‌ی انبیاء به اقدام بت‌پرستان در مورد سوزاندن ابراهیم و نجات او به فرمان الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۸- ۷۰. قَالُواْ حَرِّقُوهُ وَانصُرُواْ ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فعِلِينَ* قُلْنَا يَنَارُ كُونِى بَرْداً وَسَلماً عَلَى إِبْرهِيمَ* وَأَرَادُواْ بِهِ كَيْداً فَجَعَلْنهُمُ الْأَخْسَرِينَ تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۲ (بت‌پرستان) گفتند: «اگر می‌خواهید کاری انجام دهید، او را بسوزانید و معبودهایتان را یاری کنید.»* گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش.»* و خواستند برای او نقشه‌ای بکشند (و نابودش کنند)، و [لی آنان را زیانکارترین (مردم) قرار دادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم با منطق قوی و استدلال‌های خود بر فکر و دل بت‌پرستان پیروز شد، به طوری که آنان به محکومیت خویش اعتراف کردند. اما به خاطر تعصب، جهل و تحریک سردمداران بت‌پرستی، متوسّل به زور شدند و تصمیم گرفتند ابراهیم را در آتش بسوزانند. ۲. سردمداران بت‌پرستی با استفاده از عوامل روان‌شناختی، مردم را علیه ابراهیم تحریک کردند و گفتند: «اگر کاری از دست شما ساخته است، معبودهایتان را یاری کنید و ابراهیم را بسوزانید.» این جمله‌ها غیرت مذهبی مردم را به جوش آورد و هر کس تلاش می‌کرد تا هیزمی جمع‌آوری کند و آتش را شعله‌ورتر سازد. ۳. هنگامی که هیزم فراوان فراهم شد، آتشی عظیم افروختند، به طوری که انسان‌ها و

پرندگان نمی‌توانستند به آن نزدیک شوند؛ از این رو ابراهیم را با مَنجَنیق به سوی آتش پرتاب کردند. ۴. ابراهیم قهرمان توحید بود و از این آتش و سر و صداها خم به ابرو نیاورد و حتی طبق حکایت برخی احادیث، هنگامی که جبرئیل از او خواست که حاجت خود را بگوید، او گفت: به تو نیازی ندارم و پروردگارم هم به حال من آگاه است، پس نیاز به سؤال ندارد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۳ و طبق برخی دیگر از احادیث اهل بیت علیهم السلام ابراهیم در این حالت ذکر خدا می‌گفت. «۱» چو بخشایش پاک یزدان بود دم آتش و باد یکسان بُود (فردوسی) ۵. خدا به آتش فرمان داد که برای ابراهیم سرد و سلامت شود و بر اساس حکایت برخی احادیث آتش برای ابراهیم گلستان شد. «۲» گلستان کند آتش بر خلیل گروهی بر آتش برد ز آب نیل (سعدی) آری این فرمان تکوینی خدا بود؛ یعنی همان طور که خدا به خورشید و ماه فرمان حرکت و به آتش فرمان سوزاندن می‌دهد، گاهی نیز به این اسباب دستور توقف می‌دهد و یا ماهیت آنها را تغییر می‌دهد؛ چراکه بر اساس بینش توحیدی همه‌ی کارها به فرمان خدا و همه‌ی نیروها از ناحیه‌ی اوست. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سردمداران شرک، افرادی بی‌منطق و زورمدارند که در برابر منطق پیامبران الهی دست به خشونت می‌زنند. ۲. سردمداران شرک، با تحریک روانی مردم به مقاصد خود می‌رسند (پس مراقب تبلیغات دشمن باشید). ۳. رهبران و مبلغان دینی از تهدیدهای دشمنان نهراسند که خدا از مجاهدان موحّد حمایت و محافظت می‌کند و توطئه‌های دشمنانشان را خنثی می‌سازد. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۴ قرآن کریم در آیات هفتاد و یکم و هفتاد و دوم سوره‌ی انبیاء به مهاجرت ابراهیم علیه السلام و مواهب الهی نسبت به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۱ و ۷۲. وَنَجَّیْنهُ وَلُوطاً إِلَی الْأَرْضِ الَّتِی بَرَکْنَا فِیهَا لِلْعلَمِینَ* وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحقَ وَیَعْقُوبَ نَافِلَةً وَکُلّاً جَعَلْنَا صلِحِینَ و او و لوط را به سوی سرزمینی نجات دادیم، که برای جهانیان در آن برکت نهادیم.* و اسحاق، و یعقوب را (به عنوان نعمتی) افزون به وی بخشیدیم؛ و همه را شایسته قرار دادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حضرت ابراهیم علیه السلام در بابل زندگی می‌کرد و با بت‌پرستان آن سرزمین به مبارزه برخاسته بود، او به صورت اعجازآمیزی از آتش نجات یافت و این حوادث از طرفی سبب شد که حکومت نمرود احساس خطر کند و او را مجبور سازد که از منطقه‌ی بابل خارج شود. و از طرف دیگر مأموریت ابراهیم نیز در منطقه‌ی بابل به مرحله‌ی مطلوبی رسیده بود و ضربه‌ای بیدار کننده بر بت‌پرستان وارد آمده بود، و حال نیاز به زمان بود تا این که بذر ایمان کم کم در قلب‌های مردم بارور گردد؛ از این رو ابراهیم تصمیم گرفت به منطقه‌ی دیگری برود و وظیفه‌ی توحیدی خود را ادامه دهد. ۲. ابراهیم به سوی سرزمین پربرکتی هجرت کرد و از قراین به دست می‌آید که مقصود سرزمین فلسطین است؛ چون قرآن در آغاز سوره‌ی اسراء این سرزمین را پربرکت خوانده است؛ سرزمینی که کانون پرورش پیامبران الهی و محل قدس است. ۳. ابراهیم در این مهاجرت همسرش ساره و برادر زاده‌اش لوط و احتمالًا تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۵ گروه اندکی از مؤمنان را به همراه برد. «۱» ۴. در این آیه به یکی از فرزندان ابراهیم، یعنی «اسحاق»، اشاره شده است که از مادری به نام «ساره» در سن کهولت او متولد شده بود و از این رو موهبتی الهی به شمار می‌آمد و نیز به فرزند اسحاق و نوه‌ی ابراهیم یعنی یعقوب اشاره شده که سر سلسله‌ی پیامبران بنی اسرائیل بود. «۲» ۵. «نافِلة» به معنای «زیاده یا موهبت» است و این وصف برای یعقوب آمده است؛ چراکه ابراهیم از خدا فرزندی صالح خواست و خدا نوه‌ای نیز بر آن افزود. ۶. در برخی دیگر از آیات قرآن اشاره شده است که ابراهیم علیه السلام از خدا فرزندان صالح درخواست می‌کرد «۳» و سرانجام دعای او مستجاب شد و اسماعیل و اسحاق به او عنایت شد که هر کدام سر سلسله‌ی پیامبران بزرگی بودند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از رهبران الهی حمایت می‌کند و آنها را (به وسیله‌ی هجرت) رهایی می‌بخشد. ۲. خدا نه تنها دعای مردان الهی را مستجاب می‌کند، بلکه چیزی هم بر آن می‌افزاید. ۳. از فرجام نیک ابراهیم عبرت گیرید. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۶ *** قرآن‌کریم در آیه‌ی هفتاد وسوم سوره‌ی انبیاء به ویژگی‌های پیامبران الهی اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۳. وَجَعَلْنهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَیْنَآ إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْرتِ وَإِقَامَ الصَّلَوةِ وَإِیتَآءَ الزَّکَوةِ وَکَانُواْ لَنَا عبِدِینَ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) رهنمون می‌شوند؛ و انجام نیکی‌ها و بر پاداشتن نماز و پرداخت زکات را به

آنان وحی کردیم؛ و فقط پرستش کننده‌ی ما بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه و آیه‌ی قبل به هفت ویژگی پیامبران الهی اشاره شده است. این آیات در مورد ابراهیم، لوط، اسحاق و یعقوب علیهم السلام است اما مطالبی که بیان شده از ویژگی‌های همه‌ی پیامبران الهی است. البته برخی مفسران احتمال داده‌اند، شش صفتی که در این آیه بیان شده، شرح صالح بودن پیامبران باشد که در آیه‌ی قبل بیان شد. «۱» ۲. «نبوت» عبارت است از دریافت پیام الهی و رساندن آن به مردم همراه با بشارت و هشدار به آنان، اما «امامت» آخرین مرحله‌ی سیر تکاملی انسان و به معنای رهبری همه‌ی جنبه‌های مادی، معنوی، ظاهری، باطنی، جسمی و روحی مردم است. در مرحله‌ی امامت برنامه‌های وحی الهی در میان مردم اجرا می‌شود و با تشکیل حکومت عدل الهی یا بدون آن، احکام و برنامه‌ی پرورش انسان‌ها عمل می‌شود و محیطی پاك و رشدآفرین به وجود می‌آید. پس مقام امامت که در این آیه بدان اشاره شده، مقام تحقق بخشیدن تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۷ به برنامه‌های الهی و هدایت تشریعی و تکوینی و رساندن مردم به سرمنزل مقصود است. ۳. در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام بیان شده که در جهان دو گونه امام و پیشوا وجود دارند: امامان حق که به فرمان خدا مردم را هدایت می‌کنند و امر او را برتر از حکم خود می‌شمرند؛ و پیشوایان باطل و امامان آتش که مردم را به سوی دوزخ فرا می‌خوانند و فرمان و قانون خود را بر امر الهی مقدم می‌شمارند و طبق هوس‌های خود عمل می‌کنند. «۱» ۴. برخی مفسران بر آنانند که مقصود از «وحی» در این آیه، یا وحی تشریعی است که به سوی پیامبران الهی فرود می‌آید و برنامه‌های نیک و نماز و زکات را بیان می‌کند؛ و یا وحی تکوینی، یعنی توفیق، توان، جاذبه‌ی معنوی (و الهام) انجام کارهای نیک و نماز و زکات. هر چند این مطلب به معنای اجباری بودن این کارها برای پیامبران نیست. «۲» اما برخی دیگر از مفسران بزرگ بر آنانند که مقصود از وحی در این جا وحی «تسدیدی» است؛ یعنی پیامبران الهی به وسیله‌ی روح القدس و پاکی درونی، با نیرویی الهی تقویت و استوار می‌شوند که این نیرو آنها را به سوی کارهای نیک و نماز و زکات فرا می‌خواند. «۳» ۵. در این آیه «نماز و زکات» را به صورت خاص بیان کرده است، در حالی که هر دو جزئی از کارهای خیر هستند که در آیه بدانها اشاره شده است. این تذکر خاص در مورد نماز و زکات نشان دهنده‌ی اهمیت این دو برنامه‌ی الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۸ ۶. اخلاص در عبادت یکی از ویژگی‌های پیامبران الهی است. آیه اشاره دارد که پیامبران قبل از رسیدن به مقامات الهی نیز مردانی شایسته و پرستشگر بودند و از این رو خدا به آنان مواهب تازه‌ای بخشید. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا امامانی هدایتگر، پرستشگر، با برنامه‌هایی وحیانی برای بشریت قرار داده است. ۲. معیار پیشوایان حق آن است که بر اساس دستورات الهی مردم را راه‌نمایی می‌کنند. ۳. خدا مردان الهی را با نیرویی الهی یاری می‌رساند و به سوی کارهای نیك فرا می‌خواند. ۴. رهبران الهی در راستای دستورات و وحی الهی حرکت کنند. *** ***

ماجرای لوط در سرزمین پلیدی ها

قرآن کریم در آیات هفتاد و چهارم و هفتاد و پنجم سوره‌ی انبیاء به سرگذشت لوط و مواهب الهی نسبت به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۴ و ۷۵. وَلُوطاً ءَاتَیْنهُ حُکْماً وَعِلْماً وَنَجَّیْنهُ مِنَ الْقَرْیَةِ الَّتِی کَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبئِثَ إِنَّهُمْ کَانُواْ قَوْمَ سَوْءٍ فسِقِینَ* وَأَدْخَلْنهُ فِی رَحْمَتِنَآ إِنَّهُ مِنَ الصلِحِینَ و به لوط حکم و علم دادیم؛ و او را از آبادی که همواره (مردمش کارهای) پلید انجام می‌دادند، نجات دادیم؛ [چرا] که آنان گروهی بد [کار و] نافرمانبردار بودند.* و او را در رحمت خود وارد کردیم؛ [چرا] که او از شایستگان است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۱۹۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ذیل آیه‌ی قبل بیان شد که لوطِ پیامبر برادر زاده‌ی ابراهیم بود که به همراه او به فلسطین مهاجرت کرد. او در عصر ابراهیم علیه السلام به مقام نبوّت برگزیده شد و به شهر «سَدُوم» رفت تا مردم آن سرزمین را هدایت کند. ۲. قوم لوط گرفتار انحرافات جنسی شده و به گناه بزرگ هم‌جنس‌گرایی روی آورده بودند. لوط پیامبر بسیار تلاش کرد تا این مردم بدکار را از کارهای پلید دور سازد اما تلاش‌های او تأثیر چندانی نداشت و سرانجام عذاب الهی بر

مردم فرود آمد و شهر سدوم زیر و رو شد و لوط به همراه تعداد اندکی که به او ایمان آورده بودند، نجات یافتند. «۱» ۳. از تعبیرات این آیه استفاده می‌شود که قوم لوط گرفتار انواع گناهان بودنـد و آن‌قـدر غرق فساد شـده بودنـد که گویی شـهر یکپارچه گرفتار پلیدی شده بود. «۲» ۴. «حُکم» در قرآن کریم به معنـای داوری، خرد و نبوّت آمـده است. در این جـا ظاهراً معنای نبوت مراد است، هر چند منافاتی ندارد که هر سه معنا مقصود باشد. «۳» ۵. در این آیه اشاره شده که رحمت ویژه‌ی الهی شامل حال لوط شد، اما این به خـاطر شایسـتگی و صـلاحیت این پیامبر الهی بود؛ یعنی رحمت الهی بی‌حساب به کسـی داده نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا حـامی رهـبران الهی است و آنـان را از محیطهـای آلـوده نجـات می‌دهـد. ۲. هم‌جنس‌بـازی، کـاری پلیـد و عملی فاسـقانه است. ۳. شایسته‌کار باشید که زمینه‌ساز نزول رحمت، دانش و حکم از طرف خداست. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۰۰

ماجرای نوح و دعای مستجاب او

قرآن کریم در آیات هفتاد و شـشم و هفتاد و هفتم سوره‌ی انبیاء به سـرگذشت نوح علیه السلام و قومش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۶ و ۷۷. وَنُوحاً إِذْ نَادَى مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ* وَنَصَرْنَهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِئَايَتِنَآ إِنَّهُمْ كَانُواْ قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَهُمْ أَجْمَعِينَ و (یـاد کن) نوح را هنگـامی که پیش از (آنـان) نـدا داد؛ و (دعای) او را پـذیرفتیم و، وی و خانواده‌اش را از انـدوه بزرگ نجـات دادیم؛* و او را در برابر کسـانی که نشانه‌هـای مـا را دروغ انگاشـتند، یـاری دادیم؛ [چرا] که آنـان گروه بـدی بودنـد؛ پس همه‌ی آنـان را غرق کردیم. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. نوح پیـامبر علیه السـلام حـدود نهصـد و پنجاه سال از عمر خود را به راه‌نمایی مردم پرداخت، اما تنها تعـداد انـدکی (حـدود هشـتاد نفر) به او ایمان آوردند. «۱» کافران او را ریشـخند می‌کردنـد و آزار می‌رساندنـد؛ از این رو نوح آنـان را نفرین کرد و از خـدا خواست که آنها را با عـذابی نابود سازد و او را یاری کنـد. «۲» ۲. خدا به دعای نوح پاسخ مثبت داد و او را به همراه خانواده‌اش (به جز همسـر و یکی از فرزندان) نجات داد. «۳» ۳. «کَرْب» در اصل به معنای «زیر و رو کردن زمین» است و به معنای «اندوه شدید» نیز آمده است؛ چرا که اندوه شدید دل انسان را زیر و رو می‌کند. از این تعبیر و واژه‌ی «عظیم» و «نـدا» «۴» اسـتفاده می‌شود که کافران آن‌قدر تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۲۰۱ نوح علیه السـلام را اذیت کرده بودنـد که به شـدّت نـاراحت شـده و فریـادش بر آمـده بود. ۴. غرق شـدن قـوم نوح به خـاطر انتقـام‌گیری نبود بلکه به خـاطر بـدکاری و تکـذیب آیـات الهی بود. آنـان به قـدری در فسـاد غوطه‌ور شـده بودنـد که امیـدی به اصـلاح و توبه و نجات‌شـان نبود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا انسان‌های بدکار و مخالفان راه پیامبران را نابود می‌سازد. ۲. خدا دعای رهبران الهی را مستجاب و آنها را حمایت می‌نماید و از اندوه نجات می‌دهد. ۳. رهبران الهی در مشکلات دعا کنند و به یاری او مطمئن باشند. ***

ماجرای داود و سلیمان

قرآن کریم در آیات هفتاد و هشـتم و هفتاد و نهم سوره‌ی انبیاء به داوری داود و سـلیمان علیهما السـلام و ویژگی‌های این دو پیامبر الهی اشـاره کرده، می‌فرمایـد: ۷۸ و ۷۹. وَدَاوُدَ وَسُلَيْمنَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شهِدِينَ* فَفَهَّمْنهَا سُلَيْمنَ وَكُلّاً ءَاتَيْنَا حُكْماً وَعِلْماً وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فعِلِينَ و (یاد کن) داود و سلیمان را هنگامی که درباره‌ی کشتزاری داوری کردند، آنگاه که گوسـفندانِ مردم، [بدون چوپان شبانگاه در آن چریده [و آن را تباه کرده بودند، و (ما) بر داوری آنـان گـواه بـودیم.* و آن (داوری) را به سـلیمان فهمانـدیم؛ و به هر کـدام حکم و علم دادیم؛ و کوه‌هـا و پرنـدگان را به همراه داود رام سـاختیم در حالی که (با او) تسبیـح تفسیر قرآن مهر جلـد سیزدهم، ص: ۲۰۲ می‌گفتنـد؛ و (ما) کننـده‌ی (این کار) بودیم. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات به صورت اجمـالی به مـاجرای داوری داود و سلیمان اشـاره شـده است، امـا در احادیث اسـلامی این مـاجرا را این‌گونه حکایت کرده‌انـد که «گله‌ی گوسـفندی شـبانه به تاکسـتانی وارد شـد و برگ و خوشه‌های انگور را

خورد یـا از بین برد و صـاحب بـاغ نزد داود شـکایت کرد. حکم داود آن بود که تمام گوسـفندان به صاحب باغ داده شود (چرا که خسارت باغ معادل قیمت گوسـفندان بود). اما قبل از صـدور حکم با فرزنـد خود، سلیمان، مشورت کرد و (برای آزمایش جانشـین خود) از او خواست که در این ماجرا داوری کند. «۱» و سـلیمان به الهام الهی گفت: گوسفندان را به صاحب باغ بسپارید تا از منافع آنهـا اسـتفاده کنـد و بـاغ را به صاحب گوسـفندان بدهیـد تا آن را دوباره اصـلاح و آباد کنـد و وقتی باغ به حالت اول بازگشت به صاحبش برگردد و گوسفندان نیز به صاحب اصلی بازگردانده شود «۲» (تا خسارت وارد شده به باغ به صورت تدریجی به صاحب بـاغ پرداخت شود، ولی از آن جـا که اصل درختان انگور در باغ وجود دارد، اصل گوسـفندان نیز برای صاحبش باقی مانـد.) ۲. بی شک پیامبران الهی بر اساس وحی داوری می‌کننـد و حکم داود و سـلیمان هر دو حق بود. در این ماجرا یک حکم کلی (یعنی لزوم جبران خسـارت) وجود داشت و اجرای این حکم کلی از دو راه ممکن بود. یک راه را داود انتخاب کرد و یک راه را سـلیمان و هر دو هم صـحیح بود، اما راه سـلیمان از نظر اجرایی نزدیک‌تر و برای طرفین بهتر بود. تفسـیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۰۳ ۳. این آیات اگر چه حکم سـلیمان را به تفهیم الهی معرفی می‌کنـد و آن را تأییـد می‌نماید، اما در همان حال اشاره می‌کند که داود نیز در حکم خود به خطا نرفته بود و خدا به هر دو مقام داوری و دانش داده بود. ۴. مفسران قرآن در مورد تسبیح گویی کوه‌ها و پرندگان با داود چنـد تفسـیر ارائه کرده‌انـد: الف) صـدای جـذّاب و پرطنین داود در کوه‌ها منعکس می‌شد و پرندگان را به سوی خود جذب می‌کرد. ب) این مطلب به تسبیـح همراه با شـعور ذرات در باطن عالم اشاره دارد که کوه‌ها و پرنـدگان نیز با مناجات و تسبیـح داود هم‌صـدا می‌شدنـد. ج) مقصود همـان تسبیـح تکوینی یا زبان حال همه‌ی موجودات جهان است که با نظام دقیق و شـگفت‌آور خود گویـای پروردگـاری باکمـال، بی‌نقص و منزّه هسـتند و بـا زبـان حال خود تسبیـح او می‌گوینـد و او را به پاکی می‌سـتایند؛ که روح بزرگ داود تسبیـح کوه‌ها و پرندگان را به خوبی احساس می‌کرد. «۱» البته این سه تفسیر با هم منافاتی ندارد و ممکن است هر سه مورد نظر باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از مقام‌های پیامبران، مقام قضاوت است. ۲. انسان ممکن است به جایی برسد که کوه‌ها و پرنـدگان با تسبیح او هم‌نوا شوند. ۳. قضات خـدا را شاهد داوری خود بدانند. *** تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۲۰۴ قرآن کریم در آیه‌ی هشـتادم سوره‌ی انبیاء به آموزش الهی به داود برای پایه گذاری صنایع نظامی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۰. وَعَلَّمْنهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شكِرُونَ و صنعت زره (سازی) را به خاطر شما به آن (داود) آموزش دادیم، تا شما را از سـختی (و آسـیب جنگ های) تان حفظ کند؛ پس آیا شـما سـپاس‌گزارید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «لَبُوس» به معنـای هر گونه اسلحه‌ی دفاعی و تهاجمی، مانند زره، شمشیر و نیزه است، ولی مفسران از برخی قراین استفاده کرده‌اند که در این آیه مقصود «زره» است که جنبه‌ی حفـاظتی دارد. «۱» ۲. جریـان صـنعت نظامی داود در این آیه و آیات ۱۰ و ۱۱ سوره‌ی سبأ آمده است. خدا آهن را برای داود نرم کرد و صنعت زره‌سازی یا صنایع نظامی را به او آموخت. ۳. در برخی احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که به داود وحی شد که تو خوب بنده‌ای هستی مگر این که از بیت المال مصـرف می‌کنی. او ناراحت شد. سـپس زره‌سازی به او آموزش داده شد و او با این کار از مصـرف بیت‌المال بی‌نیاز شد. «۲» ۴. برخی از صـنایع و فنون بشری، به الهام و آموزش الهی و از طریق پیامبران پدیـد آمـده است و لازم است انسان در برابر آنان سپاس‌گزار باشد که البته سـپاس دو گونه است: سـپاس لفظی و عملی، و سپاس عملیِ هر چیزی متنـاسب بـا خود آن است؛ یعنی سـپاس صـنایع نظامی در آن است که آنها را در مورد دفاع و برای دفع سـتم به کار ببریم. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۰۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی از صنایع بشری ریشه در وحی دارد و از اختراعات پیامبران است. ۲. صـنایع نظامی را در مورد جنگ‌های دفاعی و برای محافظت از خود به کار گیرید. ۳. سپاس‌گزار نعمت صنعت باشید. *** قرآن کریم در آیات هشتاد و یکم و هشتاد و دوم سوره‌ی انبیاء به ویژگی‌های سلیمان علیه السلام و استفاده‌ی او از نیروی باد و شـیاطین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۱ و ۸۲. وَلِسُلَيْمنَ الرِّيحَ عصِفَةً تَجْرِى بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِى برَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ علِمِينَ* وَمِنَ الشَّيطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حفِظِينَ و برای سـلیمان تنـدباد را [رام سـاختیم؛] در

حالی که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهادیم روان می‌شد؛ و (ما) به هر چیزی دانا بودیم.* و از شیطان‌ها کسانی برایش غواصی می‌کردند؛ و کاری غیر از آن (نیز) انجام می‌دادند؛ و آنها را (از سرکشی) حفظ می‌کردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «عاصِفَهٔ» به معنای تندباد یا طوفان است، ولی از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود که بادهای ملایم نیز در اختیار سلیمان بوده است «۱» و اشاره به طوفان شاید به عنوان بیان مصداق مهم‌تر باشد. ۲. در این آیات اشاره شده که این بادها در مسیر سرزمین پربرکت حرکت می‌کردند. مقصود سرزمین شام و فلسطین است که مرکز حکومت سلیمان بود، اما از برخی دیگر از آیات قرآن استفاده می‌شود که این بادها به هر کجا فرمان می‌داد حرکت می‌کردند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۰۶ ۳. در مورد این که بادها چگونه در اختیار سلیمان علیه السلام قرار گرفته بودند، مفسران دو دیدگاه دارند: نخست آن که این مطلب به صورت اعجازآمیز بود و بادها به وسیله‌ی نیرویی مرموز تحت فرمان سلیمان در آمده بودند که جزئیات این حقیقت برای ما روشن نیست. و دوم آن که مقصود همان استفاده‌ی سلیمان از نیروی باد در مسائل مربوط به کشاورزی، تلقیح گیاهان و تصفیه‌ی خرمن‌ها و حرکت کشتی‌هاست. به ویژه آن که سرزمین فلسطین و شام در کنار دریای مدیترانه بود و مردم آن جا در هنگام کشتی‌رانی از بادهای موافق استفاده می‌کردند. «۱» ۴. برخی از شیطان‌ها در اختیار سلیمان قرار گرفتند تا برای او غواصی و کارهای دیگر بکنند. در آیه‌ی ۱۲ و ۱۳ سوره‌ی سبأ بیان شده که این گروه از جنّ‌ها بودند، ولی این دو با هم منافات ندارد، چون شیطان‌ها هم از جنس جنّ هستند؛ یعنی موجوداتی با شعور ولی شیطان‌صفت تحت امر سلیمان قرار گرفته بودند تا به او خدمت کنند. البته این افراد تحت کنترل و حفاظت بودند و از سرکشی‌شان جلوگیری می‌شد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نیروهای طبیعی و غیرطبیعی برای بشر قابل کنترل و استفاده است. ۲. نیروهای طبیعت را تحت فرمان خود درآورید و از نیروهایی همچون باد استفاده کنید. ۳. نیروهای اهریمنی را کنترل کنید و در خدمت خود بگیرید و به‌کارهای مفید بگمارید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۰۷

ماجرای ایوب و بیماری او

قرآن کریم در آیات هشتاد و سوم و هشتاد و چهارم سوره‌ی انبیاء به مشکلات ایّوب و مواهب الهی نسبت به او اشاره کرده، می‌فرماید: ۸۳ و ۸۴. وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرحِمِينَ* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ وَءَاتَيْنَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَذِكْرَى لِلْعبِدِينَ و (یاد کن) ایّوب را هنگامی که پروردگارش را ندا در داد که: «به من زیان (و رنج) رسیده، در حالی که تو مهرورزترینِ مهرورزانی.»* و (دعای) او را پذیرفتیم؛ و آنچه از (رنج و) زیان بر او بود، بر طرف ساختیم؛ و خانواده‌اش و همانندشان را همراه آنان به وی [باز] دادیم؛ تا رحمتی از جانب ما و یادمانی برای پرستش کنندگان باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حضرت ایّوب علیه السلام از پیامبران الهی است که سرگذشتی غم‌انگیز و پرشکوه دارد. در احادیث آمده است که او پیامبری سپاس‌گزار بود، و از این رو ابلیس بر او حسد برد و گفت: این شکرگزاری ایّوب به خاطر زندگی مرفّه ومواهبی است که خدا به او داده و اگر این‌ها را از او بگیرند هرگز سپاس‌گزاری نمی‌کند. ابلیس از خدا اجازه خواست تا اموال و فرزندان ایوب را به نابودی بکشد (و خدا برای آزمایش ایّوب و اثبات شکرگزاری و حقانیّت او اجازه داد) و حوادث دردناکی دامن‌گیر ایّوب شد و تمام کشاورزی و دامداری او نابود شد و حتی ایوب شدیداً بیمار گشت. ولی هر چه بر ناراحتی‌اش افزوده می‌شد، شکرگزاری او بیش‌تر می‌شد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۰۸ ۲. در این آیه بیان شده که ایوب زبان مناجات گشود و بدون این که شکایتی بکند، با تعبیری مؤدبانه، از خدا خواست که مشکلاتش را حلّ کند. او فقط گفت: «پروردگارا ناراحتی‌هایی به من رسیده است، ولی تو مهربان‌ترین مهربانانی.» او حتی صریحاً نگفت که خدایا مشکلاتم را بر طرف فرما؛ زیرا می‌داند که خدای مهربان و بزرگ، رسم بزرگی و محبت را می‌داند. ۳. واژه‌ی «ضُرّ» به معنای هرگونه ناراحتی روحی و جسمی است که شامل نقص عضو، از بین رفتن اموال، مرگ عزیزان، پای‌مال شدن آبرو و مانند آن می‌شود؛ و ایوب گرفتار بسیاری از این ناراحتی‌ها شده بود. «۱» ۴.

خـدا فرزندان از دست رفته‌ی ایوب را به او بازگرداند و علاوه بر آن فرزندان دیگری نیز به او مرحمت کرد. «۲» ۵. در احادیث اهل بیت علیهم السـلام بیان شـده که هر چنـد حضـرت ایوب علیه السـلام شدیـداً بیمار شد، اما بیماری‌اش به عقل و درک او خللی وارد نساخت و نفرت‌انگیز نبود؛ «۳» چرا که این امور با رسالت پیامبران ناسازگار است و پیامبر بایـد چنان باشد که مردم بتوانند به خوبی با او تماس پیدا کنند و سخنان حق را از او بشنوند. ۶. این آیات نوعی دل‌داری به پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و مؤمنان همراه اوست که در مکه با مخالفت و آزار مشـرکان روبه‌رو بودنـد و به آنان گوش‌زد می‌کند که خدا یاور پیامبران الهی و مؤمنان است و در نهایت مشـکلات شـما را بر طرف خواهد ساخت، همان طور که مشکلات ایوب را حلّ کرد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۰۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از صبر پرشـکوه ایّوب درس مقاومت، شکیبایی و سپاس‌گزاری بگیرید. ۲. در نهایت خـدا به فریاد مردان الهی می‌رسـد و با رحمت خود مشـکلات را جبران می‌کند (آری: پایان شب سیه سـفید است). *** قرآن کریم در آیات هشـتاد و پنجم و هشـتاد و شـشم سوره‌ی انبیاء به صـفات برجسته‌ی برخی از پیامبران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۵ و ۸۶. وَإِسْمعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصبِرِينَ* وَأَدْخَلْنهُمْ فِي رَحْمَتِنَآ إِنَّهُم مِّنَ الصلِحِينَ و (یاد کن) اسماعیل و ادریس و ذوالکِفل را در حالی که همه از شـکیبایان بودند؛* و آنان را در رحمت خود وارد ساختیم؛ [چرا] که آنان از شایستگان بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دو صـفت برجسته‌ی پیامبران الهی اشاره شده است که عبارت‌اند از: شکیبایی در برابر مشکلات طاقت فرسا و شایستگی و صلاحیت آنان. ۲. شایستگی پیامبران الهی سبب شد که خدا آنان را غرق رحمت خود سازد. جالب آن است که نمی‌فرماید رحمت خود را به آنـان بخشـیدیم، بلکه می‌فرمایـد: «آنـان را در رحمت خود داخل کردیم.» گویی آنان را با تمام جسم و جان غرق در رحمت کرده است. ۳. ادریس یکی از پیـامبران بزرگ الهی و جدّ پـدری نوح علیه السـلام بود. واژه‌ی «ادریس» از ریشه‌ی «دَرْس» است و از آن جهت به او ادریس گفته‌اند که نخستین کسـی بود که با قلم، نویسنـدگی کرد. تفسـیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۱۰ او علاوه بر نبـوت بر علومی هم‌چون نجوم، حسـاب و فن خیـاطی احـاطه داشت. «۱» ۴. واژه‌ی «ذا الکفـل» در اصـل به معنای صاحب نصـیب یا کفالت و عهده داری است و از آن جهت بدین اسم نامیده شد که در برابر اعمالش، نصیب وافری از ثواب و رحمت به او داده شده بود؛ و یا این که با خود عهـد کرده بود که شب‌ها را به عبادت و روزها را به روزه بگذارنـد و در هنگام قضاوت خشم نگیرد و او تا آخر به عهد خود وفادار ماند و از عهده‌ی آن بر آمد. «۲» ۵. مشهور آن است که ذَا الْكِفْل نیز از پیامبران الهی بود، و در این آیه نیز در ردیف آنـان ذکر شـده است و گفته‌انـد که او از پیـامبران بنی اسرائیل بود، امـا برخی مفسـران برآن‌انـد که وی از صالحـان بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از صبر پیامبران الهی درس شکیبایی بگیرید. ۲. شایسته‌کردار شوید تا رحمت الهی شامل حال شما شود. ***

ماجرای یونس و ماهی

قرآن کریم در آیـات هفتـاد و هفتم و هفتـاد و هشـتم سوره‌ی انبیاء به‌سـرگذشت آموزنـده‌ی یونس پیامبر و رمز نجات از ناراحتی‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۷ و ۸۸. وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغضِباً فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمتِ أَن لَّآإِلهَ إِلَّآ أَنتَ سُبْحنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظلِمِينَ* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذلِكَ نُنجِى الْمُؤْمِنِينَ و (یاد کن) ذو النُون [: یونس را هنگامی که خشـمناک (از میان قوم خود) رفت، و یقین کرد که بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ و [لی در تفسـیر قرآن مهر جلـد سـیزدهم، ص: ۲۱۱ تاریکی‌ها ندا در داد که: «هیـچ معبودی جز تو نیست؛ منزّهی تو! در حقیقت من از سـتمکاران بودم.»* و (دعـای) او را پـذیرفتیم؛ و او را از انـدوه نجـات دادیم؛ و این گونه مؤمنـان را نجـات می‌دهیم. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات به سـرگذشت یونس اشاره شـده است. بر اسـاس آیـات سوره‌ی صافـات و آنچه در برخی احادیث حکایت شـده، یونس سال‌ها در سـرزمین نینوا، در عراق، مشـغول دعوت و تبلیغ مردم بود، ولی ارشاد و هدایت او در دل مردم بت‌پرست آن جا مؤثر واقع نشد و عذاب الهی نزدیک شد. یونس خشمناک آن محل را ترک کرد و به سوی دریا رفت. او بر کشتی سوار شد و در میان راه، دریا متلاطم گشت و ناخدای کشتی تصمیم گرفت که

یـک نفر را به قیـد قرعه به دریـا انـدازد (تـا بار کشتی سـبک شود) و قرعه به نام یونس در آمـد. هنگامی که او را به دریا افکندنـد، نهنگی عظیم او را در کـام خود فروبرد و خـدا یونس را به صورت اعجازآمیزی زنـده نگه داشت. «۱» یونس که متوجه ترک اولای خود شـده بود به درگاه الهی روی آورد و با او مناجات کرد، سـپس خدا دعای او را مسـتجاب کرد و او را نجات داد. «۲» ۲. واژه‌ی «نُون» که در لقب یونس آمـده است، به معنای ماهی عظیم (یا نهنگ و وال) است؛ بنابراین «ذاالنُون» به معنای صاحب نهنگ است و از این رو این لقب را برای یـونس انتخـاب کردنـد که او در شـکم نهنگی گرفتـار آمـده بود. ۳. «ظُلُمات» (تاریکی‌ها) ممکن اسـت اشاره به تاریکی اعماق دریا، یا تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۱۲ تاریکی شکم ماهی یا تاریکی شب باشد؛ البته مانعی ندارد که این واژه به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد، همان طور که در برخی احادیث اشاره شده است. «۱» ۴. برخی مفسران برآن‌اند که یونس مرتکب ترک اولی شـده بود و از این رو بر او تنگ گرفته شد و گرفتار گردید؛ یعنی یونس سالیان دراز در برابر لجاجت و بی‌ایمانی مردم صبر کرد، ولی در روزهای آخر خشـمناک شد و قومش را ترک کرد، در حالی که بهتر بود باز هم صبر می‌کرد و تـا آخرین لحظه مردم را ترک نمی‌کرد و به تلاش خود برای هـدایت آنها ادامه می‌داد. «۲» ۵. در این آیـات رمز نجات یونس و راه نجات مؤمنان از انـدوه بیان شـده است؛ یعنی هر چند یونس با گفتن ذکر «لا إله إلّاأنتَ سُبحانَکَ إنّی کُنتُ مِنَ الظالِمِینَ» از اندوه و تنگنا نجات یافت، اما در پایان آیه تصریح شـد که این رمز و راه نجات هر مؤمن اندوهناکی است. ۶. در احادیث شیعه و اهل سنت از پیـامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده که هر غمنـاکی بـا ذکر یونس خـدا را بخوانـد، حتماً دعایش مسـتجاب می‌شود. «۳» البته مقصود از خواندن خدا با ذکر یونس، پیاده کردن حقایق این ذکر در درون جان است. ۷. در ذکری که یونس گفت به چند نکته‌ی مهم اشاره شـده است: الف) توجه به حقیقت توحید و این که هیچ معبود و تکیه‌گاهی جز خدا وجود ندارد؛ ب) پاک شـمردن خدا از هر عیب و سـتم؛ ج) اعتراف به گناه و تقصیر در درگاه الهی. تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۲۱۳ ۸. ذکر یونسیّه زمینه‌ساز کمـال روحی: امـام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسـد: از بعض اهـل ذکر و معرفت منقول است که در هر شب و روزی، یک مرتبه در سـجده رفتن و بسـیار گفتن «لا ـ اله الّـا انت سـبحانک انّی کنت من الظـالمین» برای ترقیات روحی خوب است؛ و از بعضـی سالکـان راه آخرت نقـل فرمـوده که چـون حضـرت اسـتاد خود فایـده‌ی این عمـل را شـنید، در هر شب و روزی یـک مرتبه سـجده می‌رفت و هزار مرتبه این ذکر شـریف را می‌گفت و از بعضی دیگر نقل نموده که سه هزار مرتبه می‌گفت. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مسـئولیت رهبران الهی سنگین است و هر کس نسبت به مسئولیت خود کوتاهی کند، خدا بر او تنگ می‌گیرد. ۲. ذکر یُونسیّه انسان را از ناراحتی‌ها نجات می‌دهـد. ۳. هر کس خـدا را به یگـانگی بشـناسد و او را به پاکی بسـتاید و به گناهان خویش اعتراف نمایـد، خدا او را می‌بخشاید و نجات عنایت می‌فرماید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۱۴

ماجرای زکریا و نجات او از تنهایی و بی فرزندی

قرآن کریم در آیـات هشـتاد و نهم و نودم سوره‌ی انبیـاء به سـرگذشت زکریـا و یحیی و ویژگی‌هـای آنهـا و مواهب الهی نسـبت به زکریا اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۸۹ و ۹۰. وَزَکَرِیَّآ إِذْ نَادَی رَبَّهُ رَبِّ لَاتَذَرْنِی فَرْداً وَأَنتَ خَیْرُ الْوارِثِینَ* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ یَحْیَی وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ کَانُواْ یُسرِعُونَ فِی الْخَیْرتِ وَیَدْعُونَنَا رَغَباً وَرَهَباً وَکَانُواْ لَنَا خشِعِینَ و (یـاد کن) زکریـا را هنگـامی که پروردگارش را نـدا در داد: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار (و فرزندی به من عطا کن!) و تو بهترین وارثانی.»* و (دعای) او را اجابت کردیم، و به او یحیی را بخشـیدیم و همسـرش را برای او شایسته (بارداری) گردانیدیم؛ [چرا] که آنان در (انجام) نیکی‌ها، پیوسته بر همـدیگر پیشـی می‌گرفتنـد؛ وما را مشـتاقانه و ترسان می‌خواندنـد؛ و برای ما فروتن بودند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرگذشت زکریا و تولـد یحیی علیهمـا السـلام در آیـات اول تا پانزدهم سوره‌ی مریم بیان شـد. زکریا در حال پیری و با وجود نازایی همسـرش از خـدا فرزندی خواست تا برنامه‌های الهی او را پی‌گیری کند و فرصت‌طلبان نتوانند بر امور دینی مردم و اموال بیت المال تسلّط یابند. خدا

نیز این دعای زکریا را پذیرفت و نازایی همسرش را اصلاح کرد و فرزندی به نام «یحیی» به او عطا کرد که از پیامبران الهی شد. ۲. در این آیه اشاره شده که زکریا مؤدبانه از خدا درخواست نمود؛ یعنی با واژه‌ی «پروردگارا» شروع کرد، سپس از خدا خواست که او را تنها نگذارد، که فراموش خواهد شد. و در آخر یادآور شد که دنیا پایدار نیست و همه خواهند رفت و خدای متعال وارث همگان خواهد شد که بهترین وارث است. ۳. در این آیات به سه ویژگی برجسته‌ی خانواده‌ی زکریا اشاره شده تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۱۵ است؛ یعنی، سرعت در کارهای نیک، همیشه به یاد خدا بودن و فروتنی در برابر او. بیان این سه صفت شاید اشاره به این مطالب باشد: الف) این خانواده به هنگام فراوانی نعمت گرفتار غفلت و غرور نمی‌شدند و در همه‌ی حالات به یاد خدا بودند و او را می‌خواندند و در برابر او فروتن بودند. ب) خانواده‌ی زکریا در حال فقر یا غنا و در همه‌ی حالات در کارهای خیر شتاب می‌کردند و از یک‌دیگر سبقت می‌گرفتند. ج) خدا را با بیم و امید می‌خواندند و خود را در حالتی معتدل نگاه می‌داشتند. نه به خاطر امید زیاد گرفتار غرور و غفلت می‌شدند و نه به خاطر ترس زیاد از گناهان خود، از مغفرت الهی ناامید می‌شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام دعا مؤدبانه از پروردگار درخواست کنید. ۲. خدا به دعای بندگان نیکوکار و فروتنی که به یاد او هستند، پاسخ مثبت می‌دهد. ۳. به خانواده‌ی زکریا بنگرید و از آنان درس سرعت در نیکوکاری، فروتنی و به یاد حق بودن را بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و یکم سوره‌ی انبیاء به پاکی مریم و تولد اعجازآمیز عیسی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۱. وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَآ ءَايَةً لِّلْعَلَمِينَ و (یاد کن) آن (مریم را) که دامان (عفّت) ش را حفظ کرد، و از روح خویش در او دمیدیم؛ و او و پسرش را نشانه‌ای (معجزه‌آسا) برای جهانیان قرار دادیم. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۱۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین سخن از پیامبران بزرگ خدا بود ولی در این آیه در مورد مریم مطالبی بیان شده و از او در ردیف پیامبران بزرگ یاد شده است؛ «۱» و این یا به خاطر فرزند او عیسی علیه السلام است که از پیامبران بوده، یا به خاطر شباهت‌های عیسی با یحیی «۲» که در آیه‌ی قبل از او یاد شد. ۲. قرآن کریم به سرگذشت مریم و عیسی علیهما السلام توجه خاصی کرده و در سوره‌های متعددی بخشی از این جریان را بازگو نموده است تا عظمت و نشانه‌ی معجزه‌آمیز بودن این ماجرا را یادآور شود و تهمت را از دامان مریم دور بدارد. «۳» ۳. «فَرْج» در لغت به معنای فاصله و شکاف و در عربی کنایه از عضو تناسلی انسان (اعم از مرد و زن) است. از این رو به کار بردن این واژه در زبان عرب و قرآن، بسیار مؤدبانه به شمار می‌آید. قدر فارسی کم کم این واژه به معنای عضو تناسلی زن به کار برده شده و این ربطی به لغت قرآن ندارد؛ یعنی معادل فارسی این تعبیر آن می‌شود که: «مریم دامان خود را پاک نگه داشت.» «۴» ۳. در مورد روح با عظمتی که بر مریم علیها السلام فرود آمد و سبب باردار شدن او شد و نیز تولد اعجازآمیز عیسی علیه السلام و وقایع بعد از آن ذیل آیات شانزدهم تا سی و هفتم سوره‌ی مریم مطالبی بیان کردیم و روشن ساختیم که مقصود از تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۱۷ «روح الهی» در این جا همان جبرئیل است که وجودی حیات بخش است و اضافه‌ی روح به خدا اضافه‌ای تشریفی است که دلیل بر عظمت و شرافت جبرئیل است. ۴. در این آیه می‌فرماید: مریم و فرزندش، هر دو یک آیه و نشانه‌ی اعجازآمیز الهی بودند؛ یعنی این دو وجود به هم آمیخته و تفکیک‌ناپذیر هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مریم زنی پاک‌دامن بود (که پاکی او الگوی زنان جهان است). ۲. به مریم و تولد اعجازآمیز فرزندش بنگرید و درس خداشناسی بگیرید. *** قرآن کریم در آیات نود و دوم و نود و سوم سوره‌ی انبیاء به وحدت آغازین و وحدت پایانی مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۲ و ۹۳. إِنَّ هَـٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَأَنَاْ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ* وَتَقَطَّعُواْ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَٰجِعُونَ براستی که این (روش پیامبران) آیین شماست، در حالی که آیین یگانه‌ای است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس [مرا] پرستش کنید.* و (گروهی) کار (دین) شان را در میان خود گسستند؛ (ولی) همه فقط به سویِ ما باز می‌گردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «امّة» در اصل به معنای هر گروه و جمعیتی است که جهت مشترکی آنان را به هم پیوند می‌دهد. این جهت مشترک می‌تواند دین واحد، عصر واحد یا مکان معین باشد. بنابر این، مقصود از «امت واحد» در این آیه یا آیین واحد است، یعنی اصول مشترک ادیان الهی یکی است؛ و

يـا به همه‌ى انسان‌هـا در طول اعصار تفسير قرآن مهر جلـد سـيزدهم، ص: ۲۱۸ است، يعنى همه‌ى انسان‌هـا يـك امت هسـتند؛ و يا مقصود پيـامبرانى است كه در آيـات پيشـين به آنـان اشـاره شـد، يعنى اين پيامبران امت واحـدى بودنـد كه برنامه، هـدف و مقصـد واحدى داشـتند، هر چند بر اساس مقتضـيات زمان و مكان و روش‌ها و قوانين جزئى تفاوتى داشـته‌اند. «۱» البته مانعى نـدارد كه اين آيه اشاره به معناى اول و سوم باشـد. ۲. در اين آيه به ريشه‌ى وحـدت و يگانگى مردم، يعنى توحيـد، اشاره شـده است. اگر همه‌ى مردم در عقيـده و عمل به دنبال توحيد باشـند و غير از خدا را نپرسـتند و فقط از او اطاعت كنند عوامل اختلاف از ميان بشـر برچيده مى‌شود، و از اين رو اگر تمام پيامبران در يك زمان و مكان گردآيند با هم اختلاف نمى‌كنند. ۳. واژه‌ى «تَقَطَّعُوا» از ماده‌ى «قَطْع» و به معناى جـدا كردن قطعه‌هاى به هم پيوسـته‌ى يك موضوع است. در اين تعبير معناى پذيرش نيز مى‌آيد؛ «۲» يعنى گروهى از مردم در برابر هم ايسـتادند و در برابر عوامل تفرقه تسـليم شدند و جدايى را پذيرفتند و از اين رو از وحدت توحيدى خود فاصـله گرفتند. ۴. همه‌ى مردم به سوى خـدا بازمى‌گردنـد، و اين اختلافات در رسـتاخيز برچيـده مى‌شود و همگى به سوى وحـدت مجدد مى‌روند. «۳» آموزه‌ها و پيام‌ها: ۱. شـما از وحدت آغاز مى‌كنيد و به توحيد بازمى‌گرديد. تفسير قرآن مهر جلد سيزدهم، ص: ۲۱۹ ۲. عوامل اختلاف در ميان خود شماست. ۳. توحيد عبادى سرچشمه‌ى وحدت است. ۴. خداپرست باشيد (و عوامل اختلاف را برطرف كنيد). *** قرآن كريم در آيه‌ى نود و چهارم سوره‌ى انبياء به تقـدير خدا از مؤمنان شايسـته‌كار اشاره مى‌كند و مى‌فرمايد: ۹۴. فَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصـلِحتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَـعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كتِبُونَ و هر كس برخى [كارهاى شايسته را انجام دهد، در حالى كه او مؤمن باشد، پس براى كوشـش او هيچ ناسپاسـى نخواهد بود؛ و در حقيقت ما تنها نويسـندگان (كارهاى) او هستيم. نكته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اين آيه از ايمـان و عمـل صالـح به عنوان دو ركن اساسـى براى نجـات انسان‌هـا يـاد شـده، ولى اشاره شـده است كه هر كس بخشـى از كارهـاى شايسـته را انجام دهـد، باز هم نجات مى‌يابـد. «۱» ۲. در اين آيه بيـان شـده كه خـدا نسبت به كارهاى شايسـته‌ى مؤمنان، ناسپاس نيست و پـاداش اين افراد را مى‌دهـد. اين تعبير قرآن، نهايت لطف و محبت خـدا را نشان مى‌دهـد؛ چرا كه همه‌ى نعمت‌ها، نيروها و توفيقات از ناحيه‌ى خـداست پس ما بايـد سـپاس‌گزار باشـيم كه توفيق ايمان و انجام كار شايسـته را پيـدا كرديم، اما خداى متعال از بندگان سپاس‌گزارى مى‌كند و به آنان پاداش مى‌دهد. تفسير قرآن مهر جلد سيزدهم، ص: ۲۲۰ آموزه‌ها و پيام‌ها: ۱. ايمان شرط قبول شدن كارهاى شايسته است. ۲. هر كار شايسته‌ى شما ثبت و ضبط مى‌شود و پاداش در خور مى‌گيرد. ۳. اگر پاداش الهى را مى‌طلبيد، ايمان بياوريد و كار شايسـته كنيد. *** قرآن كريم در آيات نود و پنجم و نود و شـشم سوره‌ى انبياء به عدم بازگشـت ملت‌هاى هلاك شده و فتنه‌ى يأجوج و مأجوج اشاره مى‌كند و مى‌فرمايد: ۹۵ و ۹۶. وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَهَآ أَنَّهُمْ لَايَرْجِعُونَ* حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ و بر (مردم) آبـادى كه هلاكشـان سـاختيم، ممنوع است كه آنـان (به دنيا) بازگردنـد.* تـا هنگـامى كه (راه) «يَأجُوج» و «مَأجُوج» گشوده شود، در حالى كه آنان از هر بلنـدى، به سـرعت سـرازير مى‌شونـد. نكته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در مورد اين آيـات چنـد تفسير شـده است: الف) اين آيـات به حال كافرانى اشاره دارد كه بعـد از هلاكت و مشاهده‌ى عذاب الهى، آرزو مى‌كنند كه اى كاش بار ديگر به دنيا بازمى‌گشتند و خطاهاى خود را جبران مى‌نمودند. «۱» ولى قرآن در اين بـاره به طور صـريح مى‌فرمايـد كه بازگشت آنان ممنوع است، و آنان نمى‌تواننـد به اين جهان بازگردنـد (و اگر بر فرض هم بازگردند تفسير قرآن مهر جلد سيزدهم، ص: ۲۲۱ توبه مى‌كننـد و به سوى خدا باز نمى‌گردند). «۱» ب) مقصود از اين آيـات بيان مسئله‌ى رجعت است؛ يعنى مى‌فرمايد: براى كافران ستمگرى كه هلاك شدند، ممنوع است كه به دنيا باز نگردند «۲» بلكه آنان در هنگـام رجعت باز مى‌گردنـد، چون كافران لجوجى بوده‌انـد. البته مانعى نـدارد كه آيه به هر دو معنا اشاره كرده باشـد. ۲. در برخى احـاديث از اهـل بيت عليهم السـلام حكـايت شـده كه در مورد مسـئله‌ى رجعت به آيه‌ى نود و پنجم سوره‌ى انبيـاء تمسك جسته و فرموده‌انـد: در هنگـام رجعت هر مؤمن خـالص و كـافر محض بازمى‌گردد. «۳» برخى مفسـران بزرگ نيز گفته‌انـد كـه اين مطلب با ظـاهر آيه سازگار است «۴» و آيه‌ى مربوط به يـأجوج و مـأجوج را هم در مورد رجعت دانسـته‌اند؛ چرا كه يكى از نشانه‌هاى تفسير

قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۲۲ آخر الزمان و قیام امام مهدی علیه السلام همین است که رجعت نیز برای ایشان است. «۱» ۳. از «یأجُوج و مأجُوج» دو بار در قرآن یاد شده است. مفسران بر آن‌اند که مقصود دو قبیله‌ی وحشی بوده‌اند که در قسمت‌های شمال آسیا زندگی می‌کردند و مزاحم مردم اطراف خویش بوده‌اند. «۲» بر اساس این آیه آنان از هر بلندی به سرعت می‌گذرند و به طرف سرزمین‌های دیگر سرازیر می‌شوند. ۴. ممکن است مقصود از گشوده شدن راه یأجوج و مأجوج، نفوذ این اقوام و پراکندگی آنها در کل کره‌ی زمین باشد، که به عنوان یکی از نشانه‌های رستاخیز از آن یاد شده است. «۳» یعنی کافران تا هنگام پیدا شدن نشانه‌های رستاخیز، حق بازگشت به دنیا را ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ملت‌های هلاک شده فرصتی برای جبران گناهان گذشته نخواهند داشت. ۲. فتنه‌ی یأجوج و مأجوج از علامت‌های نزدیک شدن رستاخیز (و رجعت) است. ۳. علامت‌های نزدیکی رستاخیز را بشناسید (و آماده شوید). ***

رستاخیز

قرآن کریم در آیه‌ی نود و هفتم سوره‌ی انبیاء به نشانه‌های آستانه‌ی رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۷. وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَخِصَةٌ أَبْصرُ الَّذِينَ كَفَرُواْ يوَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هذَا بَلْ كُنَّا ظلِمِينَ و وعده‌ی حق (رستاخیز) بسی نزدیک شود؛ پس ناگهان چشم‌های کسانی که کفر ورزیدند، خیره شود؛ (در حالی که می‌گویند:) ای وای بر ما که از این (روز) در غفلت بودیم؛ بلکه (ما) ستمکار بودیم! تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۲۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «شاخِصه» در اصل به معنای خارج شدن از مکان است و از آن جا که در هنگام تعجب و خیره شدن چشم، گویی چشم انسان بیرون می‌آید، به این حالت نیز گفته شده است. در آستانه‌ی رستاخیز چنین حالتی به ستمکاران دست می‌دهد. «۱» ۲. کافران نخست خود را غافل می‌پندارند اما به زودی متوجه می‌شوند که برنامه‌های الهی به آنها ابلاغ شده بود، ولی آنان توجه نکردند و لجاجت نمودند و از این رو خود را ستمکار می‌نامند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاران و غافلان وقتی رستاخیز فرا رسد، بیدار می‌شوند (ولی آن زمان دیر است). ۲. از حالات کافران در آستانه‌ی رستاخیز درس عبرت بیاموزید و در غفلت نباشید. *** قرآن کریم در آیات نود و هشتم تا صدم سوره‌ی انبیاء به سرنوشت مشرکان و معبودهایشان در دوزخ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۸- ۱۰۰. إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وردُونَ* لَوْ كَانَ هؤُلَآءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خلِدُونَ* لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَايَسْمَعُونَ در حقیقت شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، هیزم جهنّم هستید؛ در حالی که شما وارد شدگان در آن هستید.* اگر (بر فرض) اینان معبودانی بودند، وارد آن (جهنّم) نمی‌شدند؛ در حالی که همه در آن ماندگارند.* برای آنان در آن (جهنّم) فریادی است؛ و آنان در آن جا (چیزی) نمی‌شنوند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۲۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آتش‌گیره‌ی جهنّم و آتشی که مشرکان را می‌سوزاند، از وجود خود آنها و بت‌هایشان فراهم می‌آید. ۲. اول بت‌ها و معبودهای دروغین را در آتش می‌افکنند «۱» و سپس مشرکان در آن آتش قرار می‌گیرند. گویی بت‌ها با آتش وجود خود از پیروان خود پذیرایی می‌کنند. این نوعی عذاب و تحقیر مشرکان است. ۳. «زَفیر» به معنای فریاد کشیدن همراه با بیرون فرستادن نفس، هم‌چون فریاد نفرت‌انگیز الاغ و در این جا اشاره به ناله‌ها و فریادهای مشرکان (و احتمالًا معبودهایشان) است. ۴. مشرکان در دوزخ چیزی که مایه‌ی سرور آنها باشد نمی‌شنوند و تنها ناله‌های جانکاه دوزخیان و فرشتگان عذاب را می‌شنوند و یا در محلی نگه‌داری می‌شوند که صدای هیچ کس را نشنوند و از عذاب تنهایی نیز رنج ببرند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک مشرکان و معبودهای دروغین آنان، در رستاخیز، مایه‌ی عذاب آنان می‌شوند. ۲. از سرنوشت عذاب‌آلود مشرکان پند بگیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۲۵ قرآن کریم در آیات صد و یکم تا صد و سوم سوره‌ی انبیاء به سرنوشت مؤمنان در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۱- ۱۰۳. إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَى أُوْلئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ* لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خلِدُونَ* لَايَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقهُمُ الْملئِكَةُ هذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ

تُوعَدُونَ براستی کسانی که قبلًا از طرف ما (وعـده‌ی) نیک به آنان داده شده است، آنان از آن (جهنّم) دور نگاه داشـته می‌شوند.* آوای آن (آتش) را نمی‌شـنوند؛ و آنان در آنچه خودشان میل دارنـد، ماندگارنـد.* وحشتِ بزرگ، آنان را انـدوهگین نمی‌کند؛ و فرشـتگان به استقبالشان می‌آینـد، (در حالی که می‌گوینـد:) این روز (رسـتاخیزِ) شـماست، که همواره (بدان) وعده داده می‌شدید؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسـران حکـایت کرده‌انـد که وقتی در آیـات پیشـین، معبودان مشـرکان، آتش‌گیره‌های جهنّم معرفی شدنـد، برخی افراد از پیـامبر صـلی الله علیه و آله در مـورد سـرنوشت مسیح علیه السـلام سؤال کردنـد که به طـور ناخواسـته معبود مشـرکان واقع شده است. آیه‌ی نخست در پاسخ آنان فرود آمد و بیان کرد که معبودان ناخواسته هم‌چون مسیح علیه السلام که اهل توحیـد بودنـد و خـدا به آنان وعـده‌ی نیک داده است از آتش دوزخ دور هسـتند. «۱» البته مـانعی نـدارد که این آیه در پاسخ یک پرسـش فرود آمـده باشـد، ولی مفهوم و مطلب آیه عام باشـد و شامل همه‌ی مؤمنان نیکوکاری بشود که خـدا به آنان وعده‌ی نیک داده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۲۶ ۲. یکی از روش‌هـای تربیتی قرآن کریم، روش مقایسه است. در این آیات نیز از آن اسـتفاده شـده اسـت؛ یعنی در آیـات پیشـین سـرنوشت مشـرکان در رسـتاخیز بـه تصـویر کشـیده شـد و اینـک در برابر آن سرنوشت مؤمنان را به تصویر می‌کشد، تا افراد با مقایسه‌ی این دو گروه راه خود را انتخاب کنند و هدایت شوند. ۳. در این آیات به پنج ویژگی و نعمت مؤمنان راستین در رستاخیز اشاره شد: الف) از آتش به دورند. ب) حتی صدای آتش را نمی‌شنوند. ج) هر چه به خواهند به طور جاودان به آنان عطا می‌شود. د) از وحشت بزرگ رستاخیز اندوهگین نیستند. ه) فرشتگان به ملاقات آنان می‌آیند و به آنهـا مژده‌ی نیـک می‌دهنـد. ۴. در ایـن آیـه بـه صـدای آتش جهنّم اشـاره شـده است «۱» چراکـه آتش هنگـامی که در حـال پیش‌روی و زبانه کشیدن است، صدای ترسناك و هول انگیزی دارد. این یکی از عذاب‌های دوزخیان است که صدای زبانه کشیدن و پیش‌روی آتش را می‌شنوند، ولی مؤمنان که از جهنّم دور هستند، این صداهای ناراحت کننده را نمی‌شنوند. ۵. نعمت‌های بهشتی هم‌چون نعمت‌هـای دنیـا محـدود و گـذرا نیست، بلکه مؤمنان بهشتی در آن جا هر چه بخواهنـد به آنان می‌دهنـد و این نعمت‌ها نیز جاودان است. ۶. مقصود از «الفَزَع الاکبر» همان وحشت بزرگی است که در اثر حوادث و دگرگونی‌های آستانه‌ی رستاخیز به وجود می‌آیـد. و یـا اشـاره بـه وحشت روز قیـامت است که از هر وحشـتی بزرگ‌تر است «۲» و تفسیر قرآن مهر جلـد سـیزدهم، ص: ۲۲۷ مؤمنان از این وحشت بزرگ در امان هستند. ۷. در برخی از احادیث از پیامبر صـلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام حکایت شـده که این آیه در مورد امـام علی علیه السـلام و شـیعیان اوست که از وحشت بزرگ رسـتاخیز در امـان هسـتند. «۱» البته این‌گونه احـادیث بیـان مصـداق‌های آیه است. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. در رسـتاخیز، مؤمنـان آسوده هسـتند و از آنـان به صورت دل‌خواهشـان پـذیرایی می‌شود. ۲. از سـرنوشت مشـرکان و مؤمنان عبرت بگیریـد «۲» (و راه صـحیح را انتخاب کنیـد). ۳. وحشت رسـتاخیز برای غیرمؤمنـان، و مژده‌هـای فرشـتگان برای مؤمنـان است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و چهـارم سـوره‌ی انبیـاء به حوادث هولنـاک رسـتاخیز و قطعی بودن آن اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۰۴. يَوْمَ نَطْوِي السَّمَآءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَآ أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعْداً عَلَيْنَآ إِنَّا كُنَّا فَعِلِينَ (همـان) روزی که آسـمان را هم‌چون پیچیـدن طومـار نامه‌هـا، در می‌نوردیم؛ همـان‌گونه که نخستین آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم؛ (این) وعده‌ای است بر عهده ما؛ قطعاً ما (آن را) انجام می‌دهیم. تفسیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۲۲۸ نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. واژه‌ی «سِجِلّ» اشـاره به طومـار نامه‌هـاست. در گذشـته برای نوشتن نامه‌هـا از اوراقی طومار مانند استفاده می‌کردند که قبل و بعد از نوشتن آنها را می‌پیچیدند و آنها را سِجلّ می‌نامیدند. «۱» ۲. در این آیه حادثه‌ی بزرگ رستاخیز و درهم نوردیـده شـدن هستی را به درهم پیچیـدن طومار نامه‌ها تشبیه کرده است؛ یعنی جهان هستی که هم‌چون طوماری گشوده و دارای نقوش و خطوط است، هنگـامی که فرمـان رسـتاخیز فرا می‌رسـد، درهم پیچیـده می‌شود و شـکل کنونی جهـان و سـتارگان و سیـارات درهم فرو می‌ریزد. «۲» ۳. در این آیه بیـان شـده که جهـان بـار دیگر به حالت اولیه بازمی‌گردد. برخی از مفسـران احتمال داده‌انـد که مقصود فنا و نیستی جهان باشـد که البته این احتمال بعید است؛ چون رسـتاخیز ادامه‌ی حیات جهان است، نه نابودی آن.

در برخی احادیث نیز اشاره شده که مقصود محشور شدن انسان‌ها به صورت عریان و پابرهنه هم‌چون آغاز تولد آنهاست. «۳» اما معنای آیه منحصر در این مورد نیست، بلکه این یکی از چهره‌های بازگشت به صورت نخست است. برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که مقصود درهم کوبیده شدن جهان هستی و به هم خوردن شکل آن است، اما مواد آن نابود نمی‌شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۲۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وعده‌ی الهی رستاخیز و حوادث هولناک آن حتمی است (پس خود را برای آن روز آماده سازید). ۲. جهان درهم پیچیده می‌شود و بار دیگر به صورت اولیه بازمی‌گردد. ***

سرانجام جهان پیروزی شایستگان

قرآن کریم در آیات صد و پنجم و صد و ششم سوره‌ی انبیاء به قانون فرمان‌روای شایستگان بر زمین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۵ و ۱۰۶. وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصلِحُونَ* إِنَّ فِي هذَا لَبَلغاً لِّقَوْمٍ عبِدِينَ و بیقین در «زَبُور» بعد از آگاه کننده [: تورات نوشتیم که: «بندگان شایسته‌ام، آن زمین را به ارث خواهند برد.»* قطعاً در این (مطلب)، پیامی برای گروه پرستش کنندگان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ارض» به مجموع کره‌ی زمین گفته می‌شود و سراسر جهان را شامل می‌شود؛ «۱» یعنی مؤمنان سرانجام بر سراسر زمین حاکم می‌شوند. ۲. «ارث» به معنای چیزی است که بدون معامله به کسی منتقل می‌شود و در قرآن گاهی به معنای پیروزی بر گروهی و در اختیار گرفتن امکانات آنها به کار رفته است؛ «۲» یعنی مؤمنان شایسته در نهایت بر مشرکان، کافران و افراد تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۳۰ ناشایست پیروز می‌شوند و تمام امکانات زمین را به دست می‌آورند. ۳. «زَبُور» در اصل به معنای هر گونه کتاب و نوشته است و در قرآن کریم معمولًا به معنای زبور داود علیه السلام به کار رفته است. این کتاب در عهد قدیم کتاب مقدّس، تحت عنوان «مَزامیر داود» آمده است که مجموعه‌ای از مناجات‌ها و اندرزهای داود پیامبر است. «۱» ۴. همان طور که قرآن فرموده است در موارد متعددی از «مزامیر داود» بیان شده که شایستگان بر زمین پیروز خواهند شد؛ از جمله می‌گوید: «زیرا که شریران منقطع می‌شوند، اما متوکّلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر آمده است: «زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر متواضعان را وارث زمین معرفی می‌کند. «۲» ۵. «ذِكْر» در اصل به معنای یادآوری یا چیزی است که مایه‌ی تذکّر است، ولی این واژه در قرآن گاهی در معنای قرآن «۳» و گاهی در معنای تورات «۴» به کار رفته است. در این جا نیز ممکن است به معنای هر یک از این دو کتاب الهی باشد و برخی از مفسران ترجیح داده‌اند که به معنای تورات باشد. «۵» ۶. در این آیه این قانون کلی و سنت الهی بیان شده که بندگان شایسته و صالح خدا بر زمین حاکم خواهند شد. این بندگان صالح کسانی هستند که از نظر عمل، علم، قدرت، تدبیر و درک اجتماعی شایسته باشند و کسانی که این شایستگی‌ها را در خود ایجاد کنند، خدا نیز به آنان کمک می‌کند که بر مستکبران پیروز شوند و وراثان زمین گردند. ۷. در احادیث متعددی از اهل بیت علیهم السلام این آیه به یاران امام مهدی علیه السلام تفسیر و تطبیق شده است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۳۱ از جمله از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمودند: (بندگان شایسته‌ای که در این آیه به عنوان وارث زمین از آنها یاد شد،) همان یاران مهدی- عجل‌اللَّه- در آخر الزمان هستند. «۱» البته این‌گونه احادیث مصداق‌های بارز این آیه را برمی‌شمارند و به معنای انحصار آیه در این افراد نیستند؛ یعنی در هر زمان و مکان که بندگان شایسته‌ی خدا قیام کنند، موفق و پیروز می‌گردند و وارث حکومت آن سرزمین می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروزی نهایی از آن شایستگان زمین است و این یک قانون الهی است. ۲. قانون پیروزی نهایی صالحان (و ظهور مهدی «عج اللَّه») نور امید دل عابدان است. ۳. برخی قوانین و سنّت‌های ثابت الهی در کتاب‌های آسمانی تکرار شده است، تا همگان بدانند. ۴. اگر می‌خواهید وارث زمین شوید شایسته‌کردار گردید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۳۳ مهدویت از منظر قرآن و حدیث در قرآن کریم آیات زیادی بر امام مهدی (عج) تطبیق یا تاویل شده «۱» و در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام به آنها اشاره شده است؛ «۲» از جمله: ۱.

پیروزی نهایی دین حق: خدا پیامبر صلی الله علیه و آله را با هدایت و دین حق فرستاد، تا بر همه‌ی ادیان پیروز شود (توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸ و صف، ۹). یادآوری: این وعده‌ی الهی هنوز تحقق نیافته و فقط با ظهور مهدی (عج) محقق می‌شود. «۳» ۲. پیروزی نهایی شایستگان بر زمین: الف) در زبور بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته به ارث می‌برند (انبیاء، ۱۰۵). ب) خدا به مؤمنان شایسته‌کردار وعده داده که جانشینان در زمین باشند (نور، ۵۵). یادآوری: این وعده‌های الهی هنوز تحقق نیافته و با ظهور مهدی و حکومت جهانی یاران صالح او تحقق می‌یابد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۳۴ ۳. مهدی (عج) ذخیره‌ی الهی: الف) ذخیره‌ی الهی برای شما بهتر است، اگر مومن باشید (هود، ۸۶). ب) از امام باقر علیه السلام حکایت شده: «هنگامی که مهدی (عج) قیام می‌کند به کعبه تکیه می‌کند و ۳۱۳ یار او گردش جمع می‌شوند و اولین چیزی که می‌گوید همین آیه (هود، ۸۶) است.» سپس می‌فرماید: «من ذخیره‌ی الهی و حجت خدا و جانشین او بر شما هستم؛ پس هیچ مسلمانی به او سلام نمی‌کند، مگر آن که می‌گوید: «السلام علیك یا بقیهٔ اللّه فی ارضه» (کافی، ج ۱، ص ۴۱۱ و تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۹۰- ۳۹۲). ۴. مهدی (عج) زمین را پر از عدل و داد می‌کند: از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که «ساعت رستاخیز به پا نمی‌شود تا این که زمین پر از ستم و دشمنی شود، سپس مردی از عترت من قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان طور که پر از ظلم و دشمنی شده بود. «۱» یادآوری: احادیث در این مورد متعدد حکایت شده است. ۵. ویژگی‌های مهدی (عج): ۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که «مهدی (عج) از نسل فاطمه علیها السلام است.» «۲» یادآوری: همین مضمون را در احادیث متعدد، شیعه و اهل سنت حکایت کرده‌اند. ۲. از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که «مهدی هم‌نام من است (یعنی نام او «محمد» است).» «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۳۵ ۳. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که «مهدی (عج) دو غیبت دارد: یکی طولانی و یکی کوتاه». «۱» ۴. از امام مهدی (عج) حکایت شده که (مردم) در زمان غیبت از من بهره‌مند می‌شوند هم‌چون بهره‌مندیِ از خورشیدی که در پس ابر است. «۲» ۶. انتظار فرج امام مهدی (عج): ۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که «انتظار فرج با شکیبایی، عبادت است.» «۳» ۲. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده: «افضل اعمال امت من انتظار فرج از خداست.» «۴» ۳. از امام علی علیه السلام حکایت شده: «انتظار فرج بکشید و ناامید از رحمت الهی نشوید که محبوب‌ترین اعمال نزد خدا انتظار فرج است.» «۵» ۷. زمان ظهور مشخص نیست؟ ۱. از امام رضا علیه السلام حکایت شده که «فرج فقط بعد از ناامیدی می‌رسد.» «۶» ۲. در احادیث متعدد از امام باقر و صادق علیهما السلام حکایت شده که «ما وقت (ظهور مهدی (عج)) را مشخص نمی‌کنیم و هر کس وقت مشخص کرد دروغ‌گوست.» «۷» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۳۷

پیامبر اسلام رحمتی برای جهانیان

قرآن کریم در آیات صد و هفتم و صد و هشتم سوره‌ی انبیاء به رحمت جهانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و رسالت توحیدی او اشاره می‌کند و می فرماید: ۱۰۷ و ۱۰۸. وَمَآ أَرْسَلْنَكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَلَمِينَ* قُلْ إِنَّمَا يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.* بگو: «فقط به سوی من وحی می‌شود که معبود شما معبودی یگانه است؛ پس آیا شما تسلیم می‌شوید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به یکی از بزرگ‌ترین صفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و او را رحمت فراگیر الهی می‌نامد؛ رحمتی که سراسر جهان را فراگرفته و همه‌ی انسان‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم‌چون پزشک متخصص و بزرگواری است که دانش خود را در اختیار همه‌ی انسان‌های جهان قرار داده است. برخی از آن استفاده می‌کنند و به سلامت و سعادت نایل می‌شوند و برخی دیگر لجوجانه از او روی برمی‌تابند و راه کفر، شرك و آلودگی‌های اخلاقی را می‌پیمایند. «۱» ۲. «عالمین» به معنای فراگیر بودن رحمت الهی برای جهانیان است. این تعبیر به خاتمیت پیامبر اسلام نیز اشاره دارد؛ چراکه وجودش تا پایان جهان، برای همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها و افراد بشر، رحمت است. ۳.

در این آیات بـه اصـل اساسـی رحمت پیـامبر صـلی الله علیه و آله اشـاره شـده است که همـان توحیـد است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۳۸ توحیـد در اعتقاد، توحید در عمل، توحید در اجتماع، توحید در قانون و توحید در عبادت. اصل توحید، هم‌چون روحی در کالبـد همه‌ی اجزای دین، دمیـده شـده است و رشته‌ی محکم پیونـد آنهـاست. تمام اصول، فروع و معارف دین از توحید سرچشـمه می‌گیرد و به آن باز می‌گردد. «۱» ۴. در این آیه واژه‌ی حصـرِ «انّما» به کار رفته است؛ یعنی می‌فرمایـد: تنها چیزی که به من وحی می‌شود توحیـد است. در حـالی که می‌دانیم مطـالب زیـادی به پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله وحی می‌شـده است. این مطلب، یـا به خـاطر آن است که حصـر اضـافی است، یعنی فقـط معبود بودن خـدای یکتا به من وحی می‌شود نه معبودان دیگر. و یا مقصود آن است که توحید سرچشمه و در بردارنده‌ی همه‌ی معارف دین است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیام پیامبر اسلام برای جهانیان، رحمت است و او پیـامبر مهر است. ۲. محور رسالت پیامبر اسـلام، توحید و تسـلیم در برابر آن است. ۳. رهبران الهی و مبلغان دینی! شما هم‌چون پیامبر، مایه‌ی رحمت برای مردم باشـید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۳۹ قرآن کریم در آیات صد و نهم تا صـد و یازدهم سوره‌ی انبیاء به مخالفان اسـلام هشـدار می‌دهـد و می‌فرمایـد: ۱۰۹- ۱۱۱. فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقُـلْ ءَاذَنتُكُمْ عَلَى سَوَآءٍ وَإِنْ أَدْرَى أَقَرِيبٌ أَم بَعِيـدٌ مَّا تُوعَـدُونَ* إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَـا تَكْتُمُونَ* وَإِنْ أَدْرِى لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَعٌ إِلَى حِينٍ و اگر روی برتابند، پس بگو: «به (همه‌ی) شـما به طور یکسان اعلام (خطر) کردم؛ و نمی‌دانم آیا آنچه (از عذاب) وعده داده می‌شوید، نزدیک اسـت یـا دور؟* در حقیقـت او سـخن آشـکار را می‌دانـد، و آنچـه را پنهـان می‌داریـد (نیز) می‌دانـد.* و نمی‌دانم شایـد این (تـأخیر عـذاب،) آزمایشـی برای شـماست؛ و تا مـدتی (مایه) بهره‌منـدی است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «آذَنتُ» به معنـای اعلاـم همراه با تهدیـد است و گـاهی به معنـای «اعلان جنگ» نیز می‌آیـد، اما از آن جا که سوره‌ی انبیاء در مکه نازل شـده و در مکه اعلان جنگ نبوده است؛ بنابراین، به معنای اعلام جـدایی و تهدید مخالفان به عذاب الهی است. ۲. در این آیات اشاره شده که اعلام خطر پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به همه‌ی مردم یکسان است، و مردم مکه و قریش با دیگران تفاوتی ندارند و او ندای خویش را به گوش همه‌ی مردم، بدون استثنا، می‌رساند. «۱» ۳. مقصود از وعده‌ی عذابی که در این آیات بدان اشاره شده است، یا عذاب قیامت اسـت که زمان آن را کسـی جز خـدا نمی‌دانـد؛ یا عذاب دنیوی است که جزئیات آن را خدا می‌داند؛ «۲» یا عذاب دنیوی و اخروی اسـت که در هر تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۲۴۰ صـورت علم دقیق آن در اختیـار پیـامبر صـلی الله علیه و آله نبوده است و همین مطلب عـذاب را برای مخالفان هولناک‌تر می‌کنـد. ۴. خـدا از پنهـان و آشـکار آگـاه است؛ چراکه او همه جا حاضـر است و علم او حضوری است و همه چیز در محضـر او حاضـر است، پس اصلًا پنهان و آشکار برای او بی‌معناست. ۵. در این آیات دو فلسـفه برای تـأخیر عـذاب الهی مخالفـان بیـان شـده است: الف) ممکن است تأخیر مجازات مخالفان برای آزمایش آنها باشـد، تا پس از امتحان حجّت بر آنها تمام شود. ب) ممکن است مجازات افرادی قطعی شـده باشـد اما خـدا آن را به تأخیر می‌اندازد تا در لذّت‌ها غوطه‌ور شونـد و تازیانه‌ی عـذاب برایشان دردناک‌تر شود و رنـج محرومان را به خوبی احساس کننـد. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. مخالفان از عـذاب الهی بهراسـند و بـا تعالیم توحیـدی پیامبر اسـلام مخالفت نکننـد. ۲. تـأخیر مجـازات و هر مهلـتی را غنیمت نشـمرید، گـاهی تأخیرهـا و مهلت‌هـا برای آزمـایش یا غرق شـدن شـما در دنیاست. ۳. پنهان و آشـکار شـما، محضـر خـداست. *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی انبیـاء به داوری‌طلبی و یاری‌جویی پیامبر از خـدا اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱۱۲. قَلَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَـا تَصِفُونَ (پیامبر) گفت: «پروردگارا به حق داوری فرما! و پروردگار ما (خـدای) گسترده‌مهر است، که در برابر آنچه وصف می‌کنیـد، (از او) یاری خواسـته می‌شود.» تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۲۴۱ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی انبیـاء بـا یـادآوری غفلت مردم شـروع شـد و اینـک در آخرین آیه نیز به غفلت‌هـای مردم و روی‌گردانی آنهـا از حق و نسبت‌های جاهلانه‌ی آنها به خدا، سخن می‌گوید. ۲. در این آیه دو بار واژه‌ی «ربّ» به کار رفته است تا به این واقعیت توجه دهد که همه‌ی ما مخلوق و پرورش‌یافته‌ی خدا هستیم. ۳. «رحمان» به رحمت عام پروردگار اشاره می‌کند که همه‌ی انسان‌ها را فراگرفته و به مخالفان

گوشـزد می‌کنـد که با این همه رحمتی که سر تا پای شـما را فراگرفته است، چرا تفکر نمی‌کنیـد و باز هم نسبت‌های ناروا به خـدا می‌دهید. ۴. اگر شـما روی برتافتید و نسبت‌های ناروا به خدا دادید و برای او شریک قایل شدید، پس بدانید که ما تنها نیستیم و از خـدا اسـتمداد می‌طلبیم، تا از ما در برابر شـما دفاع کنـد و به ما یاری رساند تا در برابر شـما مقاومت کنیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر سخن شـما در دل مخالفان اثر نکرد (ناامیـد نشوید و) به خدا پناه برید و از او کمک و داوری طلبید. ۲. خدا داور نهایی است که به حق داوری می‌کند. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۴۳

بخش سوم: سوره‌ی حج

اشاره

دلایـل منطقی آغـازگر هسـتی دلایـل و شواهـد فرجـام هسـتی آییـن شـکوه‌مند حـج و فلسـفه‌ی احکـام آن مراحـل آفرینش انسـان سرگذشت عبرت‌آموز پیامبران الهی تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۴۵

اول: سیمای سوره‌ی حج

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی حج دارای ۷۸ آیه، ۱۲۹۱ کلمه و ۵۰۷۰ حرف است.

نزول

این سوره در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده «۱» و صد و سومین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی نور و قبل از سوره‌ی منافقون)، ولی در چینش کنونی قرآن بیست و دومین سوره به شمار می‌آید.

نامها

تنها نام این سوره «حجّ» است که در اصل به معنای «قصد و آهنگ» است، ولی در اصـطلاح به یکی از عبادت‌های اسـلامی که جزء فروع دین است گفته می‌شود. سـبب نام‌گذاری این سوره به «حج» آیات ۲۵ تا ۳۷ این سوره است که از ساختن کعبه و فواید و آثار حج سخن گفته و اعلام عمومی حج را از زبان ابراهیم علیه السلام حکایت کرده است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۴۶

فضایل

در مورد فضیلت این سوره از پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس سوره‌ی حج را بخواند، خدا پاداش حج و عمره‌ای به تعـداد تمام کسانی که در گذشـته و آینده حج به جا آورده یا می‌آورند، بدو خواهد داد. «۱» تذکر: روشن است که این ثواب‌ها با شرایطی هم‌چون تفکر در آیات و پیروی از آنها به افراد داده خواهد شد. ویژگی‌ها: در این سوره دو سجده‌ی مستحب در آیه‌ی ۱۸ و ۷۷ قرار داده شـده است. این سوره به نـام یکی از اعمال عبادی که از فروع دین است، نام‌گـذاری شـده و از سوره‌هایی

است که برخی مضامین آن متناسب با سوره‌های مکی و برخی احکام آن (مثل اجازه‌ی جنگ) متناسب با سوره‌های مدنی است؛ از این رو برخی آن را سوره‌ی مشترک مکه و مدینه دانسته‌اند. «۲»

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. اشاراتی به مبدأ و قدرت مطلق خدا در دنیا و آخرت؛ ۲. اشاراتی به معاد و دلایل آن؛ ۳. بیان پاره‌ای از احکام و قوانین اسلامی برای مردم. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۴۷

مطالب

الف) عقاید: ۱. بیان دلایل منطقی مبدأ هستی (در آیات ۱۱ به بعد)؛ ۲. هشدار به مردم غافل در مورد قیامت و بیان عظمت رستاخیز (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۳. استدلال بر حشر و نشر رستاخیز (در آیه‌ی ۵). ب) اخلاق: ۱. دعوت به عبرت‌گیری از سرنوشت گذشتگان؛ ۲. پند و اندرزهایی در زمینه‌های مختلف زندگی؛ ۳. دعوت به توکّل و توجه به خدا؛ ۴. سفارش به تقوا و پارسایی (در آیه‌ی ۱). ج) احکام: ۱. تشویق به اقامه‌ی نماز (در آیات ۴۱ و ۷۸)؛ ۲. تشویق به پرداخت زکات (در آیات ۴۱ و ۷۸)؛ ۳. ترغیب به امر به معروف و نهی از منکر (در آیه‌ی ۴۱)؛ ۴. مطالبی درباره‌ی حج، قربانی و طواف آن (در آیات ۲۵- ۳۷)؛ ۵. اجازه‌ی جهاد و جنگ به مظلومان (در آیه‌ی ۳۹). د) داستان‌ها: ۱. اشاره‌ای به سرنوشت قوم نوح (در آیه‌ی ۴۲)؛ ۲. اشاره‌ای به سرنوشت قوم عاد (در آیه‌ی ۴۲)؛ ۳. اشاره‌ای به سرنوشت قوم ثمود (در آیه‌ی ۴۲)؛ ۴. داستان ابراهیم و ساختن کعبه و دعوت مردم به حج (در آیات ۲۵- ۳۷)؛ تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۴۸ ۵. مطالبی درباره‌ی قوم لوط (در آیه‌ی ۴۳)؛ ۶. مطالبی درباره‌ی قوم شعیب (در آیه‌ی ۴۴)؛ ۷. اشاره‌ای به داستان موسی (در آیه‌ی ۴۴). ه) مطالب فرعی: ۱. بشارت به نعمت‌های بی پایان الهی برای صالحان (در آیه‌ی ۱۴)؛ ۲. بیان جدال و ستیز اهل حق با اهل باطل؛ ۳. نکوهش بت پرستی و نفاق؛ ۴. حمایت خدا از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان (در آیه‌ی ۳۸)؛ ۵. سجود موجودات برای خدا؛ ۶. نابودی و ویرانی مراکز آباد، در اثر ستم‌کاری اهل آنها؛ ۷. اشاره به برگزیدگی جبرئیل از میان فرشتگان (در آیه‌ی ۷۵)؛ ۸. تشویق مؤمنان به وحدت واعتصام به خدا (در آیه‌ی ۷۸)؛ ۹. مقابله به مثل (در آیه‌ی ۶۰)؛ ۱۰. بیان ده مرحله از خلقت انسان در آیه‌ی پنجم این سوره که نظم مراحل آفرینش انسان را به صورت اعجازآمیزی به تصویر کشیده است که با یافته‌های جدید علوم پزشکی نیز هم‌خوان است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۴۹

دوم: محتوای سوره‌ی حج

رستاخیز و زلزله عظیم آن

قرآن کریم در آیات اول و دوم سوره‌ی حجّ با بیان ویژگی‌های وحشتناک رستاخیز، مردم را به پارسایی فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱ و ۲. يَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُواْ رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَىْءٌ عَظِيمٌ* يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّآ أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَى وَمَا هُم بِسُكَرَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ای مردم! [خودتان را] از [عذاب پروردگارتان حفظ کنید، [چرا] که زلزله ساعت (رستاخیز) چیز بزرگی است!* روزی که آن را می‌بینید، هر شیر دهنده‌ای، (از ترس) آنچه را مشغول شیر دادن است، از یاد می‌برد، و هر آبستنی، بار خود را (بر زمین) می‌نهد؛ و مردم را مستان می‌بینی، در حالی که آنان مست نیستند؛ و لیکن عذاب خدا شدید است! شأن نزول: مفسران قرآن حکایت کرده‌اند که این آیه در شبی، هنگام حرکت به سوی جنگ «بنی المُصطَلق» «۱» نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را ندا دادند و این آیات را برای آنان بازگو کردند. در آن شب مسلمانان بسیار گریستند و

نسبت به دنیا بی‌اعتنا شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله برای آنان توضیح دادند که در روز رستاخیز اکثر مردم اهل دوزخ می‌شوند و باز هم مردم گریستند، سپس به آنان بشارت دادند که اکثریت بهشتیان از مسلمانان هستند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۵۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به زلزله‌ای عظیم در جهان اشاره می‌کند که نظام عالم را درهم می‌ریزد، کوه‌ها از جا کنده می‌شوند، دریاها خروشان می‌شوند و ستارگان و سیارات درهم فرو می‌روند؛ به طوری که مردم شدیداً می‌ترسند و هم‌چون مستان به هر طرف می‌دوند و زنان وحشت زده کودکانشان را رها می‌سازند و یا سقط جنین می‌کنند. ۲. این آیات یا اشاره به حوادث آستانه‌ی رستاخیز است که واقعاً زنان باردار و مادران شیرده وجود دارند و یا اشاره به زلزله‌ی قیامت است که در آن صورت تعبیر زنان باردار و مادران شیرده، نوعی کنایه و مثال است که برای نشان دادن صحنه‌ی وحشتناک قیامت بیان شده است. «۱» ۳. این آیات از سویی به توحید و پروردگار اشاره کرده و از سویی به معاد و صحنه‌های رستاخیز اشاره نموده است. و از سویی دیگر از تقوا یاد کرده، که برنامه‌ی انسان در حوزه‌ی عقاید، اعمال و اخلاق، در دنیاست. ۴. این آیات با تعبیر «ای مردم» آغاز شد که خطاب آن به تمام مردم جهان، از هر نژاد و ملت و در هر زمان و مکان است و شامل پیر و جوان، زن و مرد و مؤمن و کافر می‌شود؛ یعنی همگان باید به حوادث هولناک رستاخیز توجه، و خود را از عذاب الهی حفظ کنند. ۵. «مُرضِعَهُ» به معنای زن شیرده‌ای است که در حال شیر دادن به کودک خویش است؛ یعنی وحشت زلزله‌ی رستاخیز آن‌قدر زیاد است که زنان در حال شیر دادن هم، کودکان خود را فراموش می‌کنند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۵۱ ۶. در این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خطاب شده که «تو مردم را هم‌چون مستان می‌بینی.»؛ یعنی خود پیامبر صلی الله علیه و آله (و احتمالًا مؤمنان قوی) از این وحشت عظیم در امان هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زلزله‌ی رستاخیز بسیار وحشتناک است، به طوری که هوش از سر انسان می‌برد (پس خود را برای آن روز آماده سازید). ۲. به یاد صحنه‌های هولناک معاد باشید، تا پارسا شوید. *** قرآن کریم در آیات سوم و چهارم سوره‌ی حج به مجادلات ناآگاهانه‌ی پیروان شیطان و پیامدهای پذیرش ولایت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳ و ۴. وَمِنَ النَّاسِ مَن یُجدِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَیَتَّبِعُ کُلَّ شَیْطنٍ مَّرِیدٍ* کُتِبَ عَلَیْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ یُضِلُّهُ وَیَهْدِیهِ إِلَی عَذَابِ السَّعِیرِ و از (میان) مردم کسی است که بدون هیچ دانشی درباره خدا مجادله می‌کند، و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نماید.* بر او مقرر شده که هر کس سرپرستی او را بپذیرد (و از وی پیروی کند،) پس مسلّماً او گمراهش می‌سازد؛ و به سوی عذاب شعله فروزان (آتش) راه‌نمایی‌اش می‌کند. شأن نزول: برخی مفسران روایت کرده‌اند که این آیه در مورد «نَضْرِ بن حارث» فرود آمده است. او که از مشرکان متعصب بود، اصرار داشت که فرشتگان دختران خدا هستند و قرآن مجموعه‌ای از افسانه‌های پیشینیان است که به خدا نسبت داده شده است و نیز معاد را انکار می‌کرد. البته برخی از مفسران نیز این آیه را اشاره به همه مشرکان دانسته‌اند که در مورد توحید و قدرت خدا مجادله و بحث می‌کردند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۵۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مُجادله» در اصل به معنای هرگونه بحث و گفت‌وگو است که گاهی بر اساس حق و گاهی بر اساس باطل است. که در این جا اشاره به گفتمان ناآگاهانه‌ی مشرکان درباره‌ی خدا و صفات اوست. ۲. «مَرید» در اصل به معنای سرزمین بلندی است که از هر گونه گیاه خالی است؛ و در این جا اشاره به کسی است که از هر گونه خیر و سعادت تهی است، که طبعاً چنین فردی، سرکش، ستمکار و متمرد خواهد بود. «۱» ۳. مقصود این آیات آن است که افراد ناآگاه، بدون علم و از روی تقلید یا تعصب و هواپرستی، به مجادله درباره‌ی خدا و صفات او می‌پردازند و هر کس این‌گونه باشد به طور طبیعی از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کند؛ چرا که او جاهل است و جاهل از هر شیطانی با هر برنامه‌ای پیروی می‌کند. «۲» ۴. قانون الهی آن است که هر کس ولایت شیطان را پذیرفت و با اختیار خود از او پیروی کرد، سرنوشتی جز گمراهی و عذاب ندارد. البته این مطلب به معنای جبر نیست بلکه بیان نتایج انتخاب خود اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام پیروی از شیطان‌صفتان، گمراهی و عذاب است. ۲. گفتمان‌های اعتقادی شما بر اساس آگاهی و دانش استوار باشد که هر کس ناآگاهانه در مباحث عقیدتی وارد شود، به انحرافات متعددی کشیده می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد

سیزدهم، ص: ۲۵۳

مراحل آفرینش انسان (اعجاز علمی قرآن)

قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی حج با بیان مراحل آفرینش انسان و رویش گیاهان، به دلایل و نشانه‌های رستاخیز در آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵. یَأَیُّهَا النَّاسُ إِن کُنتُمْ فِی رَیْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَکُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَیْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَیِّنَ لَکُمْ وَنُقِرُّ فِی الْأَرْحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَی أَجَلٍ مُّسَمّیً ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُواْ أَشُدَّکُمْ وَمِنکُم مَّن یُتَوَفَّی وَمِنکُم مَّن یُرَدُّ إِلَی أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِکَیْلَا یَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَیْئاً وَتَرَی الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَآ أَنزَلْنَا عَلَیْهَا الْمَآءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنبَتَتْ مِن کُلِّ زَوْجٍ بَهِیجٍ ای مردم! اگر از برانگیخته شدن (در رستاخیز) در تردید هستید، پس (بنگرید:) که ما شما را از خاکی آفریدیم، سپس از آب اندک سیال، سپس از [خون بسته آویزان، سپس از (چیزی شبیه) گوشت جویده شده، شکل یافته (: متمایز) و شکل نیافته (: غیر متمایز آفریدیم؛) تا برای شما روشن سازیم (که خدا بر انجام رستاخیز تواناست). و آنچه را که بخواهیم تا سرآمد معیّنی در رحم‌ها قرار می‌دهیم؛ سپس شما را به صورت کودکی بیرون می‌آوریم؛ سپس (زندگی می‌کنید) تا به حدّ رشدتان برسید؛ و از شما کسی است که (جانش) به طور کامل گرفته می‌شود؛ و از شما کسی است که به خوارترین (دوران) عمر برگردانده می‌شود، تا بعد از آگاهی هیچ چیزی ندانند. و زمین را خشک و بی گیاه می‌بینی؛ و هنگامی که آب (باران) را بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت در می‌آید و رشد می‌یابد؛ و از هر نوع [گیاه زیبا می‌رویاند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیه به دو دلیل معاد اشاره می‌کند؛ یعنی صحنه‌های عینی انگیزش و رستاخیز را در همین جهان به مردم نشان می‌دهد؛ تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۵۴ صحنه‌هایی که پیوسته با چشم خود می‌بینند ولی توجه کامل به آنها ندارند؛ پیدایش انسان ومراحل تبدیل آن از خاک مرده به کودکی زیبا و نیز مراحل رویش گیاهان و زنده شدن خاک مرده را به تصویر می‌کشد تا بدانیم که زنده شدن مردگان کار غیر ممکنی نیست و خدا بر کار معاد تواناست. ۲. قرآن کریم در سوره‌های حج، مؤمنون و غافر، مراحل آفرینش انسان را تا مرگ بیان کرده است «۱» که به طور کلی می‌توان گفت پانزده مرحله است. این مراحل عبارت‌اند از: خاک، آب، منی، نطفه، عَلَقه، مُضْغهٔ، تنظیم و شکل‌گیری (یا تسویه و تصویر)، شکل‌گیری استخوان‌ها، پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها، مرحله‌ی تعیین جنس جنین، آفرینش روح و دمیدن جان در انسان، تولد، مرحله‌ی بلوغ، کهن سالی و در نهایت مرحله‌ی مرگ است. برخی از صاحب نظران بیان این مراحل را در قرآن نشانه‌ای از اعجاز علمی این کتاب الهی دانسته‌اند، چرا که وجود این مراحل و نظم آن در علوم پزشکی جدید مطرح شده است، در حالی که قرآن قرن‌ها قبل از آن خبر داده است. «۲» ۳. در این آیه نخستین مرحله‌ی آفرینش انسان‌ها از «خاک» را معرفی کرده است. اگر مقصود از خاک در این جا، همان خاکی باشد که آدم علیه السلام را از آن آفریدند، منظور آیه آن است که شما را با واسطه‌ی آدم از خاک آفریدیم. و اگر مقصود از خاک در این آیه، آفرینش همه‌ی انسان‌ها از خاک باشد، منظور آن است که تمام مواد غذایی که نطفه‌ی انسان از آن تشکیل می‌شود از خاک است. یعنی انسان به وسیله‌ی تغذیه از گیاهان و حیوانات، مواد اصلی خود را از خاک می‌گیرد سپس به نطفه تبدیل می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۵۵ البته ظاهر آیه‌ی فوق با تفسیر دوم سازگارتر است. «۱» ۴. «نُطفه» در لغت به معنای سیلان ضعیف چیزی است و به معنای آب صاف نیز آمده است. این واژه در اصطلاح به ماده‌ای گفته می‌شود که از مردان یا زنان در هنگام لقاح خارج می‌شود که در مورد مردان به آن «منی» می‌گویند که از میلیون‌ها اسپرماتوزئید تشکیل شده است و در مورد زنان به آن «تُخمک» یا «اوول» «۲» می‌گویند که در هر ماه تعدادی از آنها از هر زن خارج می‌شود. البته واژه‌ی «نطفهٔ» به معنای «نطفه‌ی مخلوط» مرد و زن نیز آمده است «۳» اما در قرآن معمولًا به منی مرد گفته می‌شود. «۴» دهد نطفه را صورتی چون پری که کرده است بر آب صورتگری (سعدی) ۵. «عَلَقه» در اصل به معنای «چیزی است که به چیز بالاتر آویزان شود.» و گاهی به معنای خون بسته یا زالو نیز می‌آید، چراکه این‌ها به چیز دیگری

آویزان می‌شوند. «۵» این واژه در این آیه به معنای عامل تولید مثل زن و مرد است که با هم‌دیگر مخلوط شده، به صورت یک توت به دیواره‌ی رحم می‌چسبد و آویزان می‌شود. البته شکل عَلَقه به زالو شبیه است و هر دو نیز از خون تغذیه می کنند. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۵۶ ۶. «مُضغَه» در اصل به معنای غـذا و گوشت جویده شده است؛ یعنی جنین انسان پس از مرحله‌ی علقه، به صورت قطعه گوشتی شبیه گوشت جویـده شده در می‌آید. «۱» در این مرحله هنوز اعضای مختلف جنین مشـخص نشده است. ۷. «مُخلَّقَه» برای مبـالغه در خلق به کـار می‌رود؛ یعنی ایجاد چیزی با کیفیت مخصوص. «۲» در این مرحله جنین تغییر می کنـد و اعضای بدن کم‌کم ظاهر می‌شود. تعبیرات قرآن در این جا بسیار زیبا و شگفت‌انگیز و با یافته‌های پزشکی جدید نیز هماهنگ است. جنین را در این دوره (هفته‌ی سوم به بعـد) به صورت گوشت کوبیـده معرفی می کنـد، که اشـاره‌ای لطیف به تمـایز لایه‌هـای مختلف آن است. «۳» ۸. تعبیر «اردَلِ العُمُر» به معنـای پست‌ترین و نـامطلوب‌ترین دوره‌ی عمر انسـان است که انسـان به نهـایت پیری می‌رسـد و دانش‌هـای قبلی خود را فراموش می کنـد و هم‌چون کودکی نیازمنـدِ مراقبت دیگران است و گـاهی حرکـات کودکانه دارد. این در حالی است که مردم از انسان سالخورده انتظارات زیادتری نسبت به کودک دارنـد و از این جهت است که سالخوردگی دورانی پر رنج و رقت‌بار می‌شود. ۹. «بَهیـج» به معنای زیبا، چشم‌گیر و سـرورآفرین است و «زوج» گاهی به معنای «نوع و گروه» می‌آید؛ یعنی انـواع گیاهـان زیبـا و بـاطراوت را از زمین مرده و خشـکیده بیرون می‌آورد و رشـد می‌دهـد. این نوعی تبـدیل مرده به زنـده است و قـدرت خـدا را در مـورد رسـتاخیز نشـان می‌دهـد. تفسیر قرآن مهر جلـد سـیزدهم، ص: ۲۵۷ آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. جنین‌شناسـی و گیاه‌شناسی می‌توانـد شـما را بـه خداشناسـی رهنمـون شـود. ۲. بـا مطالعـات جنین‌شناسـی و تفکر در مراحـل خلقـت خـود، درس معادشناسی بگیرید. ۳. با مطالعه در رویش گیاهان، درس معادشناسـی بگیرید. *** قرآن کریم در آیات ششم و هفتم سوره‌ی حج به نتایـج و دلایل آفرینش انسان و گیاهان، در حوزه‌ی صـفات خدا و رسـتاخیز، اشاره می کند و می‌فرماید: ۶ و ۷. ذلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ یُحْیِ الْمَوْتَی وَأَنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ* وَأَنَّ السَّاعَةَ ءَاتِیَةٌ لَارَیْبَ فِیهَا وَأَنَّ اللَّهَ یَبْعَثُ مَن فِی الْقُبُورِ این (مطالب) به خاطر آن است که تنها خـدا حق است؛ و این که او مردگان را زنـده می‌کند؛ و این که او بر هر چیزی تواناست.* و این که ساعت (رسـتاخیز) آمدنی است در حالی که هیچ تردیدی در آن نیست؛ و این که خدا کسانی را که در قبرها هستند بر می‌انگیزد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصـود از «حق» بودن خـدا آن است که خـدا خودِ حق است که هر چیز حقی به وسیله‌ی او تحقق می‌یابـد و نظـام حق را او ایجـاد می کنـد و حق بودن موجودات نیز نشانه‌ای از حق بودن آفریـدگار آنهاست. «۱» ۲. در این آیه بیان شـده که خـدا مردگان را زنده می کنـد؛ یعنی خاک مرده تفسیر قرآن مهر جلـد سیزدهم، ص: ۲۵۸ را طی مراحلی به انسـان و گیـاه تبـدیل می کنـد. این برنـامه‌ی حیات‌آفرین به طور مستمر ادامه دارد تا نشانه‌ی آن باشد که خدا بر هر کاری تواناست. ۳. در این آیات پنج نتیجه‌ی مهم از مراحل آفرینش انسـان و گیـاه بیـان شـده است، که برخی مقـدمه‌ی برخی دیگر و مکمل یکدیگرنـد. «۱» این نتایـج پنـج‌گانه عبارت‌اند از: اثبات حقانیّت و قدرت خدا، اثبات این که وعده‌ی رسـتاخیز حتمی است و خدا زنده کننده‌ی موجودات و کسانی است که در قبرها آرمیده‌اند. ۴. جمله‌ی اخیر این آیات که می‌فرماید: «خدا کسانی را که در قبرها هستند برمی‌انگیزد.» اشاره‌ای گویا به معاد جسمانی است؛ یعنی در رسـتاخیز انسـان بـا جسم و روح خود باز می گردد و تعجب مشـرکان نیز از همین بود که چگونه انسانی که به خاک تبـدیل شـده است بار دیگر به زنـدگی باز می گردد. قرآن نیز بر همین مطلب تأکیـد می کنـد. «۲» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. از مطالعات جنین‌شناسـی و گیاه‌شناسـی، به خداشناسـی برسید و به حقانیّت و قـدرت و احیاگری او پی ببریـد. ۲. اگر به مراحـل حیـات انسان و گیاهان دقت کنیـد، متوجه می‌شویـد که رسـتاخیز حتماً واقع می‌شود و روزی مردگان برانگیخته خواهند شد. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۵۹ قرآن کریم در آیات هشـتم تا دهم سوره‌ی حـج به مجادلات ناآگاهانه‌ی متکبران در مورد خـدا و مجازات آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۸- ۱۰. وَمِنَ النَّاسِ مَن یُجـدِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَلَا هُـدًی وَلَا کِتـبٍ مُّنِیرٍ* ثَانِیَ عِطْفِهِ لِیُضِلَّ عَن سَبِیلِ اللَّهِ لَهُ فِی الـدُّنْیَا خِزْیٌ وَنُذِیقُهُ یَوْمَ الْقِیمَهِٔ عَذَابَ الْحَرِیقِ* ذلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ یَدَاکَ وَأَنَّ اللَّهَ لَیْسَ بِظَلَّمٍ لِّلْعَبِیدِ و از (میان) مردم کسـی است

که بـدون هیـچ دانش و هیـچ رهنمود و هیـچ کتـاب روشـنی بخشـی، دربـارهٔی خـدا مجادله می‌کنـد؛* در حالی که (از روی تکبّر) پهلویش بر می‌تابـد، تـا (مردم را) از راهِ خـدا گمراه سازد؛ برای او در دنیا رسوایی است؛ و در روز رسـتاخیز، عـذاب سوزان را به او می‌چشانیم!* (در حالی که به او گفته می‌شود:) این (عذاب) به خاطر دسـتاورد پیشـین توست؛ و [به خاطر] این که خدا هرگز نسبت به بنـدگان بیدادگر نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی سوم سوره‌ی حج نیز جمله‌ی «از مردم کسـی است که درباره‌ی خدا بدون هیـچ دانشـی، مجادله و بحث می‌کنـد.» آمـده و در این آیه نیز تکرار شـده است. مفسـران قرآن برآن‌اند که این آیه اشاره به رهبران گمراه کننـده دارد و آیه‌ی سـوم اشـاره به پیروان آنـان داشت. «۱» ۲. مفسـران قرآن برآن‌انـد کـه در این آیه واژه‌ی «علم» اشـاره به اسـتدلال‌های عقلی و «هدایت» اشاره به راه‌نمایی رهبران الهی و «کتاب مُنیر» اشاره به کتاب‌های آسمانی است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۶۰ به عبـارت دیگر، در این آیه به سه منبع اصـیل اسـلامی اشاره کرده که عبارت‌انـد از: کتاب، سـنت و دلیل عقل. یعنی هرگونه مباحثه و مجادله درباره‌ی خـدا، بایـد بر اساس دلایل معتبری از این سه منبع باشـد، و گرنه سود بخش نخواهد بود. «۱» ۳. مجـادله‌گران ناآگـاه از دلایـل عقلی و مطـالب الهی روی برمی‌تابنـد، تـا مردم را گمراه سازنـد، ولی این کـار آنان نتیجه‌ی مثبتی برایشان نـدارد بلکه موجب رسوایی آنان در دنیا و عـذاب در جهان دیگر می‌شود. «۲» ۴. «ظَلّام» به معنای «بسـیار ظلم کننده» است؛ البته خـدا هیـچ ظلمی به بنـدگان نمی‌کنـد، نه ظلم انـدک و نه ظلم بسـیار، ولی این تعبیر ممکن است اشاره به آن باشـد که هرگونه ستمی از سوی خـدا، همیشه مصداق ظلم بسیار است. ۵. این آیه از طرفی مکتب جبر را نفی می‌کنـد، چون عـذاب الهی را نتیجه‌ی اعمـال خـود انسـان معرفی می‌کنـد؛ و از طرف دیگر عـدالت خـدا را اثبـات می‌کنـد، چرا که هر گونه سـتمی را از او نفی می‌کنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نتیجه‌ی مجادلات ناآگاهانه و منکرانه، رسوایی در دنیا و عذاب سوزان در آخرت است. ۲. بدون دلیل عقلی و نقلی، به بحث و جـدل نپردازید، که نتیجه‌اش گمراهی است. ۳. عذاب رسـتاخیز دست‌آورد خود شماست و گرنه خدا به کسی ستم نمی‌کنـد (چرا کـه او عـادل اسـت). *** تفسیر قرآن مهر جلـد سیزدهم، ص: ۲۶۱ قرآن کریـم در آیه‌ی یـازدهم سـوره‌ی حـج به مسـلمانان متزلزل و زیانکار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُـدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِـرَ الـدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذلِكَ هُوَ الْخُسْـرَانُ الْمُبِينُ و از (میـان) مردم کسـی است که خـدا را بر حاشـیه‌ی (منافع خویش) می‌پرسـتد، و اگر به او نیکی رسـد، بـدان آرامش یابد، و اگر آزمایشـی به او رسد، (به سوی کفر) رویش را بر می‌گرداند؛ (او) در دنیـا و آخرت زیان کرده است، این تنها زیان آشـکار است. شأن نزول: برخی مفسـران روایت کرده‌انـد که این آیه در مورد گروهی از بادیه‌نشینان نازل شد که خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدند و مسلمان می‌شدند و اگر بعد از آن وضع دام‌داری آنان خوب می‌شـد و دارای فرزنـدان پسر می‌شدنـد، بر ایمان خود باقی می‌ماندند، و گرنه از اسـلام روی برمی‌تافتند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به افراد سست‌عنصر و ضعیف الایمانی اشاره شده که در هر جامعه‌ای وجود دارند و از زاویه‌ی منافع مادی به دین می‌نگرنـد و معیار حقانیّت دین را مسائل مادی می‌پندارند؛ یعنی هرگاه در کنار دین زندگی مرفهی پیدا کنند، ایمانشان محکم می‌شود و اگر گرفتار مشـکلات و آزمایش‌ها گردنـد، ناراحت می‌شوند و به دین پشت می‌کنند. ۲. «حَرْف» به معنای «کنار و جانب چیزی» اسـت. و مقصـود آن است که این تفسیر قرآن مهر جلـد سیزدهم، ص: ۲۶۲ افراد دین را از بعـد مادیـات می‌خواهنـد، نه از همه‌ی اطراف و جوانب آن؛ «۱» یعنی آنها در متن ایمان و اسـلام قرار ندارند، بلکه در کنار و لبه‌ی آن هستند و از این رو متزلزل‌اند و هرگاه مشـکلی پیـدا شـد خود را کنار می‌کشـند و ایمانشان بر باد می‌رود. اینان ایمانشان فقط زبانی و در حد حرف است نه ایمان قلبی مسـتقر و محکم. «۲» ۳. در این آیه از دنیـا با عنوان «خیر» و نیکی یاد شـده است، اما از مشـکلات دنیا با عنوان «شرّ» یاد نشـده بلکه با عنوان «فِتنهٔ» یاد شده است؛ یعنی حوادث ناگوار شرّ نیست بلکه وسـیله‌ی امتحان شـماست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افراد سست ایمان و متزلزل، در نهایت زیان آشکاری می‌کنند. ۲. به دین از زاویه‌ی منافع مادی ننگرید، (بلکه در همه‌ی صحنه‌ها و مشکلات بر ایمـان خـویش اسـتوار باشـید.) *** قرآن کریم در آیـات دوازدهم و سـیزدهم سوره‌ی حـج به گمراهی مشـرکان اشـاره می‌کنـد و

می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. يَدْعُواْ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَايَضُرُّهُ وَمَا لَايَنفَعُهُ ذلِكَ هُوَ الضَّلَلُ الْبَعِيدُ* يَدْعُواْ لَمَن ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ غیر از خدا چیزی را که زیانی به او نمی‌رساند و چیزی را که به او سودی نمی‌بخشد، می‌خواند؛ این تنها گمراهی دور است.* کسی را می‌خواند که حتماً زیانش از سودش نزدیک‌تر است؛ البته بد سرپرست (و یاوری) است و مسلماً بد همدمی است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۶۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو گونه از معبودان مشرکان اشاره شده است: نخست بت‌های چوبی و سنگی که هیچ نفع و زیانی ندارند و دوم معبودان انسانی، هم‌چون طاغوت‌ها و فرعون‌ها که ممکن است نفع اندکی داشته باشند، ولی زیانشان به مراتب بیش‌تر است. «۱» ۲. در این آیات اشاره شده که اگر مشرکان خواهان سود و منافع مادی هستند و از این زاویه به دین می‌نگرند، پس چرا به سراغ معبودان بی‌سود و زیان می‌روند؟ اینان که منافع مشرکان را تأمین نمی‌کنند. ۳. زیان معبودها بیش‌تر از سود آنهاست؛ چراکه آنان موجب انحراف فکری و رواج خرافات می‌شوند، همان طور که آتش سوزان را برای پیروان خود به ارمغان می‌آورند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کسی را پرستش کنید که برایتان سودمند باشد و ضرری نداشته باشد (و دنیا و آخرت شما را تأمین کند). ۲. شرک، موجب زیانکاری و گمراهی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۶۴ قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی حج به فرجام مؤمنان شایسته‌کار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴. إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصلِحتِ جَنتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهرُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ در حقیقت خدا کسانی را که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که نهرها از زیر [درختان] ش روان است؛ که خدا هر چه را بخواهد انجام می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین حالات سه گروه، یعنی رهبران گمراه کننده، پیروان ناآگاه آنان و مسلمانان سست ایمان بیان شد و اینک در این آیه حالات گروه مقابل آنان، یعنی مؤمنان شایسته کار را بیان می‌کند. این همان روش مقابله و مقایسه است که قرآن کریم از آن استفاده می‌کند، تا مطالب بر شنونده تأثیر بیش‌تری داشته باشد. ۲. در این آیه ایمان و عمل صالح را شرط ورود به بهشت معرفی کرده است؛ یعنی کسانی بهشتی هستند که خط فکری سالم و استوار و اعمال شایسته و صحیح دارند. ۳. خدای مؤمنان، بر خلاف معبودهای دروغین مشرکان که ناتوان هستند، هر چه را بخواهند انجام می‌دهد. البته با توجه به این که خدای متعال حکیم و داناست، کارهای او بر اساس حکمت و علم است؛ پس خدا هر چه را شایسته و صحیح باشد اراده خواهد کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر مؤمن شایسته‌کار باشید، جایگاه شما در بهشت است. ۲. (به جای معبودهای ناتوان خدایی را بپرستید «۱» که) او توانایی انجام هر کاری را دارد و می‌تواند شما را داخل بهشت کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۶۵ قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی حج به حالات روانی افراد کم حوصله و سست ایمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵. مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ اللَّهُ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَآءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ هر کس یقین دارد که خدا او (و پیامبرش) را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد، (و از این نظر عصبانی است،) پس طنابی به سوی بالا بکشد، سپس باید (آن را) قطع کند، و باید نظر کند که آیا نیرنگش چیزی را که (او را) به خشم آورده، حتماً از بین می‌برد؟! شأن نزول: حکایت شده که گروهی از قبایل «بَنی اسد» و «بنی غَطفان» با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیمان بسته بودند، ولی بعداً گفتند ما می‌ترسیم که سرانجام خدا محمد صلی الله علیه و آله را یاری نکند و رابطه‌ی ما با یهودیان هم پیمان قطع شود و به ما مواد غذایی ندهند، آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و آنها را سرزنش کرد. «۱» برخی نیز حکایت کرده‌اند که آیه در مورد مسلمانانی بود که به خاطر شدت خشم بر کفار، بی‌قراری می‌کردند و می‌گفتند: چرا وعده‌ی خدا تحقق نمی‌یابد و آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و آنان را به خاطر کم‌صبری ملامت کرد. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد این آیه چند تفسیر شده است: الف) نخست آن که مخاطب آیه مسلمانان سست‌ایمان باشند و ضمیر «لن يَنصُرَه اللَّه» به پیامبر صلی الله علیه و آله باز گردد؛ یعنی: هر مسلمان سست‌ایمانی که تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۶۶ اطمینان دارد خدا پیامبرش را یاری نمی‌کند، طنابی به آسمان آویزد و از آن بالا رود، سپس آن را قطع کند تا خشمش فرو نشیند. ب) دوم آن که مخاطب آیه مشرکان باشند و ضمیر به خود

آنان باز گردد؛ یعنی: هر مشرکی که اطمینان دارد خدا او را یاری نمی‌کند، خود را به دار آویزد تا خشمش فرو نشیند. ۲. «سماء» به معنای جهت بالا و آسمان می‌آید. «۱» در این جا می‌تواند به معنای جهت بالا، مثل سقف خانه و مانند آن باشد که در این صورت مقصود آن است که هر کس به خاطر عدم یاری الهی خشمناک است، طنابی به سقف آویزان کند و خود را به دار آویزد. البته ممکن است واژه‌ی «سماء» به معنای آسمان نیز باشد؛ یعنی هر کس از عدم یاری الهی خشمناک است، هر کاری می‌تواند بکند، به آسمان بالا رود و با ریسمانی خود را آویزان کند یا ریسمان را قطع کند تا خشم فرو نشیند. «۲» ۳. این آیه به حالات روانی افراد کم‌صبر و حوصله اشاره می‌کند که وقتی کارشان به بن‌بست می‌رسد، تصمیم‌های جنون‌آمیز می‌گیرند و برای فرو نشاندن خشم خود، تصمیم به انتحار می‌گیرند، در حالی که اگر کمی صبر و استقامت کنند، کارها آسان و مشکلات برطرف می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افراد کم حوصله و مخالفان اسلام هر کاری بکنند تا خشم آنان فرو نشیند، بیهوده است. ۲. در حالت خشم کارهای بیهوده نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۶۷ قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی حج به آیات روشن الهی و هدایت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. وَكَذلِكَ أَنزَلْنهُ ءَايتٍ بَيِّنتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِى مَن يُرِيدُ و این‌گونه آن [قرآن را، در حالی که آیات روشن است، فرو فرستادیم؛ و خدا هر کس را بخواهد راه‌نمایی می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن شامل نشانه‌ها و دلایل روشن است. این کتاب دلایلی برای معاد و نفی شرک و نشانه‌هایی از قدرت خدا در مراحل خلقت انسان و رویش گیاهان بیان کرده است. ۲. خدا هر کس را بخواهد هدایت می‌کند، اما از آن جا که خدا حکیم است، اراده‌ی او بدون حساب نیست، بلکه هر کس را شایسته ببیند راه‌نمایی می‌کند؛ یعنی کسانی که با تلاش خود، زمینه‌های رشد و هدایت الهی را فراهم سازند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتاب دلایل و نشانه‌های روشن الهی است (که زمینه‌ساز هدایت ماست). ۲. هدایت به دست خداست (پس از او راه‌نمایی بجویید). *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۶۸ قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی حج به گروه‌ها و ادیان متفرق جهان و سرنوشت آنان در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَالَّذِينَ هَادُوا وَ الصبِئِينَ وَالنَّصرَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذينَ أَشْرَكُواْ إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ در حقیقت کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به (آیین) یهود گرویدند، و صابئان (پیرو یحیای پیامبر) و مسیحیان و زردشتیان و کسانی که شرک ورزیدند، مسلماً خدا روز رستاخیز، در میان آنان (داوری کرده و) جدایی می‌اندازد؛ [چرا] که خدا بر هر چیز گواه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از شش گروه یاد شده است: الف) مؤمنان که به پیامبر اسلام و قرآن ایمان آوردند. ب) یهودیان که ایمان نیاوردند و لجاجت کردند. ج) صابئان (یعنی پیروان حضرت یحیی علیه السلام) که ایمان نیاوردند. د) مسیحیان که منحرف شدند و به تثلیث روی آوردند. ه) گروه مجوس یا زردشتیان که ایمان نیاوردند. و) مشرکان که به پیامبر و قرآن ایمان ندارند. که فقط گروه اول مؤمن هستند و منحرف نشده‌اند ولی بقیه‌ی گروه‌ها منحرف شده‌اند. کم‌ترین انحراف از توحید در یهودیان و بیش‌ترین انحراف در مشرکان است که به نظر می‌رسد در این آیه این گروه‌ها بر اساس انحراف از توحید مرتب شده‌اند. «۱» ۲. در این آیه اشاره شده که خدا در رستاخیز این شش گروه را از هم‌دیگر جدا می‌سازد؛ آری رستاخیز «یوم الفَصل» یعنی روز جدایی است؛ جدایی تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۶۹ حق از باطل و جدایی گروه‌ها از هم‌دیگر، روزی که اسرار آشکار می‌شود و همه‌ی اختلافات پایان می‌پذیرد و وحدت حکم‌فرما می‌شود. ۳. «مَجُوس» در اصل از ماده‌ی «مُغ» یا «مُؤبَد» گرفته شده که به روحانیون زردشتی گفته می‌شود. مجوس در عصر ما به پیروان زردشت گفته می‌شود. قرآن کریم مجوس را در ردیف ادیان آسمانی یهود و مسیحیت برشمرده است. از این مطلب استفاده کرده‌اند که آنان دارای دین، کتاب و پیامبر بوده‌اند. تاریخ زردشت مبهم است و ظهور او را در قرن ششم یا هفتم یا یازدهم قبل از میلاد دانسته‌اند. او کتابی به نام «اوستا» داشته که در حمله‌ی اسکندر به ایران از بین رفت و در زمان پادشاه ساسانی بازنویسی شد. زردشتیان به دو مبدء اساسی خیر و شرّ، یعنی اهریمن و اهورا مزدا معتقدند و به آتش احترام زیادی می‌گذارند تا آن جا که آنها را «آتش‌پرست» نامیده‌اند. «۱» در احادیث اسلامی نیز حکایت شده که مجوس دارای پیامبر و

کتاب بوده‌اند که کتاب آنها سوخته شد و لازم است که با آنان هم‌چون اهل کتاب برخورد شود. «۲» ۴. «صابئان» گروهی از پیروان «یحیی» علیه السلام بوده‌اند که برخی عقاید یهود و برخی عقاید مسیحیان را دارند و برای آب جاری اهمیت قایل هستند؛ از این رو معمولًا در کنار نهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و برای برخی ستارگان اهمیت و احترام قایل هستند؛ از این رو به «ستاره‌پرستی» متهم شده‌اند و بر اساس ظاهر آیه‌ی فوق جزء مشرکان به شمار نمی‌آیند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اختلافات ادیان و آیین‌ها در رستاخیز پایان می‌گیرد. ۲. شما تحت نظر خدا هستید (پس بنگرید که جزء گروه حق هستید یا باطل). *** قرآن کریم در آیه‌ی هیجدهم سوره‌ی حج به کرنش عمومی موجودات و ناسپاسی برخی از مردم و کیفر آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّموتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَبُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ آیا اطلاع نیافتی که خدا، برایش (تمام) کسانی که در آسمان‌ها و کسانی که در زمینند و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم، سجده می‌کنند؟! و [لی بسیاری (از مردم) عذاب بر آنان ثابت گردیده است. و هر کس را خدا خوار کند، پس هیچ (کس) گرامیش ندارد؛ [چرا] که خدا آنچه را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «سجده» و کرنش موجودات به دو گونه‌ی تکوینی و تشریعی است؛ گاهی سجده‌ی موجودات به صورت تسلیم بدون قید و شرط در برابر اراده‌ی حق و قوانین آفرینش است که این همان سجده‌ی تکوینی است که بدین معنا تمام موجودات جهان به صورت تکوینی در برابر حق کرنش می‌کنند و گاهی سجده به معنای نهایت خضوع و بر خاک افتادن به صورتی مخصوص است که این معنا مخصوص افراد صاحب عقل و معرفت است. در این آیه هم به سجده‌ی تکوینی همه‌ی موجودات اشاره شده و هم به تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۱ سجده‌ی تشریعی انسان‌ها که گروهی از انسان‌ها از آن سرباز می‌زنند. «۱» ۲. در این آیه نخست به سجده‌ی تکوینی همه‌ی انسان‌ها و فرشتگان و موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین هستند اشاره شده است، سپس در مورد سجده‌ی تشریعی انسان‌ها توضیح داده که گروه زیادی از مردم حق شناس هستند و در برابر خدا کرنش می‌کنند، ولی گروهی ناسپاس و سرکش هستند و در برابر حق سجده نمی‌کنند. ۳. مقصود از نگاه کردن به سجده‌ی موجودات برای خدا، اطلاع یافتن از این مطلب است. همان طور که می‌گوییم: آیا نمی‌بینی فلان شخص حسود یا عادل است؛ در حالی که حسادت و عدالت دیدنی نیست. «۲» ۴. خدا هر کاری بخواهد انجام می‌دهد و برخی افراد را خوار می‌سازد. آری: چون اشک بیندازیش از دیده‌ی مردم آن را که دمی از نظر خویش برانی (حافظ) البته روشن است که کارهای خدا بی حساب و ظالمانه نیست، بلکه بر اساس حکمت است؛ یعنی هر کس ناسپاسی کند و با اعمالش مستحق عذاب شود، خدا او را خوار می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی موجودات جهان در برابر حق کرنش می‌کنند (شما هم با آنان همراه شوید). ۲. هر کس ناسپاسی کند و از سجده در برابر حق سرباز زند، مستحق تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۲ عذاب الهی می‌شود و خوار می‌گردد. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم تا بیست و دوم سوره‌ی حج به درگیری مؤمنان و کافران و عذاب‌های متنوع آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹- ۲۲. هذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُواْ فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُواْ قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ* يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ* وَلَهُم مَّقمِعُ مِنْ حَدِيدٍ* كُلَّمَآ أَرَادُواْ أَن يَخْرُجُواْ مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُواْ فِيهَا وَذُوقُواْ عَذَابَ الْحَرِيقِ این دو (گروه) دشمنان یکدیگرند که درباره‌ی پروردگارشان کشمکش می‌کنند؛ پس کسانی که کفر ورزیدند، لباس‌هایی از آتش برای آنان بریده شده است، در حالی که از بالای سرشان آب سوزان ریخته می‌شود؛* آنچه در شکم‌های آنان است و پوست‌ها، بدان گداخته می‌شود؛* و برای آنان گرزهای آهنین است.* هرگاه بخواهند از (شدّت) اندوه، از آن (دوزخ) خارج شوند، در آن بازگردانده شوند؛ و (به آنان گفته می‌شود:) عذاب سوزان را بچشید! شأن نزول: روایت شده که در روز جنگ بدر سه نفر از مسلمانان (یعنی امام علی علیه السلام، حمزه و عُبیده) با سه نفر از کافران قریش (یعنی وَلید، عُتبه و شَیبه) درگیر شدند و آنان را از پای درآوردند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و سرنوشت این دو

گروه متخاصم را بیان کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند حکایت شده این آیات در مورد مبارزان جنگ بدر و عذاب‌های کافران قریش فرود آمده است، اما شأن نزول آیه سبب انحصار مطلب در این افراد نمی‌شود. این آیه شامل همه‌ی مؤمنان و گروه‌های مختلف کافران می‌شود (کافرانی که به پنج گروه آنان در آیات قبل اشاره شد). یعنی در طول تاریخ بشریت درگیری حق و باطل و مخاصمه‌ی مؤمنان و کافران در مورد توحید ادامه داشت، ولی فرجام کافران عذاب دوزخ است. ۲. در این آیات اشاره شده که ریشه‌ی درگیری‌های مؤمنان و کافران، مسئله‌ی پروردگار و توحید است؛ یعنی اگر همه‌ی اختلافات ادیان تحلیل و بررسی شود، به اختلاف در توحید و ربوبیّت بازمی‌گردد و تمامی ادیان تحریف‌شده گرفتار شرک هستند. ۳. در این آیات برای کافران چند نوع عذاب پیش بینی شده است: الف) لباس‌های آتشین دارند؛ ب) آبی سوزان بر سر آنان ریخته می‌شود؛ ج) تازیانه‌ها یا گرزهای آهنین برای آنان آماده است. ۴. مقصود از لباس‌های آتشین آن است که واقعاً قطعاتی از آتش به صورت لباس برای آنان آماده می‌شود؛ و یا این تعبیر کنایه از آن است که آتش دوزخ از هر سو همچون لباس آنان را احاطه کرده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب‌های متنوعی در انتظار کافران است (پس تا زود است از خواب غفلت بیدار شوند). ۲. مبارزات مؤمنان و کافران را بنگرید و از سرنوشت عذاب‌آلود کافران پند بگیرید. ۳. دوزخ، همچون زندان غمناکی است که راه فراری از آن وجود ندارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۴ قرآن کریم در آیات بیست و سوم و بیست و چهارم سوره‌ی حج به سرنوشت مؤمنان شایسته کردار و نعمت‌های بهشتی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳ و ۲۴. إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصلِحتِ جَنتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهرُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ* وَهُدُواْ إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُواْ إِلَى صِرطِ الْحَمِيدِ در حقیقت خدا کسانی را که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که نهرها از زیر [درختان] ش روان است؛ در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند؛ و لباس‌هایشان در آن جا حریر است.* و به سوی گفتار پاک راه‌نمایی شوند؛ و به راه (خدای) ستوده رهنمون گردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. چنان که بارها گفته شد یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه است. در این آیات نیز از این روش استفاده شده؛ یعنی پس از بیان حالات کافران در رستاخیز به بیان حالات مؤمنان پرداخته شده است تا خواننده و شنونده‌ی آیات، بتواند با مقایسه‌ی این دو گروه راه صحیح را انتخاب کند. ۲. در بهشت زیباترین لباس‌ها و جواهرات وجود دارد. همان زینت‌هایی که مایه‌ی غرور و غفلت کافران و مستکبران می‌شد و مؤمنان در دنیا از آنها محروم بودند. البته حقایق این امور در جهان آخرت چیزی برتر از مفاهیم مادی ماست و قابل مقایسه با زینت‌های این جهان نیست، ولی این مفاهیم برتر با همین الفاظ معمولی بشری بیان می‌شود تا بتوانیم تا حدودی حقایق اخروی را درک کنیم. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۵ ۳. مؤمنان در بهشت، به طرف سخنانی روح‌پرور و الفاظ نشاط‌آفرین و پر از صفا و معنویت هدایت می‌شوند؛ سخنانی توحیدی که روح را نوازش و پرورش می‌دهد و به طرف کمال سیر می‌دهد. ۴. «حمید» به معنای چیزی است که در خور ستایش باشد و مقصود در این جا یا خداست، یعنی مؤمنان به طریق خشنودی خدا راه‌نمایی می‌شوند و یا «راه ستوده» است، یعنی مؤمنان به راهی هدایت می‌شوند که از هر نظر شایسته‌ی ستایش است. «۱» ۵. در احادیث اهل بیت علیهم السلام بیان شده که مقصود از «راه ستوده» امام علی علیه السلام و ولایت است. «۲» البته این‌گونه احادیث مصداق کامل راه ستوده را بیان می‌کند، ولی معنای آیه منحصر در این مصداق نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پاداش‌های متنوعی در انتظار مؤمنان شایسته کردار است. ۲. در بهشت، نعمت‌های مادی و معنوی وجود دارند. ۳. هدایت و کمال در بهشت هم ادامه دارد. ۴. سخن نیکو (و پاک بگویید که این) شیوه‌ی بهشتی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۶ سخن و اقسام و ضوابط آن الف) سخن نیکو: ۱. «سخن نیکو، سخن بهشتیان است.» (حج، ۲۴). ۲. «سخن نیکو، به سوی خدا بالا می‌رود.» (فاطر، ۱۰). ۳. «با مردم به نیکی سخن بگویید.» (بقره، ۸۳). ۴. از امام باقر علیه السلام در مورد آیه‌ی ۸۳ بقره روایت شده که فرمود: «به مردم چیزی بگویید که دوست دارید در مورد شما بگویند.» «۱» ۵. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان را از (عذاب) خدا حفظ کنید و

سخن استوار بگویید.» (احزاب، ۷۰). ۶. «به بندگان من بگو: به بهترین (شیوه) سخن بگویید.» (اسراء، ۵۳). ب) کلام نامناسب و پیامدهای آن: ۱. «هنگامی که سخن بیهوده شنیدند از آن روی بر می‌تابند.» (قصص، ۵۵). ۲. «هر کس الفاظ بد به کار برد، سرزنش او زیاد می‌شود.» (علی علیه السلام). «۲» ۳. «سخن بد موجب تنفّر افراد با کرامت می‌شود و بهره‌ی فرد را اندک می‌کند و برادری و دوستی را از بین می‌برد.» (علی علیه السلام). «۳» ج) چه چیزی را بگوییم: ۴. «هر چه را نمی‌دانی نگو، بلکه فقط چیزهایی را که می‌دانی مگو.» (علی علیه السلام) «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۷ ۵. «هر چه را می‌شنوی حکایت نکن.» (علی علیه السلام). «۱» د) زیاده‌گویی: ۱. «کسانی از مردم در رستاخیز بیش‌تر گناه دارند که سخنان بیهوده زیادتر می‌گویند.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ۲. «از سخنان زیاده بپرهیز، که عیب‌های مخفی تو را آشکار و دشمنان ساکت تو را علیه تو تحریک می‌کند.» (علی علیه السلام). «۳» ۳. «از زیاده‌گویی بپرهیز که موجب لغزش‌های زیاد می‌شود و سرزنش را به دنبال دارد.» (علی علیه السلام). «۴» ۴. «سخن زیاد نگویید مگر در مورد ذکر خدا، که زیاده‌گویی موجب قساوت قلب می‌شود؛ و دورترین افراد از خدا کسانی هستند که سخت دل‌اند.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) «۵». ۵. «سخن مثل داروست، اندک آن مفید و زیاد آن کشنده است.» «۶» ه) بهترین کلام: ۱. «بهترین سخن، سخن خداست.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۷» ۲. «بهترین سخن آن است که با حسن نظام سامان داده شده باشد و عام و خاص آن را بفهمند.» (امام علی علیه السلام). «۸» ۳. «بهترین سخن آن است که ملال‌آور نباشد و کم‌گویی نشود.» (امام علی علیه السلام). «۹» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۸ و) سکوت بهتر است یا سخن: ۱. «سکوت طلاست و سخن نقره است.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ۲. «خیری در سکوت درباره‌ی قانون نیست، همان طور که خیری در سخن جاهلانه نیست.» (علی علیه السلام). «۲» ۳. «هر سکوتی که در آن فکر نباشد، غفلت است.» (علی علیه السلام). «۳» ۴. «برای دانشمندان سزاوار نیست که بر علم خود ساکت باشند و برای نادانان سزاوار نیست که بر جهل خود ساکت باشند (بلکه پرسش کنند).» (علی علیه السلام). «۴» ۵. «سکوتی که موجب وقار و سنگینی تو شود از سخنی که جامه‌ی عار بر تو بپوشاند بهتر است.» (علی علیه السلام). «۵» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۷۹

مراسم حج

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی حج به عظمت مسجد الحرام و کیفر ستمکاری در آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِى جَعَلْنَهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً الْعَكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ در واقع کسانی که کفر ورزیدند، و (مردم را) از راه خدا و مسجد الحرام بازداشتند (مستحق عذابی دردناکند؛ همان مسجد الحرامی) که آن را برای مردم قرار دادیم، در حالی که ملازم در آن جا و (مسافران) بیابانی یکسانند؛ و هر کس در این (سرزمین) انحرافی به همراه ستمکاری بخواهد، از عذابی دردناک به او می‌چشانیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به سه جنایت کافران و مشرکان مکه نسبت به مسجد الحرام و مکه اشاره شده است: الف) آنان از راه خدا و ایمان و اطاعت او جلوگیری می‌کنند. ب) آنان برای خود امتیازی قایل می‌شوند و از زیارت کنندگان مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند. ج) در این سرزمین مقدس دست به ستم و الحاد می‌زنند. ۲. مقصود از تعبیر «مانع شدن از راه خدا» هر گونه تلاش برای جلوگیری از ایمان واطاعت و اعمال صالح مردم است. این تعبیر تمام برنامه‌های تبلیغاتی و عملی برای انحراف اعتقادی و عملی مردم را شامل می‌شود. ۳. در این آیه بیان شده که همه‌ی مردم در مسجد الحرام (یا سرزمین مکه) یکسان هستند؛ یعنی همه در انجام مراسم عبادی اسلامی آزادند و هیچ کس حق ندارد مزاحم عبادت و حج دیگران شود. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۸۰ حتی برخی از مفسران از این آیه استفاده کرده‌اند که همه‌ی مردم در استفاده از زمین و خانه‌های مکه، یکسان هستند و در احادیث اسلامی نیز تأکید شده که نباید از سکونت مسافران در خانه‌های مکه جلوگیری کرد. «۱» ۴. مقصود از «مسجد الحرام» در این آیه خانه‌ی کعبه و کل مسجد الحرام

است که در اطراف آن واقع شده است. البته برخی از مفسران بر آن‌اند که واژه‌ی «مسجد الحرام» در این جا اشاره به کل مکه است، ولی دلیل محکمی بر این مطلب نداریم. «۲» ۵. «الحاد» در اصل به معنای انحراف از اعتـدال است و مقصود این است که کسانی که با توسّل به ستم، از حدّ اعتدال خارج می‌شوند و در آن سرزمین مرتکب خلاف می‌شوند، گناه بزرگی انجام داده‌اند که کیفر انجام آن در مکه از جاهـای دیگر شدیـدتر است. «۳» ۶. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السـلام آمـده است که کشـتن و زدن کبوتران مسـجد الحرام و حتی تکبّر ورزیدن یا زدن افراد و هر گونه ستمی، به منزله‌ی الحاد در آن سرزمین است. «۴» ۷. مقصود از «ظلم» در این آیه «شـرک» یا حلال شـمردن «محرّمات الهی» است. ولی به نظر می‌رسد که واژه‌ی ظلم معنای وسیعی دارد که هر گونه گناهی را شامل می‌شود که شـرک یکی از مصادیق آن است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۸۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مانع راه خدا و مسـجد الحرام نشوید که کیفر شدیدی دارد. ۲. مسـجد الحرام (یـا مکه) مکان مقدسـی است که برای عبادت همه‌ی مردم قرار داده شده است. ۳. انحراف و سـتم در سـرزمین مکه، کیفر شدیدتری دارد (پس در آن جا بیش‌تر مراقب اعمال خود باشـید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و شـشم سوره‌ی حـج به آمـاده کردن و پاک‌سازی کعبه توسط ابراهیم اشاره کرده، می‌فرمایـد: ۲۶. وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرٰهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّاتُشْرِكْ بِى شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِينَ وَالْقَآئِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ و (یاد کن) هنگامی را که مکان خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم، (و به او گفتیم:) که هیـچ چیز را شـریک من قرار مده؛ و خانه‌ی مرا برای طواف کنندگان و (به نماز) ایسـتادگان و رکوع کننـدگان سـجده‌گر پاک و پاکیزه کن. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بر اساس حکایات مفسـران، خانه‌ی کعبه در زمان آدم علیه السـلام ساخته شـد، ولی در سـیلاب نوح ویران گشت و آثارش محو شد، اما به فرمان الهی (و به وسـیله‌ی باد یا مانند آن) خاک‌ها کنار رفت و پایه‌های کعبه برای ابراهیم علیه السلام آشکار شد. هنگامی که محل اصلی خانه آماده شد، ابراهیم با همکاری فرزندش اسماعیل علیه السلام آن را بازسازی کرد. «۱» ۲. طبق دستور الهی، ابراهیم علیه السلام مأمور شد که خانه‌ی کعبه و اطراف آن تفسـیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۸۲ را از هر گونه آلودگی ظاهری و معنوی و شـرک پاک‌سازی کنـد، تا بنـدگان خدا در این مکان پاک متوجه خدا باشـند و به عبادت و نماز بپردازند. ۳. در این آیه به سه رکن نماز، یعنی قیام، رکوع و سـجود اشاره شده است؛ چرا که بقیه‌ی اجزای نماز در پرتو این سه رکن اساسـی قرار می‌گیرنـد. «۱» ۴. در حدیثی از امام صادق علیه السـلام حکایت شده که با اشاره به آیه‌ی فوق فرمودند: برای بندگان (خدا) سـزاوار است که داخل مکه نشوند، مگر این که پاک شوند و عرق بدن خود را شست و شو دهند. «۲» ۵. از اهل‌بیت علیهم السلام حکایت شده که هر نمازی که در مسجد الحرام خوانده می‌شود برابر صد هزار نماز در مساجد دیگر ثواب دارد. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کعبه آن‌قـدر مقدس است که خدا خود، مکانش را فراهم ساخت و ابراهیم خلیل را خادم آن قرار داد. ۲. مسجد الحرام را پاکیزه نگاه دارید که این شیوه‌ی ابراهیمی است. ۳. در مسجدالحرام به طواف و نماز بپردازیـد که برای این کارها آماده شـده است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۸۳ قرآن کریـم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی حج به اعلام عمومی حج توسط ابراهیم و اسـتقبال مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. وَأَذِّنْ فِى النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ و حجّ را به مردم اعلام کن، تا به سوی تو آینـد؛ در حالی که پیاده و (سوار) بر هر مرکب لاغری هسـتند که از هر درّه ژرف (و راه دور) ی می‌آیند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران حکایت کرده‌اند، هنگامی که به ابراهیم دسـتور داده شـد حـج را به مردم اعلام کنـد، او عرض کرد: خداوندا صدای من به جهانیان نمی‌رسد، ولی خدا فرمود: «تو اعلام کن و ابلاغ آن به عهـده‌ی من است.» «۱» ۲. هنگامی که به ابراهیم علیه السـلام دستور داده شد، حج را به مردم اعلام کند، او بر محل «مَقام» «۲» درمسـجد الحرام رفت و رو به سوی شرق و غرب جهان کرد و صدا زد: «ای مردم حج خانه‌ی کعبه بر شما نوشته شـده، دعوت پروردگارتان را اجابت کنیـد.» و خدا صدای او را به گوش جهانیان و حتی نسل‌های بعدی رساند و مردم همه ساله به ندای او پاسخ مثبت می‌دهند و لبیک‌گویان به طرف مکه می‌روند. «۳» بنابر این، تمام کسانی که به حج می‌روند، در حقیقت دعوت رب جلیل وفراخوان ابراهیم خلیل را لبیک می‌گویند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۸۴ ۳. «حجّ» در اصل به معنای «آهنگ و

قصـد» است، امـا در اصـطلاح به مراسـمی گفته می‌شود که در ماه ذی الحجه در کنار کعبه انجام می‌شود و شامل: احرام، توقف در صحرای عرفات، مشـعر، منی و انجام اعمال قربانی، سـنگ زدن به جایگاه شـیطان، تراشـیدن موی سـر یا تقصیر، سپس طواف کعبه، نماز طواف، سـعی صفا و مروه، طواف نسا و نماز آن است. «۱» ۴. «فجٍّ عمیقٍ» به معنای «فاصـله‌ی میان دو کوه و درّه‌ی ژرف» و در این جـا به معنـای «جاده‌های وسـیع و دور» است؛ یعنی مردم برای انجام حـج راه‌های طولانی و دره‌ها را می‌گذراننـد. ۵. در این آیه نخست حاجیان پیاده را ذکر کرد، سـپس حاجیان سواره را یاد کرد؛ چرا که رنج سـفر برای پیادگان بیش‌تر و فضیلت آنها نیز زیادتر است. در حدیثی از پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس پیاده به حج برود، در هر گام هفتصد حَسَـنه (: نیکی) برای اوست، در حالی که اگر کسـی سواره به حـج برود، هر گام هفتاد حَسَـنه دارد. «۲» ۶. «ضـامر» یعنی حیوان لاغری که به عنوان مرکب از آن اسـتفاده می‌کننـد و به حـج می‌روند. این تعبیر اشاره دارد که راه طولانی حج و بیابان‌های خشک، حیوانات حاجیان را لاغر می‌کند؛ یعنی این راهی مشـکل است و مرکب‌های نیرومند می‌خواهد. تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۲۸۵ ۷. هدف حج لبیـک به دعوت حق و نفی شـرک: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماینـد: لبیک‌های شـما جواب دعوت حق تعالی باشـد و خود را محرم برای وصول به آسـتانه‌ی محضـر حق تعـالی نماییـد و لبیک گویـان برای حق، نفی شـریک به همه‌ی مراتب کنیـد و از «خود» که منشأ بزرگ شـرک است، به سوی «او جلّ و اعلی» هجرت نمایید. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دعوت جلیل و خلیل لبیک گویید و از هر مکانی آهنگ حج کنید. ۲. حجّ مراسمی الهی است که لازم است در مورد آن تبلیغ شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشـتم سوره‌ی حـج به فوایـد و اهـداف حـج و تقسـیم گوشت قربانی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. لِیَشْـهَدُواْ مَنفِعَ لَهُمْ وَیَـذْکُرُواْ اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَّعْلُومتٍ عَلَی مَـا رَزَقَهُم مِّن بَهِیمَـهِٔ الْأَنْعمِ فَکُلُواْ مِنْهَا وَأَطْعِمُواْ الْبَآئِسَ الْفَقِیرَ تا (در حـج) شاهـد سودهایشان باشـند؛ و در روزهـای معیّنی نـام خـدا را (به خـاطر نعمت‌هـا و به هنگام قربانی) بر دام‌های زبان بسته، که به آنان روزی داده است، ببرند؛ پس از (گوشت) آنها بخورید؛ و (نیز) به سختی کشیده‌ی نیازمند بخورانید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بیان شده که حج برای مسـلمانان فوایـد فراوانی دارد که شامـل تمام برکات معنوی، مادی، سیاسـی، اجتماعی و اخلاقی می‌شود. «۲» در احادیث اهل بیـت علیهم السـلام هم به این مطلب اشـاره شـده است که این آیه منـافع دنیـا و آخرت را شامـل می‌شـود. «۳» تفسـیر قرآن مهر جلد سیزدهـم، ص: ۲۸۶ ۲. مراسـم حـج دارای ابعـاد گونـاگونی است: الـف) فوایـد معنـوی، سازنـدگی اخلاـقی و روحی؛ چرا که لحظه لحظه‌ی حج ارتباط با خدا و مراقبت از خویشـتن و تمرین اطاعت از خداست. ب) فواید سیاسـی؛ اجتماع میلیونی مسلمانان از همه‌ی کشورها و با یک لباس و در مراسـمی هماهنگ، عظمت اسلام و مسلمانان را به نمایش می‌گذارد و دشمنان را به هراس می‌اندازد و می‌تواند عامل مؤثری در وحدت مسـلمانان و پیشـرفت اهداف سیاسی اسلام باشد. ج) فواید فرهنگی؛ تمام نژادها کنار هم‌دیگر قرار می‌گیرند و تمام سانسورها در هم شکسـته می‌شوند و اخبار کشورهای اسـلامی به هم‌دیگر منتقل می‌شود و کنگره‌ی عظیم فرهنگی تشـکیل می‌گردد. د) فوایـد اقتصادی؛ مسـلمانان می‌تواننـد بعـد از مراسم حج به تجارت و داد و سـتد بپردازند و حتی بازار مشترک اسلامی را در مکه بنا نهند. در مراسم حج صدها هزار حیوان قربانی وجود دارد که می‌تواند وسیله‌ی تغذیه‌ی مسلمانان فقیر باشد. ۳. در احادیث اسـلامی از امام علی علیه السـلام حکایت شـده که حج تقویت دین (اسـلام) است. «۱» و نیز فرموده‌انـد: حج جهاد افراد ناتوان است. «۲» و نیز «شـناخت آثار پیامبر صـلی الله علیه و آله و اخبار او و تجارت و شـناخت مسـلمانان از هم‌دیگر را» از آثار حج معرفی کرده‌اند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۸۷ و نیز از امام صادق علیه السلام حکایت شده: مادامی که کعبه برپاست، اسلام هم برپاست. «۱» و نیز امام علی علیه السـلام فرمودنـد: خـدا را خـدا را، در مورد خانه‌ی پروردگارتان در نظر بگیرید، و هرگز آن را خالی نگذاریـد، که اگر آن را ترک گوییـد، مهلت داده نمی‌شوید. «۲» ۴. در این آیه به مراسم قربانی حـج اشاره شده است، امـا فقط از نام بردن خـدا به خاطر نعمت‌ها یا در هنگام قربانی نمودن یاد شـده است؛ «۳» چراکه روح این مراسم ارتباط با خـداست. قربـانی کردن حیوانـات در حقیقت رمز اعلام آمادگی حاجیان است، که حاضـرند همه چیز خود را در راه خـدا قربانی کننـد؛ همان

طور که ابراهیم علیه السلام می‌خواست فرزندش اسماعیل را در راه خدا قربانی کند. ۵. در این آیه به مصرف گوشت‌های قربانی توسط حاجیان و نیز دادن آنها به فقرا اشاره شده است. هر چند در برخی احادیث آمده است که بیرون بردن گوشت قربانی از سرزمین مَنی ممنوع است، اما در برخی دیگر از احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که این مطلب مربوط به عصری بوده که مردم به آن گوشت‌ها نیاز داشتند، اما امروز که مردم زیاد شده‌اند مانعی نیست که گوشت‌ها از آن جا خارج شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۸۸ و اکنون با توجه به حجم زیاد گوشت‌های قربانی و نیاز مسلمانان فقیر در کشورهای دیگر، مناسب است که مسلمانان ترتیبی اتخاد کنند که این گوشت‌ها اسراف نشود و با بسته‌بندی‌های مناسب به دست بینوایان برسد. ۶. مقصود از «ایام معلومات» یا روزهای معینی که نام خدا در آنها برده می‌شود، همان ده روز آغازین و یا روزهای یازدهم تا سیزدهم ذی‌الحجه است. هر چند احتمال اول با ظاهر آیه سازگارتر است، در این آیه از قربانی یاد شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با سفر به مکه به اهداف و منافع حج توجه کنید. ۲. حاجیان در ایام حج از یاد خدا غافل نشوند. ۳. از گوشت‌های قربانی خودتان استفاده کنید و به فقیران نیز بدهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۸۹ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم این سوره به برخی دیگر از اعمال حج اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. ثُمَّ لْيَقْضُواْ تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُواْ نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُواْ بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ سپس، باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند؛ و باید به نذرهایشان وفا کنند؛ و باید بر خانه باستانی (کعبه) طواف نمایند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه «تَفَث» به معنای کثافات و زواید بدن، هم‌چون موهای اضافی و ناخن‌هاست که در این جا اشاره به عمل «تقصیر» است که حاجیان پس از انجام اعمال دیگر حج، قسمتی از ناخن یا موی خود را کوتاه می‌کنند یا در برخی موارد موی سر را می‌تراشند و بدین ترتیب اعمال حج آنان پایان می‌گیرد و از احرام به طور کامل خارج می‌شوند. در برخی از احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. «۱» ۲. واژه‌ی «عَتیق» یا به معنای قدیمی و باستانی است و یا به معنای گرامی و با ارزش و یا به معنای آزاد شدن. به خانه‌ی کعبه از آن جهت عتیق می‌گویند که باستانی و با ارزش است و در طول تاریخ از قید ملکیت دیگران و سیطره‌ی جباران آزاد بوده است. ۳. طواف آن است که حاجیان هفت بار به دور کعبه می‌چرخند. در حج دو طواف به نام‌های طواف زیارت و نساء وجود دارد. مقصود از طوافی که در این آیه بدان اشاره شده است، یا طواف مطلق است که شامل طواف زیارت و طواف نساء می‌شود و یا مقصود طواف نِساء است، یعنی آخرین طوافی که در اعمال حج وجود دارد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۰ البته در احادیث اهل بیت علیهم السلام به معنای دوم تفسیر شده است. «۱» ۴. در برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام روایت شده که تکمیل حج به آن است که انسان امام (خویش) را ملاقات کند. «۲» و در برخی احادیث تَفَث را اشاره به ملاقات امام علیه السلام دانسته‌اند. «۳» البته این بیان باطن آیه است؛ یعنی انسان در پایان مراسم حج آلودگی‌های ظاهری بدن را پاک می‌کند سپس به ملاقات امام خویش می‌رود تا از آلودگی‌های اخلاقی و جهل رهایی یابد. «۴» ۵. مقصود از وفای به نذر، در این آیه، یا تمام مناسک حج است «۵» و یا آن است که حاجیان در هنگام انجام مراسم حج به یاد نذرهای خود باشند؛ چراکه برخی از مردم قبل از حج، نذرهای متعددی هم‌چون قربانی اضافی، صدقه یا کار خیر می‌کنند، ولی پس از رسیدن به مقصد فراموش می‌کنند. قرآن تأکید می‌کند که نذرهای خود را فراموش نکنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حاجیان از فرصت حج استفاده کنند و اعمال خویش را تکمیل نمایند و نذرهای خود را فراموش نکنند. ۲. حج، زمان پاک شدن و ادای تکالیف و طواف است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۱ قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی حج مردم را به بزرگ‌داشت برنامه‌های الهی و دوری از شرک و سخنان بیهوده فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۳۰. ذلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ حُرُمتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ عِندَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعمُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُواْ الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثنِ وَاجْتَنِبُواْ قَوْلَ الزُّورِ این (اعمال حج است)؛ و هر کس (برنامه‌های) محترم الهی را بزرگ شمارد، پس آن، نزد پروردگارش برای او بهتر است. و برای شما دام‌ها حلال شده، مگر آنچه (حکمش) بر شما خوانده می‌شود. پس از بت‌های (سنگی) پلید، دوری کنید؛ و از گفتار باطل (نیز) دوری نمایید؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «حُرُمات» به معنای چیزی است که باید احترام

آن حفظ شود و بدان بی‌حرمتی نشود و در این جا اشاره به مناسک و اعمال حج است و ممکن است شامل احترام خانه‌ی کعبه و حَرَم مکه نیز بشود؛ یعنی هر کس احترام اعمال حج و حَرَم الهی را نگه داشت، برای خودش بهتر است (زیرا این امور را نزد پروردگار عرضه می‌کند و خدا به او پاداش نیکو می‌دهد). ۲. در این آیه به یک قانون کلی در مورد حلال بودن گوشت چهار پایان، هم‌چون شتر، گاو و گوسفند، اشاره شده است و فقط یک مورد را استثنا کرده است که منظور از آن مورد حرام، یا ممنوعیت صید بر شخص مُحرِم «۱» یا تحریم گوشت‌هایی است که برای بت‌ها قربانی شده است. ۳. مقصود از «اوثان» سنگ‌هایی است که مشرکان می‌پرستیدند. در این آیه این بت‌ها را پلید خوانده است؛ چراکه این بت‌ها زندگی و افکار انسان را آلوده می‌سازند و به انحراف و خرافات سوق می‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۲ برخی مفسران احتمال داده‌اند که این آیه اشاره به کار پلید مشرکان است که خون قربانی را بر روی بت‌ها می‌ریختند و منظره‌ی زشتی به وجود می‌آوردند. ۴. تعبیر «قول زُور» در اصل به معنای سخن دروغ، باطل و خارج از حد اعتدال است و در این جا ممکن است اشاره به تعبیرات شرک‌آمیز مشرکان در هنگام گفتن «لبیک» باشد «۱» و یا پرهیز از گفتار باطل در هنگام حج باشد. ۵. هر چند این آیه به برخی اعمال مشرکان اشاره می‌کند، اما مفهوم آیه کلی است و مقصود از آن پرهیز از شرک در هر شکل و صورت و نیز اجتناب از گفتار باطل با هر کیفیت است. ۶. در برخی از احادیث «قول زُور» را به «خوانندگی حرام» (یعنی غنا) و «گواهی بر اساس باطل» تفسیر کرده‌اند. البته مقصود این‌گونه احادیث بیان مصداق این آیه است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس در بزرگ‌داشت برنامه‌های الهی (هم‌چون مناسک حج) کوشید و پاس آنها را نگاه داشت، به خودش خدمت کرده است. ۲. اصل حلیّت در مورد گوشت دام‌ها جاری است (مگر مواردی که در دین بیان شده است). ۳. از شرک پلید و سخنان بی اساس دوری کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۳ قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی حج با دو مثال زیبا سقوط مشرکان را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۳۱. حُنَفَآءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ در حالی که حق گرایان برای خدا هستید [و] مشرک به او نیستید؛ و هر کس به خدا شرک ورزد، پس گویی از آسمان فروافتد و پرندگان او را بربایند؛ یا باد او را به مکان دور دستی فرو اندازد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حُنفاء» در اصل به معنای کسی است که از گمراهی و انحراف به استقامت و اعتدال تمایل پیدا می‌کند و در راه مستقیم گام برمی‌دارد. و در این آیه اشاره به قصد قربت و اخلاص در اعمال حج است که روحِ این عبادت بزرگ است؛ یعنی مراسم حج فقط برای خدا انجام شود و هیچ انگیزه‌ی غیر خدایی و شرک‌آمیز در آن نباشد. «۱» ۲. در برخی احادیث نیز آمده است که «حَنیف» به معنای فطرت الهی و شناخت (توحید) است که انسان بر آن اساس آفریده شده است. «۲» این‌گونه احادیث اشاره به ریشه‌ی اصلی اخلاص، یعنی فطرت توحیدی دارد. ۳. در این آیه با دو مثال زیبا و جالب، سقوط مشرکان را به تصویر کشیده است. آری کسی که از آسمان توحید فاصله گرفت و به نور ستارگان هدایت توجه نکرد، سقوط می‌کند و در هنگام سقوط یا گرفتار پرندگان هوا و هوس می‌شود و یا جریان‌های انحرافی هم‌چون طوفانی سهمگین او را به درّه‌های گمراهی می‌افکنند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک عامل سقوط انسان می‌شود و او را طعمه‌ی جریان‌های انحرافی می‌سازد. ۲. اعمال (حج) خویش را خالصانه برای خدا و به دور از شرک انجام دهید. *** قرآن کریم در آیات سی و دوم و سی و سوم سوره‌ی حج به بزرگ‌داشت شعارها و نشانه‌های الهی و منافع آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۲ و ۳۳. ذَلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَآئِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ* لَكُمْ فِيهَا مَنَفِعُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمّىً ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ این (اعمال حج است)؛ و کسانی که نشانه‌های خدا را بزرگ شمارند، پس در واقع این (کار آنان حاکی) از پارسایی (و خود نگه‌داری) دل‌هاست.* برای شما در آن (نشانه‌های خدا و قربانی) تا سرآمدی معین سودهایی است؛ سپس محل (و زمان) آن (قربانی کنار) خانه باستانی (کعبه) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «شَعائِر» در اصل به معنای علامت و نشانه است که شامل برنامه‌های کلی الهی، از جمله مناسک حج می‌شود که انسان را به یاد خدا و عظمت دین او می‌اندازد. در برخی آیات قرآن، شتر قربانی حج و صفا و مروه از شعارهای الهی شمرده‌اند. «۱»

۲. در این آیه بیان شده که بزرگ‌داشت شعارها و نشانه‌های الهی، نشانه‌ی تقوای دل است. البته بزرگ‌داشت این نشانه‌ها آن است که موقعیت این شعارها را در افکار و اذهان عمومی بالا ببرند و آنچه در خور احترام و تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۵ عظمت آنهاست به جای آورند. «۱» ۳. مقصود از تقوای دل، همان پارسایی درونی انسان است؛ یعنی بزرگ‌داشت نشانه‌های الهی، به قصد و نیّت انسان وابسته است. وقتی دل انسان خود نگه‌دار و پارسا شد، بروز عملی پیدا می‌کند و تقوای روح و احساس مسئولیت انسان در برابر فرمان‌های الهی، در جسم و اعمال او تبلور می‌یابد. پس احترام و بزرگ‌داشت شعارهای الهی، نشانه‌ی تقوای درونی است. ۴. مفسران قرآن در مورد آیات چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) نخست آن که مقصود از شعارهای الهی همان حیوانات قربانی حج است که خدا اجازه داده تا فرا رسیدن زمان قربانی از منافع آنها استفاده کنید، سپس در مکه آنها را قربانی نمایید. ب) دوم آن که مقصود از شعارهای الهی، مجموع مناسک حج است که برای شما تا قیامت در آنها منافعی وجود دارد. سپس شخص مُحرِم، پس از انجام اعمال حج و طواف نساء، در کنار خانه‌ی کعبه از احرام بیرون می‌آید. ج) سوم آن که مقصود از شعارهای الهی، مجموع برنامه‌های چشم‌گیر اسلام است که خدا تا پایان جهان در آنها برای شما منافعی قرار داده است. سپس پاداش شما بر آفریننده‌ی خانه‌ی کعبه است. «۲» البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر مقصود آیه باشد. ۵. از برخی احادیث و حکایات تاریخی استفاده می‌شود که گروهی از تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۶ مسلمانان عقیده داشتند که هر گاه حیوانی به عنوان قربانی تعیین شد، نباید بر آن سوار شد و شیر آن را دوشید. اما قرآن کریم این عقیده‌ی غلط را ردّ کرد و فرمود: منافع حیوانات قربانی تا زمان معین (یعنی تا روز قربانی شدن) برای شماست. «۱» ۶. مکان قربانی حج در سرزمین منی است که در چند کیلومتری کعبه قرار دارد، پس مقصود از «خانه‌ی باستانی کعبه» در این آیه، معنای وسیع کلمه است که کعبه، مکه و اطراف آن را شامل می‌شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بزرگ‌داشت شعارهای الهی نشانه‌ی پارسایی درونی است (پس بی‌احترامی به برنامه‌های الهی نشانه‌ی بی‌تقوایی است). ۲. برنامه‌های الهی (از جمله قربانی حج) را بشناسید و عمل کنید که برای شما فوایدی دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی حج به مراسم قربانی در ملت‌های دیگر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴. وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُواْ اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعمِ فَإِلهُكُمْ إِلهٌ وحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُواْ وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ و برای هر امّتی مراسم عبادی قربانی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر دام‌های زبان بسته که به آنان روزی داده، ببرند، و معبود شما معبودی یگانه است؛ پس فقط تسلیم (فرمان) او شوید، و فروتنان را مژده ده. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین در مورد مراسم قربانی در حج مطالبی بیان شد و در این آیه یادآور می‌شود که مراسم قربانی مخصوص مسلمانان نیست، بلکه خدا در هر ملت و دینی این مراسم را قرار داده است؛ همان طور که هنوز شاهد مراسم قربانی در ملت یهود و دیگران هستیم (هر چند این مراسم در برخی ادیان و مذاهب با خرافات آمیخته شده است، ولی اصل آن یک مراسم عبادی الهی است). ۲. قربانی کردن فقط کشتن یک حیوان نیست، بلکه سمبل آمادگی انسان برای فداکاری در راه خداست و این مراسم عبادی همراه با غذا رساندن به بینوایان است، پس قربانی یک کار منطقی، عبادی و سمبلیک است. ۳. «مَنسَک» در اصل به معنای عبادت است و مناسک حج به معنای اعمال حج یا مکان‌هایی است که این اعمال در آن جا انجام می‌شود ولی با توجه به ذیل آیه در این جا مقصود قربانی و قربانگاه است. «۱» ۴. در این آیه به توحید و لزوم تسلیم در برابر خدا و فروتنی «۲» اشاره شده است. این سه تعبیر با هم‌دیگر ارتباط دارد؛ چرا که فقط یک خدا هست، از این رو نباید در برابر دیگران سر تسلیم فرود آوریم و لازمه‌ی تسلیم در برابر خدا، فروتنی و تواضع است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراسم قربانی مخصوص مسلمانان نیست، بلکه برنامه‌ای الهی و عمومی است. ۲. تنها در برابر خدای واحد تسلیم شوید، که فروتنان در برابر او مژدگانی دارند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۸ قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی حج به صفات فروتنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵. الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصبِرِينَ عَلَى مَآ أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِى الصَّلَوةِ وَمِمَّا رَزَقْنهُمْ يُنفِقُونَ (همان) کسانی که هر گاه خدا یاد شود، دل‌هایشان (از عظمت خدا و کیفر او)

بهراسد؛ و کسانی که در برابر آنچه (از مصیبت‌ها) به آنان می‌رسد، شکیبایند؛ و کسانی که برپا دارنده نمازند؛ و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم (در راه خدا) مصرف می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه چهار صفت و ویژگی متواضعان و فروتنان بیان شده است، که دو مورد از آنها جنبه‌ی معنوی و روحی دارد و دو مورد جنبه‌ی جسمانی. این صفات عبارت‌اند از: خدا ترس بودن در هنگام یاد خدا، شکیبا بودن در مشکلات، بر پایی نماز و انفاق. ۲. فروتنان در هنگام یاد خدا می‌ترسند، البته ترس آنها از جهت خشم خدا یا شک در رحمت او نیست، بلکه به خاطر مسئولیت‌هایی است که به دوش دارند و می‌ترسند که در انجام آن کوتاهی کرده باشند و یا به خاطر درک عظمت و مقام خداست. «۱» ۳. فروتنان از طرفی با خدا ارتباط دارند و در نماز با او راز و نیاز می‌گویند و از او نیرو می‌گیرند. و از طرف دیگر با خلق خدا در ارتباط‌اند و به آنان کمک می‌کنند؛ یعنی فروتنی و تسلیم و تواضع آنان در کردارشان ظاهر می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۲۹۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید در هنگام یاد خدا، بترسید و در برابر مشکلات شکیبا گردید و اهل نماز و انفاق شوید، فروتن گردید. ۲. نشانه‌ی فروتنان، برپایی نماز، انفاق، شکیبایی و خداترسی است. ۳. شما چیزی از خود ندارید، بلکه از آنچه خدا به شما داده، انفاق می‌کنید (پس بُخل نورزید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی حج به قربانی به عنوان یکی از نشانه‌های خدا در حج اشاره می‌کند و دستوراتی درباره‌ی آن می‌دهد و می‌فرماید: ۳۶. وَالْبُدْنَ جَعَلْنَهَا لَكُم مِّن شَعَٓئِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُواْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَآفَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُواْ مِنْهَا وَأَطْعِمُواْ الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذٰلِكَ سَخَّرْنٰهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ و برای شما آن شترهای فربه (قربانی) را از نشانه‌های خدا قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر (و برکت) است. پس در حالی که (برای قربانی) در صف ایستاده‌اند، نام خدا را بر آنها ببرید؛ و هنگامی که پهلوهایشان (بر زمین) افتاد (و جان دادند)، پس از (گوشت) آنها بخورید، و به (نیازمندان) قانع و (فقیران) درخواست کننده بخورانید. این‌گونه آنها را برای شما رام ساختیم، تا شاید شما سپاس‌گزاری کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. شتر قربانی از طرفی متعلق به مردم است و گوشت آن را به مصرف بینوایان می‌رسانند و از طرف دیگر از شعایر الهی و نشانه‌های خداست، چراکه قربانی حج انسان را به یاد خدا می‌اندازد. پس قربانی برای حاجیان خیر و نیک است چون هم فراهم آمدن غذاست و هم عبادت. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۰۰ ۲. «بُدْن» به معنای شتر بزرگ و فربه است. از آن جا که این چنین حیوانی برای مراسم قربانی و غذای بینوایان مناسب‌تر است، بر آن تأکید شده است و گرنه چاق بودن قربانی از شرایط الزامی قربانی حج نیست بلکه همین اندازه که لاغر نباشد کافی است. ۳. در این آیه بیان شده که حیوانات در هنگام قربانی در صف قرار می‌گیرند؛ یعنی دستان شتر قربانی را می‌بندند تا هنگام نحر (و کشتن او) زیاد تکان نخورد و فرار ننماید. البته این آیه در مقام بیان صورت کامل قربانی کردن است و گرنه، در اصل، کشتن حیوان قربانی کیفیت خاصی ندارد، بلکه باید ذبح شرعی شود و نام خدا در هنگام کشتن او برده شود. «۱» ۴. «قانِع» به معنای فقیری است که اگر چیزی به او بدهند قناعت می‌کند و «مُعتَر» به معنای فقیری است که از انسان تقاضا می‌کند و چه بسا اعتراض می‌کند و راضی نمی‌شود. «۲» این تعبیرات اشاره دارد که به همه‌ی فقیران از گوشت قربانی بدهید. ۵. در این آیه دستور داده شده که حاجیان چیزی از گوشت قربانی را خود بخورند که برخی از فقیهان و مفسران این کار را واجب شمرده‌اند. «۳» ۶. در این آیه به رام شدن شتران در برابر انسان به عنوان نعمتی یاد شده که قابل سپاس‌گزاری است. آری؛ شتر با آن جثه‌ی عظیم در برابر کودکی رام و تسلیم است و به انسان اجازه می‌دهد که پای او را ببندد و او را بکشد. این تسلیم و رام شدن شتر نعمتی الهی و شایسته‌ی سپاس‌گزاری است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۰۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حاجیان برای قربانی، حیوانات فربه را انتخاب کنند تا برایشان سود بیش‌تر مادی و معنوی داشته باشد. ۲. حیوان قربانی یکی از نشانه‌های خداست و رام شدن او، نعمتی الهی است که شایسته‌ی سپاس‌گزاری است. ۳. حاجیان از گوشت قربانی بخورند و به گروه‌های مختلف فقیران نیز بخورانند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی حج به هدف قربانی کردن حیوانات و نعمت رام بودن آنها و سپاس هدایت الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷. لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلٰكِن يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنكُمْ كَذٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُواْ اللَّهَ عَلَى مَا هَدَىٰكُمْ

وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ گوشت‌های آن (قربانی) ها و خون‌های آنها به خدا نمی‌رسد. و لیکن پارسایی (و خود نگه‌داری) شما به او می‌رسد؛ این گونه آنها را برای شما رام ساخت، تا خدا را به پاس این که شما را راه‌نمایی کرده بزرگ شمارید؛ و نیکوکاران را مژده ده. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به این پرسش اساسی پاسخ داده است که: «قربانی کردن حیوانات برای چیست؟ آیا این کار برای خدا سودی دارد و گوشت و خون آنها به خدا می‌رسد؟.» قرآن بدین پرسش پاسخ داده و می‌فرماید: فلسفه و هدف قربانی، باتقوا شدن شماست، و گرنه خدا نیازی به گوشت و خون قربانی ندارد؛ چراکه او بی‌نیاز و کامل است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۰۲ به عبارت دیگر، هدف قربانی کردن آن است که شما با این عمل عبادی، مدارج کمال را بپیمایید و به خدا نزدیک‌تر شوید و درس ایثار و آمادگی برای فداکاری و شهادت و نیز درس یاری رساندن به فقیران را بیاموزید. ۲. خون حیوانات قربانی به خدا نمی‌رسد. اعراب جاهلی هرگاه حیوانی را قربانی می‌کردند، خون آن را بر سر بت‌ها و یا در و دیوار کعبه می‌پاشیدند و برخی از مسلمانان نیز بی‌میل نبودند که از این برنامه‌ی خرافی پیروی کنند. آیه‌ی فوق فرود آمد و آنان را از این کار بازداشت. «۱» ۳. خدا حیوانات نیرومند را رام شما ساخت تا با عظمت خدا آشنا شوید و با تکبیر سپاس او گویید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیمودن مدارج تقوا، هدف و فلسفه‌ی قربانی کردن است (پس در این راه کوشش کنید). ۲. از نعمت‌های خدا (هم‌چون رام بودن حیوانات) به عظمت پروردگار پی‌ببرید و تکبیر او گویید. ۳. نیکوکاران در نزد خدا مژدگانی دارند. ***

امداد الهی و جهاد

قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی حج به حمایت الهی از مؤمنان و طرد خیانتکاران ناسپاس اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. إِنَّ اللَّهَ يُدَفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِنَّ اللَّهَ لَايُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ در حقیقت خدا از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند؛ که خدا هیچ خیانت پیشه بسیار ناسپاس را دوست ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۰۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین مطالبی در مورد اعمال حج بیان شد که بسیاری از خرافات مشرکان را نفی کرد. این آیات ممکن بود خشم مخالفان را برانگیزد و موجب درگیری آنان با مؤمنان شود، از این رو خدا با بیان یک قانون عمومی و کلی، همه‌ی مؤمنان را در طول تاریخ بیمه کرد و بیان نمود که خدا از مؤمنان دفاع می‌کند. ۲. مقصود از دفاع خدا از مؤمنان، همان حمایت الهی در صحنه‌های زندگی دنیا و آخرت است. خدا در دنیا از دوستان خود در برابر دشمنان دفاع می‌کند و در نهایت آنان را پیروز و وارث زمین می‌گرداند و در آخرت نیز آنان را داخل بهشت برین می‌سازد. ۳. خدا خیانتکاران ناسپاس را دوست ندارد و آنان را طرد می‌کند؛ همان کسانی که با شرک خود به پیمان فطری خود خیانت کردند و با یاد نکردن نام خدا در هنگام قربانی، ناسپاسی نمودند. البته این آیه مخصوص مؤمنان و مشرکان صدر اسلام نیست، بلکه یک قانون کلی مربوط به همه‌ی عصرها و در مورد همه‌ی مؤمنان و مشرکان است. ۴. مقصود از محبت نداشتن خدا به افراد خیانتکار و ناسپاس آن است که خدا به آنان لطف و محبت نمی‌کند و آنها توفیق هدایت و نزدیکی به خدا را پیدا نمی‌کنند و از مواهب و الطاف الهی محروم می‌مانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمن باشید تا مورد حمایت الهی قرار گیرید. ۲. اگر خیانتکار و ناسپاس باشید، از الطاف و محبت الهی محروم می‌شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۰۴ قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی حج با اشاره به فلسفه‌ی جهاد، به مظلومان اجازه‌ی جهاد می‌دهد و می‌فرماید: ۳۹. أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُواْ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر این که آنان مورد ستم واقع شده‌اند؛ و قطعاً خدا بر یاری آنان تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هنگامی که مسلمانان در مکه بودند مشرکان به آنان آزار می‌رساندند و آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت می‌کردند و اجازه‌ی جهاد می‌خواستند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: شکیبا باشید. هنوز دستور جهاد به من داده نشده است. این جریان ادامه داشت تا این که مسلمانان به مدینه هجرت کردند و خدا با نزول آیه‌ی فوق به آنان رخصت جهاد داد. «۱» ۲. برخی از مفسران برآن‌اند که این آیه نخستین آیه‌ای است که در

مورد جهاد فرود آمـده است و لحن آیه و تعبیر اذن نیز با این مطلب سازگار است. «۲» ۳. خدا به مؤمنان مظلوم اجازه‌ی جهاد داد تا آنان توان خویش را به کار گیرند و با دشـمن مبارزه کنند و در این صورت است که از طرف خدا یاری می‌شوند؛ چراکه خدا برای یـاری آنان تواناست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از فلسـفه‌های جهاد، دفع ظلم است. ۲. اگر دشـمنان جنگ را بر شما تحمیل کردند، شما نیز با آنان بجنگیـد. *** تفسـیر قرآن مهر جلـد سـیزدهم، ص: ۳۰۵ قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سـوره‌ی حـج به فسـلفه‌ی دیگر جهـاد، یعنی حفـظ عبادتگاه‌ها و قانون یاری یاوران خـدا اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۴۰. الَّذِینَ أُخْرِجُواْ مِن دِیرِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن یَقُولُواْ رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَادَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَومِعُ وَبِیَعٌ وَصَلَوتٌ وَمَسجِدُ یُذْکَرُ فِیهَا اسْمُ اللَّهِ کَثِیرًا وَلَیَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن یَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ (همـان) کسـانی کـه بـه نـاحق از خانه‌هایشـان رانـده شدنـد، (و جرمی نداشـتند) جز ایـن کـه می‌گفتنـد: «پروردگار ما، خداست!» و اگر خدا برخی از مردم را بوسیله برخی [دیگر] دفع نمی‌کرد، دِیْرها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، حتماً ویران می‌شد؛ و قطعاً خدا هر کس را که (دین) او را یاری کند، یاری می‌رساند؛ که مسلماً خـدا نیرومنـدی شـکست‌ناپذیر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ایـن آیه نیز به مسـلمانان مظلـومی اشـاره می‌کنـد که در مکه مـورد آزار مشـرکان قرار می‌گرفتنـد، سـپس از خـانه‌ی خـود بـه نـاحق اخراج شدنـد و تنهـا جرم آنهـا ایـن بـود که «اللَّه» را پروردگـار خـویش می‌دانستند. ۲. تعـبیرات این آیه به صورت لطیفی ناآگـاهی و اعمـال مشـرکان را سـرزنش می‌کنـد؛ یعنی می‌گویـد: مؤمنـان جرم و گناهی نداشتند که بر اساس آن از مکه اخراج شوند و تنها جرمی که شما برای آنان در نظر گرفته بودید، این بود که به توحید اقرار می‌کردند، در حالی که این افتخار آنان بود و جرمی به شمار نمی‌آمد. ۳. اگر مؤمنان غیور در برابر فعالیت‌های ویرانگر طاغوت‌ها و ستمگران ساکت باشـند و تماشا کننـد، تمام مراکز عبادت از بین خواهـد رفت؛ چون معبدها و مساجد سـنگرهای بیداری و قیام علیه خودکامگان است و مسـتکبران نمی‌توانند آنها را تحمل کنند و اگر روزی قدرت یابند همه را با تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۰۶ خاک یکسان می‌کننـد. این یکی از فلسـفه‌های جهاد و اجازه‌ی خدا به مؤمنان برای دفاع از حریم الهی است. ۴. «صَوامِع» جمع صُومعه و آن مکـان عبـادت راهبـان مسـیحی است که در خارج شـهرها ساخته می‌شود و به آن «دِیْر» نیز می‌گوینـد و واژه‌ی «بِیَع» به معنای معبد مسـیحیان است که به آن کلیسا می‌گویند و واژه‌ی «صَلوات» در این جا به معنی معبد یهودیان است. «۱» ۵. در مسجدها نام خدا زیاد برده می‌شود؛ چون در مسـجدهای مسـلمانان در هر شـبانه روز، پنج بار نماز خوانده می‌شود، در حالی که در معبدهای ادیـان دیگر گـاهی هفته‌ای یک بار یا در روزهای مخصوصـی از سال عبادت می‌شود. ۶. در این آیه این قـانون کلی در مورد یاری یاوران الهی بیان شـده است که کسانی که در خط توحیـد قرار می‌گیرنـد و تلاش و مبارزه می‌کننـد، و راه خـدا را یاری می‌نمایند، خـدا نیز آنان را تنها نمی‌گـذارد و به آنها یاری و امـداد می‌رسانـد و بر دشـمنانشان پیروز می‌گردانـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فلسفه‌ی جهـاد، مبارزه با ناحق و دفاع از توحیـدگرایان است. ۲. یکی از فلسـفه‌های جنگ‌ها، حفظ موجودیت مراکز عبادی و اصل پرسـتش خداست. ۳. اگر امـداد الهی را می‌طلبیـد، (راه) خـدا را یـاری رسانیـد. ۴. مساجـدِ آبـاد خوب است که نـام خـدا در آنهـا زیاد برده می‌شود. *** تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۳۰۷ قرآن کریم در آیه‌ی چهـل و یکم سوره‌ی حـج به ویژگی‌های یاوران خـدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱. الَّذِینَ إِن مَّکَّنهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقَامُواْ الصَّلَوةَ وَءَاتَوُاْ الزَّکَوةَ وَأَمَرُواْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْاْ عَنِ الْمُنکَرِ وَلِلَّهِ عقِبَةُ الْأُمُورِ (همـان) کسـانی که اگر در زمین به آنـان امکانـات دهیم، نماز را برپا می‌دارنـد، و [مالیات زکات را می‌پردازنـد، و به [کار] پسـندیده فرمان می‌دهنـد، و از [کار] ناپسـند منع می‌کننـد، و فرجام همه‌ی کارها تنها برای خـداست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل خدا به یاوران خود وعده‌ی نصرت و یاری داد و اینک در این آیه یادآور شده که یاوران الهی کسانی نیستند که بعد از پیروزی سرکشـی کنند و به استکبار و ستمکاری روی آورند، بلکه آنان پیروزی و یاری الهی را مقدمه‌ای برای ساختن خویش و جامعه قرار می‌دهند. ۲. در این آیه چهـار ویژگی برای یـاوران خـدا بیـان شـده است: الف) پس از پیروزی ارتباط خود را با خـدا از طریق نماز حفـظ می‌کننـد. ب) پس از تسلّط بر امکانـات زمین، ارتباطشان را با مردم حفظ می‌کننـد و از طریق پرداخت زکات به آنان کمک

مـادی می‌کننـد. ج) پس از پیروزی، به سالم‌سـازی جـامعه می‌پردازنـد و جـامعه‌ای بر اسـاس کارهای پسـندیده بنا می‌کننـد. ۳. خدا امکانـات مختلف زمین، هم‌چون ابزار و وسایل کار و یا علم و نیروی فکری و جسـمی در اختیار یاوران خود قرار می‌دهـد و آنها نیز از این توان در راه نیک بهره می‌برنـد. ۴. در برخی احادیث، آیه‌ی فوق به امام مهـدی (عج) و یاران او یا آل محمد صـلی الله علیه و آله تفسـیر شده است که بر مشـرق و مغرب زمین مسلّط می‌شوند و تفسـیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۰۸ دین خدا را آشـکار و بـدعت و باطل را نابود می‌کننـد، به طوری که اثری از ظلم دیده نمی‌شود و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. «۱» البته این‌گونه احادیث مصـداق کامل آیه را بیان می‌کنـد، و این مطلب مانع عمومیت مفهوم آیه نیست و آیه شامل همه‌ی کسانی می‌شود که خدا را یاری می‌رساننـد و این صـفات را دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نشانه‌هـای یاوران خـدا، نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر است. ۲. اگر می‌خواهیـد خـدا را یاری رسانیـد به خودسازی و جامعه‌سازی بپردازید. ۳. در سـاختن جـامعه‌ی الهی، به سالم‌سازی و نوسازی ارزش‌ها توجه کنید. ۴. در ساختن جامعه‌ی الهی، به تقویت معنویت و تنظیم روابط مالیاتی (زکات) توجه کنید. *** قرآن کریم در آیات چهل و دوم تا چهل و پنجم سوره‌ی حج با یادآوری لجاجت و سـرنوشت عذاب‌آلود اقوام پیشـین به پیامبر صـلی الله علیه و آله تسلّی و به مخالفان هشـدار می‌دهـد و می‌فرماید: ۴۲- ۴۵. وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ* وَقَوْمُ إِبْرٰهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ* وَأَصْحٰبُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكٰفِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ* فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ و اگر تـو را تکـذیب کننـد، پس بیقیـن پیش از آنـان، قـوم نـوح و عـاد و ثَمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛* و (هم‌چنین) قوم ابراهیم و قوم لوط؛* و اهل تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۰۹ مَدین (: قوم شعیب، پیامبرانشـان را تکـذیب کردنـد)؛ و موسـی (نیز بوسیله فرعونیان) تکـذیب شـد؛ و [لی به کافران مهلت دادم، سـپس آنان را گرفتار (مجازات) ساختم. پس انکار [من چگونه بود؟!* و چه بسـیار [مردم آبادی که آنها را هلاک کردیم در حالی که آن (مردم) ستمکـار بودنـد، و [دیوارهـای آن بـه روی سـقف‌هایش فرو ریختـه بـود! و (چـه بسـیار) چاه مـتروک و قصـر اسـتوار [و مرتفـع که بی‌صاحب مانده است.] نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشـرکان در مکه به پیامبر و مؤمنان آزار می‌رساندند و آنها را از آن جا اخراج کردند و در مـدینه هم دست از اذیت آنان بر نمی‌داشـتند. این آیات از طرفی به پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله تسـلّی خاطر می‌دهـد که ناراحت مباش، روش اقوام سـرکش پیشـین نیز چنین بوده است و پیامبران قبلی هم مورد آزار قرار گرفتنـد و صبر کردند. و از طرف دیگر به مخالفان و مشـرکان هشـدار می‌دهـد که از سـرنوشت عذاب‌آلود اقوام سـرکش پیشـین درس عبرت بگیرید و دست از آزار مسلمانان بردارید. ۲. در این آیـات به قانون «املاء»، یعنی مهلت دادن خـدا به مخالفان اشاره شـده است. آری؛ خـدا به مخالفان راه خود مهلت می‌دهـد و آنـان را غرق در نعمت می‌سـازد تـا از طرفی حجّت بر آنـان تمـام شود و از طرف دیگر با زیاده‌روی در گناه خود را گرفتـارتر کننـد، سپس عـذاب خود را بر آنان فرود می‌آورد. ۳. در این آیه به چاه‌هـای معطـل و قصـرهای مرتفع، محکم و گـچ‌کاری شـده اشاره شـده که پس از نابودی مخالفان بی‌صاحب باقی ماندند. در احادیث اهل بیت علیهم السـلام حکایت شده که مقصود از چاه‌هـای معطـل، دانشـمندان یـا امامـان سـاکت هستند که در جـامعه تنهـا ماندنـد و کسـی از علوم تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۰ آنان استفاده نکرد و مقصود از قصرهای با شکوه، امامان ناطق هستند. «۱» البته این‌گونه احادیث بطن آیه را بیان می‌کند. یعنی در میان این ملت‌ها منابع درونی و پناهگاه‌های آشکار برونی جامعه معطل ماند و کسی از آنها استفاده نکرد. این منابع گاهی چاه و گاه علم دانشـمندان و امامان است و این پناهگاه‌ها گاهی قصرهای محکم و گاهی امامان گویا و ناطق هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسـلام از سـرنوشت عذاب‌آلود اقوام سـرکش پیشـین درس عبرت بگیرند و با پیامبر اسـلام و تعالیم او مخالفت نورزند. ۲. رهبران جامعه‌ی اسـلامی از مخالفت دشـمنان ناراحت نباشند، که این روش اقوام سرکش پیشین بوده، که به عذاب الهی گرفتار شدند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی حج به رابطه‌ی گردشگری و بیداری دل‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶. أَفَلَمْ يَسِيرُواْ فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَآ أَوْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَاتَعْمَى الْأَبْصٰرُ وَلٰكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي

الصُّدُورِ و آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌ها (و عقل‌ها) یی داشته باشند که با آنها خردورزی کنند؛ یا گوش‌هایی که با آنها (حقایق را) بشنوند؟! [چرا] که چشم‌های (ظاهر) نابینا نیستند، و لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست نابیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در آیات متعددی بر جهان‌گردی و فواید آن تأکید می‌کند و مردم را به گردشگری و عبرت‌آموزی از آثار باستانی و سرنوشت اقوام پیشین فرا می‌خواند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۱ آری؛ ویرانه‌های کاخ‌های ستمگران، مستکبران و فرعون‌های تاریخ، هر کدام کتاب گویا و زنده‌ای هستند که هزار زبان دارند و با هر زبانی نکته‌ای آموزنده بیان می‌کنند و تاریخ را برای انسان به تصویر می‌کشند و عبرت‌های آن را به او نشان می‌دهند. آری: بسیار سفر باید تا پخته شود خامی صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی (سعدی) آری؛ جهان‌گردی به انسان یادآوری می‌کند که تاریخ تکرار شده و خواهد شد و دل انسان را بیدار و چشم او را بینا و گوش او را شنوای حقایق می‌کند. سفر مربی مرد است و آستانه‌ی جاه سفر خزانه‌ی مال است و استاد هنر (انوری) ۲. در این آیه بیان شده که برخی از مردم چشم ظاهری دارند ولی در حقیقت نابینا هستند؛ چراکه دل و عقل آنان کور است و حقایق را درک نمی‌کند. آری؛ معیار بینایی و نابینایی حقیقی، داشتن چشم و نداشتن آن نیست. چه بسا افراد روشن‌دلی که از چشم ظاهری محروم‌اند، اما دل بینا و بیدار و عقل متفکّری دارند؛ پس معیار بینایی حقیقی همان تعقّل و بیداردلی است. آینه‌ی دل چون شود صافی و پاک نقش‌ها بینی برون از آب و خاک هم ببینی نقش و هم نقّاش را فرش دولت را وهم فرّاش را (مولوی) ۳. در احادیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: بدترین نابینایی، نابینایی دل است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۲ و نیز روایت شده که فرمودند: هرگاه خدا بخواهد به بنده‌ای نیکی کند، چشم دل او را می‌گشاید تا چیزهایی را که از او پنهان بوده، مشاهده کند. «۱» ۴. وقتی واژه‌ی «قلب» و «سینه» به کار می‌رود، همان قلب صنوبری که وسیله‌ی پمپاژ خون و در قفسه‌ی سینه‌ی انسان است به ذهن می‌آید، در حالی که مقصود از قلب در این‌گونه آیات همان عقل و مقصود از سینه همان ذات و روح انسان است. البته شکی نیست که بین احساسات، عواطف و ادراکات روحی انسان با قلب جسمانی او رابطه‌ای وجود دارد، به طوری که هرگاه انسان دست‌خوش افکار و احساسات شود، تأثیرات آن در ضربان قلب او ظاهر می‌شود. ۵. برای درک حقایق دو راه درونی و برونی وجود دارد؛ یعنی یا باید انسان از دورن جانش مسائل را تحلیل و درک کند و یا از راه شنیدن و ارتباط با دیگران؛ البته انسان می‌تواند از هر دو راه بهره بگیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان‌گردی کنید تا دل‌های شما بیدار و متفکّر و گوش‌های شما شنوای حقایق گردد. ۲. برخی افراد چشم ظاهری دارند اما چشم دل آنان نابیناست (و حقایق را نمی‌بینند). *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۳ قرآن کریم در آیات چهل و هفتم و چهل و هشتم سوره‌ی حج با تأکید بر حتمی بودن وعده‌ی الهی، به مخالفان در مورد عجله در عذاب خواهی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۷ و ۴۸. وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِندَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ* وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ و از تو می‌خواهند که در عذاب شتاب ورزی؛ و خدا از وعده‌اش تخلّف نمی‌ورزد. و در حقیقت نزد پروردگارت، یک روز، همانند هزار سال است از آنچه می‌شمارید.* و چه بسیار (مردم) آبادی که به آنها مهلت دادم، در حالی که آن (مردم) ستمکار بودند؛ سپس آنها را گرفتار (مجازات) ساختم! و فرجام (همه) فقط به سوی من است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عجله برای خدا معنا ندارد؛ چرا که زمان‌های طولانی برای او بسیار اندک است و هزار سال شما در نظر او روزی کوتاه به شمار می‌آید؛ یعنی یک روز و هزار سال برای او مطرح نیست. او هرگاه بخواهد می‌تواند وعده‌های خود را به انجام رساند. «۱» ۲. مخالفان کوردل، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اعتراض می‌کردند که اگر راست می‌گویی، چرا عذاب الهی فرود نمی‌آید و دامان ما را نمی‌گیرد. و در این آیه به آنان پاسخ می‌دهد که عجله در کارهای خدا بی‌معناست، ولی این روش خداست که به ستمکاران فرصت می‌دهد تا شاید بیدار شوند و در کارهای خود تجدید نظر نمایند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام عجله نکنند، که پس از این مهلت، عذاب الهی فرا خواهد رسید. ۲. وعده‌های الهی تخلّف‌ناپذیر است. ۳. از سرنوشت عذاب‌آلود ستمکاران پیشین

عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیات چهل و نهم تا پنجاه و یکم سوره‌ی حج به هشدارگری پیامبر صلی الله علیه و آله و واکنش‌های متفاوت مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۹- ۵۱. قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَآ أَنَاْ لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ* فَالَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصلِحتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ* وَالَّذِينَ سَعَوْاْ فِي ءَايتِنَا مُعجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحبُ الْجَحِيمِ بگو: «ای مردم! من برای شما فقط هشدارگری روشنگرم.* پس کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و روزی ارجمندی برای آنان است.* و کسانی که در (ردّ) آیات ما تلاش کردند، در حالی که (به خیال خود) عاجز کننده (ما) هستند، آنان اهل دوزخند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم مژده دهنده و هم هشدارگر است، ولی در این جا به خاطر مخاطبان آیه که کافران لجوج هستند، بر هشدارگری پیامبر تأکید شده است. «۱» ۲. در این آیه بیان شده که مردم در برابر هشدارهای پیامبر صلی الله علیه و آله دو واکنش متفاوت نشان می‌دهند، گروهی تسلیم فرمان الهی می‌شوند و ایمان می‌آورند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، که این افراد با آمرزش الهی شست و شو و پاک می‌شوند، سپس مشمول الطاف و نعمت‌های ارزشمند او می‌گردند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۵ و گروهی دیگر در برابر هشدارهای پیامبر صلی الله علیه و آله لجاجت می‌کنند و حتی تلاش می‌کنند که با آیات الهی مبارزه کنند و بر آنها غالب شوند، که سرنوشت این افراد دوزخ خواهد بود. ۳. تعبیر «رزق کریم» به معنای روزی پرارزش، مستمر و بدون نقص است. این تعبیر مفهوم وسیعی دارد که تمام نعمت‌های گران‌بهای معنوی و مادی را شامل می‌شود. ۴. «جَحیم» در اصل به معنای شدّت برافروختگی آتش است؛ بنابر این جهنّم مکانی است که آتشی شعله‌ور و برافروخته دارد. ۵. «مُعاجِزین» از ماده‌ی «عجز» است و به معنای کسی است که می‌خواهد بر نیروی الهی پیروز شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردم در برابر هشدارگری پیامبران به دو خط موافق و مخالف تقسیم می‌شوند (شما ببینید از کدام گروه هستید و چه خطی را دنبال می‌کنید). ۲. پیامبر اسلام، هشدار گری روشنگر است (پس از هشدارهای او بترسید و به روشنگری‌های او توجه کنید). ۳. فرجام موافقان راه پیامبر اسلام، آمرزش و رزق ارجمند است و فرجام مخالفان او آتشی برافروخته است (تا شما کدام یک را انتخاب کنید). ۴. رهبران الهی و مبلغان دینی برای تربیت مردم از هشدارگری و روشنگری استفاده کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۶ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی حج به شیطنت شیاطین در کار پیام‌آوران الهی و حمایت خدا از پیام آوران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۲. وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّآ إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطنُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِى الشَّيْطنُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ ءَايتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ و پیش از تو هیچ فرستاده و پیامبری نفرستادیم، جز این که هرگاه آرزو می‌کرد (و طرحی می‌ریخت)، شیطان در آرزو (و طرح‌ها) یش (شبهه) می‌افکند؛ و [لی خدا آنچه را شیطان می‌افکند، از میان می‌برد؛ سپس خدا آیاتش را استحکام می‌بخشید- و خدا دانای فرزانه است- نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در حقیقت تسلّی خاطری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌دهد که اگر مشرکان شیطان‌صفت با تو مخالفت می‌ورزند و در تخریب آیات الهی می‌کوشند، این چیز تازه‌ای نیست. شیطان‌ها در برابر همه‌ی پیام‌آوران الهی ایستادند، ولی خدا از پیام‌آوران و آیات خود حمایت و نقشه‌های آنان را خنثی و آیات خود را تثبیت می‌کند. ۲. مفسران قرآن در مورد آیه‌ی فوق سه تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) این آیه اشاره به طرح‌های پیام‌آوران الهی برای پیش‌برد اهداف دینی است که شیطان و شیطان‌صفتان با آنها مخالفت می‌کردند و القائاتی در جهت تخریب این طرح‌ها انجام می‌دادند و خدا نقشه‌های آنها را خنثی و آیات خود را تثبیت کرده است. ب) مقصود آن است که در هنگام تلاوت و قرائت آیات الهی توسط پیامبران، شیاطین در لابه‌لای سخنان پیام‌آوران، القائاتی می‌کردند و مطالبی برای انحراف افکار عمومی می‌گفتند تا آثار هدایت‌بخش این آیات را خنثی سازند، ولی خدا این القائات شیطانی را نابود می‌کرد و آیات خود را استحکام می‌بخشید. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۷ ج) این آیه اشاره به برخی خطورات و وسوسه‌های شیطانی باشد که در لابه‌لای افکار نورانی پیامبران افکنده می‌شد، اما به خاطر مقام عصمت آنان و با امداد الهی، این القائات به زودی از صفحه‌ی ذهن آنان محو می‌شد. «۱» البته اصل واژه‌ی «تَمنّی به معنای تقدیر و اندازه زدن است. این معنا با تفسیر اول، یعنی طرح و نقشه، سازگارتر است و

تفسیر سوم هم با آیات بعد سازگار نیست که این مطلب را مایه‌ی آزمایش کافران و آگاهی مؤمنان معرفی می‌کند. «۲» ۳. «رسول» به معنای پیامبرانی است که مأمور تبلیغ و دعوت به آیین خود بوده‌اند، اما «نبی» به معنای افراد بلندمرتبه‌ای است که با وحی الهی در ارتباط بوده‌اند هر چند مأمور به تبلیغ گسترده نبوده‌اند. آنان همچون پزشکانی بودند که مردم برای معالجه‌ی خویش به سراغ آنان می‌رفتند، اما رسولان پزشکان سیاری بودند که اعلام عمومی می‌کردند و به دنبال بیماران می‌گشتند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شیطان (دست از سر شما برنمی‌دارد او) حتی به سراغ طرح‌های پیامبران و رسولان الهی نیز می‌رود. ۲. خدا از پیام‌آوران و آیات خود حمایت و القائات شیطانی را نابود می‌سازد (و عصمت آنان را تضمین می‌کند). ۳. پیامبران الهی اطمینان داشته باشند که خدا عصمت آنان را تضمین کرده است. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم و پنجاه و چهارم سوره‌ی حج به آثار القائات شیطانی در دانشمندان و بیماردلان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۳ و ۵۴. لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَنُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّلِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ* وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُواْ الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُواْ بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُواْ إِلَى صِرَطٍ مُّسْتَقِيمٍ تا آنچه را شیطان القا می‌کند، آزمایشی قرار دهد برای کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، و آنها که سخت دلند- و قطعاً ستمکاران در جدایی (و ستیزیِ) دور و درازند-* و تا کسانی که به آنان علم داده شده، بدانند که این (قرآن) حق است در حالی که از جانب پروردگار توست، و بدان ایمان آورند، و دل‌هایشان در برابر آن فروتن گردد؛ و خدا کسانی را که ایمان آوردند، مسلماً به سوی راهی راست راه‌نمایی می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به تأثیرات یک ماجرا بر دو گروه اجتماعی اشاره شده است. ماجرای القائات شیطانی در طرح‌های پیامبران الهی، دانشمندان را به تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۱۹ فروتنی در برابر آیین حق و ایمان به آن می‌رساند؛ چراکه از حمایت‌های الهی نسبت به پیامبران، متوجه می‌شوند که این پیامبر و برنامه‌ی او و آیات قرآن حق است. ولی همین ماجرا منافقان سنگ‌دل را به مخالفت شدید و دوری از حق می‌رساند؛ چرا که آنان بیماردل هستند و خود را از نور هدایت محروم می‌کنند و بر خویشتن و جامعه‌ی خود ستم می‌کنند. ۲. زمینه‌های روحی، روانی و فکری سبب می‌شود که مردم در برابر برنامه و آزمون الهی، دو نوع واکنش نشان دهند. آری: باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره‌زار خس آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر بیماردلان سنگ‌دل آزموده شوند، باز هم مخالفت می‌کنند و از حق دور می‌شوند. ۲. قرآن را به دانشمندان ارائه کنید که آن را می‌پسندند و در برابر آن فروتن می‌شوند و ایمان می‌آورند. ۳. پاداش ایمان آوردن، هدایت بیش‌تر به راه مستقیم است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی حج به تردید لجاجت‌آمیز و مستمر کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵. وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُواْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ و کسانی که کفر ورزیدند، پیوسته از آن (قرآن) در شک هستند، تا ساعت (رستاخیز) ناگهان برای شان فرا رسد، یا عذاب روزی نازا (و غیر قابل تکرار) به سراغشان آید! تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران در مخالفت خود با اسلام یقین ندارند «۱» و در مورد برنامه‌ی اسلام و قرآن در تردید هستند، اما تعصب‌ها به آنان اجازه نمی‌دهد که به جست‌وجوی حقیقت بپردازند و جاهلانه با اسلام مخالفت می‌کنند. ۲. «ساعة» به معنای مقداری از زمان است و در این جا مقصود زمان مرگ یا زمان رستاخیز است؛ البته معنای دوم با تعبیر فرا رسیدن ناگهانی آن تناسب بیش‌تری دارد. ۳. روز قیامت را از آن جهت عقیم و نازا گویند «۲» که روز دیگری پشت سر آن نیست که مردم بتوانند به جبران گذشته‌ی بپردازند و سرنوشت خود را تغییر دهند. «۳» ۴. مقصود از کافرانی که همواره نسبت به اسلام و قرآن در تردید هستند، همه‌ی کافران نیستند؛ چراکه در طول تاریخ بسیاری از کافران بیدار شدند و به مسلمانان پیوستند. پس منظور از کافران در این آیه سران آنها و افراد لجوج و متعصب هستند که به مخالفت خود با اسلام ادامه دادند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی از کافران تا روز قیامت با قرآن و آیین شما مخالفت می‌کنند (پس آماده‌ی مقابله با آنان باشید). ۲. آمدن رستاخیز، ناگهانی و جبران‌ناپذیر است (پس در اندیشه‌ی آن باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۱ قرآن کریم در آیات پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم سوره‌ی حج به داوری خدا

در رستاخیز و فرجام مؤمنان و کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶ و ۵۷. الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ الصلِحتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ* وَالَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بَِايَتِنَا فَأُوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ در آن روز، فرمانروایی از آنِ خداست؛ میان آنان داوری می‌کند، پس کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، در بوستان‌های پر نعمت (بهشتی) هستند.* و کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، پس آنان عذابی خوار کننده برای‌شان (آماده) است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حاکمیت و فرمان‌روایی دو نوع است: حاکمیت اعتباری و قراردادی که در این جهان بین انسان‌ها وجود دارد و حاکمیت حقیقی که همان حکومت الهی است؛ یعنی حقیقتاً همه چیزِ بندگان از آنِ خداست و وابسته به اراده‌ی اوست. در این جهان حاکمیت اعتباری مردم و حاکمیت الهی هر دو وجود دارد، اما در جهان آخرت فقط حاکمیت حقیقی الهی وجود دارد. «۱» ۲. یکی از مقامات الهی، مقام داوری است که در رستاخیز ظهور پیدا می‌کند و مؤمنان را از کافران جدا می‌سازد و هر کدام را به کیفر و پاداش خود می‌رساند. ۳. در این آیات اشاره شده که عذاب کافران در رستاخیز عذابی خوار کننده است؛ یعنی کافرانی که در دنیا با استکبار و سرکشی زندگی می‌کردند و به مردم ستم می‌نمودند، در رستاخیز با عذابی الهی پست و حقیر می‌شوند و این عذاب متناسب با نوع گناه آنان است. ۴. در مورد مؤمنان به دو معیار ایمان و کار شایسته و در مورد کافران نیز به دو معیار کفر و تکذیب آیات الهی اشاره شده است که یکی از اعتقادات درونی و دیگری از آثار بیرونی آن است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز داوری خدا در پیش است (پس ببینید که شما در کدام صف قرار می‌گیرید؛ مؤمنان یا کافران). ۲. فرجام مؤمنان شایسته‌کار بهشت است و فرجام کافران، عذابی خوار کننده است (پس بنگرید که شما به کدام طرف می‌روید). ۳. اگر بهشت الهی را می‌طلبید، مؤمنی شایسته‌کردار باشید و کفر نورزید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم سوره‌ی حج به فرجام نیکوی مهاجران راه خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۸ و ۵۹. وَالَّذِينَ هَاجَرُواْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُواْ أَوْ مَاتُواْ لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرزِقِينَ* لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا مردند، قطعاً خدا به آنان رزق نیکویی روزی می‌دهد؛ و مسلماً تنها خدا، بهترین روزی دهندگان است.* البته آنان را به جایگاهی وارد می‌کند که از آن خشنود خواهند بود؛ و قطعاً خدا دانایی بردبار است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که وقتی مهاجران مکه به مدینه می‌آمدند، برخی از آنان به مرگ طبیعی از دنیا می‌رفتند، در حالی که برخی دیگر شربت شهادت می‌نوشیدند؛ از این رو برخی گمان کردند که تمام فضیلت‌ها از آنِ مهاجرانی است که شهید شدند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و بیان کرد که هر دو گروه مشمول نعمت الهی هستند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «رزق نیکو» در این آیه، هر رزق نیکو و یا رزق نیکویی است که وقتی چشم انسان به آن می‌افتد، چنان مجذوب آن می‌شود که نمی‌تواند دیده از آن برگیرد. «۱» ۲. برخی از مفسران از این آیه و شأن نزول آن استفاده کرده‌اند که مهم جان دادن در راه خداست؛ چه از طریق شهادت و چه مرگ طبیعی. یعنی هر کس در راه خدا بمیرد، مشمول رزق نیکوی الهی می‌شود. «۲» ۳. در این آیات پاداشی متناسب با کار مهاجران بیان شده است، آنان که از منزل خود تبعید شدند، خدا منزلی به آنان می‌دهد که از آن خشنود باشند. ۴. خدا دانا و بردبار و از کارهای مردم آگاه است، اما در مجازات و پاداش آنان عجله نمی‌کند تا آزموده شوند و پرورش یابند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مهاجران راه خدا، پاداش و منزلتی رفیع در نزد خدا دارند. ۲. معیار استفاده از نعمت‌های بهشتی، مرگ طبیعی یا شهادت نیست، بلکه در راه خدا بودن و در این راه جان دادن است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۴ در آیه‌ی شصتم سوره‌ی حج، خدا به مظلومان اجازه مقابله‌ی به مثل و وعده‌ی یاری می‌دهد و می‌فرماید: ۶۰. ذلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (حکم خدا) این است، و هر کس همانند چیزی که بدان مجازات شده، کیفر دهد، سپس بر او ستم شود، قطعاً خدا او را یاری خواهد کرد؛ مسلماً خدا بخشاینده [و] بسیار آمرزنده است. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مشرکان مکه در ماه محرم الحرام با مسلمانان روبه‌رو شدند و در حالی که دو روز به پایان ماه حرام باقی بود، تصمیم گرفتند با آنان

پیکار کنند؛ چرا که می‌دانستند مسلمانان در این ماه جنگ را حرام می‌دانند. مسلمانان از آنان خواستند که در ماه محرم جنگ نکنند، ولی این اصرار سودی نبخشید و جنگ آغاز شد و مسلمانان از خود دفاع کردند و در نهایت پیروز شدند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و مقابله‌ی به مثل مظلومان با ستمکاران را تأیید کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقابله به مثل و دفاع در برابر ستم، حقّ طبیعی انسان است و هر کس مجاز است که در برابر ستم دیگران مقابله‌ی به مثل کند. ۲. در هنگام مقابله با ستم، نباید از حدّ تجاوز کرد، بلکه باید به همان اندازه که به مظلوم ستم شده، ظالم را کیفر داد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۵ ۳. اگر مظلوم در مقام دفاع از خویشتن برآمد و باز هم به او ستم شد، خدا او را یاری می‌کند. البته شرط یاری الهی آن است که خود مظلوم تن به ستم ندهد و سکوت نکند، و گرنه از یاری الهی خبری نخواهد بود. پس یاری خدا مخصوص مظلومانی است که به دفاع از خویشتن برمی‌خیزند. «۱» ۴. در این آیه عفو و آمرزش الهی را یادآور شده است تا به مظلومان اشاره کند که اگر ستمکاران از کرده‌ی خود پشیمان شدند و سر تسلیم فرود آوردند، با عفو و آمرزش با آنان برخورد کنید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به مظلومان اجازه‌ی مقابله به مثل داده است. ۲. خدا یاور مظلومان مبارز است. ۳. در هنگام دفاع و مقابله با ستمکاران، عدالت و بخشش را فراموش نکنید. ***

نشانه های خدا در صحنه های هستی

قرآن کریم در آیات شصت و یکم و شصت و دوم سوره‌ی حج به دلایل قدرتمندی خدا در حمایت از مظلومان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱ و ۶۲. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ* ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ این (وعده‌ی یاری) به خاطر آن است که خدا شب را در روز وارد می‌کند، و روز را در شب وارد می‌کند؛ و این که خدا شنوای بیناست.* (و نیز) این به خاطر آن است که تنها خدا حقّ است؛ و این که فقط آنچه را جز او می‌خوانند (و پرستش می‌کنند) باطل است؛ و این که تنها خدا بلند مرتبه [و] بزرگ است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل به حمایت و یاری خدا به مظلومان اشاره شد، ولی وعده‌ی نصرت و یاری هنگامی دل‌گرم کننده و مؤثر است که وعده دهنده شخصی توانا و قدرتمند باشد؛ از این رو در این آیات به دلایل قدرت الهی در پهنه‌ی هستی اشاره شده، تا نشان دهد که او قادر است و به وعده‌های خود عمل می‌کند. ۲. مقصود از داخل کردن شب در روز و روز در شب آن است که در طول سال به صورت منظم از مقدار یکی کاسته و به دیگری افزوده می‌شود. و یا منظور آن است که طلوع و غروب خورشید و پیدایش شب و روز ناگهانی نیست، بلکه طلوع و غروب خورشید به صورت تدریجی صورت می‌گیرد و گویی روز آهسته آهسته داخل شب می‌شود. تا تأثیرات زیانبار جسمی و روحی بر انسان نگذارد و زندگی اجتماعی او را با مشکل روبه‌رو نسازد. ۳. خدا حق است و تمام معبودهای غیر او باطل‌اند؛ یعنی خدا حقّی است که هیچ‌گونه باطلی با او آمیخته نیست و تنها حقّ مستقل جهان است و هر کس با او ارتباط و پیوند دارد حقانیّت خود را از او کسب می‌کند و گرنه باطل است. «۱» ۴. در این آیات به چهار صفت الهی، یعنی شنوا، بینا، بلند مرتبه و کبیر اشاره شده است. این صفات اشاره به آن است که خدا مظلومیت مؤمنان را می‌بیند و تقاضای آنان را می‌شنود و او بر هر کسی و هر کاری تواناست و چنان بزرگ و با عظمت است که می‌تواند مظلومان را یاری کند و دشمنان آنان را درهم بشکند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا توانمند و حق است (و می‌تواند مظلومان را یاری رساند). ۲. تنها حق (مستقل) خداست و هر چه با او ارتباطی ندارد باطل است. ۳. اگر حق می‌خواهید، خداپرست شوید که غیر او باطل است. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۷ قرآن کریم در آیات شصت و سوم و شصت و چهارم سوره‌ی حج به نشانه‌های خدا در طبیعت و صفات برجسته‌ی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳ و ۶۴. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ* لَّهُ مَا فِي السَّموتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان،

آبی فرو فرستاد، پس زمین سرسبز گردید؟ که خدا لطیف [و] آگاه است.* آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آنِ اوست؛ و مسلماً خدا توانگر [و] ستوده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «لطیف» به معنای کار بسیار ظریف و باریک است و واژه‌ی «خبیر» به معنای کسی که از مسائل دقیق آگاه است. آری؛ خدا از چرخه‌ی آب در طبیعت و بذرهای گیاهان آگاه است و با لطف و ظرافت کاریِ خویش آب را از آسمان می‌فرستد تا دانه‌های گیاهان در دل خاک رشد کنند و لبخند زندگی شکوفا شود و چهره‌ی زمین خرّم گردد. ۲. خدا مالک حقیقی همه چیز در آسمان‌ها و زمین است و از این روست که او بی نیاز و ستوده است. آری؛ کسی که آسمان‌ها و زمین را در اختیار دارد، همه چیز دارد و نیازمند کسی نیست و در عین حال خدا بخشنده‌ای است که سودی به او نمی‌رسد، پس او ستوده است. ۳. برخی مفسران گفته‌اند که بین صفت غنی و حمید پیوندی وجود دارد؛ چون اولًا، او بی نیازی است که بخیل و انحصارطلب نیست. ثانیاً، او غنی بالذات است، یعنی تمام امکانات دیگران از اوست ولی او در غنی بودن خود مستقل است. و ثالثاً، او بی نیاز بخشنده‌ای است که به خاطر سود به دیگران نمی‌بخشد. «۱» و به خاطر این جهات است که بی نیازی خدا شایسته‌ی ستایش است. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به چرخه‌ی آب در طبیعت و رویش گیاهان بنگرید و درس خداشناسی بگیرید. ۲. به این صفات نیکوی پروردگار خود توجه کنید تا او را بهتر بشناسید. *** قرآن کریم در آیات شصت و پنجم و شصت و ششم سوره‌ی حج به نشانه‌های خدا در پهنه‌ی دریا، آسمان و چرخه‌ی مرگ و زندگی اشاره می‌کند و با یادآوری ناسپاسی انسان می‌فرماید: ۶۵ و ۶۶. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَآءَ أَن تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ* وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنسَنَ لَكَفُورٌ آیا نظر نکرده‌ای که خدا آنچه را در زمین است و کشتی‌ها را در حالی که در دریا به فرمان او روانند، برای شما رام ساخت؛ و (اجرام) آسمان را نگه می‌دارد، تا مبادا جز به رخصت او، بر زمین فرو افتد؟ که خدا [نسبت به مردم قطعاً مهربانی مهرورز است.* و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را (در رستاخیز) زنده می‌کند، مسلماً انسان بسیار ناسپاس است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به یکی از نشانه‌های الهی، یعنی تسخیر موجودات زمین برای انسان اشاره شده است؛ یعنی خدا موجودات زمینی را خدمت‌گزار انسان قرار داد و منافع آنها را در اختیار بشر گذاشت. ۲. در این آیات به حرکت کشتی‌ها در صفحه‌ی دریاها، به عنوان یکی دیگر از نشانه‌های الهی اشاره شد. کشتی‌هایی که هنوز یکی از مهم‌ترین وسایل حمل و نقل و جابه‌جایی مسافر در زمین هستند و با سرعت زیاد تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۲۹ صحنه‌ی اقیانوس‌ها را می‌پیمایند. ۳. «سماء» به معنای جهت بالا، کرات آسمان، جوّ زمین و معانی دیگر در قرآن استعمال شده است، ولی به نظر می‌رسد که در این آیات به معنای سیارات و ستارگان است که یکی از نشانه‌های الهی را نگه‌داری آنها از سقوط بیان کرده است. آری؛ ستارگان و سیارات در آسمان در مدارهای خود به صورت منظم می‌گردند و با فرمان الهی نیروی جاذبه‌ای بین آنها برقرار شده است و هر کدام را در مسیری به گردش در می‌آورد. ۴. در این دو آیه و شش آیه‌ی قبل مجموعاً به چهارده صفت خدا اشاره شده است که عبارت‌اند از: علیم، حلیم، عَفوّ، غفور، سمیع، بصیر، علیّ، کبیر، لطیف، خبیر، غنی، حمید، رؤوف و رحیم. این صفات به صورت جفت جفت بیان شده است که هر کدام با هم و با محتوای آیه‌ای که در آن آمده است، ارتباط دارند. ۵. انسان بسیار ناسپاس است. البته این صفت انسان‌های کافر و لجوج است که با مشاهده‌ی این همه آیه و نشانه‌ی خدا باز هم حق را انکار می‌کنند و سپاس خدا را به جای نمی‌آورند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به طبیعت، دریا، آسمان و چرخه‌ی مرگ و حیات نظر کنید و درس خداشناسی بگیرید. ۲. خدا به خاطر مهربانی خویش این همه نعمت و نشانه در اختیار شما گذاشت، اما بازهم (برخی) انسان‌ها ناسپاس‌اند. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۳۰ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی حج به اختلاف مراسم عبادی ملت و وظیفه‌ی پیامبر در فراخوان مردم به سوی پروردگار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۷. لِّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَزِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُّسْتَقِيمٍ برای هر امّتی مراسم عبادی قرار دادیم، که آنان، آن (عبادت) را انجام دهند؛ پس هرگز

نبایـد در [این کار با تو کشـمکش کنند. به سوی پروردگارت فراخوان، [چرا] که تو مسـلماً بر راهبردی، راست قرار داری. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان اسـلام، به ویژه مشرکان، با پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد احکام و قوانین تازه‌ی اسلام بحث و ستیز داشتند و آن را مخالف ادیان پیشین می‌پنداشتند. این آیه به آنان پاسخ داد که هر امّتی برنامه و مراسم عبادی خاص خود را دارد. ۲. اصول ادیـان الهی همچون اصـل توحیـد، نبوت و معـاد، هم‌گون است، امـا قوانین فرعی و احکـام آنهـا متفاوت است؛ چراکه برخی از این قوانین و مراسم بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی خاصی بنیان گذاشته شده‌اند که در همان شرایط کامل‌ترین برنامه بوده‌اند، اما در شرایط جدیـد و در سیر تکاملی ادیان الهی، لازم است تغییراتی در آنها داده شود و در دین اسـلام کامل‌ترین برنامه ارائه گردد. به عبـارت دیگر، ادیـان الهی همچون کلاس‌ها و مراحل علمی دبسـتان، دبیرسـتان و دانشگاه است که برای هر مرحله از زنـدگی بشـر برنـامه و کلاسـی خاص ارائه شـد که در جهت تکمیل برنامه‌های قبلی بود. ۳. «مناسِـک» به معنـای مراسم عبادی است و در این جا ممکن است به تمـام برنامه‌هـای دینی و مراسم عبـادی اشاره کنـد. البته این واژه به معنای تفسـیر قرآن مهر جلـد سـیزدهم، ص: ۳۳۱ مراسم عبادیِ قربانی نیز می‌آیـد. «۱» ۴. در این آیه هـدایت الهی را با وصف مسـتقیم آورد. این وصف یا جنبه‌ی تاکیـدی دارد و یا اشاره به آن است که هدایت به سوی مقصد راه‌های مختلف و دور و نزدیک و مسـتقیم و کج دارد، ولی هدایت الهی از راه مستقیم است که نزدیـک‌ترین راه به مقصـد است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد مسائل جزئی مجادله نکنیـد و به سوی پروردگار بیاییـد. ۲. تفاوت شریعت در ادیان الهی به فرمان خدا بوده است، اما در این میان شما راه مستقیم را فراموش نکنید. ۳. لازم است رهبر الهی که به سوی پروردگار دعوت می‌کند، خود بر راه مستقیم باشد. *** قرآن کریم در آیات شصت و هشتم تا هفتادم سوره‌ی حج به علم بی‌پایان و داوری خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۸- ۷۰. وَإِن جَدَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ* اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيمَةِ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ* أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذلِكَ فِى كِتبٍ إِنَّ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ و اگر (کـافران) بـا تو مجادله کننـد، پس بگو: «خدا به آنچه انجام می‌دهید داناتر است.* تفسـیر قرآن مهر جلد سـیزدهم، ص: ۳۳۲ خدا در روز رستاخیز، میان شـما در مورد آنچه که همواره در آن اختلاف می‌کردید، داوری می‌کند.»* آیا ندانسـته‌ای که خدا آنچه را در آسمان و زمین است می‌دانـد؟! [چرا] که این‌هـا در کتـابی (ثبت) است؛ براستی که این (امور) بر خـدا آسـان است. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. صحنه‌ی رسـتاخیز، صـحنه‌ی داوری خـدا در مورد اعمـال بنـدگان است. او که علمی بی‌پایان دارد و از همه‌ی کارها و اسـرار آگاه است، در میان مردم داوری می‌کنـد و حقایق را آشـکار می‌سازد. ۲. در این آیـات به کتـابی اشاره شـده که همه چیز در آن ثبت است. کتاب علم بی‌پایـان الهی و کتـاب عـالم هسـتی و جهـان علت و معلول، چیزی در آن گم نمی‌شود و تـأثیر هر عمـل و سـخنی در آن بـاقی می‌مانـد. این همـان چیزی است که گـاهی از آن با عنوان لوح محفوظ یا لوح علم الهی یاد می‌شود. آری؛ این کتاب دقیق زمینه‌ساز داوری خداست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. چنانچه دلایل و سخنان رهبران الهی و مبلغان دینی در مخالفان دین تأثیر نکرد، آنان را به حال خود واگذارید تا خدا در رسـتاخیز سـرنوشت آنان را روشن سازد. ۲. روز رسـتاخیز، روز داوری و روشن شدن اختلافات مردم است. ۳. گستره‌ی علم الهی فراگیر و داوری برای او آسان است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی حـج به غیر منطقی و بی‌دلیل بودن شرک و بت‌پرستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۱. وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَنًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ و جز خدا چیزی را می‌پرسـتند که هیچ دلیلی بر آن فرو نفرسـتاده است، و چیزی را که هیچ علمی بدان ندارند. و هیچ یاوری برای ستمکاران نیست. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۳۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیه اشاره کرده که مهم‌ترین دلیـل بطلاـن شـرک و بت‌پرسـتی آن است که هیـچ دلیـل شـرعی و عقلی برای اثبـات شـرک وجـود نـدارد. ۲. واژه‌ی «سُـلطان» به معنای دلیلی است که انسان را بر طرف مقابل مسلّط می‌گرداند و در این جا دلایل وحیانی و نقلی مورد نظر است؛ یعنی خـدا هیچ حجّت شـرعی‌ای برای بت‌پرستی نازل نکرده است. ۳. مشـرکان هیچ دانشـی به حقانیّت شرک ندارند؛ یعنی آنان برهان و دلیل عقلی نیز بر این مطلب ندارند و انجام کاری که متکی به دلیل شرعی یا عقلی نباشد، نوعی ستم به خویشتن است. ۴. مقصود از

«نَصیر» در این آیه، یاور انسان، یا دلیل و برهانی است که انسان را یاری می‌رساند و یا راه‌نمایی است که انسان را در مسیر یاری می‌کند. البته مانعی ندارد که هر سه تفسیر مقصود آیه باشد؛ یعنی ستمکاران هیچ راه‌نما و دلیل یاری کننده‌ای ندارند، هر چند معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هیچ دلیل وحیانی یا عقلانی برای اثبات شرک وجود ندارد. ۲. مشرکان ستمکارانی هستند که هیچ یاوری ندارند. ۳. چیزی را بپرستید که دلیل دارد و بدان علم دارید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۳۴ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی حج به واکنش خشونت‌بار کافران در برابر تلاوت قرآن و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۲. وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ ءَايَتُنَا بَيِّنتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُواْ الْمُنكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ ءَايتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِن ذلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُواْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ و هنگامی که آیات ما، در حالی که روشن است، بر آنان خوانده می‌شود، در چهره‌های کسانی که کفر ورزیدند (نشانه‌های) انکار را می‌شناسی؛ نزدیک است به کسانی که آیات ما را بر آنان می‌خوانند، حمله‌ور شوند! بگو: «و آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ (آن) آتش که خدا آن را به کسانی که کفر ورزیدند وعده داده است؛ و بد فرجامی است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به واکنش روانی کافران در برابر آیات روشن و حیات‌بخش قرآن اشاره شده که هنگامی که آیات بر آنان خوانده می‌شود، تعصبات جاهلانه‌ی آنان تحریک می‌شود و از آن جا که نمی‌خواهند در برابر حق تسلیم شوند، آثار انکار در چهره‌ی آنان نقش می‌بندد، به طوری که گویی می‌خواهند به قاری قرآن حمله‌ور شوند. ۲. تعبیر «یَسطُونَ» در اصل به معنای بلند شدن اسب بر پای خود و بلند کردن دست‌هاست، سپس به معنای بلند کردن دست و حمله‌ور شدن به طرف مقابل آمده است؛ «۱» یعنی کافران هنگامی که آیات قرآن بر آنان خوانده می‌شود، هم‌چون اسب سرکشی می‌خواهند به قاری قرآن حمله‌ور شوند؛ به عبارت دیگر، کافران در برابر سخنان مخالف خود واکنش منطقی ندارند و تابع دلیل نیستند، بلکه بر اساس جهل و تعصب خویش، واکنش‌های خشونت‌آمیز نشان می‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۳۵ ۳. این آیه توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به کافران پیام می‌دهد که اگر شما می‌پندارید که تلاوت آیات قرآن شرّ است، پس من بدتر از این را به شما معرفی می‌کنم؛ بدانید که شرّ واقعی، یعنی همان آتش دوزخ، در انتظار شماست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پاسخ پرخاشگری کافران آتش دوزخ است که بد جایگاهی است. ۲. کافران در برابر قرآن خواندن واکنشی انکارآمیز و خشونت بار خواهند داشت (پس آماده باشید). ۳. در برابر آیات الهی واکنش منفی نشان ندهید (که فرجامی عذاب‌آلود دارد). *** قرآن کریم در آیات هفتاد و سوم و هفتاد و چهارم سوره‌ی حج به ناتوانی معبودهای مشرکان و نشناختن قدر و منزلت خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۳ و ۷۴. يأَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُواْ لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُواْ ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُواْ لَهُ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَايَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ* مَا قَدَرُواْ اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ای مردم! مَثَلی زده شده است، پس بدان [با دقّت گوش فرا دهید: در حقیقت کسانی را که جز خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید) هیچ مگسی نمی‌آفرینند، و گرچه برای این (کار) جمع شوند؛ و اگر مگس چیزی از آنان برباید، آن را از او باز پس نمی‌گیرند؛ طلب کننده و طلب شونده (هر دو) ناتوانند.* خدا را به حقیقت معرفتش نشناختند؛ [چرا] که خدا قطعاً نیرومندی شکست‌ناپذیر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در حکایات تاریخی آمده است که بت‌پرستان قریش، بت‌هایی را در تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۳۶ اطراف کعبه گرد آورده بودند و به آنها مشک و عنبر و گاهی زعفران و عسل می‌زدند. مگس‌ها می‌آمدند و بر بت‌ها می‌نشستند و عسل و زعفران آنها را می‌ربودند، اما آنها واکنشی نشان نمی‌دادند. «۱» قرآن کریم همین صحنه را به تصویر کشیده و ناتوانی بت‌ها را نمایان ساخته و بدین طریق بطلان شرک و بت‌پرستی را اثبات کرده است. ۲. در این آیه بیان شده که بت‌ها و معبودهای دروغین قادر به آفرینش مگسی نیستند، در حالی که خدا آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین و هزاران نوع موجودات پیچیده است و حیات را با چهره‌های متنوع و بدیع پدید آورده است. پس چگونه شما معبودهای ناتوان را شریک خدای توانا قرار می‌دهید و آنها را پرستش می‌کنید. ۳. هر چند این آیه در مورد بت‌های مشرکان عرب ذکر شده است، اما با توجه به این که

مخاطب آیه همه‌ی مردم جهان هستند، آیه منحصر به بت‌های سنگی و چوبی نیست بلکه تمام معبودهای دروغین را شامل می‌شود. اعم از بت‌ها، فرعون‌ها و شخصیت‌های کاذب و قدرت‌های پوشالی که گاهی معبود انسان‌ها قرار می‌گیرند. ۴. مسئله‌ی آفرینش موجودات زنده و حیات آنها یکی از معماهای بشریت است که دانشمندان هنوز موفق به حلّ آن نشده‌اند. البته بشر پیش‌رفت زیادی در زمینه‌های صنعتی و ساخت رایانه‌های پیش‌رفته داشته است، ولی ساخت وسایلی که مونتاژ طبیعت است آفرینش جدید به شمار نمی‌آید. مسئله‌ی حیات موجودات، حتی موجودی هم‌چون پشه، پیچیده‌تر از این‌هاست. ۵. مقصود از «طالب و مطلوب» در این آیه همان مشرکان و بت‌ها یا تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۳۷ مگس‌ها و بت‌ها و یا عکس این مورد است؛ یعنی مگس‌ها، مشرکان و بت‌ها همه ناتوان‌اند و هر کدام در پی دیگری هستند. «۱» ۶. مشرکان قدر و منزلت خدا را نشناخته‌اند و از این رو منزلت خدای توانا را تنزّل و او را در کنار معبودهای ناتوان قرار داده‌اند و هر دو را با هم می‌پرستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به توانایی خدا و ناتوانایی معبودان دیگر توجه کنید و قدر و منزلت الهی را بشناسید. ۲. به دنبال معبودان ناتوان که قادر به آفرینش و دفاع از خود نیستند، نروید. ۳. مسائل مهم را با مثال برای مردم بیان کنید تا بهتر متوجه شوند. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و پنجم و هفتاد و ششم سوره‌ی حج به گزینش رسولان الهی و احاطه‌ی علمی خدا بر آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۵ و ۷۶. اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلٰئِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ* يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ خدا از فرشتگان و از مردم، فرستادگانی بر می‌گزیند، که خدا شنوای بیناست.* آنچه در پیش رویشان (در آینده) و آنچه در پشت سرشان (در گذشته) است، می‌داند؛ و [همه کارها فقط به سوی خدا باز گردانده می‌شوند. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که برخی از مشرکان در مورد مبعوث شدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با تعجب و انکار می‌گفتند: «آیا از میان همه‌ی ما تنها بر محمد تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۳۸ وحی نازل شده است؟!» این آیات بدین مناسبت فرود آمد و به مشرکان پاسخ داد (که برگزیدن پیامبران به دستور الهی و بر اساس شایستگی‌های آنهاست). «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. همه‌ی فرشتگان و انسان‌ها، رسولان برگزیده‌ی الهی نیستند «۲»، بلکه برخی از فرشتگان هم‌چون جبرئیل و برخی انسان‌های شایسته هم‌چون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان فرستاده برگزیده شده‌اند. ۲. در این آیه به احاطه‌ی علمی خدا بر گذشته، حال و آینده‌ی رسولان الهی اشاره کرده است؛ یعنی خدا هر لحظه از وضعیت رسولان خویش باخبر است و سخنانشان را می‌شنود و اعمالشان را می‌بیند و آنان زیر نظر خدا به انجام رسالت مشغول هستند. ۳. کارهای فرستادگان الهی سرانجام به سوی خدا بازمی‌گردد و آنان در برابر او پاسخ‌گو و مسئول هستند؛ همان طور که کارهای کافران و مخالفان نیز به سوی خدا باز می‌گردد و آنان در برابر او پاسخ‌گو خواهند بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رسولان الهی بر اساس نظامی خاص از میان فرشتگان و انسان‌ها گزینش می‌شوند و ارسال آنها بدون حساب نیست. ۲. خدا بر کار رسولان خود نظارت می‌کند (شما نیز بر کار نمایندگان خود نظارت کنید). ۳. فرجام کارها به سوی خداست (پس مراقب اعمالتان باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۳۹ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هفتم سوره‌ی حج چهار دستور سعادت‌بخش را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۷۷. يٰأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ ارْكَعُواْ وَاسْجُدُواْ وَاعْبُدُواْ رَبَّكُمْ وَافْعَلُواْ الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجده نمایید، و پروردگارتان را پرستش کنید، و کار نیک انجام دهید؛ باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه چهار برنامه‌ی کلی و جامع بیان شده است که عمل به آنها موجب رستگاری و پیروزی در تمام صحنه‌هاست. ۲. در این آیه به عبادت و رکوع و سجده فرمان داده شده است. «عبادت» شامل هر گونه بندگی، اطاعت و پرستش می‌شود، ولی با این حال رکوع و سجده را جداگانه بیان کرد تا اهمیت این دو عبادت بزرگ را نشان دهد. ۳. این آیه مؤمنان را به عبادت پروردگار فراخوانده است. تعبیر پروردگار، اشاره به شایستگی خدا برای پرستش است؛ چراکه او مالک و تربیت کننده‌ی انسان‌هاست. ۴. مقصود از «انجام کارهای خیر» آن است که مؤمنان بر اساس توانایی خود، از انجام هر گونه کار نیکی استقبال کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پرستش و نیکوکاری رمز رستگاری است. ۲. رکوع و سجده و نیکوکاری را فراموش نکنید تا در

زندگی پیروز و سعادتمند شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴۰

در دین سختی اسلام نیست

قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی حج چهار دستور سعادت‌آفرین دیگر را بیان می‌کند و با اشاره به برخی ویژگی‌های مسلمانان می‌فرماید: ۷۸. وَجٰهِدُواْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَکُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِیکُمْ إِبْرٰهِیمَ هُوَ سَمَّیکُمُ الْمُسْلِمِینَ مِن قَبْلُ وَفِی هـٰذَا لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیدًا عَلَیْکُمْ وَتَکُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَی النَّاسِ فَأَقِیمُواْ الصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ الزَّکَوٰةَ وَاعْتَصِمُواْ بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَیٰکُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَی وَنِعْمَ النَّصِیرُ و در (راه) خدا جهاد کنید، آنگونه که حق جهاد (در راه) اوست؛ او شما را برگزید، و در دین (اسلام) بر شما هیچ تنگنایی قرار نداد. آیین پدرتان ابراهیم (را پیروی کنید). آن (خدا) در این (قرآن) و پیش از (این در کتاب‌های الهی) شما را «مسلمان» نامید، تا فرستاده (خدا) گواه بر شما باشد، و [شما] گواهان بر مردم باشید. پس نماز را بر پا دارید، و [مالیات زکات را بپردازید، و به خدا تمسّک جویید، در حالی که او سرپرست شماست، و چه نیکو سرپرست، و چه نیکو یاوری! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «جهاد» در این آیه، فقط مبارزه‌ی مسلحانه با دشمنان نیست بلکه معنای عام لغوی آن مراد است که شامل هر گونه تلاش در راه خدا برای انجام کارهای نیک و مبارزه با هوس‌ها و پیکار با دشمنان ستمگر می‌شود. ۲. مقصود از «حقّ جهاد» آن است که انسان از نظر کیفیت و کمیت اعمال کاملًا تلاش کند که حقّ مطلب را ادا کند و به ویژه در مورد اخلاص در عمل و انجام دادن کارها برای خدا کوشش نماید؛ چراکه این مرحله از سخت‌ترین تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴۱ مراحل جهاد با نفس است. «۱» ۳. مسلمانان ملت برگزیده‌ی الهی هستند که به وسیله‌ی این دستورات تربیت می‌شوند و رشد می‌یابند تا بتوانند شاهد و گواه و الگوی ملت‌های دیگر باشند. ۴. کار سخت و سنگین در دین وجود ندارد؛ یعنی دستورات دینی هماهنگ با فطرت انسان و وسیله‌ی تکامل و در خور توانایی او هستند و فلسفه‌ی روشنی دارند و منافع آنها به خود انسان بازمی‌گردد و از این رو برای انسان شیرین و گوارا هستند. ۵. در این آیه از «ابرهیم علیه السلام» به عنوان پدر مسلمانان یاد شده است. در این مورد دو تفسیر شده است: نخست آن که اکثر عرب‌ها و مسلمانان آن عصر از نسل ابراهیم علیه السلام بودند و از این رو آنها را فرزندان او خواند؛ و تفسیر دوم آن است که مقصود پدر معنوی و روحانی است. «۲» ۶. از احادیث اسلامی استفاده می‌شود که واژه‌ی «پدر» در اسلام معنای وسیعی دارد و انسان مسلمان دارای چهار پدر است: الف) پدری که عامل تولد اوست. ب) معلّمی که به انسان مطالبی می‌آموزد. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴۲ ج) پدری که مقدمات ازدواج انسان را فراهم می‌کند، یعنی پدر همسر. «۱» د) پدر روحانی انسان، همان طور که در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که فرمودند: «من و علی پدران این امت هستیم.» «۲» ۷. در این آیه بیان شده که پیروان اسلام، قبلًا (در کتاب‌های پیشین) و در این قرآن، «مسلمان» خوانده شده‌اند، چراکه مسلمانان در برابر فرمان‌های الهی تسلیم هستند. این نام‌گذاری توسط خدای متعال و یا توسط ابراهیم علیه السلام صورت گرفته است، ولی ظاهر این آیه آن است که خدای متعال این نام را بر مسلمانان قرار داده است. «۳» ۸. این آیه پیامبر اسلام را شهید نامیده است. «شهید» از ماده‌ی شهود، و به معنای آگاهی همراه با حضور است؛ یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از همه‌ی اعمال امت خویش آگاه است و این مطلب با روایاتی که می‌گوید در هر هفته اعمال امت اسلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود سازگار است. ۹. مقصود از شاهد و گواه بودن امت اسلام، شهادت عملی است؛ یعنی مسلمانان اسوه و الگوی مردم جهان هستند و اعمال آنها مقیاس سنجش اعمال دیگران است و این یکی از امتیازات امت اسلام است. ۱۰. در برخی از احادیث از امام رضا علیه السلام روایت شده که مقصود این آیه امامان اهل بیت علیهم السلام هستند که حجت و شاهد و نشانه‌های خدا در میان مردمانند. «۴» البته این‌گونه احادیث افراد و مصادیق کامل شاهد را بیان می‌کند و منافاتی ندارد که همه‌ی مسلمانان (به صورت نوعی) شاهد عملی و الگو باشند ولی برخی افراد مصداق‌های کامل باشند و از اعمال دیگران نیز آگاه باشند. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴۳ ۱۱. به

ذیل عنایت الهی تمسّک جویید که او مولای شماست؛ چراکه او سرپرست و یاور خوبی است، او سرپرستی است که همه‌ی منافع را برای شما می‌خواهد و یاوری است که پاداشی نمی‌خواهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید ملت برگزیده‌ی الهی و الگوی جهانیان باشید، به دستورات الهی عمل کنید و تلاشگر باشید. ۲. تمسّک به خدا، عبادت و تلاش رمز موفقیت مسلمانان است و آنان را به ملتی الگو تبدیل می‌کند. ۳. دین اسلام، دین سخت‌گیری نیست. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴۵

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوهٔ، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴۶ الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفهٔ حجج اللّه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴۷ ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر والمفسّرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالهٔ الذهبیهٔ (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴۸ ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللّه، دار المعرفهٔ، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفهٔ السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقهٔ الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللّه، دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری) . ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعهٔ الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعهٔ لدرر اخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔ اللّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللّه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۴۹ علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵۰ ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد

بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبهٔ الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللّه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔاللّه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵۱ ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵۲ ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت،

موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵۳ ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵۴ ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرهٔالمعارف اسلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهٔ النواظر المعروف (مجموعهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵۵ ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت،

تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبهٔ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسهٔ علوم القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللَّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵۶ اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللَّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللَّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللَّه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللَّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵۷ چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللَّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللَّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص:

۳۵۸ هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت:، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیهٔ اللّٰه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۵۹ ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب ا الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیهٔ اللّٰه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرهٔ، قم (نسخه صبحی صالح). تفسیر قرآن مهر جلد سیزدهم، ص: ۳۶۰ ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی

از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی

دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».